

ششمین همایش دانشجویان تحصیلات تکمیلی

و

دومین همایش دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی مشهد

برگزار کنندگان:

دانشگاه علوم پزشکی مشهد

کمیته تحقیقات دانشگاه علوم پزشکی مشهد

کمیته مشورتی دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی مشهد

اسفند ۱۳۹۴

تأثیر آموزش به پزشک خانواده بر اساس دستورالعمل کشوری مراقبت از بیماران دیابتی بر سطح HbA1c و FBS در بیماران دیابتی نوع ۲

خلاصه

مقدمه

علیرغم پیشرفت های که در درمان دیابت صورت گرفته، کیفیت مراقبت از دیابت ضعیف مانده است که اولین دلیل آن عدم شناخت از اهمیت آموزش پزشک و تأثیر آن بر کنترل دیابت افراد مبتلا می باشد. یکی از راه های کنترل قند خون، کاهش سطح HbA1c می باشد. هدف از این مطالعه تعیین تأثیر آموزش پزشک خانواده بر سطح HbA1c و FBS بیماران دیابتی نوع ۲ بر اساس دستورالعمل کشوری مراقبت از بیماران دیابتی تحت پوشش مرکز بهداشت شهرستان بردسکن در سال ۹۲ می باشد.

روش کار

پژوهش حاضر یک مطالعه نیمه تجربی از نوع مداخله ای شاهددار است جامعه مورد بررسی پزشکان خانواده شاغل در مراکز بهداشتی درمانی و همچنین مبتلایان به دیابت نوع ۲ تحت پوشش مراکز بهداشتی درمانی شهرستان با سن ۶۵-۴۰ سال و با سابقه دیابت بالای ۵ سال تشکیل داده اند. تعداد ۵۰ نفر در گروه مورد و ۵۰ نفر در گروه شاهد انتخاب شدند. روش نمونه گیری: افراد به صورت تصادفی منظم از لیست بیماران مراقبت شده مراکز در هر دو گروه انتخاب شدند. ابزار گردآوری داده ها بر اساس چک لیست اطلاعات دموگرافیک بیماران و همچنین نتایج آزمایشگاهی میزان HbA1c و FBS بیماران قبل و بعد از ۴ ماه مداخله آموزشی می باشد. مداخله آموزشی روی پزشکان در ۴ جلسه یک ساعته به مدت یک ماه در سالن اجتماعات مرکز بهداشت انجام شد. داده ها تحت نرم افزار SPSS ۱۶ در سطح معنی داری ۰/۰۵ تحلیل شد.

نتایج

یافته ها نشان داد که ۲۹ درصد از بیماران را مردان و بقیه زنان را تشکیل داده اند. ۲۸ درصد در گروه سنی ۴۰-۵۰ سال و ۵۵ درصد ۶۰-۵۱ سال و ۱۷ درصد ۶۱ سال و بیشتر داشتند. همچنین ۷۴ درصد بین ۱۰-۵ سال سابقه دیابت و ۲۶ درصد ۱۰ سال به بالا سابقه دیابت داشتند. در مقایسه نمره سطح HbA1c قبل ۸/۱۴ و بعد از ۴ ماه مداخله آموزشی به ۷/۹ کاهش یافت $p < 0/05$ همچنین در مقایسه نمره سطح FBS قبل ۱۵۳/۹۰ و بعد از ۴ ماه مداخله آموزشی به ۱۴۶/۰۴ کاهش یافت $p < 0/05$ که از لحاظ آماری معنی دار بوده است.

نتیجه گیری

پزشکان برای کنترل موفقیت آمیز بیماری دیابت، نیازمند دانش و آگاهی کافی درباره بیماری دیابت هستند و برنامه آموزشی مدون بر اساس یک دستورالعمل واحد می تواند در کنترل HbA1c و FBS در بیماران دیابتی سودمند و اثر بخش باشد.

کلمات کلیدی: دیابت نوع ۲، آموزش، هموگلوبین A1c (گلیکوزیله)، قند خون ناشتا (FBS)، پزشک، دستورالعمل

۱ علی وفايي نجار

۲ حمیدرضا محدث حكاك

۳ حسين اماميان *

۴ حبيب الله اسماعيلي

۵ زينب اسماعيلي

۱- دکترای مدیریت و خدمات بهداشتی درمانی، دانشیار گروه بهداشت و مدیریت گروه دانشکده

بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

۲- دکترای آموزش بهداشت و ارتقای سلامت مربی گروه بهداشت و مدیریت، دانشکده بهداشت،

دانشگاه علوم پزشکی بجنورد بجنورد، ایران

۳- کارشناسی ارشد آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی

مشهد، مشهد، ایران

۴- دکترای آمار زیستی، دانشیار گروه آمار زیستی و اپیدمیولوژی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم

پزشکی مشهد، مشهد، ایران

۵- کارشناسی مامایی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد،

مرکز بهداشت بردسکن

* مشهد- دانشگاه علوم پزشکی مشهد، دانشکده

بهداشت

Email: emamianh1@gmail.com

حذف رنگ متیلن بلو از پساب صنایع نساجی با استفاده از هسته و میوه زیتون تلخ

خلاصه

مقدمه

صنایع نساجی یکی از صنایع بزرگ مصرف کننده آب می باشد. رنگ های نساجی دارای ساختاری پیچیده می باشند. فاضلاب صنایع نساجی سمی و مقاوم به تجزیه بیولوژیکی میباشد و ورود آن هادر آب موجب کاهش نفوذ نور خورشید، شکوفایی جلبک ها و در نتیجه اتروفیکاسیون میشود. در سال های اخیر کاربرد مواد طبیعی جاذب جایگاه مهمی را در تصفیه پساب نساجی پیدا کرده است. هسته و میوه زیتون تلخ از جاذب های ارزان قیمتی است که امکان حذف رنگ را دارد.

روش کار

در این مطالعه تجربی جاذب در شرایط آزمایشگاهی آماده سازی شد. میزان حذف رنگ توسط این جاذب با بررسی پارامتر های غلظت اولیه رنگ (۱۰۰-۱۰ میلیگرم در لیتر)، دوز جاذب (۱/۱-۰/۱ گرم در لیتر)، زمان تماس (۶۰-۱۰ دقیقه) و pH (۴-۱۰) توسط دستگاه اسپکتروفتومتر UV/Vis در طول موج ۶۶۵ بررسی شد. نهایتا سینتیک و ایزوترم جذب محاسبه شد.

نتایج

نتایج نشان داد که میزان حذف رنگ با افزایش میزان دوز جاذب، زمان تماس و pH و کاهش غلظت اولیه رنگ افزایش یافت. ماکزیمم حذف رنگ (۸۵ درصد) در شرایط غلظت رنگ ۳۲/۵ میلیگرم در لیتر، دوز جاذب ۰/۸۵ گرم در لیتر، زمان تماس ۴۵ دقیقه و pH ۸/۵ می باشد. غلظت اولیه رنگ در این مطالعه معنی دار ترین عامل است ($P=0/0001$). نتایج نشان داد که سینتیک فرآیند جذب از مدل سینتیک شبه درجه دوم ($R^2=0/95-0/99$) بهتر پیروی می کند. همچنین ایزوترم Langmuir ضریب همبستگی بالاتری را ($R^2=0/98$) را نشان می دهد.

نتیجه گیری

هسته و میوه زیتون تلخ به عنوان یک جاذب طبیعی ارزان قیمت توانایی حذف رنگ متیلن بلو را دارا است. با توجه به این pH بهینه حذف این رنگ توسط این جاذب در محدوده قلیایی می باشد و اکثر فاضلاب های نساجی دارای pH قلیایی می باشد لذا این جاذب جذبی مناسب جهت حذف رنگ از فاضلاب صنایع نساجی می باشد.

کلمات کلیدی: فاضلاب نساجی، زیتون تلخ، متیلن بلو، جذب سطحی

۱ سپیده بختی*

۲ علی اصغر نجف پور

۳ شیوا قادری فر

۴ الهه احمدی

۱،۳،۴- دانشجوی کارشناسی ارشد مهندسی

بهداشت محیط، عضو کمیته تحقیقات دانشجویی

دانشگاه علوم پزشکی مشهد، ایران

۲- دانشیار گروه مهندسی بهداشت محیط،

دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مشهد

* مشهد- دانشگاه علوم پزشکی مشهد، عضو

کمیته تحقیقات دانشجویی

Email: bakhtis921@mums.ac.ir

بررسی آلودگی میکروبی شیر و کره فله‌ای در منطقه تحت پوشش مرکز بهداشت شماره یک مشهد ۱۳۹۴

خلاصه

مقدمه

امروزه توجه بیشتر مردم به سمت محصولات سنتی و فله‌ای معطوف گردیده است و این مسئله نشأت گرفته از بی‌اعتمادی مردم نسبت به تولیدات کارخانجات است. شیر و فرآورده‌های آن از جمله مواد غذایی مغذی است که نقش مهمی را در رژیم غذایی روزانه ایفا می‌کند. در این پژوهش هدف، مطالعه بر روی آلودگی-های اشریشیاکلی و سایر کلی‌فرم‌ها در شیر و کره فله‌ای است.

روش کار

در مجموع از ۲۰ فروشگاه لبنیاتی در منطقه تحت پوشش مرکز بهداشت شماره یک مشهد، به صورت تصادفی، ۲۰ نمونه شیر و ۲۰ نمونه کره جمع‌آوری گردید و به روش‌های MBRT و Chromogenic media آزمایش شدند.

نتایج

از نظر کیفی، ۲۶ مورد (۶۵٪) از نمونه‌های مورد بررسی دارای کیفیت قابل قبول و ۱۴ مورد (۳۵٪) دارای کیفیت غیر قابل قبول بودند. با شمارش آلودگی‌های اشریشیاکلی و سایر کلی‌فرم‌ها در نمونه‌ها، ۷۵٪ نمونه‌های کره (۱۵ عدد نمونه) عاری از آلودگی کلی‌فرم بودند ولی ۱۰۰٪ نمونه‌های شیر (۲۰ نمونه) دارای آلودگی کلی‌فرمی بودند. همچنین میانگین باکتری اشریشیاکلی در نمونه‌ها ۶۳,۳۸ و میانگین سایر کلی‌فرم‌ها ۱۶,۶۵ بدست آمده است.

نتیجه‌گیری

در نمونه‌های شیر آلودگی نسبت به نمونه‌های کره بیشتر است و همچنین با توجه به نتایج بدست آمده، میانگین تعداد باکتری اشریشیاکلی از سایر کلی‌فرم‌ها بیشتر می‌باشد. بالا بودن بار میکروبی نمونه‌ها حاکی از آن است که شیرهای خام پس از دوشیده شدن تا زمان رسیدن به دست مصرف کننده، به علت عدم رعایت مسائل بهداشتی و استفاده از ابزار کار آلوده، حاوی آلودگی‌های کلی‌فرمی می‌باشند. در نمونه شیر توصیه می‌شود قبل از مصرف شیر خام آن را بجوشانند ولی کلی‌فرم‌ها احتمال تولید سموم مقاوم به حرارت می‌کنند که برای کودکان بیماری‌زا است. ۲۵٪ از نمونه‌های کره آلوده، به علت نگهداری در دمای پایین میکروارگانیسم‌ها از بین نمی‌روند و به صورت غیر فعال، زنده می‌مانند. سپس آلودگی نمونه‌های کره بعد از تهیه از بین نمی‌رود و به علت داشتن کلی‌فرم طبق مقایسه با استاندارد غیر قابل قبول هستند.

کلمات کلیدی: آلودگی میکروبی، شیر و کره سنتی، کروموژن آگار، اشریشیاکلی، کلی‌فرم

مهلا لکزیان*

ساناز اکبری

سارا تقی زاده

دانشجوی کارشناسی پیوسته مهندسی بهداشت

محیط، دانشگاه علوم پزشکی مشهد

* مشهد- دانشگاه علوم پزشکی مشهد، گروه

مهندسی بهداشت محیط

Email: mahla.m1993@yahoo.com

بررسی وضعیت خودکارآمدی بیماران مبتلا به نارسایی قلب بستری در بیمارستان شهید مدرس شهرستان کاشمر در سال ۱۳۹۴

خلاصه

مقدمه

افزایش توانمند سازی بیماران مبتلا به بیماری نارسایی قلب در جهت ارتقای رفتارهای بهداشتی آنان، نقش اساسی دارد. یکی از راههای افزایش این مهارت، ارتقای خودکارآمدی بیماران است که می تواند در بهبود وضعیت بیماری، پیشگیری از عوارض و بستری مجدد تاثیر به سزایی داشته باشد. هدف از این مطالعه ارزیابی وضعیت خودکارآمدی بیماران مبتلا به نارسایی قلب بستری در بیمارستان شهید مدرس شهرستان کاشمر در سال ۱۳۹۴ بوده است.

روش کار

در مطالعه ای مقطعی از نوع توصیفی تحلیلی، ۲۵۰ نفر از بیماران نارسایی قلب به طور تصادفی انتخاب شدند. ابزار گردآوری داده ها دو پرسشنامه که یکی شامل اطلاعات دموگرافیک و دیگری پرسش نامه استاندارد خودکارآمدی بیماران قلبی سالیوان بود. تجزیه و تحلیل داده ها با استفاده از آزمون های توصیفی تحلیلی با نرم افزار SPSS 16 انجام گردید.

نتایج

میانگین سنی افراد شرکت کننده $61/73 \pm 8/56$ سال، میانگین نمره خودکارآمدی بیماران $15/91 \pm 8/30$ بود. ۴۷/۲ درصد افراد شرکت کننده در مطالعه مرد و بقیه زن بودند، نمره خودکارآمدی ۷۳/۶ درصد بیماران ضعیف، ۲۳/۶ درصد متوسط و درصد ناچیز باقی مانده درای خودکارآمدی خوب بودند. نمرات خودکارآمدی پایین در افراد سنین بالاتر ($p < 0/001$)، میزان تحصیلات کمتر ($p < 0/001$) شایع تر است. در این مطالعه بین نمرات خودکارآمدی و جنسیت، شغل رابطه معنا داری مشاهده نشد.

نتیجه گیری

با توجه به نقش مهمی که خودکارآمدی در بهبود خودمراقبتی و ارتقای سلامت دارد، یافته های این پژوهش وضعیت خودکارآمدی بیماران مبتلا به نارسایی قلب بستری در بیمارستان شهید مدرس را ضعیف ارزیابی کرده است که با انجام مداخلات بهداشتی و راهبردهای آموزشی می توان منجر به افزایش خودکارآمدی گردید.

کلمات کلیدی: خودکارآمدی، بیمار، نارسایی قلب

^۱ نوشین پیمان

^۲ زهره زاده احمد*

^۳ حسن دوستی

۱- دانشیار، دکترای تخصصی آموزش بهداشت و

ارتقاء سلامت، گروه آموزش و ارتقاء سلامت،

مرکز تحقیقات علوم بهداشتی، دانشکده بهداشت،

دانشگاه علوم پزشکی مشهد، ایران

۲- دانشجوی کارشناسی ارشد آموزش بهداشت و

ارتقاء سلامت، گروه آموزش بهداشت و ارتقاء

سلامت، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده

بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، ایران

۳- استادیار، دکترای آمار زیستی، گروه آمار

زیستی و اپیدمیولوژی، مرکز تحقیقات علوم

بهداشت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی

مشهد، ایران

* مشهد- دانشگاه علوم پزشکی مشهد، دانشکده

بهداشت، کمیته تحقیقات دانشجویی، گروه

آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت

Email: zadehahmadz911@mums.ac.ir

بررسی میزان رضایتمندی بانوان مراجعه کننده به فرهنگسراهای شهرداری از کیفیت آب شرب مشهد در سال ۹۴

خلاصه

مقدمه

آب منشاء حیات و سرآغاز زندگی موجودات زنده است. از آنجایی که محور توسعه پایدار، انسان سالم است و سلامت انسان در گرو بهره مندی از آب آشامیدنی مطلوب می باشد بدون تامین آب سالم جایی برای سلامت مثبت و رفاه جامعه، وجود ندارد. لذا هدف از این تحقیق تعیین میزان رضایتمندی بانوان مراجعه کننده به فرهنگسراهای شهرداری از کیفیت آب شرب مشهد در سال ۹۴ انتخاب گردید.

روش کار

تحقیق حاضر از نوع روش توصیفی - مقطعی است که در نیمه دوم سال ۹۴ در شهر مشهد انجام گرفت و جمع آوری نمونه ها از طریق پرسشنامه صورت گرفت. این پرسشنامه حاوی سه بخش تحت عناوین: مشخصات پاسخ دهنده، نوع آب آشامیدنی، رضایتمندی از کیفیت آب شرب می باشد در نهایت بعد از جمع آوری پرسشنامه ها، اطلاعات به نرم افزار آماری SPSS وارد شده و با آزمون های آنالیز واریانس یک طرفه، کایاسکوئر و آمار توصیفی آنالیز گردید.

نتایج

در پاسخ به سوال استفاده از آب لوله کشی ۹۳/۴٪ پاسخ مثبت دادند. ۱۰/۲٪ نیز از آب بطری شده و ۵/۵٪ از آب گالونه استفاده می کردند. تقریباً ۶۲٪ بانوان از وضعیت کیفیت آب راضی بوده اند. ۴۹/۴٪ افراد ترجیح می دهند تا از روش خاصی برای ضد عفونی کردن آب لوله کشی استفاده نمایند که ۲۶/۲٪ آنها روش جوشاندن، ۲۱/۳٪ دستگاه تصفیه خانگی و ۱/۹٪ استفاده از دیگر روشها را برای ضد عفونی آب لوله کشی ترجیح می دهند. همچنین اختلاف میانگین نمره رضایتمندی با منطقه آبرسانی معناداری وجود داشته است ($P < 0/005$). به طوریکه در منطقه E بیشترین میانگین نمره رضایت دیده می شود.

نتیجه گیری

این پژوهش نشان داد که حدود ۳۸٪ بانوان از وضعیت کیفیت آب ناراضی بوده اند همچنین بیشتر ناراضیاتی از وجود اجسام خارجی در آب بوده است. بنابراین حل این مشکل میتواند افزایش میزان رضایتمندی مردم را در پی داشته باشد.

کلمات کلیدی: کیفیت آب، آب شرب، مشهد، رضایتمندی بانوان

^۱ علی اصغر نجف پور

^۲ محمد واحدیان

^۳ علی اکبر دهقان

^۴ فریده شیرمحمدی

^۵ سعیده ایوب زاده*

^۶ زهره رستمی راد

۱- دانشیار، عضو مرکز تحقیقات علوم بهداشتی

مشهد، عضو هیئت علمی گروه مهندسی بهداشت

محیط، دانشگاه علوم پزشکی مشهد

۲- استادیار، عضو مرکز تحقیقات علوم بهداشتی

مشهد، عضو هیئت علمی گروه آموزش بهداشت،

دانشگاه علوم پزشکی مشهد

۳- دانشجوی دکتری مهندسی بهداشت محیط،

عضو مرکز تحقیقات علوم بهداشتی مشهد

۴،۵،۶- دانشجوی کارشناسی مهندسی بهداشت

محیط، کمیته تحقیقات دانشجویی دانشگاه علوم

پزشکی مشهد

* مشهد- دانشگاه علوم پزشکی مشهد، دانشکده

بهداشت، کمیته تحقیقات دانشجویی

Email: farideh.1373@yahoo.com

Kamololol acetate a Bioactive Sesquiterpene Coumarin from *Ferula pseudalliacea*

¹ Somayeh Farmani*

² Dara Dastan

³ Rasool Hadadi

1,2- Department of Pharmacognosy and Pharmaceutical Biotechnology, School of Pharmacy, Hamadan University of Medical Sciences, Hamedan, Iran

2- Department of Pharmacology, School of Pharmacy, Hamadan University of Medical Sciences

* Department of Pharmacognosy and Pharmaceutical Biotechnology, School of Pharmacy, Hamadan University of Medical Sciences, Hamedan, Iran

Email: farmani.somayeh90@yahoo.com

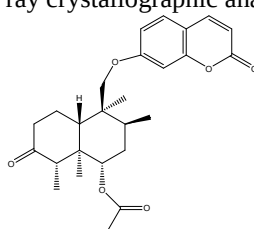
Abstract

Introduction: The genus *Ferula* (Apiaceae) counts approx 185 species. Several species, such as *F. gummosa*, *F. asafetida* and *F. latisecta* have been used in folk medicine to treat colitis in infants and asthma. The genus *Ferula* is known to be a rich source of biologically active compounds, such as sesquiterpenes and coumarins that are of particular interest due to their broad range of reported activities, such as antibacterial, anti-inflammatory, anti-HIV, antiprotozoa and cytotoxic properties. *Ferula pseudalliacea* Rech.f. is an indigenous species of the Kurdistan mountains in western Iran. We report on the identification of a new sesquiterpene coumarins and on its *in vitro* antibacterial activity against *Helicobacter pylori* and *Staphylococcus aureus* as well as cytotoxic activity in HeLa cell.

Methods: The roots (200 g) *F. pseudalliacea* were crushed and extracted with chloroform (3 × 2 L, rt for 24 h). Evaporation of solvent at reduced pressure afforded 8 g of a light brown gum. Chloroform extract was separated by normal and reversed phase chromatography (Column chromatography and HPLC) to give kamololol acetate. The structure of kamololol acetate, was elucidated by 1D and 2D NMR, HR-ESIMS data, and was confirmed by single-crystal X-ray analysis

In vitro antibacterial activity of kamololol acetate was assessed by determination of their MIC values against *S. aureus* and clinical isolate of *H. pylori*. The standard protocol of CLSI was used with some modifications. Cytotoxicity of kamololol acetate was assessed by determination of their IC_{50s} in HeLa-60 cells and the percentage of cell growth inhibition was calculated.

Results: The chloroform extract of *F. pseudalliacea* roots was separated by normal and reversed phase chromatography to give kamololol acetate. Diagnostic signals in the ¹H and ¹³CNMR spectra suggested a sesquiterpene coumarin. The relative configuration of stereocenters was determined by NOESY data and the proposed structure of compound was confirmed by X-ray crystallographic analysis.



4'S,5'R,6'S, 8'S,9'S,10'R (kamololol acetate)

kamololol acetate showed antibacterial activity against *Helicobacter pylori* and *Staphylococcus aureus* at a concentration of 64 µg/mL.

kamololol acetate, displayed a cytotoxic activity in HeLa cells, with an IC₅₀ of 6.8 µM.

Conclusion: In conclusion, the results of the present study suggest that kamololol acetate as a new sesquiterpene coumarin from *Ferula pseudalliacea* may be appropriate candidates as lead compound, in pharmaceutical sciences.

Key words: Kamololol acetate, *Ferula pseudalliacea*, *Staphylococcus aureus*, *Helicobacter pylori*, Cancer, HeLa cells

The effects of mixed different polymer molecular weight and excipient on minimizing initial burst release of naltrexone from in situ forming PLGA implants via circumscribed central composite

¹ Hosein Kamali*

² Elham Khodaverdi*

³ Farzin Hadizadeh

⁴ Seyed Ahmad Mohajeri

1,2,4- Targeted Drug Delivery Research Center, School of Pharmacy, Mashhad University of Medical Sciences, Mashhad, Iran

3- Biotechnology Research Center, School of Pharmacy, Mashhad University of Medical Sciences, Mashhad, Iran

* Targeted Drug Delivery Research Center, School of Pharmacy, Mashhad University of Medical Sciences, Mashhad, Iran

Email: kamalih931@mums.ac.ir

Abstract

Introduction: In this study, in vitro drug release behavior from in situ forming implants consisting of PLGA, naltrexone or naltrexone hydrochloride, and excipient dissolved in 1-methyl-2-pyrrolidone (NMP) investigated.

Methods: A response surface method (RSM) based on “circumscribed central composite” was used to minimize the initial burst release for different variables such as weight percent of polymer (20-40%), % feed ratio ($\frac{\text{PLGA 756s}}{\text{PLGA 756s} + \text{PLGA 504}}$) (0-100%), weight percent of PEG (0-20 %), and

weight percent of pluronic (0-4%). The polymer solution turned into a semi-solid gel quickly upon injection into phosphate buffer saline (PBS) pH 7.4 release media. All of the released medium was removed at preset time intervals (1.0 hour, 2.0 hours, 4.0 hours, 8.0 hours, 12.0 hours, 1 day, 2 days, 4 days, 7 days, 14 days, 21 days, and 28 days) and analyzed by UV-spectrophotometer. The initial burst release study evaluated in 24 hours upon injection of formulation to released medium.

Results: For minimum initial burst release of naltrexone (24.67 %) the weight percent of polymer, % feed ratio, weight percent of PEG, and weight percent of pluronic were 33.0 %, 60 %, 8%, and 0.2 %, respectively. In addition, for minimum initial burst release of naltrexone hydrochloride (39.04 %) were 33.7 %, 64.2 %, 7.8 %, and 2.0 %, respectively. Higher weight percent of polymer in the formulation will tend to give higher solution viscosities, thus decreasing the diffusion rate of naltrexone and naltrexone hydrochloride into the medium, which results in a smaller burst. As polymer concentration increases, the polymer precipitates faster upon injection, thus trapping more drugs (naltrexone and naltrexone hydrochloride) in the implant. The molecular weight and proportion of lactide to glycolide increased contemporary with increasing the % feed ratio. Higher molecular-weight polymers normally will tend to coagulate or solidify faster than the low-molecular-weight polymers. Decreasing of initial burst release is observed via increasing PEG as a plasticizer. A reduction in the burst effect by adding pluronic could be observed because of formation a phase boundary between drug and PLGA resulted from segregation of the pluronic molecules. These phenomena created by this fact that the hydrophobic PPG parts of Pluronic molecules preferably direct themselves in the polymer matrix while the hydrophilic PEG parts are extended in the surrounding medium release.

Conclusion: Our results demonstrate that PLGA 756s (ester terminated) and 504H (free carboxylic acid) with different proportions, weight percent of polymer, and excipient such as PEG and Pluronic have a large effect on decreasing initial burst release from in situ forming implants.

Key words: PLGA, NMP, In situ forming implants, Initial burst release, Response surface method

Ultrasensitive detection of cocaine by H-shape structure of aptamer-complimentary strands conjugate

¹ Atena Mansouri*

² Seyed Mohammad Taghdisi Heidarian

³ Ahmad Sarreshtehdar Emrani

⁴ Noor Mohammad Danesh

⁵ Khalil Abnous

⁶ Mohammad Ramezani

1,6- Nanotechnology Research Center, School of Pharmacy, Mashhad University of Medical Sciences, Mashhad, Iran

2- Targeted Drug Delivery Research Center, School of Pharmacy, Mashhad University of Medical Sciences, Mashhad, Iran

3- Cardiovascular Research Center, Ghaem hospital, Mashhad University of Medical Sciences, Mashhad, Iran

4- Research Institute of Sciences and New Technology, Mashhad, Iran.

5- Pharmaceutical Research Center, School of Pharmacy, Mashhad University of Medical Sciences, Mashhad, Iran

* Nanotechnology Research Center, School of Pharmacy, Mashhad University of Medical Sciences, Mashhad, Iran

Email: mansouri_atena@yahoo.com

Abstract

Introduction: Cocaine is one of the most commonly abused stimulant which could affect the central nervous system. The sensitive detection of cocaine is essential for clinical diagnosis and law enforcement. Aptamers are short single-stranded oligonucleotides, selected by an in vitro process called SELEX (systematic evolution of ligands by exponential enrichment). Aptamers bind to their pre-selected targets, ranging from small substances to cells with high specificity and affinity. In this work, an electrochemical aptasensor was designed for sensitive and selective detection of cocaine, based on complimentary strands of aptamer (CSs), H-shape structure of Aptamer (Apt) - CSs conjugate and gold electrode.

Methods: The cocaine aptamer (Apt) was adopted from, 5'-CCATAGGGAGACAAGGATAAATCCTTCAATGAAGTGGGTCTCCC-3', and its complimentary strands (CSs), 5'-AGGTATCGTG-Thiol-3' (CS1) and 5'-TGGAGACGTG-Thiol-3' (CS2), were purchased from Microsynth (Switzerland). Plasma from rat, chloramphenicol, cocaine, propranolol, morphine, diazepam, 6-mercaptohexanol (MCH), Tris(2-carboxyethyl) phosphine hydrochloride (TCEP), Potassium hexacyanoferrate(II) trihydrate ($K_4[Fe(CN)_6].3H_2O$) and potassium hexacyanoferrate(III) ($K_3[Fe(CN)_6]$) were obtained from Sigma (USA). In the presence of cocaine, aptamer binds to target, leaves the surface of electrode and the gate is opened, leading to a strong electrochemical signal. To assess the applicability of the designed electrochemical aptasensor in serum, increasing concentrations of cocaine (0-60 nM) were added into the rat serum and concentrations of cocaine were measured using DPV.

Results: The presented electrochemical aptasensor is based on H-Shape structure of Apt-CSs conjugate and target-induced release of Apt from CSs. The DPV peak was enhanced and reached to plateau at concentration of 15 nM cocaine. The designed electrochemical aptasensor showed a well linear range (0.3-15 nM) toward cocaine. The fabricated electrochemical aptasensor was used to measure cocaine in rat serum, which is a complex biological fluid containing a mixture of several proteins and other interfering materials. Increasing concentrations of cocaine were added into serum and LOD was calculated to be 0.273 nM (0.091 ng/mL). The result showed the designed electrochemical aptasensor could successfully be applied for detection of cocaine in serum.

Conclusion: In summary, an electrochemical aptasensor was designed for ultrasensitive detection of cocaine, based on complimentary strands of aptamer, gold electrode and H-shape structure of aptamer-complimentary strands conjugate. The limit of detection for cocaine was determined as low as 0.228 nM. Moreover, the designed electrochemical aptasensor could well detect cocaine in serum with a limit of detection as low as 0.273 nM.

Key words: Aptamer; Cocaine; Gold electrode; H-shape structure

بررسی وضعیت استفاده از برنامه‌های ارتباطی تلفن همراه در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی سمنان در سال ۱۳۹۴

خلاصه

مقدمه

تکنولوژی‌هایی مانند تلفن همراه به عنوان یک ابزار ارتباطی دارای اثرات مطلوب و درعین حال نامطلوب فراوانی است. مطالعات نشان می‌دهند که میزان استفاده دانشجویان از تلفن همراه در مقایسه با افراد غیر دانشجو بیشتر است. با اینکه استفاده از این برنامه‌های ارتباطی تلفن همراه منجر به تسهیل ارتباط با دوستان و آشنایان می‌گردد، درعین حال به همان اندازه با کاستن از میزان ساعات مطالعه دانشجویان منجر به اختلال در روند تحصیلی آن‌ها می‌شود. از آنجائیکه اطلاع از نحوه استفاده از این برنامه‌ها و متغیرهای مربوط به آن نخستین گام لازم جهت جمع‌بندی و اتخاذ تدابیر لازم است؛ لذا هدف از این مطالعه تعیین وضعیت استفاده از برنامه‌های ارتباطی تلفن در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی سمنان در سال ۱۳۹۴ می‌باشد.

روش کار

این مطالعه توصیفی به صورت مقطعی در سه ماهه اول سال ۱۳۹۴ در دانشگاه علوم پزشکی سمنان انجام گرفته است. تعداد ۱۸۴ نفر از دانشجویان به صورت نمونه‌گیری تصادفی ساده وارد مطالعه شدند. جهت جمع‌آوری داده‌ها از پرسشنامه استفاده شد که روایی و پایایی آن مورد تأیید قرار گرفت. پرسشنامه شامل دو بخش اطلاعات دموگرافیک و متغیرهای مرتبط با برنامه‌های ارتباطی تلفن همراه شامل وایبر، واتس‌آپ، لاین، اسکایپ، اینستاگرام، گوگل پلاس و تلگرام بوده است. پس از تکمیل پرسشنامه، داده‌ها کدگذاری شده و وارد برنامه Excel شدند و سپس با استفاده از آزمون‌های آمار توصیفی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

نتایج

از ۱۸۴ شرکت‌کننده، ۱۰۷ مورد (۵۸٪) مرد و ۷۷ مورد (۴۲٪) زن بودند. اکثر دانشجویان (۹۴٪) در رده سنی ۲۵-۱۸ سال و سایرین در رده ۲۶-۳۵ سال قرار داشتند. ۵۵٪ دانشجویان در مقطع کارشناسی، ۱۰٪ کارشناسی ارشد، ۴۲٪ دکترای عمومی و ۱٪ دکترای تخصصی بودند. نتایج نشان داد ۱۶۷ نفر (۹۲٪) از برنامه‌های ارتباطی تلفن همراه استفاده می‌کردند و میانگین استفاده روزانه از اینترنت در بین این افراد ۳ ساعت بود. در این بازه زمانی سه ماهه، ۸۰٪ دانشجویان از وایبر، ۴۶٪ لاین، ۴۲٪ واتس‌آپ، ۲۲٪ تلگرام، ۲۴٪ اینستاگرام، ۹٪ گوگل پلاس و ۸٪ از اسکایپ استفاده نموده‌اند. همچنین اکثر دانشجویان علت اصلی استفاده از این برنامه‌ها را ارتباط با دوستان قبلی مطرح کردند و سایر عوامل را با فراوانی کمتری سرگرمی، به اشتراک‌گذاری فایل، کم کردن هزینه‌ها، ارتباط با دوستان جدید، استفاده از تجارب دیگران و پیدا کردن دوستان جدید ذکر نمودند.

نتیجه‌گیری

با توجه به میزان بالای استفاده از برنامه‌های ارتباطی تلفن همراه در میان دانشجویان دانشگاه، به نظر می‌رسد تدوین برنامه‌های آموزشی جهت آشنایی دانشجویان با اثرات نامطلوب و خطرات ناشی از این برنامه‌ها ضروری بوده و همچنین جهت روشن‌تر شدن زوایای مختلف موضوع، به انجام تحقیقات جامع‌تر تأکید می‌گردد.

کلمات کلیدی: تلفن همراه، برنامه‌های ارتباطی، دانشجویان

۱ راضیه هادوی*

۲ عباس پاکدل

۳ صدیقه یوسفی

۴ جواد رضویان

۱،۳- دانشجوی ارشد بیوشیمی بالینی، کمیته

تحقیقات دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی سمنان

۲- دکترای بیوشیمی بالینی، عضو هیئت علمی

دانشگاه علوم پزشکی سمنان

۴- دانشجوی ارشد بیوشیمی بالینی، مرکز پژوهش-

های دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی تهران

* سمنان- دانشگاه علوم پزشکی سمنان، کمیته

تحقیقات دانشجویی

Email: raziehadavi@gmail.com

Sugar-Sweetened Beverage Consumption and Risk of Incident Chronic Kidney Disease in the Tehran Lipid and Glucose Study

¹ Emad Yuzbashian*

² Parvin Mirmiran

³ Golaleh Asghari

⁴ Fereidoun Azizi

1- Biochemistry and Nutrition Research Center, Department of Biochemistry and Nutrition Sciences, School of Medicine, Mashhad University of Medical Sciences, Mashhad, Iran

2,3- Nutrition and Endocrine Research Center, Research Institute for Endocrine Sciences, Shahid Beheshti University of Medical Sciences, Tehran, Iran

4- Endocrine Research Center, Research Institute for Endocrine Sciences, Shahid Beheshti University of Medical Sciences, Tehran, Iran

* Biochemistry and Nutrition Research Center, Department of Biochemistry and Nutrition Sciences, School of Medicine, Mashhad University of Medical Sciences, Mashhad, Iran
Email: e_yuzbashian@yahoo.com

Abstract

Introduction: High sugar-sweetened beverage (SSB) consumption is associated with cardio-metabolic disturbances, urecemia, and albuminuria in adults; however, there are currently limited studies on SSBs and chronic kidney disease (CKD). Our objective was to evaluate cross-sectional and longitudinal relationships between SSB, carbonated beverage, and fruit juice consumption and risk of CKD in a population based study.

Methods: At baseline, 2382 participants aged >27 years in the Tehran Lipid and Glucose Study with a completed valid food-frequency questionnaire and measurements of serum creatinine and cardio-metabolic risk factors included for cross-sectional analysis. After 3 years of follow-up, 1690 subjects who were free of baseline CKD included for longitudinal analysis. Estimated glomerular filtration rate (eGFR) was calculated using the Modification of Diet in Renal Disease (MDRD) Study equation and CKD was defined as eGFR<60 mL/min/1.73m². Dietary carbonated beverage and all kind of fruit juice were combined to estimate the daily intake of SSBs. Consumption of SSBs were divided to three categories of <0.5, 0.5-4, and >4 serving/week. To assess the association of SSB and CKD, logistic regression adjusted for age, sex, energy intake, smoking, physical activity, BMI, sodium, diabetes, and hypertension was used.

Results: Compared to participants who drank <0.5 serving/week, consumption of over 4 servings of SSB and carbonated beverage per week was associated with increased odds of prevalent CKD [odds ratios (ORs) were 1.77 and 2.14, respectively]. In longitudinal analyses, the risk of incident CKD increased by consumption of four servings/week compared to <0.5 serving/week of SSBs (OR: 1.96; 95% confidence interval (CI): 1.23-3.15) and carbonated beverage (OR: 2.45; 95% CI: 1.55-3.89).

Conclusion: Consumption of over four servings per week of SSBs and carbonated beverages was associated with higher prevalence and incidence of CKD.

Key words: Chronic kidney disease; Carbonated beverage; Sugar sweetened beverage; Fruit juice

Phytochemical Analysis and Cytotoxicity Evaluation of *Kelussia Odoratissima* Mozaff

¹ Amir Abbas Momtazi-borojeniand*

² Amirhosein Sahebkar

1,2- Student Research Committee, Nanotechnology Research Center, Department of Medical Biotechnology, School of Medicine, Mashhad University of Medical Sciences, Mashhad, Iran

2- Biotechnology Research Center, Mashhad University of Medical Sciences, Mashhad, Iran

* Student Research Committee, Nanotechnology Research Center, Department of Medical Biotechnology, School of Medicine, Mashhad University of Medical Sciences, Mashhad, Iran
Email: abbasmomtazi@yahoo.com

Abstract

Introduction: *Kelussia odoratissima* Mozaff. (Apiaceae) is an edible, indigenous and ethnomedicinal plant, which only grows in Iran. In spite of antioxidant and anti-inflammatory properties, cytotoxic activity of this plant has not been previously investigated. The aim of this study was to evaluate the cytotoxicity of *K. odoratissima* leaf extract against a panel of human cancer cell lines. The secondary aim was to perform a phytochemical analysis of the plant's leaf oil.

Methods: To extract the plant oil, dried leaves were subjected to hydro-distillation, using a Clevenger-type apparatus for up to 3 h. For the phytochemical analysis, essential oil was subjected to gas chromatography/mass spectrometry (GC-MS). Identification of volatile compounds was performed by comparing the results of the mass spectra with those of computer library or with authentic compounds. Afterwards, KI values were used to verify the identified chemical components. Identification was conducted based on GC relative retention indices (RRI) that were calculated for all components using a homologous series of *n*-alkanes. The extraction was performed by macerating 50 g leaf powder of *K. odoratissima* in 500 ml of 70% methanol at the room temperature (25–28°C) for 24 h. This procedure was repeated for three times. Subsequently, the methanolic extract was filtered, concentrated by a rotary evaporator, and freeze-dried. To perform Cytotoxicity assays, methanolic extract of *K. odoratissima* was tested against MDA-MB468 (human breast cancer cell line), K562 (human leukemia cell line), SKOV3 (human ovarian cancer cell line), Y79 (human eye cancer cell line), A549 (lung cancer cell line) and HEK 293 (normal human embryonic kidney cell line) cell lines.

Results: GC-MS analysis revealed that sesquiterpens are dominant volatile components of the plant, followed by phthalides comprising 3-butyldine phthalide and 3-*n*-butyl phthalide; the latter compound being the major component of the leaf oil (25.1%). The leaf extract showed a high, selective, and dose-dependent cytotoxicity against MDA-MB468, K562, SKOV3, Y79 and A549 cancer cell lines with IC_{50} values of 85, 70, 120, 82 and 145 $\mu\text{g.ml}^{-1}$, respectively.

Conclusion: The present results suggest a direct cytotoxic activity of *K. odoratissima* leaf extract against human cancer cell lines. Data would seem to suggest that *K. odoratissima* methanolic extract possesses potent cytotoxicity against the cancer cells and would be beneficial in developing new anticancer medicines in the future.

Key words: Apiaceae, Cancer, Cytotoxicity, Essential oil, *Kelussia odoratissima*, Herbal medicine

بررسی اثر سمیت زایی نانو ذرات طلا پوشیده شده با آمینواسید آسپاراتات و گلو تامات

خلاصه

مقدمه

در حال حاضر سرطان دومین عامل مرگ و میر در جهان می باشد، لذا یافتن راهکاری مناسب جهت از بین بردن این سلول ها الزامی به نظری می رسد. بنابراین هدف از این مطالعه، بررسی مکانیسم تخریب نانو ذره طلا پوشیده شده با آمینواسید آسپاراتات و گلو تامات روی سلول های سرطانی رده PC12 می باشد.

روش کار

در این مطالعه تجربی پس از کشت رده سلولی PC12 در محیط آزمایشگاهی، این سلول ها به ۱۰ گروه تقسیم و سپس ۹ گروه به مدت ۴۸ ساعت در معرض غلظت های مختلفی از نانو ذره های طلا (۰/۵، ۲/۵ و ۵ میکرومولار نانو ذره طلا، نانو ذره طلا پوشیده شده با آمینواسید آسپاراتات و گلو تامات) و یک گروه بدون نانو ذره به عنوان کنترل قرار گرفتند. در نهایت اثر سایتوتوکسیسیته نانو ذره ها با استفاده از MTT و رها شدن LDH از سلول ها مورد بررسی قرار گرفت. همچنین به منظور بررسی مورفولوژی سلولی از میکروسکوپ فاز کنتراست استفاده شد. در انتها نیز میزان ROS در درون سلول با استفاده از پروب فلورسانس ۲، ۷- دی کلروفلورسئین دی استات اندازه گیری شد.

نتایج

میانگین قطر نانو ذره های طلا در حالات بدون پوشش و پوشش دار با آمینو اسید آمینواسید آسپاراتات و گلو تامات به ترتیب 10 ± 0.2 و 16 ± 0.3 و 28 ± 0.5 نانومتر محاسبه گردید. بیشترین اثر تخریبی سلول های مورد بررسی توسط غلظت ۲۵ میکرو مولار نانو ذره طلا پوشیده شده با آمینواسید آسپاراتات به میزان ۸۰ درصد و با اسید آمینه ی گلو تامات ۲۷ درصد رخ داد که نسبت به گروه تیمار شده با نانو ذره طلا بدون پوشش دارای اختلاف آماری معنی داری بود ($p \leq 0/05$). همچنین نتایج مطالعه حاضر نشان داد بخش عمده مرگ سلولی حاصل از انکوباسیون سلول ها نانو ذره های طلای بدون پوشش و پوشش دار بصورت آپوپتوز می باشد.

نتیجه گیری

نتایج حاصل نشان داد که نانو ذره طلا پوشیده شده با اسید آمینه های آسپاراتات و گلو تامات با افزایش ROS و با مکانیسم آپوپتوز می تواند در سلول های سرطانی رده PC12 موجب مرگ سلولی شود.

کلمات کلیدی: سرطان، نانو ذره، آسپاراتات، گلو تامات، آپوپتوز

۱ هادی زارع مرزونی

۲ رزا اکرمی*

۳ علیرضا اسماعیلی

۴ فاضل ترخان

۵ حامد اسمعیل لشگریان

۱،۳- مرکز تحقیقات ایمنولوژی، پژوهشکده

بوعلی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

۲- دانشگاه آزاد اسلامی واحد سنج، سنج،

ایران

۴- کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم

پزشکی لرستان، خرم آباد، ایران

۵- استادیار، دکترای ژنتیک مولکولی، مرکز

تحقیقات هپاتیت، دانشگاه علوم پزشکی لرستان،

خرم آباد، ایران

*سنجد- دانشگاه آزاد اسلامی واحد سنج

Email: rosa.akrami@yahoo.com

Effects of Opium on Biochemical Factors and Antioxidant Activity of Hamster

¹ Hemen Moradi- Sardareh

² Mahshid Salehabadi*

1,2- Department of Biochemistry and Nutrition, Hamadan University of Medical Sciences, Hamadan, Iran

* Department of Biochemistry and Nutrition, Hamadan University of Medical Sciences, Hamadan, Iran
Email: mahshidsalehabadi@yahoo.com

Abstract

Introduction: Cardiovascular disease is the major reason of mortality and morbidity in the world. In addition to abnormal levels of LDL-C, cholesterol, the oxidative stress has been believed to be one of the major risk factors for cardiovascular disease. In some countries in Asia older people believe that opium reduces triglyceride, cholesterol and glucose levels. This drug has been traditionally used in Iran for happiness or as a healing for many diseases such as diarrhea, pain and insomnia. The aim of the present experiment was to assess the effect of opium on lipid profiles, lipid peroxidation, antioxidant activity and liver enzymes.

Methods: 12 male golden Syrian hamsters were divided into two groups containing six animals each: Group 1 received chow diet (control); group 2 received opium (addicted). All hamsters were sacrificed after 24 hours of the final treatment (after 4 weeks), and the blood of animals were collected. Lipid profiles and liver enzymes were measured enzymatically. Atherogenic Index (AI) and LDL-C were calculated. Also, the LDL-C to HDL-C ratio was determined. Serum super oxide dismutase (SOD) activity was measured by the method Misra and Fridovich method. The level of malondialdehyde (MDA) was evaluated by Ohkawa et al method. Catalase (CAT) and reduced glutathione (GSH) activity were measured by Aebi and Beutler E, et al. methods respectively.

Results: Amount of total cholesterol had a non-significant decreased in opium group. Serum TG and VLDL-C increased in opium group but it was not significant. Change in liver enzymes, were not significant in opium group compared to control hamster. The plasma concentration of MDA markedly increased in opium ($p < 0.01$) group compared to control. SOD, GSH and catalase levels also markedly reduced in opium ($p < 0.05$) group compared to healthy hamster.

Conclusion: In conclusion, Results of this study obviously showed that opium is capable to provoke the oxidative stress and also, has harmful effect on lipid profile and antioxidant enzyme.

Key words: Opium, SOD, MDA, GSH, Cholesterol

Effects of hydro extract of *Nigella sativa* plant on hepatitis C virus replication in cell culture

¹ Faezeh Ghasemi*

² Zahra Meshkat

1- Ph.D Candidate in Medical Biotechnology, Department of Medical Biotechnology, School of Medicine, Mashhad University of Medical Sciences, Mashhad, Iran

2- Antimicrobial Resistance Research Center, Faculty of Medicine, Mashhad University of Medical Sciences, Mashhad, Iran

* Department of Medical Biotechnology, School of Medicine, Mashhad University of Medical Sciences, Mashhad, Iran
Email: ghasemi_808@yahoo.com

Abstract

Introduction: The liver is the body's most important organisms. Now, chronic liver disease is an important cause of deaths in the world. Cell lines Huh7.5 is a human hepatoma cell line that derived from Huh7 cells. *Nigella sativa* plant showed protective effects on liver diseases. This plant has thymoquinone (TQ) compound with anti-fibrosis effect on liver and it has some other functions such as anti-inflammatory, analgesic, anti-tumor, anti-bactericidal, wound healing as well. This study conducted to evaluate the effects of *Nigella sativa* plant extraction on hepatitis C virus replication in cell culture system.

Methods: The extraction of *Nigella sativa* plant was prepared. The cell cytotoxicity effects of the plant extract were evaluated by MTT assay and IC50 of extract of *Nigella sativa* plant was calculated. The test was repeated three times. The virus was inoculated to cell culture and extract of *Nigella sativa* plant was added and the virus titer was evaluated.

Results: MTT assay results showed that extraction of *Nigella sativa* plant with an initial concentration of (100 mg/ml) was non-lethal in concentrations of less than mg / ml 50 on Huh7.5 cells. The concentration of virus stocks was HCV121973387 copy/ml. The virus inoculated and added extraction of *Nigella sativa* plant 1391 copy/ml.

Conclusion: According to the non-lethal concentrations of appropriate compounds of *Nigella sativa* extraction can be purified and it can be tested for its medicinal effects including anti-viral and anti-tumor effects in animal and also human clinical trials.

Key words: *Nigella sativa* plant, MTT test, Huh7 cell line, IC50

تأثیر ارائه فیدبک بر خطاهای ناشی از نگهداری و حمل و نقل نامناسب فرآورده‌های خونی در بیمارستان

خلاصه

مقدمه

تزریق خون با وجود فواید بالینی فراوان برای بیماران همواره با ریسک همراه است. بر اساس بسیاری از گایدلاین‌ها، دمای بسته‌های RBC در هنگام ذخیره سازی باید بین 1°C تا 6°C و در هنگام حمل و نقل باید بین 1°C تا 10°C باشد. ذخیره سازی و حمل و نقل گلبول‌های قرمز خون (RBC)، خارج از محدوده‌ی دمایی تعریف شده باعث همولیز و تغییرات زیست شیمیایی خون می‌شود و تزریق چنین فرآورده‌ای با توجه به عوارض شدیدی که در پی خواهد داشت می‌تواند کشنده باشد. از این رو مدیریت خطاها می‌تواند منجر به بهبود فرآورده‌ها و در نتیجه بهبود در مراقبت از بیمار شود. هدف از این پژوهش بررسی تأثیر ارائه فیدبک بر خطاهای ناشی از نگهداری و حمل و نقل فرآورده‌های خونی در شرایط نامناسب دمایی در بیمارستان امام رضا (ع) مشهد می‌باشد.

روش کار

مطالعه‌ی حاضر به دو روش بررسی مقطعی توصیفی و روش نیمه تجربی از نوع قبل و بعد انجام شده است. با روش نمونه‌گیری آسان، ۱۰۰ بسته خون برای فاز قبل از مداخله و ۱۰۰ بسته خون برای فاز بعد از مداخله در نظر گرفته شد. بسته‌ها به‌منظور بررسی تغییرات درجه‌ی حرارت به دستگاه پایش مداوم دما مجهز شدند. زمان حضور بسته‌ی خون و درجه حرارت آنها در مکان‌های مختلف شامل بانک خون، اتاق عمل، ICU و حمل و نقل، در فرم ضمیمه شده به بسته ثبت شد. پس از آنالیز داده‌های فاز اول، گزارش میزان خطا به‌عنوان فیدبک به بانک خون اعلام شد و به بقیه بخش‌ها فیدبکی داده نشد. پس از اجرای فاز دوم، داده‌های حاصل با استفاده از آزمون آماری کای‌دو مورد بررسی قرار گرفت.

نتایج

بررسی داده‌های خارج از استاندارد در فاز اول به تفکیک هر بخش نشان داد که به ترتیب ۳۰٪، ۶٫۵٪ و ۱٪ از این داده‌ها به ترتیب مربوط به ذخیره سازی در بانک خون، اتاق عمل و ICU و ۶۲٪، مربوط به حمل و نقل بوده است. پس از ارائه فیدبک به بانک خون و بررسی میزان خطاها، نتایج حاکی از کاهش معنادار خطا به میزان ۱۸٪ در بانک خون با $p\text{-value}=0.005$ می‌باشد.

نتیجه‌گیری

این مطالعه نشان داد دمای بسته‌های خون در طول فرایند ذخیره سازی و حمل و نقل بطور کامل از استانداردها تبعیت نمی‌کند. در این مطالعه، کاهش خطا در بانک خون نشان‌دهنده‌ی تأثیر مثبت فیدبک می‌باشد. بنابراین ارائه فیدبک در مورد خطاها می‌تواند باعث بهبود در فرآیند نگهداری و حمل و نقل بسته‌های خون شود.

کلمات کلیدی: پایش دما، تزریق خون، فیدبک، همولیز

^۱ شکوفه اعلایی*

^۲ شهرام امینی

^۳ محمدرضا کرامتی

^۴ سعید اسلامی

۱- دانشجوی دکتری انفورماتیک پزشکی، دانشگاه

علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

۲- دانشیار گروه بیهوشی و مراقبت‌های ویژه،

دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

۳- استادیار گروه پاتولوژی، دانشگاه علوم پزشکی

مشهد، مشهد، ایران

۴- استادیار گروه آموزشی انفورماتیک پزشکی،

دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

* مشهد - دانشگاه علوم پزشکی مشهد

Email: aalaeish931@mums.ac.ir

Urbanization and non-communicable disease risk factors in Iran: Results from the World Health Organization Stepwise Approach to Chronic Disease Risk Factor Surveillance 2011.

¹ Zahra khorrami*
² Koorosh Etemad
³ Shahin Yarahmadi
⁴ Soheila KHodakarim
⁵ Mohammad Ismail Kameli
⁶ Alireza Mahdavi Hazaveh
⁷ Ebrahim Rahimi

1- MSc Epidemiology, Shahid Beheshti University of Medical Sciences, Tehran, Iran

2- Assistant professor of Epidemiology, Department of Epidemiology, School of Public Health, Shahid Beheshti University of Medical Sciences, Tehran, Iran

3- Endocrine and Metabolic Office, Center for Non-Communicable Diseases Control, Ministry of Health and Medical Education, Tehran, Iran

4- Assistant professor of Biostatistics, Department of Epidemiology, School of Public Health, Shahid Beheshti University of Medical Sciences, Tehran, Iran

5- Administration and Planning Office, Department of Health, Ministry of Health and Medical Education, Tehran, Iran

6- Endocrine and Metabolic Office, Center for Non-Communicable Diseases Control, Ministry of Health and Medical Education, Tehran, Iran

7- PhD Student in Epidemiology, School of Public Health, Shahid Beheshti University of Medical Sciences, Tehran, Iran

* Shahid Beheshti University of Medical Sciences, Tehran, Iran
Email: zahrakhorrame@gmail.com

Abstract

Introduction: Urbanization behavior has an important role in epidemiologic transition of illnesses and as a result, the health transition. Urbanization has a major role in increasing exposure level with risk factors which increase the non-communicable diseases. This study was conducted to examine the relationship between urbanization and risk factors of non-communicable diseases, according to the step by step procedure of World Health Organization (STEP wise 2011).

Methods: This study is part of the examination of non-communicable disease (NCD) risk factor care, with 10069 people in each province of the country, who were over 20 years old in 2011. And by utilizing census data of 2011, an amount of urbanization was determined in all provinces of Iran (31 province). PCA was utilized to determine the urbanization scale and logistics regression was used to examine the relationship between urbanization and risk factors and Wilcoxon test was applied to determine the mean of all risk factors in different levels of urbanization.

Results: Among males, urbanization had a positive relationship with low physical activity (OR=1.7 ,CI 95% =1.42-2.09) low fruit and vegetable consumption (OR=1.8 ,CI 95%=1.09-2.96) and high BMI (OR=1.4, CI95% = 1.20-1.70) was observed in high levels of urbanization, compared to low levels. In females, also, there was a positive meaningful relationship with low physical activity (OR=1.2 CI95%= 1.08-1.49), low fruit and vegetable consumption (OR=1.22 ,CI 95%=0.78-1.91) and high BMI (OR=1.3, CI95% = 1.14-1.53). In medium urbanization level, compared to that of low levels, the chance of smoking and high blood pressure in men and the chance of high blood pressure in women increased. The average BMI, number of fruits and vegetables consumed daily and blood pressure in both genders increased by an increase in urbanization level. Urbanization in both genders has direct relationship with low physical activity, low fruit and vegetable consumption and high BMI.

Conclusion: Urbanization has relationship with increase of non-communicable disease risk factor in Iran.

Key words: Urbanization, Non-communicable risk factor, Iran

Assessment of medical students' life skills in an internship course of Mashhad University of medical science

¹ Maliheh Dadgarmoghaddam

² Shabnam Niroumand

³ Elham Shiehzaheh

⁴ Reza Rahimzade

⁵ Arash Akhavan Rezayat

⁶ Mohammad Ramezani*

1- Assistant Professor of Community Medicine, Department of Community Medicine, School of Medicine, Mashhad University of Medical Sciences, Mashhad, Iran

2- Community Medicine specialist, Department of Community Medicine, School of Medicine, Mashhad University of Medical Sciences, Mashhad, Iran

3- MD, School of Medicine, Mashhad University of Medical Sciences, Mashhad, Iran

4,5,6- Student Research Committee, Faculty of Medicine, Mashhad, Iran

* Student Research Committee, Faculty of Medicine, Mashhad, Iran
Email: ramezanimh931@mums.ac.ir

Abstract

Introduction: Skill is defined as the proper and supply the use of the science. Today, teaching life skills is considered as an essential part of Sociability. Improving the mental status and social skills of medical students will play a crucial role in their psychosocial health status. The aim of this study is to evaluate the life skills of medical students in Mashhad University of Medical Sciences (MUMS).

Methods: In this cross-sectional study, 146 Intern aged between 22 to 26 years were entered. All of the medical students of Mashhad university of Medical science was entered in this study. We used the life skill questionnaire which consists of 144 questions and its reliability and validity is confirmed by Ghiasi in Iran. The questions were focused on various issues of life skills including: self-awareness, communication skills, interpersonal relations, decision making, physical and mental health status, problem solving, teamwork skills, creativity, responsibility, justice and equality, social behaviors, professional skills and the ability of using new technologies, participate in activities that improve benefits, Being purposeful, social behavior, Critical thinking, Global citizen and Observe and use safety points and Total point of life skills obtain from sum of the life skill variables. Life skills variables were compared between men and women, smoking and non-smoking and single and married groups. Within 3-month All the medical students in internship period were asked to complete the questionnaire. Data were analyzed using SPSS 11.5 software and by the student t test and Mann Whitney were applied to compare quantitative variables. $P < 0.05$ were considered as significant in this study.

Results: 33.8% of the participants were male and 62.8% were single while 37.2% were married. 11.5% of medical students are cigarette smokers. women showed to have higher decision making ability than men ($P = 0.046$). We also showed that social behavior ($P = 0.018$), participate in activities that improve benefits ($P = 0.006$), observe and use safety points ($P = 0.005$), critical thinking ($P = 0.007$), Mental health status ($P = 0.034$) and Total score of life skills ($P = 0.017$) are significantly lower in men. Our data suggest that men are more tend to become global citizen than women ($P = 0.010$). There is significant difference between smoking and non-smoking in liberty and justice ($P = 0.003$) and becoming global citizen ($P = 0.012$) and there is no significant different in total score of life skills between two groups ($P = 0.770$).

Conclusion: At the end, we found that total score of life skills is significantly higher in women but there is no difference between marital status and each variable of life skills, there is no difference between cigarette smoking and total point of life skills but some variable of life skills like justice and equality and global citizen has a significant difference.

Key words: Life skills, Medical student, Smoking, mental health status, Critical thinking, Justice and liberty

بررسی ارتباط بین فرسودگی شغلی و سبک زندگی در پرستاران بیمارستانهای شهرستان دزفول در سال ۱۳۹۴

خلاصه

مقدمه

فرسودگی شغلی سندرمی مشتمل بر خستگی هیجانی، مسخ شخصیت و کاهش کفایت شخصی میباشد که هزینه های زیادی را بر دولت و جامعه تحمیل میکند. فرسودگی شغلی پرستاران می تواند منجر به افزایش غیبت، کاهش انرژی، تاثیر منفی بر سلامت جسمی-روحي پرستار و افت کیفیت ارائه خدمات توسط آنها گردد. مفهوم سبک زندگی به عنوان روش نوعی زندگی فرد، گروه، فرهنگ و همچنین روش خاصی از شیوه زندگی یا سبک زیستن تعریف می کنند. یکی از حرفه هایی که شرایط حرفه بر سبک زندگی افراد آن تاثیر زیادی می گذارد حرفه ی پرستاری است. پرستاران در مراقبت از بیمار نقش اساسی داشته و ارتباط مستقیم با بیمار دارند و فرسودگی شغلی و سبک زندگی پرستار می تواند در روند مراقبت از بیمار به شدت تاثیر گذار باشد. هدف مطالعه حاضر تعیین بررسی ارتباط بین فرسودگی شغلی و سبک زندگی در پرستاران میباشد تا برنامه هایی در جهت پیشگیری از فرسودگی شغلی و بهبود سبک زندگی طراحی و اجرا شود.

روش کار

به منظور انجام این مطالعه توصیفی-تحلیلی و مقطعی در سال ۱۳۹۴ نمونه ای به حجم ۱۳۹ نفر از پرستاران شاغل در بیمارستانهای آیت الله نبوی و گنجویان شهرستان دزفول، به روش تصادفی انتخاب شدند. گردآوری اطلاعات با استفاده از پرسشنامه های دموگرافیک و فرسودگی شغلی ماسلاچ (MBI) با آلفای کرونباخ ۰/۷۸ و سبک زندگی (LSQ) با آلفای کرونباخ ۰/۸۷ که روایی و پایایی آنها مورد تایید قرار گرفته شده بود، انجام گرفت. معیار ورود رضایت شخصی فرد و معیار خروج عدم رضایت و یا کامل پر نکردن قسمتهای مختلف پرسشنامه در نظر گرفته شد. به منظور تجزیه و تحلیل دادهها از نرم افزار SPSS 16 آزمون های آماری تی، آنالیز واریانس ANOVA، آزمون همبستگی اسپیرمن پیرسون استفاده شد.

نتایج

از ۱۳۹ پرستار شرکت کننده در این پژوهش ۸۴/۱ درصد (۱۳۵ نفر) مونث و ۱۵/۹ درصد (۲۶ نفر) مذکر با میانگین سنی $32/95 \pm 7/559$ سال بودند. ۷۵/۶ درصد افراد متأهل و ۲۴/۴ درصد مجرد بودند. ۸۶/۶ درصد افراد دارای مدرک لیسانس و بالاتر بودند. میانگین سبک زندگی در پرستاران بیمارستان های شهرستان دزفول $179/10 \pm 28/49$ گزارش شد، که بیانگر سبک زندگی سالمی در آنان بود و میانگین فرسودگی شغلی $37/38 \pm 9/94$ بود که نشان داد فرسودگی شغلی در آنان پایین بود. بین سبک زندگی و فرسودگی شغلی پرستاران با توجه به ضریب همبستگی معنی داری به وجود آمده ($p=0/754$)، رابطه معنی داری وجود نداشت ($r=0.35$).

نتیجه گیری

با توجه به مطالعه انجام شده و ارتباط بین جنسیت و میزان تحصیلات پرستاران با میزان فرسودگی شغلی آنان و از طرفی با توجه به اهمیت نقش پرستاران در مراقبت از بیماران و تاثیر گذاری به سزای آنان در روند درمان بیماران امید است تا دست اندرکاران بر پایه ی مطالعه انجام شده اقدام به طراحی و اجرای برنامه های مداخله ای با هدف بهبود سبک زندگی و فرسودگی شغلی پرستاران و به دنبال آن استفاده بهینه از منابع انسانی نمایند.

کلمات کلیدی: فرسودگی شغلی، سبک زندگی، پرستاران، بیمارستانهای شهرستان دزفول

۱ مجتبی راجی

۲ محمد فیروزبخت*

۳ نصرت بهرامی

۴ فرح داعی

۵ کیانا شکیبا

۶ رضا نظرزاده

۷ امین گرامی

۱،۲،۴،۵،۶،۷- کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه

علوم پزشکی دزفول، دزفول، ایران

۳- کارشناسی ارشد پرستاری، دانشگاه علوم

پزشکی دزفول، دزفول، ایران

* دزفول - دانشگاه علوم پزشکی دزفول، کمیته

تحقیقات دانشجویی

Email: mfiroozbakhtdums@gmail.com

The effect of Etomidate on Neuroapoptotic alteration in rat hippocampus

¹ Mohammad Alipour

² Mina Kamkar Asl

³ Elnaz Khordad*

⁴ Vahid Ebrahimi

⁵ Alireza Ebrahimzadeh-bideskan

1,2- Department of Anesthesia, School of Medicine, Mashhad University of Medical Sciences, Mashhad, Iran

3,4,5- Department of Anatomy and Cell Biology, School of Medicine, Mashhad University of Medical Sciences, Mashhad, Iran

5- Microanatomy research center, Mashhad University of Medical Sciences, Mashhad, Iran

* Department of Anatomy and Cell Biology, School of Medicine, Mashhad University of Medical Sciences, Mashhad, Iran

Email: KhordadE911@mums.ac.ir

Abstract

Introduction: In human brains, there are substantial numbers of neurons produced in different regions of hippocampus. Neuron production is critical for certain types of learning and memory and could be altered by changes in hippocampal cell proliferation. For example, anesthesia and surgery are associated with postoperative cognitive changes (i.e., impaired memory, learning) even long after the anesthetic itself is gone. Apoptosis, a gradual programmed cell death, is a mechanism that possibly links anesthetics to these impairments by suppressing hippocampal neurogenesis or inducing neurodegeneration. To test this hypothesis, we investigated the apoptotic effect of anesthesia with etomidate on neural cell apoptosis in rat hippocampus.

Methods: Thirty unfasten male Wistar rats weighing 250 ± 300 g were randomly distributed in 3 groups. 1) Etomidate group (ETO); 20mg i.p. four times with 1-h interval 2) Control group; the equal volume of normal saline, and 3) Normal group; without any intervention. 6 hours after the last injection, the brains were fixed in normal saline, and processed according to routine histological methods. Paraffin sections were stained by using TUNEL kit for apoptotic cells detection. The mean of TUNEL positive cell numbers per unit area (NA) in different regions of hippocampus were calculated by means of stereological methods and then compared in all groups.

Results: Our results showed that the number of TUNEL positive cells in ETO groups were significantly higher in the CA1, CA2 and DG in comparison with control and normal groups of all the fields ($p < 0.05$). Moreover, the highest increase in apoptotic cells was observed in ETO group of dentate gyrus in comparison with other regions of hippocampus.

Conclusion: Our findings showed that etomidate increases apoptotic cells in different regions of hippocampus mainly in dentate gyrus.

Key words: Etomidate, Hippocampus, Apoptosis, Anesthesia, Neurogenesis, Neurodegeneration

بررسی بقا و عوامل موثر بر آن در بیماران مبتلا به سرطان کولورکتال مراجعه کننده به بیمارستان امام رضا (ع) در سال های ۸۴-۹۴

خلاصه

مقدمه

سرطان کولورکتال شایع ترین سرطان دستگاه گوارش است و سومین علت مرگ ناشی از سرطان در دنیا می باشد. بروز این سرطان در دهه های اخیر در ایران افزایش چشمگیری داشته است. بقای بیماران در نقاط مختلف جهان امار متفاوتی را نشان می دهد. بنابراین هدف از انجام این مطالعه ارزیابی بقا و عوامل پیش گویی کننده بر آن در مبتلایان به سرطان کولورکتال می باشد.

روش کار

در این مطالعه ی هم گروهی گذشته نگر، ۱۱۰ بیمار مبتلا به سرطان کولورکتال که از سال های ۱۳۸۴ تا سال ۱۳۹۴ در بیمارستان امام رضا (ع) تحت درمان بودند مورد بررسی قرار گرفتند. پیگیری تمام بیماران از طریق تماس تلفنی انجام شد. اثر عوامل مختلف از جمله سن، جنس، سابقه ی فامیلی، محل تومور، گرید تومور و مورفولوژی سرطان بر بقای بیماران بررسی شد. تجزیه و تحلیل داده ها با استفاده از نرم افزار spss19 انجام شد.

نتایج

در این پژوهش اطلاعات بقاء در مورد ۱۱۰ بیمار شامل ۶۰ مرد (۵۴/۵ درصد) و ۵۰ زن (۴۵/۵ درصد) با میانگین سنی $55/85 \pm 15/87$ سال بدست آمد. میانگین زمان بقاء در بیماران ۷/۷۵ (حدود اطمینان ۹۵ درصد: ۶/۹۵-۸/۵۳) سال بدست آمد. روش کاپلان میر نشان داد میزان های بقاء ۱، ۲، ۳، ۴، ۵ و ۱۰ ساله بیماران به ترتیب ۹۷/۸، ۸۸/۸، ۸۳/۲، ۷۳/۸، ۷۰/۰ و ۲۴/۱ درصد بوده است. در تحلیل یک متغیره و چند متغیره با استفاده از مدل کاکس، در حالت یک متغیره رابطه بین متغیرهای سن و محل رکتوم با بقا بیماران معنی دار بوده است ($p\text{-value} < 0/05$). سابقه ی فامیلی، محل تومور، گرید تومور و مورفولوژی سرطان در حالت یک متغیره و چند متغیره ارتباط معنی داری با بقای بیماران مشاهده نشد.

نتیجه گیری

با توجه به اینکه میانگین سن تشخیص در این مطالعه نسبت به سایر مطالعات پایینتر بود و میانگین زمان بقا نسبت به مطالعات قبلی روند بهتری را نشان می دهد. می توان نتیجه گرفت سن به عنوان مهمترین عامل پیش آگهی دهنده در سرطان کولورکتال به حساب می آید. بنابراین احتیاج به برنامه ریزی منظم برای غربالگری بیماران و سپس درمان و پیگیری آن ها است.

کلمات کلیدی: سرطان کولورکتال، بقا، عوامل پیش گویی کننده

۱ عاطفه قربان زاده*

۲ لادن گشایشی

۳ علیرضا خوئی

۴ کامبیز اخوان رضایت

۵ عباس اسماعیل زاده

۶ علی بهاری

۷ علی هادیان فر

۱- دانشجوی پزشکی، دانشکده پزشکی، دانشگاه

علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

۲، ۴، ۵، ۶- استادیار، متخصص بیماری های داخلی،

فوق تخصص بیماری های گوارش و کبد، دانشکده

پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

۳- دانشیار، متخصص پاتولوژی، دانشکده پزشکی،

دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

۷- دانشجوی کارشناسی ارشد آمار زیستی،

دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مشهد،

مشهد، ایران

* مشهد - دانشگاه علوم پزشکی مشهد، دانشکده

پزشکی

Email: ghorbanza901@mums.ac.ir

بررسی عفونت های باکتریایی بیمارستانی در بخش مراقبت های ویژه بیمارستان گنجویان دزفول در سال ۱۳۹۳

خلاصه

مقدمه

عفونت های بیمارستانی، گروهی از عفونت ها هستند که بیماران بستری در بیمارستان یا سایر مراکز درمانی را گرفتار میکند؛ مشروط بر اینکه بیمار در بدو بستری این عفونت را نداشته و در دوره نهفته آن هم قرار نداشته باشد و در طی دوره بستری یا در اثر بستری بیمار در بیمارستان بعد از ۴۸ ساعت پیش می آید. از عوامل مهم ابتلا، مصرف بی رویه آنتی بیوتیک و بی دقتی پرسنل می باشد. میزان بروز عفونت های بیمارستانی در مراکز مختلف ۲٫۸ تا ۱۰ درصد می باشد. بیماران در بخش مراقبت های ویژه ۵-۷ بار بیشتر از سایر بیماران بستری دچار عفونت بیمارستانی می شوند. هدف از مطالعه حاضر تعیین باکتری های شایع مسئول عفونت های باکتریایی بیمارستانی در بخش مراقبت های ویژه بیمارستان گنجویان دزفول طی بازه شش ماهه می باشد.

روش کار

مطالعه حاضر به صورت توصیفی-تحلیلی-مقطعی بوده که بر روی ۱۶۵ نفر از بیماران بستری در بخش ICU بیمارستان گنجویان دزفول در سال ۱۳۹۳ که پس از ۴۸-۷۲ ساعت از بستری دچار تب و یا علام عفونت در محل خاص شده بودند، انجام شد. ابزار پژوهش چک لیستی بود که اطلاعات مربوط به بیماران ثبت گردید. تعداد ۱۹۲ نمونه مختلف بالینی مانند مایعات بیولوژیک، خلط، مدفوع، وسایل مربوطه به بیماران و ترشحات زخم تهیه گردید. معیار ورود نمونه ها دارا بودن علائم کلینیکی بیمار همچون تب، لرز، ضعف، بی حالی، داشتن راش های پوستی که حداقل پس از ۴۸ ساعت پس از بستری در بیمارستان این علائم را تظاهر داده بودند، را شامل می شد. معیارهای خروج نمونه ها دارا بودن علائم بالینی بیمار قبل از بستری و همچنین بیماری های زمینه ای، بیماری های ارثی و اختلالات ژنتیکی بود. این نمونه ها در شرایط استریل و با توجه به پروتوکل های آزمایشگاه ارسال و کشت ها تهیه گردید و نمونه ها در بخش میکروب شناسی آزمایشگاه، ابتدا به محیط کشت های انتخابی و سپس افتراقی پرده شد. همچنین یک نمونه اسمیر از تمامی نمونه ها تهیه و رنگ آمیزی گرم انجام شد. داده ها با نرم افزار SPSS برای توصیف متغیر های کیفی از فراوانی و درصد فراوانی و برای متغیرهای کمی از میانگین و انحراف معیار استفاده شدند. مقادیر p کمتر از ۰/۰۵ معنی دار لحاظ شد.

نتایج

در مدت مطالعه حاضر ۱۶۵ بیمار در بخش ICU بستری شدند که از این تعداد ۱۱۳ نفر (۶۸٫۵٪) مرد و ۵۲ نفر (۳۱٫۵٪) زن بودند. میانگین سنی افراد ۶۵٫۱۵±۱۸٫۴ که کمترین آن ها ۶ ماهه و بیشترین ۹۷ سال گزارش شده بود. از این تعداد ۱۰۳ نفر به عفونت بیمارستانی مبتلا شدند. عامل عفونت در ۶۵ نفر (۳۹٫۴٪) باکتری های گرم منفی و در ۳۸ نفر (۲۳٪) باکتری های گرم مثبت بود. بنابراین بیشترین پاتوژن باکتری گرم منفی بود که شایعترین آن باکتری اشرشیاکلی بدست آمد. بیشترین نمونه بالینی در بخش ICU مربوط به سوند فولی بود که ۸۰٪ عفونت های ادراری مربوط به سوند گذاری نشان داده شد. شیوع عفونت های بیمارستانی از نظر سن و جنس و همچنین از نظر وجود سابقه ابتلا به عفونت های گذشته معنادار نبود. همچنین با طولانی تر شدن مدت بستری بیمار، میزان بروز عفونت افزایش پیدا می کرد.

نتیجه گیری

پیشنهاد میشود که در صورت مواجهه با عفونت بیمارستانی، از آنتی بیوتیک های جدید و موثر استفاده گردد. همچنین پرسنل و کارکنان بخش ها، موظف به شست و شوی مرتب دست ها و استریل کردن کلیه وسایل بخش ها باشند و حداقل امکان از مصرف بی رویه آنتی بیوتیک ها خودداری به عمل آید.

کلمات کلیدی: عفونت های بیمارستانی، عفونت های باکتریایی، بخش مراقبت های ویژه

^۱ رضا نظرزاده*

^۲ هادی زارع مرزونی

۱- کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم

پزشکی دزفول، دزفول، ایران

۲- مرکز تحقیقات ایمونولوژی، دانشگاه علوم

پزشکی مشهد، مشهد، ایران

۲- کمیته تحقیقات دانشجویی، گروه ایمنی شناسی

پزشکی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی

مشهد، مشهد، ایران

* دزفول- دانشگاه علوم پزشکی دزفول، دانشکده

پزشکی، کمیته تحقیقات دانشجویی

Email: rezanazar5@gmail.com

بررسی شیوع اضطراب امتحان در دانشجویان دانشکده پیراپزشکی ساری

سال ۱۳۹۴

خلاصه

مقدمه

اضطراب امتحان، نوع خاصی از اضطراب است که با نشانه های جسمی، شناختی و رفتاری در شرایط آمادگی برای امتحان و انجام آزمون ها مشخص می شود. اضطراب امتحان زمانی به یک مشکل تبدیل می شود که انقدر زیاد شود که با آماده شدن برای امتحان و انجام آزمون، تداخل یابد؛ لذا با توجه به مطالب فوق، تحقیق حاضر به منظور بررسی شیوع اضطراب امتحان در دانشجویان دانشکده پیراپزشکی ساری انجام گرفت.

روش کار

این مطالعه توصیفی- مقطعی در سال ۱۳۹۴ انجام گرفت. از رشته های موجود در دانشکده پیراپزشکی با توجه به کمبود وقت ۲۲۰ نفر از دانشجویان بصورت خوشه ای به عنوان نمونه انتخاب شدند و دانشجویان کارآموزی و ناپیوسته به علت در دسترس نبودن از مطالعه خارج شدند. جمع آوری داده ها با استفاده از پرسشنامه استاندارد اضطراب امتحان ساراسون انجام گرفت و پس از توزیع پرسشنامه در بین دانشجویان ۱۹۱ پرسشنامه قابل سنجش بود. داده های جمع آوری شده با استفاده از نرم افزار SPSS و آزمون های تی مستقل و آنالیز واریانس یکطرفه تجزیه تحلیل گردید.

نتایج

یافته های این پژوهش نشان داد که ۲۳٪ (۴۴ نفر) از دانشجویان دارای اضطراب ضعیف و ۳۹/۸٪ (۷۶ نفر) متوسط و ۳۷/۲٪ (۷۱ نفر) شدید بودند. متوسط نمره ی اضطراب امتحان در دانشجویان برابر $6/7 \pm 18/25$ بود. بین میانگین نمره اضطراب در میان گروه های سنی مختلف تفاوت آماری معنی داری وجود نداشت ($P=0.558$). میانگین نمره اضطراب براساس جنسیت دارای تفاوت آماری معناداری بود ($P=0.014$). متوسط نمره ی اضطراب در بین افراد مجرد و متاهل یکسان گزارش شد ($P=0.676$).

نتیجه گیری

اضطراب امتحان دلیل اغلب ناکامی ها و شکست در آزمون هاست و یکی از معضلات جامعه محسوب می شود. با توجه به نتایج مطالعه، اضطراب امتحان در بین دانشجویان بالا بوده لذا لازم است آموزش هایی جهت کاهش این آمار انجام گردد که حاصل آن کاهش عوارض حاصل از اضطراب امتحان و افزایش آرامش روانی افراد می باشد.

کلمات کلیدی: شیوع، اضطراب امتحان، دانشجویان

^۱ مهتاب عسکری دیارجانی *

^۲ زهرا صایمی

^۳ نادیا علیپور

^۴ حسن صیامیان

۱،۲- دانشجوی فناوری اطلاعات سلامت، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی مازندران، ساری، ایران

۳- دانشجوی کارشناس ارشد آمار زیستی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی مازندران، ساری، ایران

۴- استادیار، هیئت علمی گروه فناوری اطلاعات سلامت، دانشگاه علوم پزشکی مازندران، ساری، ایران

* ساری- دانشگاه علوم پزشکی مازندران، دانشکده پزشکی، کمیته تحقیقات دانشجویی
Email: mahtabaskari08@gmail.com

مقایسه تغییرات شاخص های مورفومتریک لبخند قبل و بعد از درمان ارتودنسی ثابت با سیستم اج وایز استاندارد در دو گروه با و بدون کشیدن دندان

خلاصه

مقدمه

در دنیای امروز توجه روزافزونی به تأثیرات درمان های ارتودنسی ب رروی لبخند و ظاهر معطوف می شود. امروز بسیاری از بیماران ارتودنسی کیفیت نتایج درمان ارتودنسی را با ارزیابی لبخند و بهبود ظاهر صورتشان می شنجند. با این وجود آنالیز لبخند در معاینات کلینیکی اغلب نادیده گرفته می شود. نظر به این که کمتر مطالعه ای تغییرات شاخص های لبخند قبل و بعد از درمان ارتودنسی را مورد ارزیابی قرار داده است، لذا این تحقیق به بررسی تغییرات شاخص های مورفومتریک لبخند قبل و بعد از درمان های ارتودنسی ثابت با و بدون کشیدن پرداخته است.

روش کار

این مطالعه کوهورت گذشته نگر بر روی ۵۰ بیمار خانم ۱۸ تا ۲۵ سال که تحت درمان ارتودنسی قرار گرفته بودند انجام شد. ۲۵ نفر از این بیماران با کشیدن دندان های پرمولر و ۲۵ نفر دیگر بدون کشیدن دندان درمان شده بودند. فوتوگراف های لبخند اجتماعی مربوط به قبل و بعد از درمان این بیماران توسط نرم افزار Smile Analyzer ورد ارزیابی قرار گرفت و شاخص های مورفومتریک لبخند در آن ها اندازه گیری شد. سپس جهت مقایسه این شاخص ها قبل و بعد از درمان در هر گروه از آزمون Paired T test و به منظور مقایسه دو گروه با و بدون کشیدن دندان از آزمون Independent T test استفاده شد.

نتایج

نتایج این تحقیق نشان داد که در گروه کشیدن دندان تغییرات شاخص لبخند ($P = 0.033$) و در گروه بدون کشیدن دندان تغییرات ارتفاع لبخند ($P = 0.000$)، عرض دنتیشن قابل رویت در فک بالا ($P = 0.014$)، و شاخص لبخند ($P = 0.001$) معنی دار بود. با مقایسه دو گروه درمان شده با و بدون کشیدن دندان مشخص گردید که در مقادیر قبل از درمان تنها عرض لبخند ($P = 0.02$) و نسبت فاصله کائینی به عرض لبخند ($P = 0.04$) و در مقادیر بعد از درمان فقط نسبت فاصله کائینی به عرض لبخند ($P = 0.03$) اختلاف آماری معنی دار داشتند و تغییرات معیارها نیز در دو گروه با یکدیگر اختلاف آماری معنی دار نداشتند.

نتیجه گیری

درمان ارتودنسی با سیستم اج وایز در گروه کشیدن دندان تنها باعث تغییر در شاخص لبخند شده بود. درمان ارتودنسی با سیستم اج وایز در گروه بدون کشیدن دندان باعث تغییر در ارتفاع لبخند، عرض دنتیشن قابل رویت در فک بالا و شاخص لبخند گردیده بود. درمان های با و بدون کشیدن دندان با سیستم اج وایز تفاوت چندانی در تغییرات معیارهای لبخند نداشتند.

کلمات کلیدی: لبخند اجتماعی، شاخص های مورفومتریک لبخند، درمان ارتودنسی ثابت با کشیدن دندان، درمان ارتودنسی ثابت بدون کشیدن دندان، سیستم استاندارد اج وایز

^۱ فهیمه فرزندگان
^۲ روزبه راشد
^۳ ملیحه لطیفیان
^۴ حسین خاکی*

۱- دانشیار دانشکده دندان پزشکی، دانشگاه علوم

پزشکی مشهد، مشهد، ایران

۲- استادیار دانشکده دندان پزشکی، دانشگاه علوم

پزشکی مشهد، مشهد، ایران

۳- دانشجوی دانشکده دندان پزشکی، دانشگاه علوم

پزشکی مشهد، مشهد، ایران

۴- رزیدنت ارتودنسی دانشکده دندان پزشکی،

دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

* مشهد- دانشگاه علوم پزشکی مشهد، دانشکده

دندان پزشکی

Email: hoseinkhaki88@gmail.com

Reference range for fasting blood sugar using generalized additive model for location, scale and shape: A population study in Mashhad (Iran)

¹ Habibollah Esmaily

² Omid Kiani*

³ Hamid Heidarian Miri

⁴ Majid Ghayour-Mobarhan

1,2,3- Department of Biostatistics and Epidemiology, Health Sciences Research Center, School of Public Health, Mashhad University of Medical Sciences, Mashhad, Iran

4- Department of Biochemistry & Nutrition, School of Medicine, Mashhad University of Medical Sciences, Mashhad, Iran

* Department of Biostatistics and Epidemiology, Health Sciences Research Center, School of Public Health, Mashhad University of Medical Sciences, Mashhad, Iran
Email: kianibo911@mums.ac.ir

Abstract

Introduction: Diabetes is one of most common chronic and non-communicable disease, with many complications including renal failure, blindness and non-traumatic amputation. Prevention diabetes of is possible through monitoring and control of blood glucose levels. Reference plots are used to screen those with abnormal Fasting Blood Sugar (FBS). The problem is that a reference plot derived in a specific population cannot be efficiently used in other population with different characteristics. The rational is that people are compared with their population FBS values. The present study aimed to figure out the reference plots for FBS in the population of Mashhad aged 35 to 64 years.

Methods: We used data from Mashhad Study with a sample size of 3874 aged 35 to 64 living in Mashhad. The dataset contained sex, age, and FBS. Exclusion criteria based on clinical history and laboratory tests to define the reference individuals. Generalized Additive Model for Location Scale and Shape (GAMLSS) was fitted to the data and the reference values were predicted according to the regression coefficients. In order to inquire the goodness-of-fit in GAMLSS we used worm plot and Q-test. All statistical analysis was performed by using statistical software R version 3.0.1 and the significance level was set to 0.05 as usual.

Results: Of the total sample size 40.2% was men and 59.6% was women. Mean and standard deviation of age were 45.04 and 8.96 respectively. The main results of this study include values of 5th, 10th, 25th, 50th, 75th, 90th, 95th percentiles for FBS according to sex and age. FBS showed an increasing trend with age in both sexes. GAMLSS showed that borderline FBS levels for men and women aged 35-64 years were increased from 97 to 101 mg/dl and 94 to 104 mg/dl respectively. The ranges for defining high FBS levels were increased from 111 to 117 mg/dl in men and 108 to 119 mg/dl in women. Using Mann-Whitney nonparametric test, for FBS was not significantly different statistics of men compared with their corresponding range of women ($P=0.80$).

Conclusion: GAMLSS could be used to determine the appropriate reference ranges for FBS and often provide more information rather than ordinary regression analysis. Furthermore, this model result in more robust estimation in the presence of outlier and is able to fit a regression line for desired percentiles. These findings could be used in local preventive and health policy plans.

Key words: Reference range, Blood Sugar, GAMLSS, Population

Comparison of three data mining models for predicting diabetes by risk factors

¹ Mohammad Taghi Shakeri

² Habibollah Esmaily

³ Sadegh Rasoulinejad

1,2,3- Department of Biostatistics and Epidemiology, Health Sciences Research Center, School of Public Health, Mashhad University of Medical Sciences, Mashhad, Iran

* Department of Biostatistics and Epidemiology, Health Sciences Research Center, School of Public Health, Mashhad University of Medical Sciences, Mashhad, Iran

Email: rasoulins911@mums.ac.ir

Abstract

Introduction: Diabetes is the most common diseases caused by metabolic disorder and the leading cause of death in Western societies. The pathogenesis of this complication is very high both in terms of medical costs and disability and it is one of the major issues in human health. One of the most effective measures to prevent this disease is to predict disease risk in susceptible healthy people. Given the application of data mining methods and their ability in matters of classification, nowadays these methods are used in various fields. Therefore, in this study it has been attempted to address the data mining methods to predict this disease.

Methods: In this research the information contained in the records of patients referred to health centers in Samen area in Mashhad in 2010 are used in which the variables of gender, age, body mass index, systolic and diastolic blood pressure and waist-to-hip ratio were studied. In this study using the logistic regression, neural networks and support vector machine different models of forecasting diabetes type II are determined and then the values of sensitivity, specificity, positive and negative predictive values, the area under ROC curve, accuracy and kappa statistics are obtained for each of the items and in order to obtain the best model using the above-mentioned indicators the comparison between different models is performed.

Results: The conducted surveys show that the area under the ROC curve for logistic regression, support vector machine and artificial neural network models were obtained as 0.78, 0.8 and 0.82. The accuracy of models was 0.72, 0.73 and 0.74 and their kappa statistics were 0.44, 0.46 and 0.48 respectively.

Conclusion: Results showed that based on the applied measurement criteria the artificial neural network has the highest performance, support vector machine is in the second place and logistic regression had the lowest efficiency to predict diabetes and in general the overall results of the of this study indicate that machine learning algorithms lead to better and more efficient models than the classical statistical methods.

Key words: Data mining, Logistic regression, Support vector machines, Neural networks, Diabetes

بررسی ارتباط قندخون ناشتا و سطوح لیپید پروفایل بر نتایج آنژیوگرافی با استفاده از مدل رگرسیون دو جمله ای منفی

خلاصه

مقدمه

امروزه با تغییر در سبک زندگی به ویژه الگوی غذایی و فعالیت بدنی شاهد افزایش میزان شیوع بیماری های قلبی عروقی می باشیم، افزایش میزان مصرف غذاهای چرب و شیرین باعث افزایش سطوح چربی و قند خون می شود و در نتیجه ریسک ابتلا به بیمار های قلبی عروقی افزایش می یابد. آنژیوگرافی یک روش متداول در تشخیص درگیری عروق قلبی می باشد که در بسیاری موارد از بین افراد کاندید آنژیوگرافی، نتایج منفی استخراج می شود. هدف مطالعه حاضر بررسی ارتباط بین سطوح چربی و قندخون در پیش آگاهی از نتیجه آنژیوگرافی می باشد.

روش کار

در مطالعه مقطعی که ۱۱۸۷ نفر از بیماران کاندید آنژیوگرافی در بیمارستان قائم (عج) مشهد در طی سالهای ۹۰-۹۲ به روش نمونه گیری غیراحتمالی (آسان) انتخاب شده بودند، مورد مطالعه قرار گرفتند. متغیرهای دموگرافیک (سن، جنس و...) و متغیرهای کلینیکی از جمله سطح قندخون ناشتا و سطوح لیپید پروفایل (HDL, LDL, TG, TC) برای این بیماران بررسی شده است. زمانی که متغیر پاسخ از نوع شمارشی باشد همانند تعداد رگهای درگیر، مدل آماری که در نظر گرفته می شود رگرسیون پواسن است، اما با توجه به اینکه توزیع پواسن نسبت به بیش پراکنشی داده ها حساس است، از مدل رگرسیون توزیع دو جمله ای منفی برای تعداد رگهای درگیر (۰، ۱، ۲، ۳) استفاده شده است تا بتوان به خوبی ارتباط بین متغیرهای مورد بررسی و تعداد رگهای درگیر را مدلسازی و آزمون کنیم. جهت تحلیل داده ها از نرم افزار SPSS (v.16) با سطح معنی داری ۰/۰۵ استفاده گردید.

نتایج

از بین ۱۱۸۷ بیمار کاندید آنژیوگرافی، (۳۴٪) آنژیومنفی، (۱۷/۸٪) یک رگ درگیر، (۱۸/۲٪) دو رگ درگیر و (۳۰٪) سه رگ درگیر داشتند. نتایج مدل رگرسیون دو جمله ای منفی نشان داد که ارتباط معنی داری بین قند خون ناشتا، سن و جنس با تعداد عروق درگیر بیماران وجود دارد ($p < 0.05$)، اما ارتباط معنی داری بین سطوح لیپید پروفایل (HDL, LDL, TG, TC) با نتایج آنژیوگرافی مشاهده نشده است.

نتیجه گیری

مطالعه حاضر نشان داد که سن و سطح قندخون ناشتا (ابتلا به دیابت) از جمله عوامل خطر پیشگویی کننده نتیجه آنژیوگرافی است، اما سطوح لیپید پروفایل قابلیت پیشگویی برای نتایج آنژیوگرافی را ندارند.

کلمات کلیدی: قند خون، لیپید پروفایل، آنژیوگرافی، بیش پراکنش، رگرسیون دو جمله ای منفی

^۱ آزاده ساکی

^۲ فاطمه رضائی *

^۳ علی تقی پور

^۴ محمدتاجفرد

۱- استادیار گروه آمار زیستی و اپیدمیولوژی،

دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مشهد

۲- دانشجوی کارشناس ارشد آمار زیستی، دانشکده

بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مشهد

۳- دانشیار گروه آمار زیستی و اپیدمیولوژی،

دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مشهد

۴- استادیار گروه آموزش بهداشت، دانشکده

بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مشهد

* مشهد- دانشگاه علوم پزشکی مشهد، دانشکده

بهداشت

Email: rezaeisf931@mums.ac.ir

مقایسه تاثیر آموزش مراقبت از استومی به شیوه شبیه سازی و نمایش- بازنمایش بر مهارت بیماران در تعویض کیسه استومی

خلاصه

مقدمه

در راهنمای مراقبتی استفاده از شیوه‌های آموزشی که موجب جلب مشارکت و همکاری بیماران تحت جراحی استومی دفعی روده‌ای شود توصیه شده است. یکی از این روش‌ها نمایش-بازنمایش می‌باشد اما مطالعات نشان می‌دهند که بیماران در اولین مواجهه با استومی احساس ناخوشایندی دارند و بعضاً با مشاهده ظاهر قرمز و متورم استومی دچار شوک و تنفر از استومی می‌شوند. لذا تعیین اثربخشی شیوه‌های دیگر مانند شبیه‌سازی ضروری است. در شبیه‌سازی بیمار می‌تواند ضمن نداشتن نگرانی از آلوده شدن محیط و ناخوشایندی از مواجهه با استومی متورم؛ نحوه تعویض کیسه استومی را تمرین کند. لذا این مطالعه با هدف مقایسه آموزش مراقبت از استومی به شیوه شبیه‌سازی و نمایش-بازنمایش بر مهارت بیماران در تعویض کیسه استومی انجام شد.

روش کار

این کار آزمایی بالینی بر روی ۴۸ بیمار تحت جراحی استومی روده‌ای (۲۴ نفر در هر گروه) انجام شد. نمونه‌گیری به شیوه در دسترس از بین بیماران بستری در بیمارستان‌های آموزشی مشهد و به شیوه تخصیص تصادفی در دو گروه انجام شد. ابزار مطالعه پرسشنامه اطلاعات دموگرافیک و "چک لیست مشاهده‌ای نحوه تعویض کیسه استومی" بود که بر اساس ابزار پیگیری آموزش‌های استومی انجمن پرستاران کانادا تهیه شد. پس از تایید روایی و پایایی، چک لیست نهایی با ۱۲ گویه با حداقل صفر و حداکثر ۲۴ امتیازدهی شد. در گروه نمایش-بازنمایش آموزش مراقبت از استومی در طی سه جلسه ۳۰ دقیقه‌ای در چهار مرحله آمادگی، توضیح‌دادن، نمایش و آزمایش و سنجش انجام شد. در گروه شبیه‌سازی آموزش‌ها بر اساس گام‌های شبیه‌سازی (جهت دهی، مهارت آموزی شرکت کننده، شبیه سازی و توضیح بعدی) در سه جلسه ۳۰ دقیقه‌ای بر روی شبیه‌ساز فیزیکی پژوهشگر ساخته انجام شد. چک لیست در حین تعویض کیسه توسط بیمار قبل و بعد از آخرین جلسه آموزش تکمیل شد. داده‌ها پس از ورود به نرم‌افزار SPSS تجزیه و تحلیل شدند.

نتایج

میانگین سنی بیماران در گروه نمایش-بازنمایش $56/9 \pm 53/95$ و در گروه شبیه‌سازی $59/1 \pm 45/9$ سال بود. $59/1$ ٪ (۱۳ نفر) از بیماران گروه نمایش-بازنمایش و $50/0$ ٪ از بیماران گروه شبیه‌سازی زن بودند. از نظر تحصیلات $35/4$ ٪ (۱۷ نفر) از کل بیماران یسواد، $43/8$ ٪ (۲۱ نفر) زیردیپلم و مابقی دیپلم و بالاتر داشتند. نتیجه آزمون آماری تی زوجی نشان داد که میانگین نمره مهارت تعویض کیسه استومی قبل ($4/78 \pm 14/62$) و پس از مداخله ($3/29 \pm 20/45$) در گروه نمایش-بازنمایش تفاوت آماری معنی‌داری داشت ($p < 0/001$). همچنین میانگین نمره مهارت تعویض کیسه استومی قبل ($4/34 \pm 15/45$) و پس از مداخله ($2/79 \pm 21/5$) در گروه شبیه‌سازی تفاوت آماری معنی‌داری داشت ($p < 0/001$). با اینکه میانگین نمره مهارت بیماران پس از مداخله در گروه شبیه‌سازی بیشتر بود اما نتیجه آزمون آماری تی مستقل تفاوت آماری معنی‌داری بین میانگین نمره مهارت در دو گروه نشان نداد.

نتیجه گیری

برطبق نتایج پژوهش می‌توان گفت آموزش مراقبت از استومی به شیوه مستقیم در مهارت بیماران در تعویض کیسه استومی موثر است بنابراین می‌توان از این دو روش برای آموزش مراقبت از استومی به بیماران استفاده نمود. پیشنهاد می‌شود قبل از تعویض کیسه، بیمار آموزش مراقبت از استومی را بر روی شبیه‌ساز تمرین نماید و پس از کاهش تورم استومی مراحل را روی استومی خود تمرین نماید.

کلمات کلیدی: استومی، استوما، آموزش، نمایش-بازنمایش، شبیه‌سازی

^۱ فاطمه حشمتی نبوی

^۲ زهره پوراسماعیل *

^۳ محمدتقی شاکری

^۴ عباس عبداللهی

۱- استادیار پرستاری، گروه بهداشت، روان و مدیریت دانشکده پرستاری و مامایی مشهد، دانشگاه

علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

۲- دانشجوی کارشناسی ارشد پرستاری، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، کمیته تحقیقات دانشجویی، مشهد، ایران

۳- استاد گروه آمار زیستی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

۴- فلوشیپ جراحی کلورکتال، عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

* مشهد- دانشگاه علوم پزشکی مشهد کمیته تحقیقات دانشجویی

Email: pouresmailz921@mums.ac.ir

مقایسه تاثیر اجرای فرآیند پرستاری به روش کاغذی و الکترونیک بر رضایتمندی دانشجویان پرستاری و رضایت بیماران از مراقبت پرستاری

خلاصه

مقدمه

کمبود رضایت دانشجویان از آموزشهای ارائه شده در دوران تحصیل، یکی از چالشهای حرفه پرستاری است که مستقیماً بر کیفیت مراقبت و رضایتمندی بیماران تاثیر گذار است. بنابراین باید از روشهای علمی مانند فرآیند پرستاری در آموزش دانشجویان و مراقبت بیماران کمک گرفت. روشهای مختلفی اجرای فرآیند پرستاری از جمله کاغذی و الکترونیک، هر کدام دارای مزایا و محدودیتهایی است. پژوهش حاضر با هدف مقایسه تاثیر اجرای فرآیند پرستاری به روش کاغذی و الکترونیک بر رضایتمندی دانشجویان پرستاری و رضایت بیماران از مراقبت پرستاری طراحی گردید.

روش کار

این مطالعه کارآزمایی بالینی تصادفی با مشارکت ۶۴ دانشجوی پرستاری که به دو گروه ۳۲ نفری اجرای فرآیند پرستاری به روش کاغذی و الکترونیک تخصیص تصادفی شدند، در سال ۱۳۹۳، در بیمارستان قائم (عج) مشهد انجام گردید. مداخله شامل اجرای فرآیند پرستاری به روش الکترونیک یا کاغذی توسط دانشجویان هر کدام از گروهها در طول ۲ هفته کارآموزی، برای بیماران تحت مراقبت خود بود. دانشجویان گروه الکترونیک با استفاده از نرم افزار فرآیند پرستاری الکترونیک که قبلاً در قالب یک طرح تحقیقاتی توسط پژوهشگران طراحی شده بود، و دانشجویان گروه کاغذی، با استفاده از فرمهای کاغذی، فرآیند پرستاری را اجرا کردند. بعد از مداخله، رضایتمندی دانشجویان با پرسشنامه پژوهشگر ساخته رضایت از روش اجرای فرآیند پرستاری و رضایتمندی بیماران با پرسشنامه پژوهشگر ساخته رضایت بیماران از مراقبتهای ارائه شده توسط دانشجویان که روایی و پایایی آنها مورد تایید قرار گرفت، سنجیده شد. داده ها با استفاده از نرم افزار SPSS نسخه ۱۶ و آزمونهای تی مستقل، من ویتنی، تی زوجی، کای اسکور و دقیق فیشر تحلیل شدند.

نتایج

میانگین نمره رضایتمندی دانشجویان گروه کاغذی از روش اجرای فرآیند پرستاری $37/3 \pm 4/7$ و گروه الکترونیک $68/9 \pm 14/2$ (از صد نمره) بود که بین دو گروه از این نظر اختلاف آماری معنی داری ($P=0/015$) وجود داشت. بیشترین میزان رضایت دانشجویان گروه کاغذی از طراحی فرمهای کاغذی (۲۵٪) و کمترین میزان رضایت آنها مربوط به تخصیص زمان برای تکمیل آنها (۷۵٪) و همچنین میزان رضایت $93/7\%$ از دانشجویان گروه الکترونیک از طراحی نرم افزار الکترونیک و $78/1\%$ آنها از موثر بودن نرم افزار در ارتقاء مراقبت بیمار، زیاد و خیلی زیاد بود و کمترین میزان رضایت آنها مربوط به کارایی نرم افزار برای پرستاران شاغل ($15/7\%$) بود. میانگین نمره رضایتمندی بیماران از مراقبتهای پرستاری ارائه شده توسط دانشجویان گروه کاغذی $74/6 \pm 6/9$ و از گروه الکترونیک $80/8 \pm 6/8$ بود که از این نظر اختلاف آماری معنی داری بین دو گروه وجود داشت ($P=0/045$).

نتیجه گیری

با بکارگیری تکنولوژی در آموزش پرستاری، می توان به افزایش رضایتمندی دانشجویان پرستاری و بیماران کمک کرد. زیرا نرم افزار الکترونیک فرآیند پرستاری، می تواند موجب توسعه اطلاعات مراقبتی دانشجویان، افزایش استقلال کاری آنها شود. البته به مطالعات بیشتری نیاز است تا فرصتها و چالشهای این مسیر از ابعاد مختلف مورد بررسی قرار گیرد.

کلمات کلیدی: فرآیند پرستاری، رضایتمندی، رضایت بیمار، دانشجوی پرستاری

^۱ سید رضا مظلوم

^۲ محمد رجب*

^۳ فاطمه حشمتی نبوی

۱- مرکز تحقیقات مراقبت مبتنی بر شواهد، گروه آموزشی پرستاری داخلی جراحی دانشکده پرستاری و مامایی دانشگاه علوم پزشکی مشهد، ایران

۲- دانشجوی کارشناسی ارشد پرستاری کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده پرستاری و مامایی دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

۳- استادیار، گروه بهداشت روان و مدیریت دانشکده پرستاری و مامایی دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

* مشهد- دانشگاه علوم پزشکی مشهد، دانشکده پرستاری و مامایی، کمیته تحقیقات دانشجویی
Email: rajabpoorm921@mums.ac.ir

بررسی ارتباط هوش معنوی و رضایت شغلی ماماهاى شاغل در بیمارستان و مراکز بهداشتی درمانی شهر مشهد در سال ۱۳۹۴

خلاصه

مقدمه

رضایت شغلی، نوعی از احساسات و نگرش های مثبت است که افراد نسبت به شغل خود دارند. شناسایی عوامل موثر بر رضایت شغلی در پیامد و بهره وری سازمان و حتی زندگی فردی نقش بارزی ایفا می کند. امروزه پژوهش های جدید در حوزه مدیریت و سازمان، حکایت از ظهور پارادایم جدیدی به نام معنویت در کار (Spirituality at Work) دارند. با توجه به نقش کلیدی ماماها به عنوان یکی از اجزای موثر سیستم بهداشتی برای ارائه خدمات مامایی به دو قشر آسیب پذیر جامعه یعنی مادران و کودکان، مطالعه حاضر با هدف بررسی رابطه هوش معنوی و رضایت شغلی ماماهاى شاغل در بیمارستان ها و مراکز بهداشتی درمانی انجام شده است.

روش کار

مطالعه حاضر در سال ۱۳۹۴ بر روی ۲۳۲ مامای شاغل در زایشگاه های بیمارستان های آموزشی دانشگاه علوم پزشکی مشهد که به روش تصادفی (ماماهاى زایشگاه) و طبقاتی خوشه ای (ماماهاى مراکز بهداشتی و پایگاه ها) انتخاب شدند انجام شد. طرح تحقیق توصیفی همبستگی می باشد. داده ها با استفاده از پرسشنامه ی هوش معنوی بدیع و رضایت شغلی مینه سوتا جمع آوری گردید و توسط نرم افزار SPSS20 و با استفاده از آزمون آماری پیرسون تجزیه و تحلیل شدند. میزان p کمتر از ۰/۰۵ معنی دار در نظر گرفته شد.

نتایج

میانگین سن ماماها ۳۴/۵۰ ± ۸/۹۲ سال بود. میانگین نمره ی هوش معنوی ماماها ۱۵۷/۴۱ ± ۱۷/۲۲ و میانگین نمره ی رضایت شغلی ماماها ۷۱/۵۴ ± ۱۰/۹۴ بود. نتایج آزمون پیرسون نشان داد بین هوش معنوی با رضایت شغلی رابطه خطی مستقیم و معنی داری وجود دارد ($t=0/295, p<0/001$).

نتیجه گیری

با توجه به اهمیت رضایت شغلی در حرفه مامایی و نقش موثر هوش معنوی در رضایت شغلی، می توان با ایجاد برنامه های آموزشی و بازآموزی با ارتقای هوش معنوی ماماها کمک موثری در بهبود رضایت شغلی ماماها انجام داد.

کلمات کلیدی: هوش معنوی، رضایت شغلی، ماما

۱ فاطمه رضائی*

۲ ناهید گلمکانی

۳ سیدرضا مظلوم

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد مامایی، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

۲- استادیار گروه مامایی، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

۳- مربی گروه پرستاری، مرکز مراقبت های مبتنی بر شواهد، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

* مشهد- دانشگاه علوم پزشکی مشهد، دانشکده پرستاری و مامایی

Email: rezaeif922@mums.ac.ir

بررسی ارتباط حمایت اجتماعی با عملکرد جنسی زنان سنین باروری مراجعه کننده به مراکز سلامت شهر مشهد در سال ۱۳۹۴

خلاصه

مقدمه

عملکرد جنسی سالم در زنان نقش مهمی در احساس سلامتی و بالا بردن کیفیت زندگی آنان دارد. هر گونه اختلال در یکی از این مراحل ممکن است با عملکرد جنسی فرد تداخل کرده و منجر به ایجاد اختلالات جنسی شود. حمایت اجتماعی یکی از شاخص‌های تعیین کننده سلامت اجتماعی است که می‌تواند بر عملکرد جنسی زنان تاثیر گذار باشد. این مطالعه با هدف تعیین ارتباط حمایت اجتماعی با عملکرد جنسی زنان انجام گرفته است.

روش کار

این مطالعه بصورت مورد - شاهدهی، بر ۲۸۴ زن سنین باروری از مراجعین به مراکز پنج گانه سلامت شهر مشهد در سال ۱۳۹۴ انجام گرفت. داده‌ها از طریق پرسشنامه عملکرد جنسی زنان (FSFI)، حمایت اجتماعی دوک، مقیاس تعیین استرس، اضطراب و افسردگی (DASS21)، همراه با پرسشنامه مشخصات دموگرافیک و مامایی گردآوری شد. داده‌های جمع آوری شده با آزمون کای دو، من ویتنی و رگرسیون خطی و با استفاده از نرم افزار آماری SPSS نسخه ۲۰ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

نتایج

متوسط سن زنان در گروه مورد (اختلال عملکرد جنسی) 32.5 ± 7.86 و در زنان گروه شاهد (بدون اختلال عملکرد جنسی) 31.1 ± 7.20 بود. نتایج نشانگر آن بود که بین عملکرد جنسی و حمایت اجتماعی اختلاف معنی داری وجود داشت ($p < 0.05$). همچنین مولفه حمایت اجتماعی ۱۵ درصد واریانس عملکرد جنسی را تبیین نمود.

نتیجه گیری

یافته‌های این مطالعه بیانگر ارتباط بین حمایت اجتماعی و عملکرد جنسی بود. با توجه به یافته‌های پژوهش و شیوع بالای عملکرد جنسی زنان، مداخلات لازم جهت حمایت اجتماعی برای ارتقا عملکرد جنسی زنان ضروری است.

کلمات کلیدی: عملکرد جنسی، اختلال عملکرد جنسی، حمایت اجتماعی، زنان

۱ صدیقه اظهري

۲ زهرا کاميابي نيا*

۳ سيد رضا مظلوم

۴ نگار اصغري

۱- مربی و عضو هیئت علمی دانشکده پرستاری مامایی مشهد

۲- دانشجوی کارشناسی ارشد مامایی دانشکده پرستاری مامایی مشهد

۳- استاد مشاور آمار. دانشجوی دکتری پرستاری و عضو هیئت علمی دانشکده پرستاری مامایی مشهد

۴- استاد مشاور. دکتری روانشناسی بالینی و عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی مشهد

* مشهد- دانشگاه علوم پزشکی مشهد، دانشکده پرستاری و مامایی

Email: kamyabiniaz921@mums.ac.ir

بررسی تأثیر آموزش خوش بینی در دوران بارداری بر نگرش و قصد انتخاب نوع زایمان در زنان باردار

خلاصه

مقدمه

به علت افزایش سزارین در سال های اخیر، درصد زایمان طبیعی رو به کاهش نهاده است. از آنجایی که نگرش منفی نسبت به زایمان طبیعی یکی از مهمترین علل افزایش تمایل زنان باردار نسبت به سزارین می باشد لذا آموزش های مناسب در راستای ارتقای سطح نگرش زنان باردار و راهنمایی آنان در انتخاب بهترین روش زایمان، حائز اهمیت است. این مطالعه با هدف بررسی تأثیر آموزش خوش بینی در دوران بارداری بر نگرش و قصد انتخاب نوع زایمان زنان باردار انجام شد.

روش کار

این مطالعه، مداخله ای از نوع قبل و بعد بوده است. ۳۲ زن نخست باردار با حاملگی طبیعی ۳۴-۳۰ هفته و بدون اندیکاسیون سزارین از مراکز بهداشتی- درمانی مشهد در سال ۱۳۹۳ انتخاب و مورد مطالعه قرار گرفتند. آموزش خوش بینی، طی ۶ جلسه ۶۰ دقیقه ای با مشارکت گروهی واحدهای پژوهش و تمرین های فعال اجرا شد. پیش آزمون و پس آزمون با استفاده از پرسشنامه های روا و پایا انجام شدند. داده ها با آزمون آنالیز واریانس یکطرفه، دقیق فیشر، ویلکاکسون، تی زوجی و با استفاده از نرم افزار SPSS (نسخه ۲۲) تجزیه و تحلیل شدند. (کد ثبت IRCT ۲۰۱۵۰۶۳۰۲۲۹۹۵N1 در مرکز ثبت کارآزمایی بالینی ایران)

نتایج

میانگین نمره نگرش نسبت به زایمان طبیعی قبل از مداخله $47/6 \pm 10/3$ و بعد از مداخله $67/8 \pm 3/1$ بود ($p < 0.001$). میانگین نمره نگرش نسبت به سزارین قبل از مداخله $36/3 \pm 13/1$ و بعد از مداخله $29/5 \pm 9/6$ بود ($p < 0.001$). قصد انتخاب نوع زایمان طبیعی بعد از مداخله $28/2$ درصد افزایش داشت و قصد انتخاب زایمان سزارین به $15/6$ درصد کاهش یافت ($P=0/006$).

نتیجه گیری

آموزش خوش بینی در دوران بارداری در ایجاد نگرش مثبت نسبت به زایمان طبیعی و در نتیجه کاهش میزان سزارین انتخابی مؤثر است.

کلمات کلیدی: آموزش، خوش بینی، نگرش، نوع زایمان

^۱ مهین اسماعیلی درمیان*

^۲ صدیقه یوسف زاده

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد، مامایی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، دانشکده پرستاری و مامایی مشهد

۲- کارشناسی ارشد، مامایی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، دانشکده پرستاری و مامایی مشهد

* مشهد- دانشگاه علوم پزشکی مشهد، دانشکده پرستاری و مامایی

Email: esmaeilim65@yahoo.com

ارتباط منبع کنترل سلامت جنین با رفتار های خود مراقبتی در زنان مبتلا به دیابت بارداری

خلاصه

مقدمه

دیابت بارداری یک بیماری شایع ولی بدون علامت و در عین حال پر عارضه می باشد. مشارکت بیماران دیابتی در فرآیند درمان و مدیریت بیماری توسط خودشان، بسیار حائز اهمیت است. از سویی، درک باور های بهداشتی زنان باردار، می تواند برای افزایش کیفیت خدمات قبل از تولد در نظر گرفته شود؛ چیزی که از طریق متغیر منبع کنترل سلامت جنین، می تواند مورد مطالعه قرار گیرد. لذا، مطالعه حاضر، با هدف تعیین ارتباط منبع کنترل سلامت جنین با رفتار های خود مراقبتی در زنان مبتلا به دیابت بارداری انجام شد.

روش کار

این مطالعه همبستگی پیش بینی کننده بر روی ۴۰۰ زن مبتلا به دیابت بارداری مراجعه کننده به مراکز بهداشتی- درمانی و درمانگاه بیمارستان های وابسته به دانشگاه علوم پزشکی مشهد در سال ۱۳۹۴ در شهر مشهد انجام گرفت. اطلاعات با استفاده از پرسشنامه اطلاعات فردی، خود مراقبتی بر گرفته از مقیاس خلاصه فعالیت های خود مراقبتی توبرت و گلاسگو و مقیاس منبع کنترل سلامت جنین لابس و ورتل جمع آوری گردید. پس از تشخیص دیابت، افراد به مدت ۲ هفته، جهت خود مراقبتی، پیگیری شدند. جهت تجزیه و تحلیل داده ها، از نرم افزار آماری SPSS (نسخه ۱۶) و آزمون های آماری ضریب همبستگی پیرسون و مدل رگرسیون خطی استفاده شد. سطح معنی داری ۰/۰۵ در نظر گرفته شد.

نتایج

بر اساس نتایج حاصل از این مطالعه، ۳۰۵ نفر (۷۶/۲ درصد) از زنان مبتلا به دیابت بارداری، دارای منبع کنترل سلامت جنین از نوع درونی بودند و ۱۸۸ نفر (۴۷/۰ درصد) خود مراقبتی قوی داشتند. نتایج آزمون پیرسون نشان داد که بین سطح خود مراقبتی با ابعاد درونی ($p < 0/0001$ و $r = 0/18$) و افراد قدرتمند ($p = 0/012$ و $r = 0/12$) منبع کنترل سلامت جنین، رابطه خطی مستقیم معنی دار وجود دارد؛ ولی، با بعد شانس ($p = 0/163$ و $r = -0/07$) رابطه خطی معنی دار وجود ندارد. نتایج حاصل از مدل رگرسیون خطی عمومی نیز نشان داد که دو بعد درونی ($p < 0/0001$ و $\beta = 0/168$) و افراد قدرتمند ($p = 0/012$ و $\beta = 0/070$) به عنوان متغیر های پیش بینی کننده خود مراقبتی محسوب شدند؛ در حالی که، بعد شانس رابطه معنی داری ($p = 0/163$ و $\beta = -0/041$) نداشت.

نتیجه گیری

اعضاء تیم بهداشتی درمانی باید از نقش این پدیده روانشناختی در خود مراقبتی دیابت بارداری آگاه شده و در راستای افزایش منبع کنترل درونی و افراد قدرتمند و مسئولیت پذیری بیشتر زنان باردار، مداخلاتی را انجام دهند.

کلمات کلیدی: دیابت بارداری، خود مراقبتی، منبع کنترل، جنین

^۱ مه سیما بنائی هروان*

^۲ معصومه کردی

^۳ نگار اصغری پور

^۴ سید رضا مظلوم

^۵ فریده اخلاقی

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد مامایی، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

۲- استادیار گروه مامایی، مرکز تحقیقات مراقبت مبتنی بر شواهد، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

۳- استادیار گروه روانشناسی بالینی، مرکز تحقیقات روانپزشکی و علوم رفتاری، بیمارستان ابن سینا، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

۴- مربی گروه پرستاری، مرکز تحقیقات مراقبت مبتنی بر شواهد، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

۵- استاد گروه زنان و مامایی، مرکز تحقیقات سلامت زنان، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

* مشهد- دانشگاه علوم پزشکی مشهد، دانشکده پرستاری و مامایی

Email: banaeihtm@yahoo.com

تأثیر برنامه آموزشی - مشاوره ای ترک سیگار بر موفقیت در ترک سیگار در بیماران مبتلا به سندرم حاد کرونری

خلاصه

مقدمه

بیماری های قلبی و عروقی مهمترین عامل ناتوانی و مرگ های زودرس در سراسر جهان به شمار می روند. توصیه به ترک سیگار از بین تمام عوامل خطر بیماری های قلبی، تنها عامل خطری است که به صورت صریح در گایدلاین مراقبتی از بیماران مبتلا به سندرم حاد کرونری مورد توجه قرار گرفته است. عوامل مختلفی بر موفقیت یا شکست افراد در برنامه های ترک سیگار تأثیر دارد از جمله آنها استفاده از برنامه های حمایتی ترک سیگار است. هدف از این مطالعه تعیین تأثیر برنامه آموزشی - مشاوره ای ترک سیگار بر موفقیت در ترک سیگار در بیماران مبتلا به سندرم حاد کرونری بود.

روش کار

این کارآزمایی بالینی تصادفی شاهددار بر روی ۵۱ بیمار مبتلا به سندرم حاد کرونری بستری در بیمارستان های آموزشی مشهد انجام شد. ابزار مطالعه، پرسشنامه اطلاعات دموگرافیک و پرسشنامه موفقیت در ترک سیگار بود. در گروه مداخله، برنامه آموزشی - مشاوره ای ترک سیگار به صورت گروهی در گروه های ۳ نفره در دو جلسه اجرا شد. در جلسه اول آموزش در رابطه با مضرات سیگار، تأثیر سیگار بر دستگاه قلبی و عروقی، اهمیت ترک سیگار، عواقب و اثرات ادامه مصرف سیگار ارائه شد و در جلسه دوم به بررسی مشکلات ترک سیگار از طریق مشاوره پرداخته شد. پیگیری تلفنی تا ۳ ماه هر دو هفته یک بار انجام شد. گروه شاهد با اقدامات روتین فقط در زمان های تعیین شده پیگیری تلفنی شدند. داده ها با استفاده از نرم افزار SPSS نسخه ۱۶ تجزیه و تحلیل شد.

نتایج

میانگین سنی بیماران $54/54 \pm 10/65$ سال بود. ۹۴/۱٪ مرد (۴۸ نفر) و ۹/۲٪ (۴۶ نفر) متاهل بودند. از نظر تحصیلات ۳۷/۳٪ (۱۹ نفر) ابتدایی بودند. نتیجه آزمون کای اسکوتر از نظر موفقیت در ترک سیگار در دو گروه مداخله و کنترل در مرحله اول (۷۵٪ در برابر ۲۵/۹٪، $p=0/001$)، در مرحله دوم و سوم (۶۶/۷٪ در برابر ۲۹/۶٪، $p=0/009$)، در مرحله چهارم و پنجم (۶۶/۷٪ در برابر ۳۷/۳٪، $p=0/03$) اختلاف معناداری نشان داد اما در مرحله ششم بعد از مداخله (۶۲/۵٪ در برابر ۳۷/۳٪، $p=0/062$) از نظر آماری اختلاف معنادار نبود. اگرچه در مرحله آخر نتیجه آزمون از نظر آماری معنادار نبود اما همچنان درصد افرادی که موفق به ترک سیگار شدند بیشتر از گروه کنترل بود.

نتیجه گیری

نتایج این مطالعه نشان داد که مداخله آموزشی - مشاوره ای ترک سیگار توسط پرستاران بر موفقیت در ترک سیگار در بیماران مبتلا به سندرم حاد کرونری موثر است.

کلمات کلیدی: ترک سیگار، آموزش ترک سیگار، مشاوره، موفقیت در ترک سیگار

^۱ زینب کاظم زاده*

^۲ زهرا سادات منظری

^۳ سید رضا مظلوم

^۴ محمود ابراهیمی

^۵ سعید واقعی

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد پرستاری، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، کمیته تحقیقات دانشجویی، مشهد، ایران

۲- استادیار پرستاری، گروه داخلی جراحی دانشکده پرستاری و مامایی مشهد، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

۳- مربی، گروه داخلی جراحی دانشکده پرستاری و مامایی مشهد، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

۴- دانشیار، متخصص قلب و عروق، عضو هیئت علمی دانشکده پزشکی مشهد، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

۵- مربی پرستاری، گروه بهداشت، روان و مدیریت دانشکده پرستاری و مامایی مشهد، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

* مشهد- دانشگاه علوم پزشکی مشهد، دانشکده پرستاری و مامایی، کمیته تحقیقات دانشجویی
Email: kazemzadehz921@mums.ac.ir

ادراک و تجارب زنان از چالشهای موجود در درمان ناباروری مردانه: یک مطالعه کیفی

خلاصه

مقدمه

ناباروری یک بحران پیچیده زندگی است که از لحاظ روان شناختی تهدیدکننده است، لذا در سالهای اخیر تقاضا برای درمان آن بشدت افزایش یافته است، در ناباروری ناشی از علل مردانه نیز به طور معمول، زنان بار عمده درمان و تبعات ناشی از آن را تحمل می کنند. به همین دلیل شناخت مسایل و مشکلات درمانی و رفع و اصلاح آنها برای کمک به این افراد نقش بسزایی دارد و آشنایی با چالشهای موجود می تواند زمینه ساز برنامه ریزی جهت ایجاد تحول و بهبود شرایط شود. هدف مطالعه حاضر تبیین ادراک و تجارب زنان از چالشهای موجود در درمان ناباروری مردانه است.

روش کار

پژوهش کیفی حاضر به روش تحلیل محتوا انجام شد، ۳۰ مصاحبه نیمه ساختار یافته با زنانی که همسران آنها نابارور بودند صورت گرفت، روش نمونه گیری به روش مبتنی بر هدف بود و تا رسیدن به اشباع داده ها انجام شد. تمام مصاحبه ها ضبط، دست نویس و سپس خط به خط تحلیل شد. تجزیه و تحلیل داده ها با استفاده از روش تحلیل محتوای قراردادی انجام شد.

نتایج

از تجزیه و تحلیل داده ها ۴ طبقه هزینه های گزاف درمانی، ناکارآمدی امکانات و صلاحیت ارتباطی - حرفه ای کادر درمان، اسیر بودن در روند درمانی و شکست درمان استخراج گردید.

نتیجه گیری

تجارب زنانی که با ناباروری مردانه مواجه هستند حاکی از دغدغه های بسیار آنان در حوزه درمان است. لذا ضرورت توسعه حمایت های مالی و عاطفی از مراجعان و ارتقا کیفیت خدمات درمانی به روشنی مشاهده می شود. همچنین در نظر گرفتن چالشهای درمانی این گروه از زنان می تواند به برنامه ریزی مناسب جهت ارتقا کیفیت آن کمک نماید.

کلمات کلیدی: ناباروری مردانه، زنان، چالشهای درمانی، مطالعه کیفی

۱ فاطمه زهرا کریمی*

۲ علی تقی پور

۳ رباب لطیف نژاد رودسری

۴ سید علی کیمیایی

۵ سید رضا مظلوم

۶ ملیحه امیریان

۱- دانشجوی دکترای تخصصی بهداشت باروری،

کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده پرستاری و

مامایی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

۲- دانشیار، مرکز تحقیقات علوم بهداشتی، گروه

آمار زیستی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم

پزشکی مشهد، مشهد، ایران

۳- دانشیار گروه بهداشت باروری، مرکز تحقیقات

مراقبت مبتنی بر شواهد، دانشکده پرستاری و

مامایی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

۴- استادیار گروه مشاوره خانواده، دانشکده علوم

تربیتی و روانشناسی، دانشگاه فردوسی مشهد،

مشهد، ایران

۵- مربی گروه آموزشی پرستاری، مرکز تحقیقات

مراقبت مبتنی بر شواهد، دانشکده پرستاری و

مامایی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

۶- استادیار گروه زنان، مرکز تحقیقات سلامت

زنان، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی

مشهد، مشهد، ایران

* مشهد- دانشگاه علوم پزشکی مشهد، دانشکده

پرستاری و مامایی، کمیته تحقیقات دانشجویی

Email: karimifz901@mums.ac.ir

بررسی عوامل استرس زای محیط دندانپزشکی در دانشجویان بالینی دانشکده دندانپزشکی مشهد، در سال تحصیلی ۹۵-۹۴

خلاصه

مقدمه

دانشجویان رشته ی دندانپزشکی علاوه بر استرس های دروس تئوری، تحت استرس محیط بالینی هم قرار می گیرند. لذا این موضوع بر کارایی آموزشی بالینی آن ها تاثیر منفی گذاشته و در طولانی مدت منجر به اختلالات روانی و جسمی گردد. لذا با توجه اهمیت سلامت روحی و جسمی یک دندانپزشک در جامعه، هدف از این مطالعه، بررسی عوامل استرس زای محیط دندانپزشکی در دانشجویان بالینی دانشکده دندانپزشکی مشهد بود.

روش کار

این مطالعه ی توصیفی- تحلیلی (مقطعی) در بین دانشجویان مقطع بالینی (سال سه تا شش) دانشکده دندانپزشکی مشهد در نیمسال اول ۹۵-۹۴، صورت گرفت. فرم اطلاعات دموگرافیک، پرسشنامه تغییر یافته استرس محیط دندانپزشکی در نیمسال اول سال تحصیلی ۹۵-۹۴ توسط ۱۳۹ نفر از دانشجویان (۳۰ نفر سال ۶، ۳۵ نفر سال ۵، ۳۶ نفر سال ۴، ۳۸ نفر سال ۳) که به روش غیر تصادفی مبتنی بر هدف وارد مطالعه شده بودند پاسخ داده شد. روایی بواسطه ی ایجاد Focus group از تیپ های مختلف دانشجویی و اعمال نظرات آن ها و پایایی با روش بازآزمایی تایید شد. سپس، میانگین امتیازات محاسبه گردید و از آزمونهای توصیفی جهت تحلیل توصیفی و از آزمونهای کولموگروف اسمیرنوف، کای اسکور، T-Test، ANOVA جهت تحلیل داده استفاده شده است.

نتایج

میانگین نمره کلی استرس در دانشجویان مورد مطالعه 2.37 ± 0.46 بود و بالاترین میانگین نمره کلی استرس محیط کار دندانپزشکی در دانشجویان سال سوم مشاهده گردید (2.57 ± 0.38). تفاوت معنی داری در میانگین نمره کلی استرس بین دانشجویان سالهای مختلف مشاهده شد ($P_Value = 0.005$) که این اختلاف در بین سال ۳ با سال ۵ و ۶ معنادار بود ($P_Value < 0.05$). همچنین اختلاف آماری معنادار در میانگین نمره کلی استرس دانشجویان سالهای مختلف بر حسب متغیر علت انتخاب رشته دندانپزشکی ($P_Value = 0.014$) مشاهده شد، در حالی که در رابطه با متغیرهای جنس، معدل، سهمیه، وضعیت تاهل، دوری از خانه، محل سکونت در دانشگاه، اولویت اول انتخاب رشته ی دندانپزشکی و گروه سنی مشاهده نشد. در بررسی حیطه های مختلف استرس محیط کار دندانپزشکی در دانشجویان سالهای مختلف تفاوت معنی داری در حیطه کارایی دانشگاهی و آموزش کلینیک دیده شد ($P_Value < 0.05$).

نتیجه گیری

یافته ها نیاز به کاهش استرس در دانشجویان سال سه که به تازگی وارد فانتوم شده اند را نشان می دهد و لزوم بازنگری در آموزش کلینیکی و کارایی دانشگاهی را در جهت کاهش استرس، به اساتید و مسئولان دانشکده نشان می دهد.

کلمات کلیدی: عوامل استرس زاء، دانشجویان بالینی، دندانپزشکی

^۱ سیده مریم امیدخدا

^۲ علیرضا چمنی*

^۳ محسن قلی زاده

۱- دانشیار بخش ارتودنسی دانشکده دندانپزشکی

مشهد، دانشگاه علوم پزشکی مشهد

۲- دانشجوی سال پنجم دندانپزشکی، دانشکده

دندانپزشکی مشهد، دانشگاه علوم پزشکی مشهد

۳- دانشجوی سال پنجم دندانپزشکی، دانشکده

دندانپزشکی مشهد، دانشگاه علوم پزشکی مشهد

* مشهد- دانشگاه علوم پزشکی مشهد، دانشکده

دندانپزشکی

Email: chamania901@mums.ac.ir

Computational analysis to miRNAs prediction which target 3'-UTR of mTOR gene

¹ Javad Razaviyan*

² Razie Hadavi

1- MSc Student of Clinical Biochemistry, Student Scientific Research Center, Tehran University of Medical Sciences (TUMS)

2- MSc Student of Clinical Biochemistry, Student Research Committee, Semnam University of Medical Sciences (SEMUMS)

* Student Scientific Research Center, Tehran University of Medical Sciences (TUMS)

Email: javadrazaviyan@gmail.com

Abstract

Introduction: The mechanistic/mammalian Target Of Rapamycin (mTOR) is a Ser/Thr kinase, the key downstream effector of PI3K pathway that controls several anabolic processes in cell growth and proliferation. Dysregulation of this gene has been implicated in several diseases, including cancers. MicroRNAs (miR) are small-non-coding and single strand RNAs that inhibit protein translation by targeting the 3'-UTR of mRNA. There are two types of miR: onco miR and tumor suppressor miR. As with previous, dysregulation in miR also is being seen in many of cancers.

Methods: This is a computational/bioinformatical study was conducted on some software's and data banks including miRBase, TargetScan Humans, miRanda, microCosm, PicTar, miRTar, miRWalk, TarsBase and so on during 2015. Gene ID, symbol or accession number in Gene, NCBI or Ensemble was used in this software's in order to prediction. After submission, Data from each of them were collected and insert to excel for more analysis. Among the results, the miR that has more repeat in data banks was selected as a most valuable result.

Results: Data were collected from 13 data banks and miR prediction software's. In total thousands of miR were checked to the determination of most repeated. Totally, 8mer and 7mer-m8 seed match were observed in 53 and 120 miR predicted, respectively. The final analysis is shown the two miR including hsa-miR-100-5p and hsa-miR-99a-5p were the most repeated (%92.3, $p < 0.05$) almost in all of the data banks (12 of 13) that target the 3'-UTR of mTOR.

Conclusion: According to these findings, hsa-miR-100-5p and hsa-miR-99a-5p are two candidates miR can target the mTOR mRNA and silence the translation of them. This is considered as a post-transcriptional regulation in gene translation. To confirm this *in silico* findings, data must examine with additional tests including luciferase assay.

Key words: mTOR, microRNA, miR prediction, hsa-miR-100-5p, hsa-miR-99a-5p

Dietary Approaches to Stop Hypertension Style Diet is Inversely Associated with Incident Chronic Kidney Disease

¹ Emad Yuzbashian*

² Parvin Mirmiran

³ Golaleh Asghari

⁴ Fereidoun Azizi

1- Biochemistry and Nutrition Research Center, Department of Biochemistry and Nutrition Sciences, School of Medicine, Mashhad University of Medical Sciences, Mashhad, Iran

2,3- Nutrition and Endocrine Research Center, Research Institute for Endocrine Sciences, Shahid Beheshti University of Medical Sciences, Tehran, Iran

4- Endocrine Research Center, Research Institute for Endocrine Sciences, Shahid Beheshti University of Medical Sciences, Tehran, Iran

* Biochemistry and Nutrition Research Center, Department of Biochemistry and Nutrition Sciences, School of Medicine, Mashhad University of Medical Sciences, Mashhad, Iran
Email: e_yuzbashian@yahoo.com

Abstract

Introduction: Chronic kidney disease (CKD), a worldwide epidemic, is a complex disorder with high socioeconomic cost. The Dietary Approaches to Stop Hypertension (DASH) diet is a well-established overall dietary pattern with components, which has been identified as potential risk factors. This study was conducted to examine the association between adherence to the DASH score and incident CKD among an Iranian population.

Methods: We followed-up 1630 participants (50.5% women, mean age: 42.8 years) within the Tehran Lipid and Glucose Study (TLGS) for 6 years, who were initially free of CKD. Baseline diet was assessed using a valid and reliable 168-item food-frequency questionnaire. A DASH score based on eight components (fruits, vegetables, whole grains, nuts and legumes, low fat dairy, red and processed meats, sweetened beverages, and sodium) was calculated. Estimated glomerular filtration rate (eGFR) was calculated using the Modification of Diet in Renal Disease (MDRD) Study equation and CKD was defined as eGFR <60 mL/min/1.73 m². Odds ratios (ORs) using multiple logistic regression reported for the association of incident CKD with DASH score.

Results: The incidence of CKD among those in the top quartile of the DASH score was 30%, which was 18% lower than among those in the bottom quintile. After controlling for age, sex, and total energy intake, adherence to the DASH diet was inversely associated with the incident CKD (OR: 0.55; 95% CI: 0.37-0.51). These associations remained significant even after additionally adjustment for physical activity, smoking, family history of diabetes, serum triglycerides, BMI, hypertension, and diabetes.

Conclusion: Adherence to the DASH-style diet is associated with a lower risk of incident CKD among adults during 6 years of follow-up.

Key words: DASH; Chronic kidney disease; Glomerular filtration rate; Diet quality

تأثیر عصاره هیدروالکلی شاتره گل ریز (*Fumaria parviflora* Lam) بر سلول های خونی موش سوری

خلاصه

مقدمه

در ایران ۷ گونه گیاه علفی یک ساله از جنس شاتره (*Fumaria* L) موجود می باشد. گونه دارویی این گیاه در دنیا *Fumaria officinalis* می باشد که دارای خاصیت صفرا بر است. گونه دارویی شاتره (*Fumaria officinalis*) در ایران موجود نمی باشد؛ گونه ای از آن که در طب سنتی ایران مورد استفاده قرار می گیرد و خواص درمانی مشابهی با گونه دارویی آن دارد، گونه *Fumaria parviflora* است. در این مطالعه تأثیر عصاره هیدروالکلی شاتره گل ریز (*Fumaria parviflora* Lam) بر سلول های خونی موش کوچک آزمایشگاهی مورد بررسی قرار گرفت.

روش کار

در این مطالعه تجربی ۴۰ سر موش صحرایی نر بالغ با وزن تقریبی 200 ± 5 گرم به گروه های کنترل (بدون درمان) و سه گروه تیمار (به صورت خوراکی به مدت ۱۵ و ۳۰ روز به ترتیب دوز های ۱۰۰، ۲۰۰، ۳۰۰ mg/kg عصاره هیدروالکلی شاتره دریافت نمودند). تقسیم شدند. شاخص های تعداد گلبول های سفید و قرمز، میانگین هماتوکریت، حجم متوسط هموگلوبین و پلاکت برای هر گروه به طور جداگانه اندازه گیری شد. نتایج به دست آمده با استفاده از نرم افزار SPSS17 مورد تجزیه و تحلیل آماری قرار گرفت.

نتایج

در روز ۱۵ مورد آزمایش میانگین میزان هماتوکریت، گلبول های سفید و قرمز، هموگلوبین و پلاکت به صورت معنی داری در گروه های دریافت کننده عصاره هیدرو الکی شاتره نسبت به گروه کنترل افزایش یافت ($p \leq 0.05$). اما در مرحله دوم آزمایش (روز ۳۰) میانگین گلبول قرمز در گروه دریافت کننده ۱۰۰ میلی گرم عصاره هیدرو الکی شاتره نسبت به گروه کنترل تغییر معنی داری نداشت ($p \leq 0.05$). اما در دیگر گروهها افزایش میزان هماتوکریت، گلبول های سفید و قرمز، هموگلوبین و پلاکت به صورت معنی داری مشاهده گردید.

نتیجه گیری

با توجه به نتایج بدست آمده از مطالعه اخیر، عصاره هیدروالکلی شاتره با افزایش گلبول قرمز در فرایند خون سازی و با افزایش گلبول های سفید در تقویت سیستم ایمنی موثر است.

کلمات کلیدی: عصاره هیدروالکلی، شاتره گل ریز، سلول های خونی

^۱ سید علیرضا اسماعیلی*

^۲ هادی زارع مرزونی

^۳ فاطمه مردانی

^۴ زهره وحیدی

^۵ علی قربانی

^{۱،۲،۳،۴} - مرکز تحقیقات ایمنولوژی، دانشگاه

علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

^{۱،۲،۳،۴} - کمیته تحقیقات دانشجویی، گروه ایمنی

شناسی پزشکی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم

پزشکی مشهد، مشهد، ایران

^۵ - گروه بیوتکنولوژی، دانشگاه فردوسی مشهد،

مشهد، ایران

*مشهد-، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مرکز

تحقیقات ایمنولوژی

Email: imunoman2009@gmail.com

The effects of Vitamin C administration during juvenile growth on learning and memory of rats

¹ Niloufar Sadeghi Ghuzhdi*

² Mahmoud Hoseini

³ Farimah Beheshti

1,2,3- Neurocognitive Research Center,
School of Medicine, Mashhad University
of Medical Sciences, Iran

2- Neurogenic Inflammation Research
Center, School of Medicine, Mashhad
University of Medical Sciences, Iran

* Neurocognitive Research Center,
School of Medicine, Mashhad University
of Medical Sciences, Iran
Email: nsadeghi_md,9574@yahoo.com

Abstract

Introduction: The positive roles of antioxidants on the brain development and learning and memory have been suggested. Vitamin C (Vit C) has been suggested to have antioxidant and neuroprotective effects. This study was done to investigate the effects feeding by Vit C during neonatal and juvenile growth on learning and memory of rats.

Methods: The pregnant rats were kept in separate cages. After delivery, they were randomly divided into four groups including: 1) Control 2) Vit C 10 mg/kg (Vit C 10) 3) Vit C 100 mg/kg (Vit C 100) and 4) Vit C 500 mg/kg (Vit C 500). The rats in the control group received normal drinking water, whereas the groups 2, 3 and 4 received the same drinking water supplemented with Vit C (10, 100 and 500 mg/ kg respectively) from the first day after birth through the first 8 weeks of life of offspring. After 8 weeks, 10 male offspring of each group were randomly selected and tested in the Morris water maze (MWM) and passive avoidance (PA) tests. All data were expressed as means $\pm$ SEM. SPSS software (11.5) was used to evaluate data. Differences were considered statistically significant when $p < 0.05$.

Results: In MWM, treatment by 10- 500 mg/ kg Vit C reduced both the time latency and traveled distance to reach the platform compared to control group ($P < 0.001$). All 10, 100 and 500 mg/ kg of Vit C increased the time spent in target quadrant ($P < 0.05$ - $P < 0.001$). In PA test, the treatment of the animals by 10 and 100 mg/kg of Vit C significantly increased the latency for entering the dark compartment ($P < 0.05$ - $P < 0.001$).

Conclusion: These results allow us to propose that administration of Vitamin C during juvenile growth improves learning and memory of rats.

Key words: Vitamin C, Juvenile, Learning, Memory

بررسی اثر دزهای کم پرتو یونیزان بر میزان بیان ژن های IL-4 و IFN- γ در لنفوسیت های طحال موش Balb/C

خلاصه

مقدمه

با گسترش کاربرد پرتوهای یونیزان در صنعت و علوم پزشکی، آثار این پرتوها خصوصاً در دزهای کم، توجه محققین را در حوزه های مختلف بیولوژی و پزشکی به خود جلب کرده است. با توجه به این که پرتوهای یونیزان آثار قابل توجهی بر سیستم ایمنی می گذارند، این پژوهش با هدف بررسی اثر دزهای کم پرتوهای یونیزان بر میزان بیان ژن های IL-4 و IFN- γ در لنفوسیت های طحال موش نژاد Balb/C طراحی گردید.

روش کار

موش ها در گروه های مختلف تحت تابش تمام بدن پرتوهای گاما با دزهای ۲۰، ۵۰ و ۱۰۰ میلی گری از کبالت-۶۰ در بیمارستان امید مشهد قرار داده شدند. ۲۴ ساعت پس از تابش دهی، سلول های طحال موش جداسازی گردید و سپس بعد از استخراج RNA و سنتز cDNA، میزان بیان ژن های IL-4 و IFN- γ به وسیله تکنیک Real-Time PCR بررسی شد. همچنین، نسبت IFN- γ /IL-4 به منظور بررسی دقیق تر پاسخ های ایمنی محاسبه و کلیه نتایج با استفاده از نرم افزار SPSS 20 و آزمون T تجزیه و تحلیل گردید.

نتایج

نتایج این مطالعه نشان دهنده تغییرات پاسخ های ایمنی در دزهای کم پرتوهای یونیزان می باشد. بررسی داده ها در گروه تابش داده شده با دز ۲۰ میلی گری نشان دهنده افزایش معنادار نسبت IFN- γ /IL-4 در مقایسه با گروه کنترل و تغییر پاسخ های ایمنی به سمت Th1 است، در حالیکه در گروه تابش داده شده با دز ۵۰ میلی گری، علی رغم کاهش معنادار در بیان ژن IL-4، کاهش IFN- γ /IL-4 غیر معنادار بوده و در گروه تابش داده شده با دز ۱۰۰ میلی گری ضمن افزایش معنادار بیان ژن IL-4، نسبت IFN- γ /IL-4 افزایش غیر معنادار را نشان می دهد.

نتیجه گیری

دزهای کم پرتوهای یونیزان می توانند موجب فعال شدن سیستم ایمنی، به سمت ایمنی هومورال و یا سلولی گردد و تغییر در پاسخ های ایمنی تا حد زیادی به دز وابسته است. از آنجا که دزهای کم در کاربردهای تشخیصی پرتوهای یونیزان و نیز در مشاغل پرتوی دریافت می شوند، این نتایج می توانند برای پرتوکاران، جامعه ی پزشکی و نیز بیماران درگیر با مشکلات خودایمنی بسیار مهم و کاربردی باشند.

کلمات کلیدی: موش نژاد Balb/C، دزهای کم پرتوهای یونیزان، سیستم ایمنی، بیان ژن

۱- مریم نجفی امیری*

۲- محمدتقی بحرینی طوسی

۳- مجتبی سنکیان

۴- حسین عظیمیان

۵- سپیده عبداللهی

۶- سارا خادمی

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد فیزیک پزشکی،

دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی مشهد،

مشهد، ایران

۲- استاد گروه آموزشی فیزیک پزشکی، مرکز

تحقیقات فیزیک پزشکی مشهد، دانشگاه علوم

پزشکی مشهد، مشهد، ایران

۳- استادیار گروه آموزشی ایمونولوژی، مرکز

تحقیقات ایمونولوژی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد،

مشهد، ایران

۴- دانشجوی دکتری فیزیک پزشکی، دانشکده

پزشکی دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

۵- دانشجوی کارشناسی ارشد فیزیک پزشکی،

دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی مشهد،

مشهد، ایران

۶- دانشجوی دکتری فیزیک پزشکی، دانشکده

پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی تهران، ایران

* مشهد- دانشگاه علوم پزشکی مشهد، دانشکده

پزشکی

Email: najafiam921@mums.ac.ir

Effects of crocin on SUMOylation patterns in intoxication with diazinon in heart of rats

¹ Atena Pourtaji*

² Khalil Abnous

³ Mohammad Ramezani

⁴ Hosein Hoseinzadeh

⁵ Bibi Marjan Razavi

1- Department of Toxicology and Pharmacology, School of Pharmacy, International Branch, Mashhad University of Medical Sciences, Mashhad, Iran

2- Pharmaceutical Research Center, School of Pharmacy, Mashhad University of Medical Sciences, Mashhad, Iran

3- Department of Biotechnology, School of Pharmacy, Mashhad University of Medical Sciences, Mashhad, Iran

4,5- Department of Toxicology and Pharmacology, School of Pharmacy, Mashhad University of Medical Sciences, Mashhad, Iran

* Department of Toxicology and Pharmacology, School of Pharmacy, International Branch, Mashhad University of Medical Sciences, Mashhad, Iran

Email: pourtaji931@mums.ac.ir

Abstract

Introduction: Small ubiquitin-like modifier (SUMO) are a family of Ubiquitin like proteins that are involved in wide variety of signalling pathways. Sumoylation as a post translational modification is well known in Eukaryotic cells. The aim of this study was to investigate sumoylation pattern of proteins after intoxication with diazinon and co administration of crocin as a protective compound.

Methods: Effects and evaluation of hif-sumo and p53- sumo proteins in poisoning with diazinon and effect of crocin in rat. these proteins were immunoprecipitated and the level of sumoylated was measured by western blotting. Crocin at doses 12.5, 25 and 50 mg/kg were injected intraperitoneally to rats. Crocin most important cause is the color of the saffron plant. Crocin in extensive studies performed and it refers to the role of antioxidant and anti-apoptotic. Diazinon is an organophosphate insecticide with a change in the interaction of intracellular oxidative stress can cause programmed cell death. More over HIF and P53 protein levels, as known SUMO substrates were studied.

In brief global SUMOylation, HIF-1 and P53 were evaluated using western blotting. To measure SUMO-HIF-1 and SUMO-P53 levels, these proteins were immuno precipitated and then subjected to western blotting.

Results: Our data showed that Diazinon, Vitamin E and 50 mg/kg significantly decreased SUMO-1 adducts, while they did not significantly changed SUMO-2,3 levels. Co administration of diazino and 25 and 50 mg/kg crocin significantly decreased SUMO-1 adducts. 25 mg/kg crocin significantly increased SUMO2,3 levels.

Conclusion: We showed that SUMOylation of HIF and P53, in all experimental groups, plays a key role in regulation of active form of these transcription factors.

In conclusion SUMOylation could be considered as one of the important signalling pathway in intoxication with diazinon and explanation of protective effects of crocin.

Key words: Saffron, Crocin, Diazinon, Apoptosis, SUMOylation, SUMO1, SUMO2/3, P53. HIF

***Portulaca olerace* affects muscarinic receptors of guinea-pig tracheal smooth muscle**

¹ Majid Kiyanmehr*
² Mohammadreza Khazdair
³ Milad Hashemzahi
⁴ Vahid Reza Askari
⁵ Mohammad Hosein Boskabady

1,5- Neurogenic Inflammation Research Centre and Dept. of Physiology, School of Medicine, Mashhad University of Medical Sciences, Mashhad, Iran

2- Pharmaceutical Research Center and Dept. of Physiology School of Medicine, Mashhad University of Medical Sciences, Mashhad, Iran

2- Student Research Committee, Mashhad University of Medical Sciences, Mashhad, Iran

3- Department of Physiology, School of Medicine, Jiroft University of Medical Sciences, Jiroft, Iran

4- Student Research Committee, Faculty of Pharmacy, Mashhad University of Medical Sciences, Mashhad, Iran

* Neurogenic Inflammation Research Centre and Dept. of Physiology, School of Medicine, Mashhad University of Medical Sciences, Mashhad, Iran
Email: kianmehrm891@mums.ac.ir

Abstract

Introduction: The relaxant effect of *Portulacaoleracea*L. (*P. oleracea*) on tracheal smooth muscles (TSM) has been shown. To investigate one possible mechanism responsible for the **Method:** relaxant effect of *P. olerace*, its effect on muscarinic receptors (MR) of TSM was examined. Concentration response curves to methacholine were performed in the presence of three concentrations of aqueous-ethanolic extract from aerial part of the plant (0.25, 0.50 and 1.00 mg/ml), 10 nM atropine, and saline. The values of EC₅₀ (effective concentration causing 50% of maximum response) and (CR-1) [(EC₅₀ of test solutions/ EC₅₀ of saline)-1] were measured. The study was done non-incubated (group 1), incubated tissues with propranolol and chlorpheniramine (group 2) and incubated tissues with propranolol (group 3).

Results: Concentration-response curves to methacholine were shifted to the right and EC₅₀ methacholine were higher in the presence of atropine, medium and highest extract concentrations in all groups and its low concentration in group 3 compared to saline ($p < 0.05$ to $p < 0.001$). In addition, EC₅₀ methacholine in the presence of high extract concentration (27.00 ± 2.12) in group 2 was greater than its low (10.33 ± 1.54) and medium (16.83 ± 2.52) concentrations ($p < 0.001$ and $P < 0.05$ respectively). The values of the CR-1 obtained in the presence of all extract concentrations in all groups were lower than that of atropine ($P < 0.05$ to $P < 0.001$).

Conclusion: An inhibitory effect for the extract of *P. olerace* on MR of TSM was shown and a histamine (H₁) receptor blockade was also suggested.

Key words: *Portulaca olerace*, muscarinic receptor, tracheal smooth muscle, inhibitory effect, aqueous-ethanolic extract

Effect of *Nigella Sativa* administration during neonatal and juvenile growth on learning and memory of rats

¹ Vajiheh Alikhani*

² Mahmoud Hoseini

³ Farimah Beheshti

1,2,3- Neurocognitive Research Center, School of Medicine, Mashhad University of Medical Sciences, Iran

2- Pharmacological Research Center of Medicinal Plants, School of Medicine, Mashhad University of Medical Sciences, Iran

* Neurocognitive Research Center, School of Medicine, Mashhad University of Medical Sciences, Iran
Email: vajiheh.alikhani@gmail.com

Abstract

Introduction: The positive roles of antioxidants on brain development and learning and memory have been suggested. *Nigella Sativa* (NS) has been suggested to have antioxidant and neuroprotective effects. This study was done to investigate the effects feeding by the hydro-alcoholic extract of NS during neonatal and juvenile growth on learning and memory of rats.

Methods: Fourteen pregnant rats were kept in separate cages. After delivery, they were randomly divided into four groups including: 1) Control 2) NS100 mg/kg(NS 100) 3) NS 200mg/kg(NS 200) and 4) NS400mg/kg(NS 400). Rats in the control group received normal drinking water, whereas the group 2, 3 and 4 received the same drinking water supplemented with the hydro-alcoholic extract of *Nigella sativa* (100, 200 and 400 mg/ kg respectively) from the first day after birth through the first 8 weeks of life of offspring. After 8 weeks, 10 male offspring of each group were randomly selected and tested in the Morris water maze (MWM) and passive avoidance. All data were expressed as means $\pm$ SEM. SPSS software (11.5) was used to evaluate data. Differences were considered statistically significant when $p < 0.05$.

Results: In MWM, treatment by 400 mg/ kg extract reduced both the time latency and traveled distance to reach the platform compared to control group ($p < 0.05$ - $p < 0.01$). Both 200 and 400 mg/ kg of the extract increased the time spent in target quadrant ($p < 0.05$ - $p < 0.01$). In passive avoidance test, the treatment of the animals by 200 and 400 mg/kg of NS extract significantly increased the time latency for entering the dark compartment ($P < 0.05$ - $P < 0.001$).

Conclusion: These results allow us to propose that feeding of the rats by the hydro-alcoholic extract of NS during neonatal and juvenile growth have positive effects on learning and memory. The effect might be due to the anti-oxidative effects.

Key words: *Nigella Sativa*, Neonatal, Juvenile, Learning, Memory, Oxidative stress

Comparative analysis of iron Super Oxide Dismutase expression (FeSOD) in sensitive and resistant isolates of *L. tropica* to Meglumine antimoniate by Real-Time PCR

¹ Afsane Bahrami*

² Elham Kazemi-Rad

³ Homa Hajjarian

1,2,3- Department of Medical Parasitology and Mycology, School of Public Health, Tehran University of Medical Sciences, Tehran, Iran

1- Department of Modern Sciences and Technologies, School of Medicine, Mashhad University of Medical Sciences, Mashhad, Iran

2- Department of Parasitology, Pasteur Institute of Iran, Tehran, Iran

* Department of Medical Parasitology and Mycology, School of Public Health, Tehran University of Medical Sciences, Tehran, Iran

Email: bahramia931@mums.ac.ir

Abstract

Introduction: Leishmania species which belongs to Kinetoplastide family must defend self against free radicals to survive in host macrophages. Iron-Superoxide dismutase (Fe-SOD) is an antioxidant enzyme in Leishmania spp, which prevent cellular oxidative damages.

Methods: In this comparative study, we assessed expression of mitochondrial Iron superoxide dismutase (SOD A) and glycosomal (SOD B) in 26 meglumine antimoniate (Glucantime®) sensitive and resistant isolated Leishmania tropica. The used method was real-time PCR. Sensitive and resistant *L. tropica* parasite were isolated from anthroponotic cutaneous leishmaniasis (ACL) patients.

Results: Real time RT-PCR revealed a significant up and down regulation of SOD A (2.87 Folds) ($P<0.05$), and SOD B (-3.48 folds) ($P<0.05$) in sensitive isolate compared to resistant one, respectively.

Conclusion: Our primary results suggested that Leishmania parasites can potentially contribute in growth and survive within host macrophages in interface with the antimony drugs, by using different levels of superoxide dismutase expression as defense mechanisms.

Key words: Super Oxide Dismutase, sensitive, Resistant, *L. tropica*, RT-PCR

تعیین پارامترهای دزیمتری برای چشمه‌های براکی تراپی کبالت-۶۰ و ایریدیم-۱۹۲

خلاصه

مقدمه

امروزه چشمه‌های براکی تراپی، به‌طور گسترده‌ای برای درمان سرطان‌ها استفاده می‌شوند. گزارش گروه کاری ۴۳ (TG-43) انجمن فیزیک پزشکی آمریکا به‌عنوان متداول‌ترین روش برای به‌دست آوردن توزیع دز در اطراف چشمه‌های براکی تراپی شناخته شده است. هدف از این پژوهش به‌دست آوردن پارامترهای دزیمتری گروه کاری ۴۳ چشمه‌های کبالت-۶۰ و ایریدیم-۱۹۲ از طریق شبیه‌سازی مونت کارلو می‌باشد.

روش کار

در این پژوهش ۲ چشمه براکی تراپی کبالت-۶۰ مدل Co0.A86 و ایریدیم-۱۹۲ مدل (BEBIG) با استفاده از روش مونت کارلو با کد MCNPX شبیه‌سازی شده‌اند. برای شبیه‌سازی چشمه‌های مورد نظر در این تحقیق، مشخصات هندسی دقیق هر یک از چشمه‌ها، به‌عنوان ورودی به برنامه شبیه‌سازی وارد شدند. و پارامترهای دزیمتری شامل ثابت آهنگ دز، تابع دز شعاعی و تابع ناهمسانگردی برای هر یک از چشمه‌ها محاسبه شد. برنامه‌ها با رهگیری تعداد کافی ذرات اجرا شد. بیشینه عدم قطعیت آماری نوع الف برای چشمه کبالت-۶۰، برابر با ۴ درصد بود و برای چشمه ایریدیم-۱۹۲ برابر با ۳/۹ درصد بود.

نتایج

نتایج به‌دست آمده برای پارامترهای دزیمتری ثابت آهنگ دز، تابع دز شعاعی و تابع ناهمسانگردی دستورالعمل TG-43 برای چشمه‌های کبالت ۶۰ و ایریدیم ۱۹۲ در این مطالعه توافق خوبی با مطالعه گرانو و همکاران نشان داد.

نتیجه‌گیری

با توجه به توافق خوب نتایج این مطالعه با سایر مطالعات، نتایج به‌دست آمده برای پارامترهای TG-43 چشمه‌های کبالت-۶۰ و ایریدیم-۱۹۲ در این پژوهش را می‌توان به‌عنوان ورودی برای سیستم‌های طراحی درمان و همچنین برای اعتبارسنجی محاسبات این سیستم‌ها استفاده کرد.

کلمات کلیدی: براکی تراپی، پارامترهای دزیمتری، شبیه‌سازی مونت کارلو، دستورالعمل TG-43، چشمه کبالت-۶۰، چشمه ایریدیم-۱۹۲

^۱ اعظم مظفری*

^۲ مهدی قربانی

۱- دانشجوی کارشناس ارشد فیزیک پزشکی،

دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد،

مشهد، ایران

۲- مرکز تحقیقات فیزیک پزشکی، دانشگاه علوم

پزشکی مشهد، مشهد، ایران

*مشهد- دانشگاه علوم پزشکی مشهد، دانشکده

پزشکی

Email: mozaffariazam@yahoo.com

بررسی میزان پرتوگیری اعضای خانواده بیماران سرطان تیروئید تحت درمان با ید ۱۳۱ (I₁₃₁)

خلاصه

مقدمه

درمان با ید رادیواکتیو ۱۳۱، روش مطلوبی برای درمان بیماران مبتلا به پرکاری تیروئید می باشد. مشکل عمده ای این نوع درمان، آلودگی محیطی اطراف بیماران و پرتوگیری نزدیکان بیماران تحت درمان با ید رادیواکتیو ۱۳۱ می باشد. هدف از این مطالعه، اندازه گیری و بررسیدوز موثر دریافتی اعضای خانواده بیماران سرطان تیروئید تحت درمان با ید رادیواکتیو ۱۳۱ بر اساس استانداردهای کمیسیون بین المللی حفاظت رادیولوژی (ICRP = International Commission on Radiological Protection)، استانداردهای ایمنی عمومی (BSS = Basic Safety Standards) و آژانس بین المللی انرژی اتمی (IAEA = International Atomic Energy Agency) می باشد.

روش کار

برای تخمین دوز موثر، ۷۴ اندازه گیری به صورت تصادفی بر روی همراهان ۱۶ بیمار مبتلا به سرطان تیروئید بستری شده در بیمارستان قائم مشهد در پاییز سال ۹۴ صورت گرفت. در این بررسی، حد آستانه ترخیص بیماران $30 \frac{\mu\text{Sv}}{\text{h}}$ می باشد (ICRP 60). این زمان برای بیماران مبتلا به پرکاری تیروئید بسته به میزان اکتیویته دریافتی بین ۲-۳ روز متفاوت بود. اعضای خانواده بیماران ید درمانی شده دوزیمترهای ترمولومینسانس (TLD) را در مقابل نیم تنه به مدت ۷ روز قرار دادند. در تجزیه و تحلیل نتایج این مطالعه از نرم افزار SPSS_۲۰ استفاده شد.

نتایج

مقدار متوسط دوز دریافتی اعضای خانواده بیمارانی که ۱۵۰ mCi ید رادیواکتیو ۱۳۱ دریافت کردند ۰.۳۱۶ mSv (حداکثر دوز دریافتی ۰.۶۴۲ mSv و حداقل دوز دریافتی ۰.۱۷۴ mSv) بود و مقدار متوسط دوز دریافتی اعضای خانواده بیمارانی که ۲۰۰ mCi ید رادیواکتیو ۱۳۱ دریافت کردند ۰.۳۳۸ mSv (حداکثر دوز دریافتی ۰.۸۹۶ mSv و حداقل دوز دریافتی ۰.۱۲۹ mSv) بود. این یافته ها کمتر از حد آستانه توصیه شده توسط ICRP, BSS و IAEA می باشد. (p-value<0.05)

نتیجه گیری

نتایج حاصله نشان داد دوز دریافتی اعضای خانواده بیماران مبتلا به سرطان تیروئید که ۱۵۰ mCi ید رادیواکتیو ۱۳۱ دریافت کردند و بیمارانی که ۲۰۰ mCi ید رادیواکتیو ۱۳۱ دریافت کردند اختلاف چشمگیری ندارد. همچنین نتایج این مطالعه نشان می دهد در صورت رعایت دستورالعمل های ایمنی پس از درمان با ید رادیواکتیو، دوز دریافتی کمتر از حد آستانه می باشد. این یافته ها در هنگام ایجاد دستورالعمل های جدید در مورد حفاظت در برابر تشعشع و انتشار بیماران پس از درمان با ید رادیواکتیو درمان می تواند در نظر گرفته شود.

کلمات کلیدی: ید ۱۳۱ - دوزیمتری ترمولومینسانس - سرطان تیروئید - آژانس بین المللی انرژی اتمی

^۱ زهرا داور*

^۲ آرمین ایمان پرست

^۳ مهدی صدیق پور

^۴ مهدی مؤمن نژاد

^۵ شاهرخ ناصری

^{۱،۲} - دانشجوی کارشناسی ارشد فیزیک پزشکی،

کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی

مشهد، مشهد، ایران

^۳ - کارشناس ارشد مهندسی پزشکی، گروه فیزیک

پزشکی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم

پزشکی مشهد، مشهد، ایران

^{۴،۵} - عضو هیأت علمی گروه فیزیک پزشکی،

دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

* مشهد- دانشگاه علوم پزشکی مشهد، کمیته

تحقیقات دانشجویی

Email: davarz931@mums.ac.ir

بررسی اثر سمیت عصاره‌ی بارهنگ بر روی رده سلولی Huh7

خلاصه

مقدمه

بارهنگ دارای فعالیت ضد التهابی، آنتی اکسیدانی، ضد ویروسی، ضد سرطان (به واسطه ترکیب فلاونوئیدی Luteoline-7-O-β-glucoside)، ضد تومور و خاصیت حفاظت کبدی می باشد. Huh7 یک رده سلول سرطان کبد انسانی است که برای مطالعات دارویی و درمانی مورد استفاده قرار می گیرد. هدف از انجام این مطالعه ارزیابی میزان سمیت عصاره سیاه دانه بر روی رده سلولی انسانی Huh7 بود.

روش کار

سمیت سلولی عصاره بارهنگ توسط تست MTT مورد ارزیابی قرار گرفت. در این روش میزان ۱۰۰ میکرولیتر محیط کشت DMEM حاوی ۱۰۴ سلول Huh7 در هر چاهک پلیت ۹۶ خانه قرار داده شد. پس از ۲۴ ساعت از غلظت اولیه عصاره بارهنگ رقت های مختلف (۱/۲) تهیه و به میزان ۱۰۰ میکرولیتر به سلول ها اضافه شد. پس از ۲۴ ساعت به هر چاهک پلیت ۲۰ میکرولیتر (5mg/ml) MTT اضافه شد و پس از ۴ ساعت بعد از خالی کردن چاهک ها به هر یک ۱۰۰ میکرولیتر از DMSO اضافه گردید و بعد از مخلوط به وسیله دستگاه الیزا در طول موجهای ۵۴۵ و ۶۳۰ نانومتر جذب هر چاهک تعیین گردید. نتایج حاصل به صورت میزان بقای سلول براساس منحنی غلظت گزارش شد. تست ها به شکل تکرار سه تایی بررسی شد.

نتایج

نتایج تست MTT نشان داد که عصاره بارهنگ (با غلظت اولیه 100 µg/ml) در غلظت های کمتر از 25 µg/ml بر روی سلول Huh7 غیر کشنده بود.

نتیجه گیری

با توجه به غلظت غیر کشنده مناسب عصاره بارهنگ می توان از این عصاره برای بررسی اثرات دارویی آن مانند اثرات ضد ویروسی و ضد سرطانی آن در کشت سلول استفاده کرد.

کلمات کلیدی: بارهنگ، کشت سلول Huh7، تست MTT

۱ خدیجه حق پناه*

۲ فائزه قاسمی

۳ جاوید صدری

۴ سپهر یوسف پوران

۵ سید موسی الرضا حسینی

۶ سید عباس زجاجی

۷ زهرا مشکات

۱،۳،۴،۷- مرکز تحقیقات مقاومت های میکروبی،

دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

۲- گروه زیست فناوری پزشکی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

۵- گروه گوارش و کبد، بیمارستان قائم (عج)،

دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

۶- گروه فارماکولوژی، دانشکده پزشکی،

دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

* مشهد- دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مرکز

تحقیقات مقاومت های میکروبی

Email: haghpanahk921@mums.ac.ir

Curcumin inhibits cell growth and migratory properties of human breast cancer cells

¹ Faezeh Ghasemi*

² Amirhosein Sahebkar

³ Soodabeh ShahidSales

⁴ Amir Avan

1,4- Department of Modern Sciences and Technologies, Faculty of Medicine, Mashhad University of Medical Sciences, Mashhad, Iran

2- Biotechnology Research Center, Mashhad University of Medical Sciences, Mashhad, Iran

3,4- Cancer Research Center, Faculty of Medicine, Mashhad University of Medical Sciences, Mashhad, Iran

* Department of Modern Sciences and Technologies, Faculty of Medicine, Mashhad University of Medical Sciences, Mashhad, Iran

Email: ghasemi_808@yahoo.com

Abstract

Introduction: Breast cancer is the most common with a poor prognosis. There is a growing body of data indicating the antitumor activity of curcumin in different tumor types. The aim of the current study was to explore the cytotoxic effect of curcumin in two- and three-dimensional models of MCF-7.

Methods: MCF-7 cells were cultured and maintained in DMEM media. MTT assay was employed to evaluate the viability of the cells. The cytotoxicity of curcumin was investigated in a three-dimensional cell culture model (spheroid). Invasion assay was used to assess the invasive behavior of MCF-7 cells before and after treatment with curcumin. The expression levels of some genes involved in apoptosis, migration, as well as the markers of NF-kB pathway were evaluated using real-time quantitative RT-PCR.

Results: Our data showed that curcumin suppresses cell growth via modulation of the NF-kB pathway. Curcumin was able to decrease the invasiveness of MCF-7. Moreover, curcumin inhibited the mRNA expression of survivin and CD133, and induced tumor shrinkage in MCF-7 cells.

Conclusion: We demonstrated the antitumor activity of curcumin in a Breast cancer cell line, supporting further investigations on the role of this novel anticancer agent in Breast cancer.

Key words: Breast cancer, curcumin anti-tumor effect, spheroid, RT-PCR

In Vitro Cytotoxic Effects of Rheum turkestanicum Whole Extract on Human Acute Myeloblastic Leukemia Cell Line

¹ Malihe Moradzadeh*

² Hamidreza Sadeghnia

³ Azar Hoseini

⁴ Azita Aghaei

⁵ Saedeh Erfanian

1- PhD Student of Molecular Medicine, Department of Modern Sciences and Technologies, School of Medicine, Mashhad University of Medical Sciences, Mashhad, Iran

2,3,4- Pharmacological Research Center of Medicinal Plants, School of Medicine, Mashhad University of Medical Sciences, Mashhad, Iran

5- MSc of Biochemistry Research Center for Non-communicable diseases, Jahrom University of Medical Science, Jahrom, Iran

* Department of Modern Sciences and Technologies, School of Medicine, Mashhad University of Medical Sciences, Mashhad, Iran

Email: moradzadehm901@mums.ac.ir

Abstract

Introduction: One of the major paths for drug development is the study of bioactivities of natural products. Therefore, the aim of this study was to compare the cytotoxic effects of aqueous extract of whole Rheum turkestanicum, which is a traditional medicinal herb commonly used in Iran and other oriental countries, on the human Acute Myeloblastic leukemia (HL60) and another human lymphocyte Jurkat (JM) cell lines.

Methods: *In vitro* cytotoxic screening with various concentrations (500-60 µg/ml) of the extract was performed using methyl tetrazolium bromide test (MTT) in two times (48,72h).

Results: The minimum effective concentration of the plant extract was 60µg/ml, and increasing the dose to 500 µM induced increasingly stronger effects. The inhibitory concentration 50% (IC50) of the extract against HL60 was about 366, 99 µg/ml in 48 and 72 hours. In contrast, the extract did not have cytotoxic effect for the JM cells at these doses.

Conclusion: The findings of the present study suggest that R.turkestanicum is toxic against HL60 tumor cells. Whether or not such effects can be employed for the treatment of such tumors must await future studies.

Key words: HL60, Rheum, MTT

The preventive effect of Rutin, Pine bark, Aloe Vera and Celery on oxidative stress factors and movement activity in focal cerebral ischemia model in rats

¹ Shima Eftekhar*

² Zakieh Keshavarzi

1- Physiotherapist, College of Medicine, Mashhad University of Medical Sciences, Mashhad, Iran

2- Assistant Professor, Department of Physiology, College of Medicine, north Khorasan University of Medical Sciences, Bojnourd, Iran

* Physiotherapist, College of Medicine, Mashhad University of Medical Sciences, Mashhad, Iran

Email: shima37.eftekhar@yahoo.com

Abstract

Free radical induced neural damage is concerned in brain ischemia and antioxidants are reported to have neuroprotective activity. The present study was designed to assess the neuroprotective role of Rutin, Pine Bark, Aloe Vera and Celery.

Thirty Rats were randomly separated into six groups (n=5); control group, middle cerebral artery occlusion (MCAO), rutin , pine bark , aloe vera , celery. All plants in dose (50 mg/kg) was peritoneal infusion to animals for 14 days before MCAO. Then the middle cerebral artery of rats was occluded for 2 h and reperused for 22 h. The brain malondialdehyde (MDA), Thiol levels and movement activity in a rotarod was assessed. Decreasing MDA and increasing thiol significantly activities were observed effectively prevented side effects of a hemiplegic in rats. Times stand rates on rotarod in group's rutin , celery , pine bark and aloe vera compared to group MCAO increased significantly. Increasing endogenous antioxidant enzymatic activities indicate that rutin and pine bark and the behavior test changes in group's celery and aloe vera have neuroprotection role. Thus, herbal treatment of rutin, pine bark, aloe vera and celery may improve the function of ischemia-reperfusion brain injury-related disorders.

Key words: Rutin, Pine bark, Aloe Vera, Celery, Oxidative stress, Rat, Focal cerebral ischemia

اثر عصاره آبی الکلی بومادران بر ترشح اسید، موکوس، فاکتورهای اکسیدان و آنتی اکسیدان در شرایط مهار سیکلواکسیژناز در موش صحرایی

خلاصه

مقدمه

اثرات محافظت کننده مخاط معده و ضد زخم معده برای بومادران گزارش شده است و در طب سنتی برای درمان اختلالات گوارشی استفاده میشود. هدف این مطالعه بررسی اثر عصاره آبی الکلی بومادران بر ترشح اسید، موکوس، فاکتورهای اکسیدان و آنتی اکسیدان در شرایط مهار سیکلواکسیژناز در موش صحرایی است.

روش کار

۴۸ سر رت نر نژاد ویستار به ۶ گروه تقسیم گردیدند: ۱- حلال ایندومتاسین (دریافت کننده کربوکسی متیل سلولز ۱٪)، ۲- ایندومتاسین (۳۵ mg/kg)، ۳- رانیتیدین (۵۰ mg/kg)، ۴-۵، ۶- گروههای دریافت کننده عصاره بومادران (۸۰۰ mg/kg و ۴۰۰ و ۲۰۰). گروهها به مدت ۵ روز به صورت گاواژ تحت تیمار بودند. در روز ششم جهت مهار سیکلواکسیژناز، ایندومتاسین گاواژ شد، سپس میزان ترشح اسید، موکوس، گروههای تام تیول و مالون دی آلدید در مخاط معده مورد بررسی قرار گرفت.

نتایج

دوزهای ۸۰۰ و ۴۰۰ mg/kg عصاره کاهش معنی داری را در میزان ترشح اسید نسبت به گروه ایندومتاسین نشان داد. همچنین دوز ۸۰۰ mg/kg باعث افزایش معنی داری در میزان ترشح موکوس نسبت به گروه ایندومتاسین گردید. میزان MDA در تمامی گروههای عصاره (۸۰۰ mg/kg و ۴۰۰ و ۲۰۰). بطور معنی داری کمتر از گروه ایندومتاسین بود. میزان گروههای تام تیول در گروههای عصاره ۸۰۰ mg/kg و ۲۰۰ بطور معنی داری بیشتر از گروه ایندومتاسین بود.

نتیجه گیری

میتوان گفت عصاره بومادران با افزایش ترشح موکوس و کاهش ترشح اسید، مهار لیپیدپراکسیداسیون و با اثر آنتی اکسیدانی خون میتواند از مخاط معده در برابر آسیب های ناشی از مهار سیکلواکسیژناز محافظت کند.

کلمات کلیدی: مهار سیکلواکسیژناز، بومادران، رت

^۱ مریم پاسبان*

^۲ محمد سوختانلو

^۳ سعید نیازمند

^۴ مهدی کوشکی

^۵ ناصر طیبی میبیدی

۱- دانشجوی دکترای تخصصی، گروه فیزیولوژی

پزشکی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی

مشهد، مشهد، ایران

۲- استادیار بیوشیمی، گروه بیوشیمی پزشکی،

دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد،

مشهد، ایران

۳- دانشیار فیزیولوژی، فیزیولوژی پزشکی،

دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد،

مشهد، ایران

۴- کارشناسی ارشد بیوشیمی، گروه بیوشیمی

پزشکی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی

مشهد، مشهد، ایران

۵- دانشیار گروه پاتولوژی، دانشکده پزشکی،

دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

* مشهد- دانشگاه علوم پزشکی مشهد، دانشکده

پزشکی، گروه فیزیولوژی پزشکی

Email: pasebanm921@mums.ac.ir

Adriamycin-induced oxidative stress is prevented by mixed hydro-alcoholic extract of *Nigella sativa* and *Curcuma longa* in rat kidney

Nazanin Entezari
Reza Mohebbati*
Abolfazl Khajavi Rad
Mohammadreza Khazdair
Farimah Beheshti

Department of Physiology, School of
Medicine, Mashhad University of
Medical Sciences, Mashhad, Iran

* Department of Physiology, School of
Medicine, Mashhad University of
Medical Sciences, Mashhad, Iran
Email: entezarin931@mums.ac.ir

Abstract

Introduction: Inflammation and oxidative stress is considered to have a crucial role in induction of nephropathy. *Curcuma longa* (*C. longa*) and *Nigella sativa* (*N. sativa*) have anti-inflammatory and antioxidant effects. This study was designed to investigate the effect of mixed hydro-alcoholic extract of *N.sativa* and *C. longa* on the oxidative stress induced by Adriamycin (ADR) in rat kidney.

Methods: The animals were divided into 6 groups: control (CO), ADR, Adriamycin+ Vitamin C (ADR+VIT C), *C. longa* extract+ Adriamycin (C.LE+ADR), *N. sativa* extract+ Adriamycin (N.SE+ADR) and *C. longa* extract+ *N. sativa* extract + Adriamycin (N.S+C.L+ADR). ADR (5mg/kg) was injected intravenously, whereas VITC (100mg/kg) and extract of *C. longa* (1000mg/kg) and *N. sativa* (200mg/kg) were administrated orally. Finally, the renal tissue, urine and blood samples were collected and submitted to measure of redox markers, osmolarity and renal index.

Results: The renal content of total thiol and superoxide dismutase (SOD) activity significantly decreased and Malondialdehyde (MDA) concentration increased in Adriamycin group compared to control group. The renal content of total thiol and SOD activity significantly enhanced and MDA concentration reduced in treated-mixed extract of *C. longa* and *N. sativa* along with ADR group compared to ADR group. The mixed extract did not restore increased renal index percentage induced by ADR. There also was no significant difference in urine and serum osmolarity between the groups.

Conclusion: Hydro-alcoholic extracts of *N.sativa* and *C.longa* led to an improvement in ADR-induced oxidative stress and mixed administration of the extracts enhanced the aforementioned therapeutic effect.

Key words: *Nigella sativa*, *Curcuma longa*, Adriamycin, Oxidative stress, Kidney

Frequency of HLA-DQ2 and HLA-DQ8 Alleles in celiac patients with new simple method of Real-time PCR in Iranian population

¹ Kazem Mashayekhi*

² Davar Amani

³ Khadijeh Koushki

⁴ Pedram Azimzadeh

⁵ Mohammad Rostami- Nejad

1- Student Research Committee, Mashhad University of Medical Sciences, Mashhad, Iran

1,2,3- Department of Immunology, Medical school, Shahid Beheshti University of Medical Sciences, Tehran, Iran

3,4,5- Department of Celiac Disease, Gastroenterology and Liver Diseases Research Center, Shahid Beheshti University of Medical Sciences, Tehran, Iran

* Student Research Committee, Mashhad University of Medical Sciences, Mashhad, Iran
Email: mashayekhi931@mums.ac.ir

Abstract

Introduction: Presence of HLA-DQ2 and HLA-DQ8 alleles in the infected individuals is one of the important genetic factors in the development of celiac disease (CD). Many molecular techniques are available to determine these alleles, but these methods have many steps that make them difficult to use, therefore the aim of this study was to set up a simple and quick Real-time PCR based SYBR® Green method to determine the HLA-DQ alleles in patients with CD.

Methods: To determine the HLA-DQ alleles and evaluation Real-time PCR using SYBR® Green technique, DNA of those patients whose disease was confirmed using serology and pathology. Then, the specific primers use to examine HLA-DQ2 and HLA-DQ8 alleles and results compared with commercially kits.

Results: Using this method, the presence of HLA-DQ2 and HLA-DQ8 alleles were determined with sensitivity and specificity respectively 80 and 100 percentage and in comparison with low resolution commercially kits, the results of this method was more efficient. As well as, frequency of DQ2 and DQ8 were respectively in patients 77 and 29 percentage. 96 percentage of patients were also carries DQ2 and DQ8.

Conclusion: Real-time PCR using SYBR® Green method has good efficiency to identify the HLA-DQ2 and HLA-DQ8 alleles, and in compare with conventional HLA-typing techniques in Iran, is faster, easier and has high sensitivity and specificity to distinguish this alleles. The high prevalence of DQ2 allele, confirming the results of other studies in Iran.

Key words: Celiac disease, Real-time PCR technique, HLA-typing

The effects of soy and tamoxifen on apoptosis in the hippocampus and dentate gyrus of ovariectomized rats after repeated seizures

¹ Somaieh Mansouri*

² Alireza Ebrahimzadeh-bideskan

³ Mariam Lale Ataei

⁴ Mehrdad Jahanshahi

⁵ Mahmoud Hoseini

1,2,3- Department of Anatomy, School of Medicine, Mashhad University of Medical Sciences, Mashhad, Iran

2- Microanatomy Research Center, Mashhad University of Medical Sciences, Mashhad, Iran

4- Department of Anatomy, School of Medicine, Gorgan University of Medical Sciences, Gorgan, Iran

5- Pharmacological Research Center of Medicinal plants, School of Medicine, Mashhad University of Medical Sciences, Mashhad, Iran

5- Neurocognitive Research Center and Department of Physiology, School of Medicine, Mashhad University of Medical Sciences, Mashhad, Iran

* Department of Anatomy, School of Medicine, Mashhad University of Medical Sciences, Mashhad, Iran

Email: mansouris922@mums.ac.ir

Abstract

Introduction: The aim of this study was to investigate the effects of tamoxifen and soy on hippocampus and dentate gyrus apoptosis in ovariectomized rats after repeated seizures.

Methods: Female rats were divided to: (1) Control, (2) Sham, (3) Sham-Tamoxifen (Sham- T), (4) Ovariectomized (OVX), (5) OVX -Tamoxifen (OVX- T), (6) OVX- Soy (OVX-S), (7) OVX- Soy-Tamoxifen (OVX- S-T). The animals of OVX-S, OVX-T and OVX-S-T groups received soy extract (60 mg/ kg; i.p.), tamoxifen (10 mg/ kg) or both for two weeks before induction of seizures. The animals of these groups were additionally treated by the extract, tamoxifen or both before each injection of pentylenetetrazole (PTZ; 40 mg/kg) for 6 days. The animals of Sham and OVX groups received saline plus tween instead of tamoxifen and soy extract. The rats were placed in Plexiglas cages separately and observed for 60 min. The brain tissues were then removed and subjected for histological studies.

Results: A significant decrease in the seizure score and TUNEL positive neurons were seen in OVX group comparing to Sham ($P<0.001$). The animals of both OVX-T and OVX-S groups had a significant higher seizure score as well as TUNEL positive neurons in the hippocampus and dentate gyrus regions compared to OVX group ($P<0.01$ - $P<0.001$). Co- treatment of the OVX rats by the extract and tamoxifen decreased the seizure score and TUNEL positive neurons compared to OVX- S and group ($P<0.001$).

Conclusion: The results of present study showed that treatment of the OVX rats by either soy or tamoxifen increased the seizure score as well as TUNEL positive neurons in the hippocampal formation. Co- administration of the tamoxifen and soy extract inhibited the effects of the soy extract and tamoxifen when they administered alone. It might be suggested that both soy and tamoxifen have agonistic effects for estrogen receptors to change the seizure severity.

Key words: Soy, Tamoxifen, Seizure, Apoptosis, Hippocampus

بررسی ارتباط روش های مختلف آمادگی برای آزمون برنمره به عنوان شاخص یادگیری دانشجویان دانشکده داروسازی

خلاصه

مقدمه

انگیزه مهمترین شرط یادگیری است. هر چه انگیزه فرد بیشتر باشد، فعالیت و زحمت بیشتری برای رسیدن به هدف نهایی متحمل خواهد شد. در این پژوهش سعی شده میزان انگیزه تحصیلی دانشجویان دانشکده داروسازی مشهد مورد بررسی قرار گیرد و ارتباط آن با نمرات در طول تحصیل و معدل کل به عنوان شاخص پیشرفت تحصیلی دانشجویان ارزیابی شود.

روش کار

برای سنجش انگیزش تحصیلی دانشجویان از مقیاس انگیزش تحصیلی عبدخدایی (۱۳۸۵) استفاده شد. جمعیت مورد مطالعه تمامی دانشجویان دانشکده داروسازی مشهد که در نیمسال اول سال تحصیلی ۹۴-۹۳ مشغول به تحصیل بودند را شامل می شد. برای ارزیابی مجدد پایایی پرسشنامه انگیزش تحصیلی، از روش اجرای پایلوت استفاده نمودیم که در مرحله اجرا، ۳۸ پرسشنامه توزیع شد و پس از جمع آوری و وارد کردن داده ها به نرم افزار SPSS ضریب آلفای کرونباخ برای پرسشنامه محاسبه گردید. پرسشنامه ها در بین دانشجویان توزیع و نتایج آن گردآوری شد. اطلاعات پیشرفت تحصیلی دانشجویان شرکت کننده شامل نمرات و مشکلات ثبت شده آموزشی-پژوهشی از سیستم آموزش دانشگاه استخراج و آماده سازی شد. اطلاعات آماده سازی شده وارد نرم افزار SPSS شده و با استفاده از روشهای آمار توصیفی (میانگین و انحراف معیار و آزمونهای Mann-K-S، stepwise، Fisher's Exact Test، chi-square، Independent-Sample T Test و Whitney U) تجزیه و تحلیل گردید.

نتایج

مقدار آلفای برای پرسشنامه پایلوت ۰/۸۰ بدست آمد. مقدار آلفا برای پرسشنامه در مرحله اجرای اصلی نیز محاسبه شد که ضریب آلفای ۰/۸۹ به دست آمد و بر این اساس پایایی این پرسشنامه تایید شد. نتایج حاصل از پژوهش حاضر در بررسی رابطه انگیزه و پیشرفت تحصیلی نشان می دهد که میانگین نمره افراد مونث حاضر در مطالعه به طور معناداری از میانگین نمره افراد مذکر بیشتر می باشد ($P < 0/001$). در میان دختران و پسران شرکت کننده در این مطالعه از نظر میزان انگیزه درونی، انگیزه پیشرفت و خودکارآمدی تفاوت معناداری دیده نشد (به ترتیب $P = 0.533$ ، $P = 0.757$ ، $P = 0.590$). همچنین در این مطالعه میزان انگیزه درونی و انگیزه پیشرفت و خودکارآمدی در میان ورودی های مختلف دانشکده داروسازی مشهد بررسی شد که این نتایج تنها از نظر خودکارآمدی از تفاوت معناداری در بین ورودی های مختلف برخوردار بودند ($P < 0/001$).

نتیجه گیری

پیشرفت تحصیلی دانشجویان داروسازی تحت الشعاع انگیزش تحصیلی قرار میگیرد. عوامل انگیزشی بر پیشرفت تحصیلی آنها نقش مهمی دارند و از آنجا که پیشرفت دانشجویان با سلامت جامعه ارتباط دارد، پیشنهاد میشود در آموزش دانشجویان به مؤلفه های انگیزش توجه بیشتری شود.

کلمات کلیدی: انگیزه پیشرفت، خودکارآمدی انگیزشی، انگیزش درونی

^۱ نرگس هدایتی*

^۲ ژیلطاهرزاده

^۳ سعیداسلامی

^۴ سینا احمدی فر

۱- گروه سم شناسی، دانشکده داروسازی، دانشگاه

علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

۲- مرکز تحقیقات دارورسانی هدفمند، دانشکده

داروسازی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد،

ایران

۳- گروه انفورماتیک پزشکی، دانشکده پزشکی،

دانشکده علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

۴- دانشکده داروسازی، دانشگاه علوم پزشکی

مشهد، مشهد، ایران

* مشهد- دانشگاه علوم پزشکی مشهد، دانشکده

داروسازی، گروه سم شناسی

Email: hedayatin931@mums.ac.ir

The Effects of captopril on spatial memory and synaptic plasticity impairment induced by lipopolysaccharide in rats

¹ Azam Abareshi
² Akbar Anaeigoudari
³ Fatemeh Norouzi
⁴ Mohammad Naser Shafei
⁵ Mohammad Hosein Boskabady
⁶ Mahmoud Hoseini*

1,4,6- Neurocognitive Research Center, School of Medicine, Mashhad University of Medical Sciences, Mashhad, Iran

2- Department of Physiology, School of Medicine, Jiroft University of Medical Sciences, Jiroft, Iran

3,5- Neurogenic Inflammation Research Center, School of Medicine, Mashhad University of Medical Sciences, Mashhad, Iran

* Neurocognitive Research Center, School of Medicine, Mashhad University of Medical Sciences, Mashhad, Iran
Email: abareshia921@mums.ac.ir

Abstract

Introduction: Renin-angiotensin system has a role in inflammation and also involves in many brain functions such as learning, memory and emotion. Neuro-immune factors have been proposed as the contributors to the pathogenesis of memory impairments. In the present study, the effect of captopril on spatial memory and synaptic plasticity impairment induced by lipopolysaccharide (LPS) was investigated in rats.

Methods: The rats were divided into three groups and treated: Control (saline), LPS (1 mg/kg), LPS- captopril (LPS-capto; 50 mg/ kg captopril before LPS). Morris water maze was done. Long-term potentiation (LTP) from CA1 area of hippocampus was assessed by 100 Hz stimulation in the ipsilateral Schafer collateral pathway.

Results: In LPS group, the spent time and traveled path to reach platform were longer than control while, in LPS- capto group they were shorter than LPS group. The slope and amplitude of field excitatory post-synaptic potential (fEPSP) in the LPS group were decreased compared to control whereas, in LPS- capto group they were increased compared to LPS group.

Conclusion: The results of present study showed that captopril improved the LPS- induced memory and LTP impairments induced by LPS in rats. Moreover, further investigations are required in order to better understanding the responsible mechanism(s).

Key words: Rat, Lipopolysaccharide, Captopril, Spatial memory, Long term potentiation

Effect of *Rosa Damascena* extracts on pentylenetetrazole-induced seizures in mice

¹ Rahimeh Bargi*

² Fereshteh Asgharzadeh

³ Mahmoud Hoseini

⁴ Hamidreza Sadeghnia

⁵ Hasan Rakhshandeh

1,2,3- Neuroscience Research Center & Department of Physiology, School of Medicine, Mashhad University of Medical Sciences, Mashhad, Iran

4,5- Pharmacological Research Center of Medicinal Plants & Department of Pharmacology, School of Medicine, Mashhad University of Medical Sciences, Mashhad, Iran

* Neuroscience Research Center & Department of Physiology, School of Medicine, Mashhad University of Medical Sciences, Mashhad, Iran
Email: bargir931@mums.ac.ir

Abstract

Introduction: Analgesic, anti-inflammatory and hypnotic effects of *Rosa damascena* has been widely investigated. In the present study the effects of aqueous, ethanolic and chloroformic extracts of *Rosa damascena* on PTZ-induced seizures were investigated in mice.

Methods: The animals were divided into following groups: (1) Saline, (2) Diazepam, (3-5) Aqueous extract (Aqu. Ext; 100, 500 and 1000 mg/ kg), (6-8) Ethanolic extract (Eth. Ext; 100, 500 and 1000 mg/ kg) and (9-11) Chloroformic extract (Cho. Ext; 100, 500 and 1000 mg/kg). The extracts, saline or diazepam were injected intraperitoneally 30 minutes before PTZ injection. Latency to the first minimal clonic seizure (MCS) and generalized tonic-clonic seizures (GTCS) and the percent of mortality was recorded.

Results: A significant increase in both MCS and GTCS latencies was observed in all 3 Aqu. Ext groups in comparison with Saline group ($p < 0.05$, $p < 0.01$ and $p < 0.001$, respectively). The MCS latency in Eth. Ext 1000 and GTCS latencies in both Eth. Ext 500 and 1000 groups were higher than Saline group ($p < 0.05$ and $p < 0.001$). There was no significant difference in MCS and GTCS latencies between chloroformic groups in comparison with Saline group. No significant differences were seen in mortality rate following PTZ administration between different extract treated animals in comparison with control group.

Conclusion: The results of present study showed that *Rosa damascena* has anticonvulsant activity in PTZ- induced seizures model in mice but the exact mechanism(s) of this effect should be clarified in further studies.

Key words: *Rosa damascena*, Pentylenetetrazole, Seizures, Mice

Effects of *Pinus Edarica* extract on oxidative damage in pentylenetetrazole-induced seizures in rats

¹ Fereshteh Asgharzadeh*

² Rahimeh Bargi

³ Farimah Beheshti

⁴ Seyed Mojtaba Mousavi

⁵ Hasan Rakhshandeh

⁶ Mahmoud Hoseini

1- Neurogenic Inflammation Research Center, School of Medicine, Mashhad University of Medical Sciences, Iran

2,3,6- Neurocognitive Research Center, School of Medicine, Mashhad University of Medical Sciences, , Iran

4- Department of Physiology, School of Medicine, Mashhad University of Medical Sciences, Iran

5- Pharmacological Research Center of Medicinal Plants, School of Medicine, Mashhad University of Medical Sciences, Iran

* Neurogenic Inflammation Research Center, School of Medicine, Mashhad University of Medical Sciences, Iran
Email: asgharzadeh931@mums.ac.ir

Abstract

Introduction: An important role for oxidative stress, as a consequence of epileptic seizures has been suggested. Regarding the antioxidant effects of *Pinus Eldarica*, the effects of the plant extract on the brain tissues oxidative damages following seizures induced by pentylenetetrazole (PTZ) was investigated.

Methods: The rats were divided into 6 groups and treated: (1) Control(saline), (2) PTZ (120 mg/kg, i.p.), (4-6) four doses (20, 50, 200 and 500 mg/kg) of Suxhlet extract of *Pinus Eldarica* 30 min before PTZ injection. Latencies to the first minimal clonic seizure (MCS) and the first generalized tonic-clonic seizures (GTCS) were recorded. The brains were then removed for biochemical measurements.

Results: There was no significant differences between the groups in MCS and GTCS latencies. The seizure induced by PTZ increased the MDA while, reduced the thiol contents of the brain tissues compare to the control group. Both 20 and 200 mg/kg of the extract decreased the MDA levels in the cortical tissues while, only 200 mg/kg of decreased MDA level in the hippocampal tissues compared to PTZ group. Both 50 and 200 mg/kg of the extract increased thiol contents in the hippocampal tissues. Treatment with 500 mg/kg of the extract increased thiol concentration in the cortical tissues.

Conclusion: The present study showed that the extract of *Pinus Eldarica* possess significant antioxidant effects in the brain tissues but have no anticonvulsant activities.

Key words: *Pinus Eldarica*, Pentylenetetrazole, Seizures, Oxidative stress, Brain

اشکال در تشخیص گرانولوم تنگ ماهی، یک بیماری نوپدید در مشهد (مطالعه ملکولی)

خلاصه

مقدمه

مایکوباکتریوم مارینوم که در گذشته مایکوباکتریوم بالنی خوانده می شد، یک مایکوباکتریوم کند رشد است که در آب های تازه یا شور و ماهی ها وجود دارد و عامل سل یا مایکوباکتریوزیس ماهی می باشد. این باسیل اسیدفاست ضایعات مزمن پوستی به نام گرانولوم تنگ ماهی یا گرانولوم استخر شنا را ایجاد می کند. بیشتر عفونت های انسانی به دنبال ورود باکتری از طریق بریدگی یا خراش پوستی مخصوصا در کسانی که با ماهی های آکواریوم یا آب آن تماس داشته اند، مشاهده شده است. علائم بالینی به شکل پاپول ها و یا ندول هایی سطحی، دارای پلاکهای اریتروماتوز، به صورت منفرد یا چندتایی و گاهی به شکل بیماری قارچی اسپروتریکوز همراه با تورم عروق و غدد لنفاوی هستند. ضایعات از نظر بالینی بسیار شبیه به لیشمانیوز پوستی اسپروتریکوئیدی هستند بنابراین احتمال تشخیص بسیار بالا است. هدف از این مطالعه شناسایی مایکوباکتریوم مارینوم در نمونه های تهیه شده از ضایعات پوستی بیمارانی است که مشکوک به سالک بوده اما نتایج آزمایشات پوستی آن ها منفی شده است.

روش کار

در طول دو سال (۱۳۹۴-۱۳۹۳) بیش از ۱۵۰۰ بیمار مشکوک به سالک توسط پزشکان متخصص پوست به آزمایشگاه انگل شناسی و قارچ شناسی کلینیک ویژه بیمارستان امام رضا (ع) معرفی شدند. بیش از ۱۵٪ این بیماران پاسخ منفی دریافت نمودند. در میان آن ها ۲۶ نفر سابقه تماس با ماهی و آب آکواریوم داشتند. آزمایش مستقیم با رنگ آمیزی ذیل نلسون برای تمام بیماران انجام شد. نمونه برخی بیماران نیز در محیط کشت لوون اشتاین جانسن کشت داده شد. برای اطمینان از نتایج آزمایش مستقیم و کشت، آزمایش مولکولی برای هر ۲۶ بیمار انجام گردید.

نتایج

در بین ۲۲۵ فردی که مشکوک به سالک بودند ولی تست های آزمایشگاهی آن ها منفی شد، ۲۶ بیمار دارای عفونت مایکوباکتریوم مارینوم شناخته شدند که از این تعداد ۲۱ بیمار (۸۰/۷۷٪) مرد و ۵ نفر آنها (۱۹/۲۳٪) زن بودند. بیش از ۸۰٪ آن ها در گروه سنی ۳۰-۲۵ سال قرار داشتند. تمامی بیماران دارای سابقه تماس با ماهی و آب آکواریوم را ذکر نمودند.

نتیجه گیری

گرانولومای تنگ ماهی یک بیماری نوپدید جدید در مشهد می باشد. سابقه تماس با آب آکواریوم و ماهی بایستی در بیمارانی که مشکوک به سالک می باشند و نتیجه تست آزمایشگاهی از نظر سالک منفی است، مورد توجه قرار گیرد.

کلمات کلیدی: گرانولوم استخر شنا- مایکوباکتریوم مارینوم- اشکال در تشخیص- مشهد

^۱ شادی رحمانی*

^۲ عبدالمجید

^۳ محمود پریان

^۴ پرستو تاج

^۵ الهام مقدس

^۶ هاجر ایمانفر

۱،۵،۶- گروه انگل شناسی و قارچ شناسی، دانشگاه

علوم پزشکی مشهد

۲،۳- بخش انگل شناسی و قارچ شناسی بیمارستان

امام رضا (ع)، دانشگاه علوم پزشکی مشهد

۲- مرکز تحقیقات بیماری های پوست و لیشمانیوز

جلدی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد

۴- دپارتمان علوم آزمایشگاهی بالینی، دانشکده

علوم پیراپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد

* مشهد- دانشگاه علوم پزشکی مشهد، گروه انگل

شناسی و قارچ شناسی

Email: rahmanish921@mums.ac.ir

***Silybum marianum* extract reduced acrylamide-induced neurotoxicity in both in vitro and in vivo assessments**

¹ Faezeh Vahdati Hasani*

² Soghra Mehri

³ Yaser Omar Rowas

⁴ Hosein Hoseinzadeh

1,2- Department of Pharmacodynamics and Toxicology, School of Pharmacy, Mashhad University of Medical Sciences, Mashhad, Iran

3- School of Pharmacy, Mashhad University of Medical Sciences, Mashhad, Iran

4- Pharmaceutical Research Center, Department of Pharmacodynamics and Toxicology, School of Pharmacy, Mashhad University of Medical Sciences, Mashhad, Iran

* Department of Pharmacodynamics and Toxicology, School of Pharmacy, Mashhad University of Medical Sciences, Mashhad, Iran
Email: vahdatihf911@mums.ac.ir

Abstract

Introduction: Acrylamide (ACR) is a water-soluble monomer that is used in different industries and has been found in carbohydrate rich food cooked at high temperatures. ACR monomer is a potent neurotoxic agent and damages the central and the peripheral nervous system in human and animals. One of the principle mechanisms related to the neurotoxicity of ACR exposure is oxidative stress. *Silybum marianum* (L.) is a member of the Asteraceae family, which contains large numbers of chemical constituents including several flavonolignans collectively known as silymarin, has powerful antioxidant properties. In this study, the neuroprotective effect of *Silybum marianum* extract was evaluated using wistar rats and PC12 cells.

Methods: Male Wistar rats were treated with ACR (50 mg/kg, ip) alone or with *Silybum marianum* extract (200, 400 and 600 mg/kg ip) for 11 days. Then behavior index (gait score) was examined for rats. For in vitro study, PC12 cells were treated with different concentrations of chrysin (2.5-100 µg/mL) for 12 and 24 h, and then were exposed to ACR. After 24 h, cell viability was determined using MTT assay.

Results: Exposure to ACR led to cause a relatively rapid increase in gait score and treatment with 600 mg/kg of *Silybum marianum* extract significantly reduced abnormalities ($p < 0.05$). Treatment with *Silybum marianum* extract could reduce ACR-induced cytotoxicity in PC12 cells in the dose-dependent manner.

Conclusion: Our results show that *Silybum marianum* extract has neuroprotective effects against acrylamide induced neurotoxicity in both in vitro and in vivo assays.

Key words: *Silybum marianum*, antioxidant, neuroprotective, neurotoxicity

Effect of α - Hederin on tracheal responsiveness, changes in inflammatory cells of bronchoalveolar lavage and blood levels of IL-4, IL-17, IFN- γ in asthmatic guinea pigs

¹ Saeideh Saadat*

² Rana Keyhanmanesh

³ Mostafa Mohammadi

⁴ Maryam Fallahi

1- Department of Physiology, Faculty of Medicine, Mashhad University of Medical Sciences, Mashhad, Iran

2- Medical Education Research Center, Tabriz University of Medical Sciences, Tabriz, Iran

3,4- Department of Physiology, Faculty of Medicine, Tabriz University of Medical Sciences, Tabriz, Iran

* Department of Physiology, Faculty of Medicine, Mashhad University of Medical Sciences, Mashhad, Iran

Email: saadats931@mums.ac.ir

Abstract

Introduction: A-hederin is one of principal bioactive constituents of *Nigella. sativa* and *Hedera helix*. In the present study, the preventive effect of two different concentrations of α -hederin on tracheal responsiveness, lung inflammation and blood cytokines in ovalbumin sensitized guinea pigs was examined.

Methods: Forty male adult Dunkin-Hartley guinea pigs were randomly divided into control (C) sensitized (S) and sensitized pretreated groups; with thymoquinone (3 mg/kg i.p., S+TQ), low dose of α -hederin (0.3 mg/kg i.p., S+LAH) and high dose of α -hederin (3 mg/kg i.p., S+HAH). The responsiveness of tracheal smooth muscle (TR) to methacholine, histamine and ovalbumin, total and differential WBC counts in lung lavage fluid, lung pathological changes and blood IL-4, IFN- γ and IL-17 levels were evaluated.

Results: Compared with S group, the mean value of EC50 in S+LAH group increased significantly ($p<0.05$). There was significant deference between EC50 of S+LAH and S+TQ group ($p<0.05$). The mean value of EC50 of histamine contraction in S+LAH and S+HAH groups was significantly higher than S group ($p<0.05$). In all pretreated groups, TR to ovalbumin, total WBC and eosinophil counts, IL-4 and IL-17 and lung pathological changes (expect cellular infiltration) significantly decreased in comparison to S group ($p<0.001$ to $p<0.01$). There was significant increase in blood IFN- γ level in all pretreated groups compared to S group ($p<0.05$). TR to ovalbumin in S+LAH and S+HAH groups was significantly lower than S+TQ ($p<0.01$ to $p<0.05$).

Conclusion: This study showed that α -Hederin had preventive effects on tracheal responsiveness, lung inflammation and blood cytokines like thymoquinone.

Key words: asthma; α -hederin; thymoquinone; cytokine; inflammation

The effects of thymoquinone on spatial and non –spatial memory impairment induced by scopolamine and the brain tissues oxidative damage in rats

¹ Farimah Beheshti*

² Mahmoud Hoseini

³ Niloufar sadeghi Ghuzhdi

⁴ Sasan Aghili

1,2,3,4- Neurocognitive Research Center,
School of Medicine, Mashhad University
of Medical Sciences, Iran

2- Neurogenic Inflammation Research
Center, School of Medicine, Mashhad
University of Medical Sciences, Iran

* Neurocognitive Research Center, School
of Medicine, Mashhad University of
Medical Sciences, Iran

Email: beheshti931@mums.ac.ir

Abstract

Introduction: In the present study, we aimed to examine the potential protective effects of thymoquinone (TQ) on spatial and non –spatial memory impairment induced by scopolamine (Sco) and the brain tissues oxidative damage in rats.

Methods: The rats were divided into four groups: 1) Control, 2) Scopolamine (Sco), 3) Sco- TQ 10 and 4) Sco- TQ 20. Pretreatment with 10 or 20 mg /kg of TQ (dissolved in saline supplemented by ethanol) was done before behavioral test for 2 weeks in groups 3 and 4. Scopolamine (2 mg/kg b.w., i.p.) was administered 30 min before Morris water maze (MWM) test and passive avoidance in groups 2-4. Finally the brains were removed for biochemical assessments.

Results: In MWM, the escape latency in the Sco group was significantly higher while, the time spent in target quadrant lower than control group (both $P<0.001$). Pretreatment with 10 and 20 mg/kg TQ before scopolamine administration improved escape latency compared to Sco group (respectively $P<0.01$, $P<0.001$). Both 10 and 20 mg/ kg of TQ increased the time spent in target quadrant compare with Sco group (respectively $P<0.01$, $P<0.001$). In passive avoidance test, Sco decreased time latency for entering to dark room ($P<0.01$). Both doses of TQ prolonged the latency to enter the dark ($P<0.05$ - $P<0.001$). Sco increased MDA concentration while, decreased total thiol concentration and superoxide dismutase (SOD) and catalase activity in hippocampus and the brain cortex ($P<0.05$). Treatment by 10 and 20 mg/kg TQ decreased MDA while, increased total thiol, SOD and catalase compared to Sco group ($P<0.05$).

Conclusion: These results allow us to propose that pretreatment with TQ have positive effects on learning and memory. The effect might be due to the anti-oxidative effects.

Key words: Thymoquinone, Scopolamine, Spatial memory, Non-spatial memory, Brain tissues oxidative damage

Exercise induced bronchospasm despite its anti-inflammatory and anti-cancer effects

¹ Negin Yahyazadeh Mashhadi*

² Hamid Marefati

³ Mones Hossaininasab

⁴ Azar Aghayari

⁵ Mohammad Hosein Boskabady

⁶ Mahabat Mohseni

1,5- Neurogenic Inflammation Research Centre and Department of Physiology, School of Medicine Mashhad University of Medical Sciences, Mashhad, Iran

2,3- Departement of Physical Education & Sport Sciences, Shahid Bahonar University of Kerman

4- Payam Noor University of Tehran, Iran

6- Department of Public Health, Kerman University of Medical Sciences, Iran

* Neurogenic Inflammation Research Centre and Department of Physiology, School of Medicine Mashhad University of Medical Sciences, Mashhad, Iran
Email: sneginym@gmail.com

Abstract

Introduction: There are evidence regarding anti-inflammatory and anti-cancer effect of exercise. However, the airway response to exercise in athletes population has been poorly investigated especially in women. In the present study pulmonary function test changes in physically fit female students was examined.

Methods: In Sixty physically fit female students (19 ± 1.12 years old) underwent the physical fitness test (Couper test) of the maximal distance running in 12 minutes. The exercise induced bronchospasm (EIB) symptoms including coughing, wheezing, chest tightness, dyspnea, previously diagnosed asthma and allergy, the use of anti-asthmatics medication and the family history of asthma were recorded using a questionnaire. Pulmonary function tests including; forced vital capacity (FVC), forced expiratory volume in one second (FEV_1), peak expiratory flow (PEF), and maximal expiratory flow at 50% of the FVC (MEF_{50}) were measured at rest (baseline), immediately, 5, and 15 minutes after an exercise test.

Results: The result of this study showed that the prevalence of the symptoms of EIB was 43.3%. There was not any significant difference in baseline PFT values between symptomatic and asymptomatic subjects. However, All PFT values except for FVC of symptomatic subjects were significantly lower than asymptomatic immediately after exercise ($p < 0.01$ for all cases). In addition, PFT values were significantly reduced in all times intervals except for the symptomatic subjects ($p < 0.05$ to $p < 0.001$).

Conclusion: The results showed a high prevalence of respiratory symptoms and EIB in healthy female students.

Key words: Exercise induced bronchospasme, Couper test, Respiratory symptoms, Pulmonary function tests

ارائه و ارزیابی روشی مبتنی بر ماتریس برای محاسبه توزیع دز در براکی تراپی با چشمه‌های گسیل کننده فوتون

خلاصه

مقدمه

گزارش گروه کاری ۴۳ (TG-43) انجمن فیزیک پزشکی آمریکا به عنوان متداول‌ترین شیوه در به دست آوردن توزیع دوز در اطراف چشمه‌های براکی تراپی شناخته شده است و در بسیاری از سیستم‌های طراحی درمان از روش ارائه شده در این گزارش استفاده می‌شود. خطای ناشی از به دست آوردن مستقل و گرد کردن و خطای ترکیبی انجام عملیات جبری هر یک از پارامترهای دزیمتری TG-43، سبب افزایش درصد خطا در محاسبه توزیع دوز در اطراف چشمه‌های براکی تراپی می‌شود. هدف مطالعه حاضر ارائه و ارزیابی روش مبتنی بر ماتریس به منظور ساده سازی و کاهش خطای محاسبات توزیع دوز در براکی تراپی با چشمه‌های گسیل کننده فوتون می‌باشد.

روش کار

در این پژوهش برای به دست آوردن توزیع دوز در اطراف چشمه‌های براکی تراپی، روش شبیه سازی با کد MCNPX مورد استفاده قرار گرفت. چشمه‌های کبالت-۶۰ مدل Co0.A86، سزیم-۱۳۷ مدل ۶۷-۶۵۲۰، ایریدیم-۱۹۲ مدل BEBIG، پالادیم-۱۰۳ مدل OptiSeed شبیه سازی شدند. توزیع دز به دست آمده از روش مبتنی بر ماتریس با توزیع دوز به دست آمده از روش گزارش TG-43 مقایسه شد.

نتایج

نتایج توزیع دز به دست آمده از روش مبتنی بر ماتریس و روش TG-43 در برخی نقاط اختلاف کمی دارند. به نظر می‌رسد این اختلاف به خطاهای محاسبه هر یک از پارامترهای TG-43 و خطای ترکیب آنها مربوط می‌شود. مزیت روش مبتنی بر ماتریس نسبت به روش TG-43 سادگی محاسبات و کمتر بودن زمان انجام محاسبات می‌باشد. مزیت روش TG-43 نسبت به روش مبتنی بر ماتریس این است که می‌توان قضاوت بهتری در مورد قدرت یک چشمه، تغییرات شعاعی دز در راستای صفحه عرضی و ناهمسانگردی چشمه‌ها داشت.

نتیجه گیری

با توجه به اینکه در محاسبات سیستم‌های طراحی درمان، مقایسه چشمه‌های براکی تراپی مطرح نیست و همچنین با توجه به وجود عدم قطعیت بیشتر در محاسبه توزیع دز در روش TG-43، پیشنهاد می‌گردد از توزیع دز به دست آمده از روش مبتنی بر ماتریس به عنوان ورودی سیستم‌های طراحی درمان استفاده گردد.

کلمات کلیدی: براکی تراپی، گزارش TG-43، توزیع دز، شبیه سازی مونت کارلو، چشمه‌های گسیل کننده فوتون، روش مبتنی بر ماتریس

^۱ اعظم مظفری*

^۲ حسین اکبری لایمی

^۳ مهدی قربانی

۱- دانشجوی کارشناس ارشد فیزیک پزشکی،
دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد،
مشهد، ایران

۲- دانشجوی دکتری فیزیک پزشکی، دانشکده
پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

۳- مرکز تحقیقات فیزیک پزشکی، دانشگاه علوم
پزشکی مشهد، مشهد، ایران

* مشهد- دانشگاه علوم پزشکی مشهد، دانشکده
پزشکی

Email: mozaffariazam@yahoo.com

بررسی اثر سمیت عصاره‌ی کورکومین بر روی رده سلولی Huh7

خلاصه

مقدمه

کورکومین (Curcumin) یا دی فرولونیل متان جزء فعال زردچوبه است که اثرات قوی آنتی اکسیدانی، ضد التهابی و ضد سرطانی دارد و دارای اثرات حفاظت کبدی می باشد. Huh7 یک رده سلولی نامیرا از سلول های تومورزای شبه اپی تلیالی کبد است و به عنوان یک مدل کشت هپاتوسیت استفاده می شود. هدف از انجام این مطالعه ارزیابی میزان سمیت کورکومین بر روی رده سلولی انسانی Huh7 بود.

روش کار

سمیت سلولی کورکومین توسط تست MTT مورد ارزیابی قرار گرفت. در این روش میزان ۱۰۰ میکرولیتر محیط کشت DMEM حاوی ۱۰۴ سلول Huh7 در هر چاهک پلیت ۹۶ خانه قرار داده شد. پس از ۲۴ ساعت از غلظت اولیه کورکومین رقت های مختلف (۱/۲) تهیه و به میزان ۱۰۰ میکرولیتر به سلول ها اضافه شد. بعد از ۲۴ ساعت به هر چاهک پلیت ۲۰ میکرولیتر (5mg/ml) MTT اضافه شد و بعد ۴ ساعت انکوباسیون بعد از خالی کردن چاهک ها به هر یک ۱۰۰ میکرولیتر DMSO اضافه گردید سپس به وسیله دستگاه الایزا در طول موجهای ۵۴۵ و ۶۳۰ نانومتر جذب هر چاهک تعیین گردید. نتایج حاصل به صورت میزان بقای سلول و براساس منحنی غلظت گزارش شد. تست ها به شکل تکرار سه تایی بررسی شد.

نتایج

نتایج تست MTT نشان داد که عصاره کورکومین (با غلظت اولیه 60 µg/ml) در غلظت های کمتر از 3.75 µg/ml بر روی سلول سلول های Huh7 غیر کشنده بود.

نتیجه گیری

با توجه به غلظت غیر کشنده مناسب عصاره کورکومین می توان از این عصاره برای بررسی اثرات دارویی آن مانند اثرات ضد ویروسی و ضد سرطانی آن در کشت سلول استفاده کرد.

کلمات کلیدی: کورکومین، کشت سلول Huh7، تست MTT

۱ خدیجه حق پناه*

۲ زهرا مشکات

۳ حسام میرشهابی

۴ سید موسی الرضا حسینی

۵ سعید نیازمند

۶ مسعود یوسفی

۷ فائزه قاسمی

۸ سیدعباس زجاجی

۹ محمد درخشان

۱،۲،۳،۴،۵- مرکز تحقیقات مقاومت های میکروبی،

دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

۳- گروه میکروب و ویروس شناسی، دانشگاه

علوم پزشکی زنجان، زنجان، ایران

۴- گروه گوارش و کبد، بیمارستان قائم (عج)،

دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

۵- گروه فیزیولوژی، دانشکده پزشکی، دانشگاه

علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

۷- گروه زیست فناوری پزشکی، دانشکده

پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

۸- گروه فارماکولوژی، دانشکده پزشکی،

دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

* مشهد- دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مرکز

تحقیقات مقاومت های میکروبی

Email: haghpanahk921@mums.ac.ir

بررسی وضعیت بهداشت محیط آرایشگاه‌های زنانه بخش بهمنیر شهرستان بابلسر در سال ۱۳۹۳

خلاصه

مقدمه

آرایشگاه‌ها یکی از اماکن عمومی مهمی می‌باشند که مراجعه افراد مختلف و استفاده از وسایل مشترک و ابزار کار آلوده انتقال و گسترش انواع بیماری‌ها را ممکن خواهد ساخت. بنابراین رعایت اصول بهداشتی و آگاهی صنف آرایشگران در رابطه با مسائل بهداشتی کار بسیار حائز اهمیت است. لذا هدف از این مطالعه بررسی شاخص‌های بهداشت محیط آرایشگاه‌های زنانه شهر بهمنیر در سال ۱۳۹۳ می‌باشد.

روش کار

این پژوهش یک مطالعه توصیفی-مقطعی است که در آن ۲۵ آرایشگاه زنانه‌ی بخش بهمنیر در سال ۱۳۹۳ به صورت سرشماری مورد بررسی قرار گرفته است. چک لیست بر اساس فرم آئین‌نامه ماده ۱۳ قانون مواد خوردنی و آشامیدنی و آرایشی تهیه گردید و شامل دو بخش بوده است. بخش اول اطلاعات عمومی آرایشگران و آرایشگاه‌ها (از جمله سن، تجربه‌ی کاری، تحصیلات آرایشگر و غیره) و بخش دوم وضعیت بهداشتی آرایشگاه‌ها (بهداشت لوازم کار، بهداشت فردی و وضعیت ساختمان) بوده است. سپس از طریق بازدید، مشاهده مستقیم و مصاحبه حضوری تکمیل گردید. اطلاعات بدست آمده توسط نرم افزار SPSS 20 و با استفاده از روش‌های آماری توصیفی و آزمون‌های T-Test و ANOVA تجزیه و تحلیل شدند.

نتایج

نتایج این پژوهش نشان داد که تنها ۴۴ و ۲۸ درصد از آرایشگران به ترتیب کارت بهداشت سلامت و گواهینامه بهداشت عمومی داشتند. متأسفانه هیچکدام از آرایشگران از روپوش استفاده نمی‌نمودند. تهویه در همه‌ی آرایشگاه‌های مورد بررسی مناسب بود، اما برخی در حین کار تهویه را خاموش کرده و از آن استفاده نمی‌کردند و تنها ۴۰ درصد از آرایشگران از ماسک استفاده می‌نمودند. تفکیک زباله نوک تیز در ۶۰ درصد از اماکن مورد مطالعه انجام می‌گردید و سطل زباله درب‌دار در ۸۸ درصد از این اماکن وجود داشت. ۱۲ درصد از آرایشگران دارای مدرک لیسانس، ۶۸ درصد دیپلم و مابقی زیردیپلم بودند. نتایج نشان داد که تحصیلات آرایشگران با وضعیت بهداشتی آرایشگاه‌ها اختلاف معناداری دارد ($Pvalue < 0.05$). بین سن، تجربه‌ی کاری آرایشگران و نوع مالکیت امکان استفاده به عنوان آرایشگاه (شخصی یا اجاره‌ای) با وضعیت بهداشتی آرایشگاه‌ها اختلاف معناداری وجود نداشت ($Pvalue > 0.05$).

نتیجه گیری

با توجه به درصد پائین گواهینامه‌ی بهداشت عمومی، باید سختگیری بیشتری در امر حضور آرایشگران در دوره‌های ویژه صنوف صورت گیرد. احتمال بروز مشکلات تنفسی با کاربرد رنگ‌ها و دکلره در این صنف زیاد است، لذا بایستی به استفاده از تهویه و ماسک توجه بیشتری گردد. همچنین عدم استفاده از ماسک موجب انتقال بیماری‌های تنفسی می‌شود. برگزاری کلاس‌های آموزشی بیشتر و در صورت امکان آموزش فرد به فرد موثر خواهد بود.

کلمات کلیدی: بهداشت محیط، آرایشگاه زنانه، بهمنیر، بابلسر

^۱ محمدعلی ززولی

^۲ مریم یوسفی*

^۳ ناهیدزوبین

۱- دانشیار، گروه مهندسی بهداشت محیط، دانشکده بهداشت و مرکز تحقیقات علوم بهداشتی، دانشگاه علوم پزشکی مازندران

۲- دانشجوی کارشناسی ارشد مهندسی بهداشت محیط، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی مازندران

۳- کارشناس بهداشت محیط، دانشگاه علوم پزشکی مازندران

* ساری- دانشگاه علوم پزشکی مازندران، کمیته تحقیقات دانشجویی

Email: maryam_u3fi7@yahoo.com

بررسی ارتباط بین سطح آلاینده های هوا و میزان مراجعه بیماران قلبی-عروقی و تنفسی به بیمارستان های قائم و امام رضا مشهد طی سال های ۹۲-۸۷

خلاصه

مقدمه

افزایش جمعیت و به دنبال آن توسعه شهرها و گسترش صنایع موجب مصرف بی رویه سوخت های فسیلی شده است. پیامدهای آن شامل آلودگی هوا، تخریب محیط زیست، نوسانات اقلیمی و تغییر اکوسیستم ها میباشد که تاثیر منفی بر سلامت انسانها گذاشته و موجب تشدید بسیاری از بیماری های قلبی-عروقی و تنفسی و مرگ و میر شده است. هدف از مطالعه حاضر ایجاد ارتباط بین سطح آلاینده های هوا و میزان مراجعه بیماران قلبی-عروقی و تنفسی به بیمارستان های قائم و امام رضا مشهد طی سال های ۹۲-۸۷ میباشد.

روش کار

به منظور جمع آوری اطلاعات باخذ معرفی نامه از دانشگاه به سازمان های هواشناسی، محیط زیست، مدارک پزشکی بیمارستان های قائم و امام رضا (ع) مراجعه شد. تجزیه و تحلیل اطلاعات با استفاده از نرم افزار SPSS 21 و آزمون های آماری One way ANOVA، همبستگی پیرسن و مدل خطی تعمیم یافته انجام شد و به منظور ارتباط بین آلاینده ها و مراجعه به بیمارستان به علت بیماری های قلبی-عروقی و تنفسی از سری های زمانی استفاده کردیم، سطح معنی داری در آزمون ها ۰/۰۵ در نظر گرفته شد.

نتایج

نتایج آماری ۵ ساله نشان می دهد که میزان مراجعه بیماران قلبی-عروقی به بیمارستان ها حدود ۱۰۰۰ نفر در ماه بوده است و ارتباط معناداری بین میزان مراجعه این بیماران به بیمارستان و آلاینده های CO، ذرات معلق، NO₂ و SO₂ وجود داشت. پذیرش بیماران تنفسی نیز حدود ۷۰۰ نفر در ماه بوده که ارتباط معناداری با NO داشت.

نتیجه گیری

در طی سالهای مورد مطالعه با افزایش میزان آلاینده ها میزان مراجعه بیماران قلبی-عروقی و تنفسی به بیمارستان های قائم و امام رضا مشهد افزایش یافته است که این روند با افزایش آلودگی هوا طی چند سال اخیر نیز قابل پیش بینی بود.

کلمات کلیدی: آلاینده های هوا، بیماران قلبی-عروقی و تنفسی، بیمارستان های قائم و امام رضا

^۱ شیوا قادری فر*

^۲ الهه احمدی

^۳ سپیده بختی

^۴ علی اصغر نجف پور

^{۱،۲،۳} - دانشجوی کارشناسی ارشد مهندسی

بهداشت محیط، عضو کمیته تحقیقات دانشجویی

دانشگاه علوم پزشکی مشهد، ایران

^۴ - دانشیار مرکز تحقیقات علوم بهداشتی گروه

مهندسی بهداشت محیط دانشکده بهداشت دانشگاه

علوم پزشکی مشهد، ایران

* مشهد - دانشگاه علوم پزشکی مشهد، کمیته

تحقیقات دانشجویی

Email: ghaderifarsh921@mums.ac.ir

بررسی نقش مسئولیت فردی در قبال سلامت در اولویت گذاری برای ارائه خدمات سلامت

خلاصه

مقدمه

امروزه مهمترین علل مرگ در کشور ایران، بیماریهای قلبی عروقی، تصادفها و سرطانها هستند که بسیاری از این بیماریها را می توان با تغییر عادت ها و رفتارها پیشگیری کرد. این پژوهش با هدف بررسی نقش مسئولیت فردی سلامت در اولویت گذاری ارائه خدمات سلامت از دیدگاه متقاضیان اهدای عضو مراجعه کننده به مرکز اهدای عضو شهرستان مشهد در بهار ۹۴ انجام شده است.

روش کار

این مطالعه توصیفی-مقطعی در بین متقاضیان اهدای عضو که برای تکمیل فرم عضویت به مرکز اهدای اعضای شهرستان مشهد واقع در بیمارستان پیوند اعضای متصرفه واحد فراهم آوری اعضای پیوندی مراجعه نموده اند انجام شده است. جمع آوری داده ها با استفاده از پرسشنامه استاندارد در رابطه با سنجش میزان تمایل اهدای عضو به دو بیمار متقاضی دریافت کبد که یکی از آنها علت وجود آمدن بیماریش ارثی و دیگری اعتیاد می باشد صورت گرفته است. داده های پرسشنامه در نرم افزار جمع آوری و با استفاده از آمار توصیفی و آمار تحلیلی (آزمون های کای اسکوئر، من ویتنی، تی مستقل و...) و در قسمت سوالات باز با استفاده از تحلیل محتوا آنالیز گردید.

نتایج

در نهایت از بین ۲۱۰ پرسشنامه جمع آوری شده تحلیل ها بیانگر این بود که در بین پاسخ دهندگان تمایل به تخصیص کبد به متقاضیان دریافت عضوی که علت وجود آمدن بیماریشان ارثی بوده ۶ برابر بیشتر از تخصیص کبد به متقاضیانی که اعتیاد باعث وجود آمدن بیماریشان بوده، می باشد. همچنین ۷۴ درصد شرکت کنندگان به این اصل که اینکه افراد تا حدودی در سلامتی و وجود آمدن بیماریشان نقش دارند معتقد بودند.

نتیجه گیری

مسئولیت فردی سلامت می تواند معیار مهمی در تصمیم گیری برای اولویت گذاری در ارائه خدمات سلامت در بین سیاست گذاران عرصه بهداشت و درمان باشد. با این وجود اجرایی شدن این اصل منوط به برنامه ریزی های بلند مدت و وجود زیرساخت ها و فرهنگ سازی های کلان و خرد در جامعه و محیط های بهداشتی درمانی و همچنین افراد جامعه می باشد. همچنین بهتر است سرمایه گذاری روی سطح پیشگیری برای آموزش و جا انداختن فرهنگ مسئولیت پذیری در جامعه افزایش یابد.

کلمات کلیدی: مسئولیت فردی، اولویت گذاری، سلامتی

^۱ سحر کوهستانی*

^۲ الهه هوشمند

^۳ علی وفایی نجار

^۴ حامد تابش

^۵ علی اصغر رضایی

۱- کارشناسی ارشد مدیریت خدمات بهداشتی

درمانی، کمیته تحقیقات دانشجویی دانشگاه علوم

پزشکی مشهد، مشهد، ایران

۲- phd مدیریت خدمات بهداشتی درمانی،

استادیار مرکز تحقیقات علوم بهداشتی، دانشکده

بهداشت دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

۳- Phd مدیریت خدمات بهداشتی درمانی،

دانشیار مرکز تحقیقات علوم بهداشتی، دانشکده

بهداشت دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

۴- phd آمار زیستی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد،

مشهد، ایران

۵- کارشناسی ارشد مدیریت خدمات بهداشتی

درمانی، کمیته تحقیقات دانشجویی دانشگاه علوم

پزشکی مشهد، مشهد، ایران

* مشهد - دانشگاه علوم پزشکی مشهد، کمیته

تحقیقات دانشجویی

Email: sa.ku.hsm@gmail.com

مقایسه میزان رضایت جنسی در معتادان تحت درمان نگهدارنده با متادون و بوپرنورفین

خلاصه

مقدمه

اعتیاد به مواد مخدر گسترش جهانی داشته و امروزه بخش بزرگی از مبتلایان به این بیماری را جوانان تشکیل می‌دهند. درمان نگهدارنده با متادون و بوپرنورفین به طور بین‌المللی یک مداخله مؤثر، ایمن و کم هزینه و اثربخش برای افراد وابسته به مواد مخدر شناخته شده است لیکن اختلالات جنسی بزرگ‌ترین سد در مقابل پای‌بندی بیماران به ادامه درمان‌های نگهدارنده با ترکیبات دارویی مخدر است. به ویژه در بیمارانی که تحت درمان با دوز بالای دارو قرار دارند یا طول درمان دوره آنها طولانی است لذا در این پژوهش هدف مقایسه میزان رضایت جنسی در معتادان تحت درمان نگهدارنده با متادون و بوپرنورفین شهرستان بردسکن است.

روش کار

طرح پژوهش حاضر علی - مقایسه‌ای می‌باشد، از بین تمام افرادی که در سه ماهه اول سال ۹۳ به کلینیک های ترک شهرستان مراجعه کرده بودند و حداقل ۶ ماه تحت درمان نگهدارنده بودند تعداد ۱۰۰ نفر در بازه سنی ۲۰ تا ۴۰ سال به روش تصادفی ساده انتخاب شدند که از این تعداد ۵۰ نفر تحت درمان نگهدارنده با متادون و ۵۰ نفر تحت درمان نگهدارنده با بوپرنورفین قرار داشتند. ابزار مورد استفاده در این پژوهش پرسشنامه اختلالات عملکرد جنسی آریزونا بود. تحلیل داده ها با استفاده از نرم افزار Spss-18 و آزمون T مستقل انجام شد.

نتایج

نتایج نشان داد که، بین میانگین نمرات دو گروه تفاوت معناداری وجود دارد، بدین معنی که رضایت جنسی در افراد تحت درمان نگهدارنده بوپرنورفین بالاتر می‌باشد.

نتیجه گیری

یافته های پژوهش حاضر مشخص میکند که میزان رضایت جنسی در معتادان تحت درمان نگهدارنده با بوپرنورفین در شهرستان بردسکن بالاتر است. بنابراین از این یافته میتوان در راستای برنامه ریزی درمانی با استفاده از بوپرنورفین در افزایش رضایت جنسی معتادان استفاده کرد.

کلمات کلیدی: رضایت جنسی؛ درمان؛ بوپرنورفین؛ متادون

^۱ علی وفايي نجار

^۲ حسين اماميان*

^۳ زهرا دارابي

^۴ طيبيه كاشفي

۱- دکترای مدیریت و خدمات بهداشتی درمانی،

دانشیار گروه بهداشت و مدیریت گروه دانشکده

بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

۲- کارشناس ارشد آموزش بهداشت و ارتقای

سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی

مشهد، مشهد، ایران

۳- کارشناس ارشد روانشناسی بالینی، دانشگاه علوم

پزشکی مشهد، مشهد، ایران

۴- کارشناس ارشد روانشناسی بالینی، دانشگاه علوم

پزشکی تربت حیدریه، تربت حیدریه، ایران

* مشهد - دانشگاه علوم پزشکی مشهد، دانشکده

بهداشت

Email: emamianh1@gmail.com

بررسی کارایی فرایند اکسیداسیون و احیای الکتروشیمیایی در حذف فلز سنگین مس از فاضلاب های صنعتی

خلاصه

مقدمه

فلز مس یکی از پرمصرف ترین فلزات در صنایع مختلف از قبیل پردازش فلزات، قطعه شویی و آبکاری است و در فاضلاب نساجی نیز بدلیل حضور در ساختار رنگ های مورد استفاده یافت می شود. بر مبنای مقررات زیست محیطی اهمیت فراوانی در رابطه با حذف فلزات از پساب صنایع وجود دارد که این مهم پژوهش های علمی را به سمت ایجاد و توسعه روش های کارآمد حذف فلزات از فاضلاب سوق داده است. هدف از پژوهش حاضر تعیین کارایی فرایند اکسیداسیون و احیای الکتروشیمیایی در حذف فلز مس از پساب صنعتی بود.

روش کار

دراین تحقیق حذف فلز مس از محلول آبی با بکارگیری انرژی الکتریکی و استفاده از الکترودهای گرافیت و استیل در یک راکتور جریان پیوسته انجام شد. تاثیر غلظت اولیه آلاینده، دانسیته جریان الکتریکی و زمان الکترولیز به عنوان سه پارمتر موثر بر فرایند حذف مس بررسی شد. برای طراحی آزمایش ها و آنالیز نتایج از نرم افزار طراحی آزمایش استفاده شد. در نهایت ۴۰ نمونه با دستگاه جذب اتمی مورد سنجش قرار گرفتند.

نتایج

نتایج نشان داد که برای ۲۰۰ میلی لیتر از پساب حاوی غلظت ۳ میلی گرم بر لیتر از فلز مس، با اعمال دانسیته جریان ۰/۲۵ آمپر در زمان ۵۵ دقیقه، راندمان حذف ۹۸٪ است. تحت شرایط فوق انرژی الکتریکی مورد نیاز ۸/۹۳۷ کیلووات ساعت بر متر مکعب می باشد. فرایند حذف فلز از تغییرات غلظت فلز که در محدوده ۵-۱ میلی گرم بر لیتر بررسی شدند، متاثر نبود، درحالیکه پارامترهای زمان واکنش و شدت جریان به ترتیب بیشترین تاثیر را در فرایند حذف نشان دادند.

نتیجه گیری

فرایند اکسیداسیون و احیای الکتروشیمیایی نیاز به تجهیزات پیچیده ای ندارد و به علت عدم نیاز به مواد شیمیایی هزینه بهره برداری کمتری دارد. درچنین شرایطی با توجه به راندمان بالای تصفیه این فرایند را می توان به عنوان روشی موثر در تصفیه پساب حاوی فلزات سنگین بکارگرفت.

کلمات کلیدی: اکسیداسیون و احیای الکتروشیمیایی، فاضلاب صنعتی، فلز سنگین مس

^۱ علی اصغر نجف پور

^۲ مجتبی داودی

^۳ الهام رحمانپور*

^۴ مریم رحمانی

^۵ ریحانه زنگی

۱- مرکز تحقیقات علوم بهداشتی، گروه مهندسی

بهداشت محیط، دانشگاه علوم پزشکی مشهد،

دانشکده بهداشت، مشهد، ایران

۲- گروه مهندسی بهداشت محیط، دانشکده

بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی تربت حیدریه،

تربت حیدریه، ایران

۳،۴،۵- کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم

پزشکی مشهد، دانشکده بهداشت، مشهد، ایران

* مشهد - دانشگاه علوم پزشکی مشهد، دانشکده

بهداشت، کمیته تحقیقات دانشجویی

Email: rahmanpoure1991@gmail.com

ارزیابی آگاهی دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی مشهد در خصوص استانداردهای آب بطری شده

خلاصه

مقدمه

استفاده از آب های بطری شده به دلیل اطمینان عمومی به کیفیت آنها و در دسترس بودن گسترش یافته است. کنترل آب های بطری شده در مقایسه با شبکه توزیع به دلیل زمان و دمای بیشتر نگهداری از نظر بهداشتی اهمیت ویژه ای دارد. هدف از این مطالعه ارزیابی آگاهی دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی مشهد در خصوص استانداردهای آب های بطری شده بود.

روش کار

این مطالعه توصیفی مقطعی در سال ۱۳۹۳ با روش نمونه گیری طبقه ای بین ۴۰۰ نفر از دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی مشهد در مقاطع مختلف تحصیلی انجام شد. ابزار گردآوری داده ها، پرسشنامه دو بخشی شامل مشخصات دموگرافیک و ۱۲ سؤال در حیطه آگاهی بود. جهت تجزیه و تحلیل داده ها از نرم افزار آماری SPSS نسخه 16 و آماره های توصیفی (شامل: درصد، میانگین و انحراف معیار) و آزمون های تحلیلی (شامل: T.test و Anova) استفاده شد.

نتایج

میانگین سنی پاسخ دهندگان $22/03 \pm 4/04$ سال بود که ۷۰٪ آنان زن بودند. میانگین نمره آگاهی پاسخ دهندگان در مورد استانداردهای آب بسته بندی 10/59 از ۱۶ بود. از نظر آماری بین آگاهی افراد تحت مطالعه و عوامل مورد نظر (سن، جنس، دانشکده و مقطع تحصیلی) تفاوت معناداری مشاهده نشد. ($P > 0.05$)

نتیجه گیری

آب های بطری شده نیازمند بررسی از لحاظ کیفیت و سلامت منابع آب مورد استفاده، جنس بطری های بسته بندی، رعایت موازین بهداشتی و اصول صحیح نگهداری به منظور حفظ سلامت مصرف کنندگان است. در این پژوهش میزان آگاهی دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی مشهد نسبت به استانداردهای آب بطری شده در سطح متوسطی برآورد گردید که این مهم بر لزوم تدوین برنامه های آموزشی به منظور افزایش سطح آگاهی این قشر از جامعه به عنوان متولیان عرصه سلامت صحنه می گذارد.

کلمات کلیدی: آب بطری شده، آگاهی، استاندارد، دانشجویان

^۱ حسین علیدادی

^۲ رویا پیروی

^۳ سیما نوربخش*

^۴ سمانه کندی

^۵ سعیده مشاری کاخکی

۱- دانشیار گروه مهندسی بهداشت محیط، دانشگاه

علوم پزشکی مشهد

۲- مربی گروه مهندسی بهداشت محیط، دانشگاه

علوم پزشکی گناباد

۳- دانشجوی کارشناسی ارشد مهندسی بهداشت

محیط، دانشگاه علوم پزشکی مشهد

۴،۵- کارشناس مهندسی بهداشت محیط

* مشهد - دانشگاه علوم پزشکی مشهد، دانشکده

بهداشت

Email: mahsan.s210@gmail.com

بررسی الگوی مرگ و میر شهرستان سرخس از سال ۱۳۸۳ تا ۱۳۹۳

خلاصه

مقدمه

اطلاع از علل مرگ و میر و روند آن یکی از نیازهای مهم و اساسی در برنامه ریزیهای مربوط به سلامت هر جامعه است. توزیع علل فوت در جامعه در بسیاری از موارد نشاندهنده توزیع عوامل خطر مرگ در جامعه است که با شناسایی آن برنامه های مداخله ای جهت کاهش عوامل خطر شکل می گیرد و یا میزان اثربخشی برنامه های مداخله ای که در جهت ارتقای سلامت طراحی شده با کمک تغییرات میزانهای مرگ و میر شناخته می شود. این مطالعه به منظور تعیین روند تغییرات الگوی مرگ و میر در شهرستان سرخس در طی سالهای ۱۳۸۳ تا ۱۳۹۳ انجام گردید.

روش کار

این مطالعه، توصیفی - مقطعی در یک دوره ۱۱ ساله انجام شد. اطلاعات مربوط به موارد مرگ و مرده زایی از بیمارستان، پزشکی قانونی، مراکز بهداشتی در مانی، اداره ثبت احوال و شهرداری براساس گواهی فوت معتبر و در صورت نداشتن با استفاده از روش Verbal Autopsy جمع آوری گردید. علل فوت به سه شکل زمینه ای، واسط و فوری جمع آوری و این اطلاعات توسط نرم افزار ثبت مرگ نسخه ۷،۲ و Dotnet طبقه بندی و براساس ICD10 کدگذاری گردید.

نتایج

براساس یافته ها مشخص گردید تعداد کل مرگهای رخ داده در طی ۱۱ ساله اخیر ۴۰۴۶ مورد بود که بیماریهای قلبی عروقی با ۳۶،۷٪ در رتبه اول، سرطانها با ۱۴،۲۴٪ در رتبه دوم و سوانح و حوادث با ۱۲،۳۱٪ در رتبه سوم قرار داشت. بیشترین مرگ ناشی از سرطان به ترتیب فراوانی مربوط به سرطان معده ۲۹،۶۹٪، سرطان کبد ۱۱،۴۶٪، سرطان ریه ۹،۲۰٪ و سرطان مری ۸،۳۳٪ بود.

نتیجه گیری

با توجه به متفاوت بودن الگوی مرگ شهرستان با الگوی مرگ و میر کشور و بالا بودن میزان مرگهای ناشی از سرطان، نسبت به میانگین کشور و دنیا، شهرستان سرخس بایستی در اولویت اقدام در جهت Downstaging از طریق آموزش عمومی قرار گیرد.

کلمات کلیدی: سرخس، مقطعی، ICD10، Downstaging

^۱ سلمان شجاعی*

^۲ زینب فداکار

^۳ آمنه اسفندیاری

^۴ علی وفایی نجار

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت خدمات

بهداشتی و درمانی، کمیته تحقیقات دانشجویی، گروه بهداشت و مدیریت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، ایران

۲- کاردان مدارک پزشکی، واحد آمار، مرکز بهداشت شهرستان سرخس، دانشگاه علوم پزشکی مشهد

۳- کارشناس بهداشت عمومی، مرکز بهداشت ثامن، مرکز بهداشتی درمانی شمس الشموس، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

۴- دانشیار، مرکز تحقیقات علوم بهداشتی، گروه علوم مدیریت و اقتصاد سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، ایران

* مشهد - دانشگاه علوم پزشکی مشهد، دانشکده بهداشت، گروه بهداشت و مدیریت، کمیته تحقیقات دانشجویی

Email: shojaeis1@mums.ac.ir

کاربرد تئوری رفتار برنامه ریزی شده در پیش بینی میزان مصرف میان وعده های کم ارزش غذایی در دانش آموزان پسر شهرستان چناران ۱۳۹۳

خلاصه

مقدمه

دانش آموزان علاوه بر ۳ وعده غذای اصلی به میان وعده نیز نیاز دارند و انتخاب غذا عمیقاً بر سلامت آنها در این دوران اثر دارد، اما متأسفانه مصرف میان وعده های کم ارزش در میان این گروه در سال های اخیر افزایش داشته است. لذا این مطالعه با هدف پیش بینی میزان مصرف میان وعده های کم ارزش براساس سازه های تئوری رفتار برنامه ریزی شده در دانش آموزان پسر شهرستان چناران در سال ۱۳۹۳ می باشد.

روش کار

مطالعه از نوع مقطعی می باشد که در آن، ۱۴۳ دانش آموز پسر سال هشتم به صورت نمونه گیری تصادفی انتخاب شدند و پرسشنامه های مربوطه (اطلاعات دموگرافیک-سنجش مستقیم سازه های تئوری رفتار برنامه ریزی شده- مصرف میان وعده های کم ارزش غذایی) را تکمیل نمودند. داده ها با استفاده از نرم افزار SPSS نسخه ۱۸ و آزمون های آماری آزمون تحلیل واریانس یک طرفه، رگرسیون و همبستگی پیرسون تجزیه و تحلیل شدند.

نتایج

بیشترین میان وعده مصرفی کم ارزش در بین دانش آموزان شکلات، کیک و نوشابه بود. یافته ها نشان داد که دو سازه ی هنجارهای انتزاعی و کنترل رفتاری درک شده می توانند پیش بینی کننده های معناداری برای تغییرات رفتار مصرف میان وعده های کم ارزش باشند ($R^2=0.09$, $p=0.002$). اما سایر سازه ها قادر به پیش بینی رفتار مصرف میان وعده کم ارزش در دانش آموزان نبود. ضمناً سازه های نگرش، هنجارهای انتزاعی و کنترل رفتاری درک شده نیز به عنوان پیش بینی کننده های معنادار برای قصد رفتاری شناخته شدند ($R^2=0.16$, $p<0.001$).

نتیجه گیری

با توجه به گرایش دانش آموزان به مصرف تنقلات کم ارزش انجام مداخلات آموزشی براساس تئوری هایی مانند تئوری رفتار برنامه ریزی شده ضروری به نظر می رسد.

کلمات کلیدی: تئوری رفتار برنامه ریزی شده، میان وعده کم ارزش غذایی، دانش آموزان

^۱ نویسن پیمان

^۲ الهام چارچچیان خراسانی*

^۳ محمد مقضی

۱- دانشیار، دکترای تخصصی آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، گروه آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، مرکز تحقیقات علوم بهداشتی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران
۲- دانشجوی کارشناسی ارشد آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، گروه آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران
۳- کارشناس بهداشت عمومی، مسئول واحد آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت مرکز بهداشت شهرستان چناران، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

* مشهد - دانشگاه علوم پزشکی مشهد، دانشکده بهداشت، گروه آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، کمیته تحقیقات دانشجویی

Email: echaroghchian@yahoo.com

The relation between quality of work life and the physicians intention to Leave causes from the family physician program in Mashhad University of Medical Sciences in year 2015

¹ Ali Vafae najar

² Elaheh Houshmand

³ Habibolah Esmaeily

⁴ Hosein Ebrahimipour

⁵ Mahdi Gholian Aval

⁶ Zahra Chaman*

⁷ Razieh Salimi

1- Health Sciences Research Center, School of Health, Mashhad University of Medical Sciences, Mashhad, Iran

2- Economics and Management Sciences Department, School of Health, Mashhad University of Medical Sciences, Mashhad, Iran

3- Biostatistics and Epidemiology Department, School of Health, Mashhad University of Medical Sciences, Mashhad, Iran

4- Family Physician Department, School of Medicine, Mashhad University of Medical Sciences, Mashhad, Iran

5- Health Education and Promotion Department, School of Health, Mashhad University of Medical Sciences, Mashhad, Iran

6- Student Research Committee, Economics and Management Department, School of Health, Mashhad University of Medical Sciences, Mashhad, Iran

7- General Practitioner, Roshtkhar City Health Center, Mashhad University of Medical Sciences, Mashhad, Iran

* Student Research Committee, Economics and Management Department, School of Health, Mashhad University of Medical Sciences, Mashhad, Iran
Email: chamanz1@mums.ac.ir

Abstract

Introduction: Some factors led to the desertion of family physicians from their work in the rural areas of Iran. The aim of this study is to determine the relationship between the quality of work life and factors that causes the physicians to leave from the family physician program.

Methods: In this cross-sectional study, survey was done in statistic and questioning method in physician program administrative centers as well as working physicians. data were collected through researcher made questionnaire measure dimensions planning, motivation, payment of salaries, performance evaluations, facilities and amenities, making culture of intention to Leave and Van Laren standard questionnaire measure job satisfaction, working conditions, wellness General situation, stress at work, control at work and work-home balance. the questionnaires were designed according to the Likert scale(5). Scores after aggregated, were balance (0-100).data were analyzed using t-test, Chi-squared test, Anova analysis and Correlation by SPSS ۲۱(p<0.05).

Results: The average of the physician reported medium quality of work life (about 57.3).quality of work life from the aspects of stress at work(62.3), general feeling of wellness(61.2) was favorable. the average score of intention to leave is high (72.4).the scores of intention to leave the dimensions of planning(77.4) and evaluation performance(84.3) was high. There was inverse significant relation between the score of intention to leave with different aspects of quality of work life (exception aspect of Stress at work) (p<0.05). There is no significant relationship between demographic factors with different dimensions of intention to leave. Physicians who were bivouac or with less work experience had the lower average of work life quality. factors influencing turnover intentions were the higher workload, time-consuming documentation of health records, Poor performance evaluation and referral system.

Conclusion: Designing a performance evaluation plan, fair paying system, improve facilities and amenities can reduce the physician intention of leave from the family physician program.

Key words: Family physician, quality of work life, Intention to Leave

بررسی مصرف مکمل های تغذیه ای مادر در دوران بارداری و تاثیر آن بر رشد کودکان در شهر مشهد

خلاصه

مقدمه

هر ساله حدود ۲۱ میلیون نوزاد با وزن کمتر از حد طبیعی در جهان متولد می شوند که در مقایسه با میزان مرگ و میر نوزادانی که به علل دیگر می میرند شانس کمتری برای زنده ماندن دارند. رشد و نمو هر کودکی بستگی به کیفیت تغذیه ای مادر در جریان حاملگی و کفایت تغذیه ای کودک دارد. باتوجه به آسیب پذیری این قشر، بررسی کیفیت و وضعیت تغذیه ای آنها از اهمیت بسزایی برخوردار استهدف از این مطالعه بررسی ارتباط مواد مغذی دریافتی (مکمل های تغذیه ای) در دوره بارداری مادر با وضعیت رشد کودکان می باشد.

روش کار

پژوهش حاضر یک مطالعه توصیفی تحلیلی به روش Cross sectional با حجم نمونه ۳۰۰ نفر از مادران دارای کودک ۲۴-۶ ماهه مراجعه کننده به مراکز بهداشتی درمانی مشهد که به روش طبقه ای، خوشه ای و در مرحله آخر به روش تصادفی ساده انتخاب شده بودند، میباشد. اطلاعات بدست آمده توسط نرم افزار کامپیوتری SPSS مورد آنالیز قرار گرفت.

نتایج

یافته ها نشان داد ۷۲ درصد مادران در طی دوره بارداری از مکمل های تغذیه ای استفاده نموده و از لحاظ سطح تحصیلات: ۱۵/۳ درصد مادران سواد ابتدایی، ۱۶/۳ درصد راهنمایی، ۵۰ درصد دیپلم و ۱۸/۳ درصد نیز تحصیلات دانشگاهی داشتند. از طرفی ۱۳/۳ درصد پدران دارای تحصیلات ابتدایی، ۲۰/۷ درصد راهنمایی، ۴۸/۷ درصد دیپلم و ۱۷/۳ درصد هم تحصیلات دانشگاهی داشتند. از لحاظ سطح درآمد خانواده ها: ۱۳/۷ درصد درآمد ناکافی، ۸۲/۷ درصد درآمد متوسط و ۳/۷ درصد نیز درآمد خوبی داشته اند. یافته ها نشان داد از لحاظ ساختار خانواده ۱۰/۳ درصد خانواده ها ازدواج مجدد و ۱۰/۳ درصد نیز چند همسری وجود داشته است. ۱ درصد والدین نیز معتاد و استعمال سیگار در بین مادران ۰/۷ درصد و در بین پدران ۱۵/۳ درصد شیوع داشته است. یافته ها همچنین نشان داد ارتباط آماری معنی داری بین متغیرهای مصرف مکمل ها در طی بارداری، ساختار خانواده (چند همسری-طلاق-ازدواج مجدد)، تحصیلات والدین، درآمد خانواده، اعتیاد والدین به مواد مخدر و استعمال سیگار در والدین با متغیر وضعیت رشد کودک موجود است، بطوریکه کودکانی که مادر آنان در طی بارداری از مکمل های تغذیه ای به طور مرتب استفاده نموده و نیز کودکانی که دارای والدین با درآمد خوب و تحصیلات بالا بوده دارای رشد بهتری نسبت به سایر کودکان بوده و از طرفی کودکان با والدین سیگاری و معتاد و کودکانی با ساختار خانوادگی متزلزل دارای رشد نامطلوب نسبت به کودکان هم سن خود می باشند ($p < 0.05$).

نتیجه گیری

استفاده مادران از مکمل های تغذیه ای در طی دوران بارداری و نیز آموزش موثر آنان در این خصوص توسط پرسنل بهداشتی درمانی و شرکت فعال مادران در کلاسهای آموزشی و مراقبت کودکان تاثیر قابل توجهی در رشد و ارتقای سلامت کودکان خواهد داشت.

کلمات کلیدی: مکمل تغذیه ای-مادران-دوره بارداری-رشد کودک

^۱ رحیم وکیلی

^۲ غلام حسن خدایی

^۳ زهرا سعیدی*

۱- دپارتمان اطفال، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم

پزشکی مشهد، مشهد، ایران

۲- معاون فنی مرکز بهداشت استان، دانشگاه علوم

پزشکی مشهد، مشهد، ایران

۳- کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم

پزشکی مشهد، مشهد، ایران

* مشهد - دانشگاه علوم پزشکی مشهد، کمیته

تحقیقات دانشجویی

Email: ijp@mums.ac.ir

بررسی وضعیت آلودگی باکتریایی دستگاه های خودپرداز بانکی در مشهد

خلاصه

مقدمه

امروزه با گسترش تعداد دستگاه های خودپرداز و کارت های بانکی و افزایش استفاده آحاد مردم از آن ها، احتمال آلوده شدن دست در اثر تماس با سطوح دستگاه افزایش یافته، و در پی آن تماس دست با دهان، بینی یا چشم می تواند موجب انتقال باکتری های بیماری زا به بدن افراد شده و می تواند باعث عفونت یا بیماری شود، هم چنین فرد آلوده به عنوان منبع جدیدی برای میکروارگانیزم های بیماری زا مطرح شود. این مطالعه سعی در تعیین نوع آلودگی باکتریایی، تعداد کلنی ها بر روی دستگاه های ATM در ۵ بانک هدف (ملی، صادرات، ملت، سپه، تجارت) در منطقه ۸ مشهد دارد.

روش کار

در یک مطالعه تحلیلی - مقطعی تعداد ۵۲ نمونه از بانک های هدف، در منطقه ۸ مشهد مورد بررسی قرار گرفت. نمونه برداری از سطح صفحه کلید دستگاه های خودپرداز توسط سوآپ استریل مرطوب انجام شد. کشت نمونه ها بر روی محیط کشت های نوترینت آگار، بلاد آگار، مکانکی آگار و برد پارکر آگار در محل صورت گرفت سپس اطلاعات با استفاده از نرم افزار SPSS vol.16 و آزمون آماری ANOVA مورد تجزیه و تحلیل آماری قرار گرفت.

نتایج

میانگین تعداد کلنی های مشاهده شده بر روی محیط کشت بلاد آگار ۱۷,۲۳، نوترینت آگار ۲۳,۵۶، برد پارکر آگار ۱۴,۴۲، مکانکی آگار صفر بود. باکتری های گرم منفی در این مطالعه بر روی سطح دستگاه های خودپرداز یافت نشد. بانک ملت دارای بیشترین تعداد کلنی رشد یافته بر روی تمامی محیط کشت ها بود.

نتیجه گیری

نتایج مطالعه حاضر نشان داد، با توجه به غالب بودن باکتری های گرم مثبت بر روی دستگاه های خودپرداز بانکی، بهتر است برای گندزدایی این دستگاه ها تمرکز بیشتر بر کاربرد عوامل موثر بر باکتری های گرم مثبت باشد.

کلمات کلیدی: دستگاه خودپرداز، آلودگی باکتریایی، باکتری گرم مثبت، باکتری گرم منفی

^۱ مجتبی داودی

^۲ مهندس الیزا عطایی

^۳ زهره رهنما برگرد

^۴ فرزانه آخوند نوغانی*

^۵ مژده گودرزی

۱- استادیار دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم

پزشکی تربت حیدریه

۲- کارشناسی ارشد علوم آزمایشگاهی (همتراز

حیات علمی)، دانشکده بهداشت دانشگاه علوم

پزشکی مشهد

۳،۴،۵- دانشجوی کارشناسی پیوسته مهندسی

بهداشت محیط، دانشکده بهداشت دانشگاه علوم

پزشکی مشهد

* مشهد - دانشگاه علوم پزشکی مشهد، دانشکده

بهداشت

Email: akhoundnf911@mums.ac.ir

بررسی شاخص های کیفیت شیمیایی آب شرب منطقه تحت پوشش مرکز بهداشت شماره یک شهرستان مشهد در سال های ۸۷ تا ۹۰

خلاصه

مقدمه

پایش کیفی آب نه تنها باعث بهبود کیفیت آب می شود بلکه در فرایند تولید آب سالم نیز ارزش اقتصادی داشته و عامل مهمی در کاهش هزینه های تولیدی و تصفیه آب می شود. در این مطالعه که با همکاری مرکز بهداشت شماره یک شهرستان مشهد، گروه بهداشت محیط صورت گرفت، داده های کیفیت شیمیایی شامل کل جامدات محلول، سختی کل، فلوراید، کلرور، نترات، نیتريت، منیزیم، سدیم آب منطقه تحت پوشش مرکز بهداشت شماره یک شهرستان مشهد در سال های ۸۷ تا ۹۰ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

روش کار

در این منطقه ۱۳۱ محل نمونه برداری داشت که ۳۱ نقطه آن چاه بود. با توجه به گستردگی منطقه و پراکندگی نقاط برای تحلیل اسانتر، منطقه یک به مناطق کوچکتر تقسیم شد و میانگین و انحراف معیار شاخص های کیفیت شیمیایی هر منطقه با استفاده از نرم افزار SPSS به دست آمد و نمودار ها و جداول مربوطه رسم گردید.

نتایج

با توجه به غلظت متوسط هر منطقه، حداکثر و حداقل مقدار میانگین شاخص ها بر حسب میلی گرم بر لیتر (سال) به دست آمد: غلظت کل جامدات محلول ۲۰۳-۶۷ (۸۸، ۸۷)، سختی کل ۳۸۴-۶۷ (۹۰، ۸۸)، فلورید ۰/۳۵-۱/۱ (۸۹، ۸۸)، کلرور ۰/۳-۱۱۰ (۸۷، ۹۰)، سولفات ۲۸۰-۲۵ (۹۰، ۸۷)، نیتريت صفر (تمام سال ها)، نترات ۵۱-۶ (۸۸، ۸۷ تا ۹۰)، منیزیم ۳/۴-۵/۷ (۹۰، ۸۹)، سدیم ۱۴۷-۱۷ (۸۹، ۸۸ و ۹۰).

نتیجه گیری

در تمام مناطق غلظت شاخص های کیفیت شیمیایی آب زیر حد مطلوب (با توجه به استاندارد ۱۰۵۳ آب) است اما مقدار غلظت فلوراید در تمام سال ها پائین تر از حد پائین استاندارد آب شرب (۰/۵ mg/li) است.

کلمات کلیدی: آب زیرزمینی، آب آشامیدنی، کیفیت شیمیایی

^۱ حسین علیدادی

^۲ معصومه ساقی*

^۳ علی اصغر نوائی فیض آبادی

^۴ محمود دنکوب

^۵ محسن یزدانی

^۶ زهرا سلیمانی

۱- دانشیار مرکز تحقیقات علوم بهداشتی، گروه

مهندسی بهداشت محیط، دانشکده بهداشت،

دانشگاه علوم پزشکی مشهد، ایران

۲- دانشجوی کارشناسی ارشد مهندسی بهداشت

محیط، گروه مهندسی بهداشت محیط، دانشکده

بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، ایران

۳، ۴، ۵- دانشجوی کارشناسی ارشد مهندسی

بهداشت محیط، عضو کمیته تحقیقات دانشجویی

دانشکده بهداشت دانشگاه علوم پزشکی مشهد،

ایران

۶- کارشناسی مهندسی بهداشت محیط، عضو

کمیته تحقیقات دانشجویی دانشکده بهداشت،

دانشگاه علوم پزشکی مشهد، ایران

* مشهد - دانشگاه علوم پزشکی مشهد، دانشکده

بهداشت، گروه مهندسی بهداشت محیط

Email: saghim931@mums.ac.ir

بررسی ارتباط خودکارآمدی با رفتارهای خودمراقبتی در بیماران مبتلا به نارسایی قلب بستری در بیمارستان شهید مدرس شهرستان کاشمر در سال ۱۳۹۴

خلاصه

مقدمه

نارسایی قلب بیماری مزمنی است که به رفتارهای خودمراقبتی تا پایان عمر نیاز دارد. بیماران مبتلا به نارسایی قلب، برای مواجهه با مشکلات بیماری، نیاز به رفتارهای خودمراقبتی دارند لذا شناسایی این رفتارها و تشویق بیمار جهت مشارکت و قبول مسئولیت در انجام صحیح آن ها منجر به کنترل عوارض بیماری خواهد شد. خودکارآمدی پایه ای برای تقویت خودمراقبتی در نارسایی قلب است که نقش زیادی در درمان و کنترل عوارض در این بیماری دارد. هدف این مطالعه، بررسی ارتباط خودکارآمدی با رفتارهای خودمراقبتی در بیماران مبتلا به نارسایی قلب بستری در بیمارستان شهید مدرس شهرستان کاشمر در سال ۱۳۹۴ می باشد.

روش کار

در مطالعه ای مقطعی از نوع توصیفی تحلیلی، ۲۵۰ نفر از بیماران نارسایی قلب به طور تصادفی انتخاب شدند. ابزار جمع آوری داده ها شامل یک پرسشنامه جمعیت شناسی و اطلاعات مربوط به بیماری و ۲ مقیاس بود. مقیاس خودکارآمدی بیماران قلبی سالیوان و مقیاس اروپایی رفتارهای خودمراقبتی بیماران نارسایی قلب، که به ترتیب سازه های خودکارآمدی و رفتارهای خودمراقبتی بیماران مبتلا به نارسایی قلب را ارزیابی می نمود و به روش مصاحبه ساختارمند با بیماران تکمیل گردید. تجزیه و تحلیل داده ها با استفاده از آزمون های توصیفی تحلیلی با نرم افزار spss16 مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

نتایج

میانگین سنی افراد شرکت کننده $61/73 \pm 8/56$ سال بود. ۴۷/۲ درصد افراد شرکت کننده در مطالعه مرد و بقیه زن بودند. میزان رعایت رفتارهای خود مراقبتی از سوی بیماران اکثر متوسط (میانگین نمره $31/03 \pm 8/45$) و میزان خودکارآمدی بیماران در سطح ضعیف (میانگین نمره $15/91 \pm 8/30$) که با سطح تحصیلات، سن و محل زندگی ارتباط معنادار داشتند ولی رابطه آنها با جنس، شغل از نظر آماری معنادار نبود.

نتیجه گیری

بیماران مبتلا به نارسایی قلب، از خودکارآمدی ضعیفی در ارتباط با رفتارهای خودمراقبتی برخوردار بوده، با توجه به اینکه بین خودکارآمدی و رفتارهای خودمراقبتی همبستگی مستقیم و معنادار وجود دارد و خودکارآمدی به عنوان مهم ترین تعیین کننده رفتارهای خودمراقبتی در اشخاص مبتلا به نارسایی قلب از اهمیت زیادی برخوردار است، توجه به مقوله خودکارآمدی قابل توجه است.

کلمات کلیدی: کارآمدی، رفتارهای خودمراقبتی، نارسایی قلب

^۱ نوشین پیمان

^۲ زهره زاده احمد*

^۳ حسن دوستی

۱- دانشیار، دکترای تخصصی آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، گروه آموزش و ارتقاء سلامت، مرکز تحقیقات علوم بهداشتی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، ایران

۲- دانشجوی کارشناسی ارشد آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، گروه آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، ایران

۳- استادیار، دکترای آمار زیستی، گروه آمار زیستی و اپیدمیولوژی، مرکز تحقیقات علوم بهداشتی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، ایران

* مشهد - دانشگاه علوم پزشکی مشهد، دانشکده بهداشت، کمیته تحقیقات دانشجویی، گروه آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت

Email: zadehahmadz911@mums.ac.ir

بررسی خودکارآمدی شیردهی در زنان باردار مراجعه کننده به مراکز بهداشتی درمانی شهرستان مشهد در سال ۱۳۹۴

خلاصه

مقدمه

ارتقا سلامت کودکان و مادران جامعه به تغذیه با شیرمادر وابسته است. خودکارآمدی به معنی باور و اطمینان فرد در توانایی خود جهت انجام رفتار بهداشتی می باشد. هر چه میزان خودکارآمدی شیردهی در مادران بالاتر باشد، طول مدت شیردهی بالاتر خواهد بود. هدف از این مطالعه، بررسی خودکارآمدی شیردهی در زنان باردار مراجعه کننده به مراکز بهداشتی درمانی شهرستان مشهد در سال ۱۳۹۴ می باشد.

روش کار

در مطالعه ای مقطعی از نوع توصیفی-تحلیلی ۱۸۵ نفر از زنان باردار مراجعه کننده به مراکز بهداشتی درمانی شهرستان مشهد که نخست زا و واجد شرایط مطالعه بودند، به طور تصادفی انتخاب شدند. ابزار گردآوری داده ها دو پرسشنامه بود که یکی شامل اطلاعات دموگرافیک و دیگری پرسشنامه استاندارد خودکارآمدی شیردهی فکس و دنیس بود. تجزیه و تحلیل داده ها با استفاده از آزمون های توصیفی و تحلیلی با نرم افزار spss18 انجام گردید.

نتایج

یافته های پژوهش میانگین سنی زنان مورد مطالعه را $24/9 \pm 5/0$ سال نشان داد. میانگین نمره خودکارآمدی زنان $120/54 \pm 11/7$ بود که $50/8$ درصد نمونه های پژوهش نمره خودکارآمدی متوسط داشتند. نتایج، ارتباط آماری معناداری را بین سن، تحصیلات، درآمد، شغل، تحصیلات همسر و شغل همسر نمونه های مورد پژوهش با نمره خودکارآمدی نشان نداد.

نتیجه گیری

با توجه به نقش مهمی که خودکارآمدی شیردهی در تغذیه با شیرمادر دارد، یافته های این پژوهش نشان دهنده خودکارآمدی مرزی یا متوسط در نمونه های مورد پژوهش می باشد که این امر برنامه ریزی موثر را جهت افزایش خودکارآمدی شیردهی زنان در دوران بارداری را می طلبد.

کلمات کلیدی: خودکارآمدی، شیردهی، زنان باردار

^۱ نویسن پیمان

^۲ الهام چارچیان خراسانی*

^۳ حبیب الله اسماعیلی

۱- دانشیار، دکترای تخصصی آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، گروه آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، مرکز تحقیقات علوم بهداشتی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران
۲- دانشجوی کارشناسی ارشد آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، گروه آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران
۳- استاد، دکترای آمار زیستی، گروه آمار زیستی و اپیدمیولوژی، مرکز تحقیقات علوم بهداشتی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد

* مشهد - دانشگاه علوم پزشکی مشهد، دانشکده بهداشت، کمیته تحقیقات دانشجویی، گروه آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت

Email: echaroghchian@yahoo.com

مقایسه روشهای مختلف شناسایی کل کلیفرم ها در آب منطقه وحدت مشهد

خلاصه

مقدمه

محافظت از بهداشت عمومی نیاز به آب آشامیدنی سالم دارد بطوریکه عاری از کلیفرم باشد. در این مطالعه روشهای مختلف شناسایی کل کلیفرم ها در آب منطقه وحدت مشهد بررسی گردید.

روش کار

مطالعه تجربی و از نوع کاربردی است. در مجموع ۱۲ نمونه آب تهیه شد و مورد آزمایش قرار گرفت. کیفیت آب از طریق روش های استاندارد تخمیر چندلوله ای، صافی غشایی و حضور- عدم حضور مورد ارزیابی قرار گرفت. اطلاعات بدست آمده با استفاده از روش های آماری و نرم افزارهای excel و SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

نتایج

در ۳۳,۳۳ درصد نمونه ها در روش حضور- عدم حضور که مثبت شدند، کلیفرم های بیشتری در دو روش تخمیر چندلوله ای و صافی غشایی دیده شده است. میانگین کلیفرم ها در روش صافی غشایی با محیط کشت Mac Conkey از محیط کشت Les-Endo بیشتر است. میانگین کلیفرم ها در روش تخمیر چندلوله ای با محیط کشت LB از محیط کشت LTB بیشتر است.

نتیجه گیری

نتایج مطالعه نشان می دهد که در اکثر نمونه ها در روش صافی غشایی کلیفرمها بیشتر نشان داده شده است. بنابراین روش صافی غشایی با توجه به زمان کوتاهتر ارجحتر می باشد.

کلمات کلیدی: آب آشامیدنی، کلیفرم، محیط کشت، منطقه وحدت مشهد

^۱ راضیه نوروزیان استاد*

^۲ زهره وجودی یزدی

^۳ حسین علیدادی

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد، مرکز تحقیقات علوم بهداشتی، گروه مهندسی بهداشت محیط، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مشهد،

ایران

۲- کارشناسی ارشد بهداشت محیط، گروه بهداشت محیط، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، ایران

۳- دانشیار، مرکز تحقیقات علوم بهداشتی، گروه مهندسی بهداشت محیط، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، ایران

* مشهد - دانشگاه علوم پزشکی مشهد، دانشکده بهداشت، کمیته تحقیقات دانشجویی، گروه مهندسی بهداشت محیط، مرکز تحقیقات علوم بهداشتی

Email: norouzianr911@mums.ac.ir

بررسی میزان تجربه پزشکی تدافعی و علل بروز از دیدگاه دستیاران تخصصی دانشگاه علوم پزشکی مشهد

خلاصه

مقدمه

پزشکی تدافعی، تصمیم گیری های درمان پزشکان است به منظور محدود کردن خطاهای پزشکی که می تواند عواقبی را به لحاظ کیفیت مراقبت افراد و بهره وری از منابع محدود سلامت در پی داشته باشد. هدف از این مطالعه تعیین میزان تجربه پزشکی تدافعی و علل بروز از دیدگاه دستیاران تخصصی دانشگاه علوم پزشکی مشهد بود.

روش کار

این مطالعه توصیفی-مقطعی در بین تمام دستیاران تخصصی دانشگاه علوم پزشکی مشهد در سال ۹۳ انجام شده است و ابزار جمع آوری اطلاعات پرسشنامه محقق ساخته می باشد. داده های پرسشنامه در نرم افزار spss20 جمع آوری گردید و با استفاده از آمار توصیفی و آمار تحلیلی شامل آزمون های تحلیلی کروسکال والیس و من ویتنی و در قسمت سوالات باز با استفاده از تحلیل محتوا آنالیز شد.

نتایج

در این مطالعه فراوانی تجربه پزشکی دفاعی ۱۰۰ درصد گزارش شد. همچنین تجربه پزشکی تدافعی شامل: ۲۹ نفر (۵۸/۹ درصد) تجربه متوسط، ۱۴۹ نفر (۳۸/۳ درصد) تجربه زیاد و ۱۱ نفر تجربه کم (۲/۸ درصد) پزشکی تدافعی می باشد. رفتار پزشکی تدافعی در مردها (۶۳/۲ درصد) بیشتر از زن ها (۳۶/۸ درصد) دیده شد. رایج ترین اقدام پزشکی تدافعی، "شرح جزئیات بیشتر در مورد مصرف صحیح و به موقع داروها" (۹۹ درصد) و کمترین اقدام "دستور بستری شدن بیمارانی که به صورت سرپایی نیز درمان می شوند" (۵۱/۲ درصد) بود. همچنین بیشترین علت بروز پزشکی تدافعی "برای جلوگیری از مورد دادخواهی قرار گرفتن و اقدام قضایی از طرف بیماران" (۸۷/۲٪) و کمترین علت انجام دادن پزشکی تدافعی "نداشتن بیمه مسئولیت و جلوگیری از ریسک از دست رفتن سرمایه پزشک" و "آموزش تدافعی عمل کردن پزشک در اقدامات تشخیصی درمانی برای بیماران" (۴۳/۷٪) گزارش شده است.

نتیجه گیری

نتایج حاکی است پزشکی تدافعی در جمعیت مورد مطالعه بالا و رایج است، لذا پیشنهاد می شود با تدوین استانداردهای بالینی و آموزش این استانداردها به پزشکان، افزایش آگاهی پزشکان در خصوص جنبه های قانونی حرفه شان و ثبت صحیح و کامل سوابق پزشکی بیماران نگرانی های غیرضروری پزشکان در خصوص جنبه های قانونی ناشی از اشتباهات و خطای پزشکی و بدنبال آن رفتارهای پزشکی دفاعی با تبعات منفی آن کاهش یابد.

کلمات کلیدی: پزشکی تدافعی، طبابت غلط، دستیاران تخصصی

^۱ علی اصغر رضایی*

^۲ علی وفایی نجار

^۳ الهه هوشمند

^۴ حبیب الله اسماعیلی

^۵ سحر کوهستانی

۱- کارشناسی ارشد مدیریت خدمات بهداشتی درمانی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

۲- Phd مدیریت خدمات بهداشتی درمانی، دانشیار مرکز تحقیقات علوم بهداشتی، دانشکده بهداشت دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

۳- Phd مدیریت خدمات بهداشتی درمانی، استادیار مرکز تحقیقات علوم بهداشتی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

۴- Phd آمار زیستی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

۵- کارشناسی ارشد مدیریت خدمات بهداشتی درمانی، کمیته تحقیقات دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

* مشهد - دانشگاه علوم پزشکی مشهد، کمیته تحقیقات دانشجویی

Email: ar.mums@gmail.com

مقایسه کیفیت شیمیایی آب های زیرزمینی چاههای اطراف محل قدیم دفن زباله مشهد با استانداردهای ملی

خلاصه

مقدمه

آب مهمترین نیاز بشر است که در سطح زمین و زیرزمین وجود دارد و نگهداری از آن حایز اهمیت است. یکی از راههای آلودگی آبهای زیرزمینی نفوذ شیرابه و گاز های تولید شده حاصل از دفن زباله های شهری می باشد. با توجه به اینکه شهر مقدس مشهد به عنوان کلان شهر مذهبی مطرح است و سالانه پذیرای خیل عظیم زائران از سراسر ایران و جهان است توجه به دفن انبوه زباله های تولید شده بسیار مهم می باشد. هدف از این مطالعه تعیین کیفیت شیمیایی آب های زیرزمینی چاههای اطراف محل قدیم دفن زباله و مقایسه آنها با استانداردهای ملی آب آشامیدنی در سال ۱۳۹۳ می باشد.

روش کار

تعداد ۴ حلقه چاه (۳ حلقه چاه درپایین دست محل دفن و ۱ حلقه چاه در بالادست محل دفن به عنوان شاهد) انتخاب گردید. نمونه برداری در سال ۱۳۹۳ به مدت یکسال انجام شد. نمونه ها پس از انتقال به آزمایشگاه از نظر پارامترهای سختی، قلیائیت، کدورت، فسفات، EC، COD، NO_3^- ، Cl^- ، TDS، pH آزمایش و با استانداردهای ملی آب آشامیدنی مقایسه شدند. آنالیز آماری داده ها با استفاده از نرم افزار Spss و آزمونهای T-student و من-وینتی انجام گرفت.

نتایج

نتایج حاصل از این مطالعه نشان داد که از نظر EC، سختی، کلرور، TDS و NO_3^- تفاوت معناداری بین چاههای مورد و شاهد وجود دارد. امادر مقایسه با استاندارد های ملی، پارامترهای شیمیایی مورد بررسی در اکثر موارد در محدوده مجاز بودند.

نتیجه گیری

آب چاههای منطقه مورد مطالعه به دلیل اینکه اکثر پارامترهای شیمیایی اندازه گیری شده در محدوده مجاز بودند، قابل شرب می باشد. اما پایش مداوم و اصولی آبهای زیرزمینی این منطقه جهت جلوگیری از آلودگی منابع آب و خاک بسیار حیاتی و ضروری می باشد.

کلمات کلیدی: کیفیت شیمیایی، آب های زیرزمینی، محل دفن زباله، استانداردهای ملی

^۱ شیوا قادری فر*

^۲ الهه احمدی

^۳ سپیده بختی

^۴ حسین علیدادی

^{۱،۲،۳} - دانشجوی کارشناسی ارشد مهندسی

بهداشت محیط، عضو کمیته تحقیقات دانشجویی

دانشگاه علوم پزشکی مشهد، ایران

^۴ - دانشیار مرکز تحقیقات علوم بهداشتی، گروه

مهندسی بهداشت محیط دانشکده بهداشت،

دانشگاه علوم پزشکی مشهد، ایران

* مشهد - دانشگاه علوم پزشکی مشهد، کمیته

تحقیقات دانشجویی

Email: ghaderifarsh921@mums.ac.ir

بررسی کارایی سلول الکتروشیمیایی دو قسمتی در حذف رنگ ری اکتیو قرمز ۱۲۰ از پساب سنتتیک نساجی

خلاصه

مقدمه

رهاسازی پساب های رنگی به محیط زیست نه تنها از نقطه نظر آلودگی های ظاهری منابع آبی نامطلوب است بلکه بسیاری از رنگ ها و محصولات حاصل از تجزیه آنها برای حیات آبریان سمی بوده و اثرات جهش زاپی دارند. رنگ های آزو پرمصرف ترین رنگ های مصنوعی هستند که حدود ۱۵٪ از آنها در طی فرایند رنگرزی به پساب راه می یابد. با توجه به وضع قوانین سخت گیرانه از سوی سازمان حفاظت محیط زیست برای دفع پساب های صنعتی بالاخص نساجی، لزوم بکارگیری روش های تصفیه کارآمد ضروری می نماید. هدف از این مطالعه بررسی کارایی فرایندهای اکسیداسیون و احیای الکتروشیمیایی در حذف رنگ آزو از پساب مصنوعی نساجی بود.

روش کار

فرایند حذف رنگ ری اکتیو قرمز ۱۲۰ با استفاده از انرژی الکتریکی به صورت ناپیوسته در یک راکتور دو قسمتی با بهره گیری از الکترودهای گرافیت و فولاد ضد زنگ انجام شد. طراحی آزمایشات با استفاده از نرم افزار طراحی آزمایش انجام شد و اثر پارامترهای عملیاتی در سطوح مختلف بر راندمان حذف بررسی شد. بدین ترتیب غلظت های 1×10^{-5} تا 1×10^{-1} از رنگ مدل و 1×10^{-5} تا 1×10^{-1} الکترولیت به محلول اضافه شدند. زمان واکنش بین ۵/۳۷-۵/۷ و شدت جریان بین ۳/۰-۰/۰۶ A تعیین شدند. نمونه برداری از دو محفظه آنولیت و کاتولیت انجام شد. داده ها توسط نرم افزار طراحی آزمایش آنالیز شدند.

نتایج

مدل های درجه دوم و 2FI برای برازش داده های آنولیت و کاتولیت انتخاب شدند و مقادیر R^2 برای آنها به ترتیب ۰/۹۶ و ۰/۷۸ بدست آمد. حداکثر راندمان حذف رنگ در محفظه آنولیت در مدت ۳۰ دقیقه با جریان ۰/۱۲ آمپر درحضور ۱۰۰۰۰ میلی گرم بر لیتر از نمک سدیم کلرید حاصل شد. بدین ترتیب الکترود گرافیت با راندمان ۹۹/۳۴٪ عملکرد موفق در رنگبری پساب داشت، درحالیکه الکترود فولادی با راندمان ۵۲/۶٪ چندان موثر واقع نشد. اثر شدت جریان بر راندمان حذف بیشتر از زمان ماند بود. دراین فرایند به طور متوسط $1/645 \frac{m^3}{m^3}$ انرژی برق مصرف شد.

نتیجه گیری

با توجه به نتایج راهبری فرایند تصفیه در شدت جریان های کمتر و زمان های بیشتر نسبت به عکس این حالت از نقطه نظر اقتصادی مطلوب بوده و فرایند اکسیداسیون الکتروشیمیایی را می توان برای تصفیه کارآمد پساب های رنگی بکار گرفت.

کلمات کلیدی: الکترود فولاد، الکترود گرافیت، پساب نساجی، رنگ ری اکتیو قرمز ۱۲۰

^۱ علی اصغر نجف پور

^۲ مجتبی داودی

^۳ الهام رحمانپور*

^۴ مریم رحمانی

^۵ ریحانه زنگی

۱- مرکز تحقیقات علوم بهداشتی، گروه مهندسی

بهداشت محیط، دانشگاه علوم پزشکی مشهد،

دانشکده بهداشت، مشهد، ایران

۲- گروه مهندسی بهداشت محیط، دانشکده

بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی تربت حیدریه،

تربت حیدریه، ایران

۳،۴،۵- کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم

پزشکی مشهد، دانشکده بهداشت، مشهد، ایران

* مشهد - دانشگاه علوم پزشکی مشهد، کمیته

تحقیقات دانشجویی

Email: rahmanpoure1991@gmail.com

بررسی اپیدمیولوژیک بیماری سل در جمعیت تحت پوشش مرکز بهداشت ثامن از سال ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۳

خلاصه

مقدمه

تقریباً یک سوم جمعیت جهان (حدود ۲ میلیارد نفر) به میکروب سل آلوده و درخطر ابتلا به بیماری سل قرار دارند و هر ساله حدود ۹ میلیون نفر به سل فعال مبتلا شده و حدود ۱/۵ میلیون نفر در اثر این بیماری جان می سپارند. بیش از ۹۰٪ موارد بیماری و مرگ ناشی از سل در کشورهای در حال توسعه رخ میدهد. کشورهایی که ۷۵٪ موارد بیماری در آنها به فعالترین گروه سنی به لحاظ اقتصادی تعلق دارد. هدف از این مطالعه بررسی وضعیت اپیدمیولوژیک بیماران مسلول در جمعیت تحت پوشش مرکز بهداشت ثامن می باشد.

روش کار

این بررسی از نوع Descriptive study بوده و تمامی بیماران مسلول از سال ۱۳۸۵ تا پایان سال ۱۳۹۳ وارد مطالعه گردیدند. متغیرهای پژوهش در این مطالعه شامل جنسیت، نوع بیماری، محل ابتلا، زمان تایید تشخیص و زمان شروع درمان بود. اطلاعات بیماران از پرونده آنها و فرمهای بررسی انفرادی که از طریق مصاحبه و نتایج آزمایشگاهی تکمیل شده بود استخراج و آنالیز دادهها توسط نرم افزار Excell انجام شد.

نتایج

تعداد ۱۲۵ بیمار مبتلا به سل مورد مطالعه قرار گرفتند. ۵۹/بیماران زن و ۴۱/مرد بودند. میزان بروز ۹ ساله سل اسمیر مثبت ۱۶٫۶ در ۱۰۰ هزار نفر، اسمیر منفی ۳٫۳ در ۱۰۰ هزار نفر، خارج ریوی ۷٫۷۶ در ۱۰۰ هزار نفر و کل موارد سل ۲۷٫۷ در ۱۰۰ هزار نفر بود. از کل موارد سل ۶۰٪ اسمیر مثبت، ۱۲٪ اسمیر منفی و ۲۸٪ خارج ریوی بود. شایعترین محل ابتلا به سل خارج ریوی به ترتیب، سل لنفاوی، پلور و پوست بود. ۵۱٪ موارد سل اسمیر مثبت ۳+، ۳۲٪ موارد ۲+ و ۱۷٪ موارد ۱+ بود. میانگین تاخیر تشخیص بیماران اسمیر مثبت ۶۷٫۷ روز و میانگین تاخیر درمان آنها ۲٫۶۳ روز بود. میزان موفقیت درمان تمامی مسلولین ۸۹٪ و میزان سروکانورژن شدن بیماران اسمیر مثبت در پایان ماه دوم درمان ۷۱٪ بود.

نتیجه گیری

باتوجه به میزان بروز بالای سل اسمیر مثبت در جمعیت تحت پوشش نسبت به میانگین میزان بروز کشوری و همچنین میزان بالای تاخیر تشخیص و درجه ۳+ بایستی اقدامات بیماریابی با جدیت بیشتری دنبال گردد. میزان پایین سروکانورژن شدن در پایان ماه دوم درمان نشان از ضعف درمان دارد که بایستی استراتژی DOTS در این خصوص اجرا گردد.

کلمات کلیدی: سل اسمیر مثبت، سل اسمیر منفی، سل خارج ریوی، اپیدمیولوژیک، مرکز بهداشت ثامن

۱ سلمان شجاعی*

۲ مهدی رضائی

۳ حمیدرضا اکبری

۴ محمد مهدی ایزدپناه

۵ علی وفايي نجار

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت خدمات

بهداشتی و درمانی، کمیته تحقیقات دانشجویی، گروه بهداشت و مدیریت، دانشکده بهداشت، دانشگاه

علوم پزشکی مشهد، ایران

۲- کارشناس بیماریها، مرکز بهداشت ثامن، واحد پیشگیری و مبارزه با بیماریها، دانشگاه علوم

پزشکی مشهد، مشهد، ایران

۳- کارشناس بیماریها، مرکز بهداشت ثامن، واحد پیشگیری و مبارزه با بیماریها، دانشگاه علوم پزشکی

مشهد، مشهد، ایران

۴- پزشک، مرکز بهداشت ثامن، ریاست، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

۵- دانشیار، مرکز تحقیقات علوم بهداشتی، گروه علوم مدیریت و اقتصاد سلامت، دانشکده بهداشت،

دانشگاه علوم پزشکی مشهد، ایران

* مشهد - دانشگاه علوم پزشکی مشهد، دانشکده

بهداشت، گروه بهداشت و مدیریت، کمیته تحقیقات دانشجویی

Email: shojaeis1@mums.ac.ir

مقایسه روش تخمیر ۹ لوله ای با روش حضور-عدم حضور در شناسایی کلیفرم در آب آشامیدنی روستاهای برم و عباس آباد دامغان

خلاصه

مقدمه

سیستم آب شرب می تواند به وسیله ی کلیفرم و باکتری های باتوژن، توسط انسان های بیمار و ناقل و همچنین مدفوع حیوانات آلوده شود. از روشهای استفاده شده برای تشخیص و تایید ارگانیزم های کلیفرم در آزمایشگاه می توان روش های تخمیر چند لوله ای، صافی غشایی، شمارش بشقابی و حضور-عدم حضور را نام برد. در روش تخمیر چند لوله ای عددی به نام MPN (تعداد کلیفرم در ۱۰۰ میلی لیتر نمونه) بدست می آید که مقداری خطا دارد و چندان دقیق نیست. روش P-A، آزمایش تعیین حضور-عدم حضور گروه کلیفرم، یک شیوه ساده ی اصلاح شده از روش تخمیر ۹ لوله ای است. اساس این روش، بررسی کیفیت میکروبی ۱۰۰ میلی لیتر از نمونه مورد نظر در محیط کشت مناسب است.

روش کار

در این کار تحقیقاتی نمونه های آب دو روستای دامغان به نام های برم و عباس آباد با دو روش تخمیر ۹ لوله ای و حضور-عدم حضور آزمایش شدند و دو روش مذکور از نظر توانایی شناسایی کلیفرم، زمان لازم برای کشت دادن، زمان اعلام نتایج، وسایل آزمایشگاهی و هزینه ی محیط کشت با یکدیگر مقایسه شده اند.

نتایج

با توجه به نتایج بدست آمده مشخص گردید که روش تخمیر ۹ لوله ای و روش حضور-عدم حضور از نظر توانایی شناسایی باکتری کلیفرم در آب آشامیدنی روستای برم نتایج یکسانی داشتند، در حالیکه نتایج بدست آمده از آب آشامیدنی روستای عباس آباد دال بر این است که روش تخمیر ۹ لوله ای از نظر توانایی شناسایی باکتری کلیفرم دقیق تر از روش حضور و عدم حضور است از نظر زمان لازم برای کشت دادن، روش تخمیر ۹ لوله ای وقت گیر تر از روش دیگر بود. از نظر اعلام نتایج هر دو روش، نتیجه نهایی را بعد از ۲۴-۴۸ ساعت اعلام می نماید. از نظر هزینه ی محیط کشت در صورتی که قیمت پودرهای محیط کشت در هر دو روش یکسان باشد مقدار مصرفی پودر محیط کشت در روش تخمیر ۹ لوله ای ۲۲،۴۴ گرم و در روش P/A ۹،۱۵ گرم می باشد.

نتیجه گیری

با توجه به شناسایی کلیفرم، وقت صرف شده و هزینه در مواقعی که فقط حضور و عدم حضور کلیفرم دارای اهمیت هست به جای تخمیر ۹ لوله ای از روش P/A که سریع تر و آسان تر انجام می شود، استفاده گردد و در مواقعی که تعداد کلیفرم در ۱۰۰ میلی لیتر دارای اهمیت است از روش تخمیر چند لوله ای استفاده شود.

کلمات کلیدی: روش تخمیر چند لوله ای، روش حضور-عدم حضور، کلیفرم، دامغان

^۱ زهرا مهدوی منطری

^۲ خلیل ا... معنیان

^۳ محمود تقوی

^۴ محسن یزدانی

^۵ حسین علیدادی

^۶ علی اصغر نوائی فیض آبادی*

۱- دانش آموخته کارشناسی مهندسی بهداشت

محیط، دانشکده بهداشت دامغان، دانشگاه علوم

پزشکی سمنان

۲- عضو هیئت علمی گروه بهداشت محیط،

دانشکده بهداشت دامغان، دانشگاه علوم پزشکی

سمنان

۳- دانشجوی دکتری بهداشت محیط، دانشگاه علوم

پزشکی یزد

۴- دانشجوی کارشناسی ارشد مهندسی بهداشت

محیط، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی

مشهد

۵- دانشیار گروه مهندسی بهداشت محیط، دانشکده

بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مشهد

* مشهد - دانشگاه علوم پزشکی مشهد، دانشکده

بهداشت

Email: ali.navaeei1366@yahoo.com

بررسی وضعیت بهداشت محیط مساجد و اماکن متبرکه شهرستان بابل در سال ۱۳۹۳

خلاصه

مقدمه

در حال حاضر علی‌رغم وجود تعداد زیاد اماکن متبرکه در سراسر کشور و حضور گسترده مردم مسلمان در این اماکن و همچنین توصیه‌هایی که در زمینه رعایت بهداشت محیط در مساجد و اماکن متبرکه شده است، لیکن هنوز مشکلات بهداشتی بسیاری مشاهده می‌گردد. لذا هدف از این تحقیق بررسی وضعیت بهداشتی مساجد و اماکن متبرکه شهرستان بابل می‌باشد.

روش کار

این پژوهش یک مطالعه توصیفی- مقطعی است که در آن تعداد ۱۷۶ مسجد، ۸۹ امکنه متبرکه و ۶ حسینیه و تکیه به صورت سرشماری در سال ۱۳۹۳ مورد بررسی قرار گرفته است. جهت جمع‌آوری اطلاعات، از چک لیست بهداشت محیط مساجد شامل ۲ بخش استفاده گردید که بخش اول اطلاعات عمومی مساجد و و بخش دوم وضعیت بهداشتی مساجد شامل وضعیت بهداشتی آبدارخانه، دستشویی، کفشداری و غیره بوده است. چک لیست‌ها از طریق بازدید و مشاهده مستقیم تکمیل گردید. سوالات با سه گزینه «مطابق با آیین نامه»، «عدم تطابق با آیین نامه» و «وجود ندارد» تنظیم و به ترتیب نمره دو، یک و صفر امتیاز بندی شد. سپس در هر گزینه با توجه به سوالات مربوط به آن، نمرات جمع و سپس نمرات کسب شده در سطح مطلوب (کسب نمره بالای ۷۵ درصد)، متوسط (کسب نمره ۵۰ تا ۷۵ درصد) و نمره ضعیف (زیر ۵۰ درصد) طبقه‌بندی گردید. اطلاعات جمع‌آوری شده توسط نرم افزار SPSS20 با استفاده از روش‌های آماری توصیفی و آزمون t مستقل مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

نتایج

نتایج حاصله نشان داد که ۶۷ درصد اماکن مورد بررسی از وضعیت مطلوبی برخوردار بوده و امتیاز بالای ۷۵ کسب کردند. تنها ۳ امکنه امتیاز کمتر از ۵۰ را کسب نمودند. کلیه اماکن متبرکه‌ی مورد بررسی دارای آبدارخانه بوده‌اند، اما ۲۷ درصد از حسینیه‌ها و تکیه‌ها و همچنین ۱۴ مسجد روستایی و ۲ مسجد شهری فاقد آبدارخانه بودند. سیستم فاضلاب در همه اماکن شهری بهداشتی بوده، اما در ۱۰ امکنه روستایی غیربهداشتی بوده است. آزمون آماری تفاوت معناداری را میان مساجد شهری و روستایی نشان داد ($Pvalue < 0.05$)، به طوری که مساجد شهری وضعیت مطلوب‌تری را نسبت به مساجد روستایی داشتند. اما بین تکیه‌ها و اماکن متبرکه شهری و روستایی تفاوت معناداری وجود نداشت ($Pvalue > 0.05$).

نتیجه گیری

با توجه به نتایج بدست آمده وضعیت بهداشتی اماکن مورد بررسی در حد نسبتاً مطلوبی بوده، اما نیاز به توجه بیشتر به مساجد روستایی می‌باشد. امید است با همکاری مسئولین بهداشتی و مشارکت فعال روحانیون و ائمه جمعه و همچنین جلب مشارکت‌های مردمی وضعیت بهداشتی این اماکن بهبود یابد.

کلمات کلیدی: بهداشت محیط، مساجد، اماکن متبرکه، بابل

^۱ محمدعلی ززولی

^۲ مریم یوسفی*

^۳ ناهیدزوبین

۱- دانشیار، گروه مهندسی بهداشت محیط، دانشکده بهداشت و مرکز تحقیقات علوم بهداشتی، دانشگاه علوم پزشکی مازندران

۲- دانشجوی کارشناسی ارشد مهندسی بهداشت محیط، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی مازندران

۳- کارشناس مهندسی بهداشت محیط، دانشگاه علوم پزشکی مازندران

* مشهد - دانشگاه علوم پزشکی مشهد، دانشکده بهداشت، کمیته تحقیقات دانشجویی

Email: maryam_u3fi7@yahoo.com

بررسی وضعیت فاضلاب های روستاهای زلزله زده آذربایجان شرقی در سال ۱۳۹۱ ۲۰۰ روز پس از زلزله

خلاصه

مقدمه

ارزیابی وضعیت سلامت مناطق تحت تاثیر بلایا، پایه و اساس برنامه ریزی پاسخ بلایا است. این کار بلافاصله پس از وقوع بلا و در فواصل زمانی مشخص تکرار می شود. این مطالعه نیز به بررسی وضعیت فاضلاب روستاهای زلزله زده استان آذربایجان شرقی در فاصله ۲۰۰ روز پس از زلزله انجام شده است.

روش کار

مطالعه حاضر به روش پیمایشی انجام گرفته است و یک بررسی توصیفی و تحلیلی (مقطعی) می باشد. از پرسشنامه محقق ساخته برای جمع آوری داده، استفاده شده است. روایی و پایایی پرسشنامه بررسی و پس از تایید، با استفاده از آن داده های مورد نیاز از ۹۵ روستا از بین سه شهرستان اهر، ورزقان و هریس توسط کارشناس بهداشت محیط از طریق مصاحبه، مشاهده جمع آوری شد.

نتایج

نتایج حاکی از آن است که ۱۰,۷۸ درصد خانوارهای روستاهای مورد مطالعه شهرستان اهر فاضلاب منزل خود را به چاه جاذب هدایت می کنند و ۸۹,۲۲ درصد خانوارها در این شهرستان فاضلاب خود را به معابر عمومی هدایت می کردند این یافته ها در روستاهای شهرستان ورزقان به ترتیب ۲۴,۵۲ درصد خانوار (هدایت به چاه جاذب) و ۷۰,۲۶ درصد خانوار (هدایت به معابر عمومی) و در شهرستان هریس به ترتیب ۱۳,۵۵ درصد (هدایت به چاه جاذب) ۶۹,۳۴ درصد خانوار (هدایت به معابر عمومی) بدست آمده است یافته ها نشان می دهد ۹۴ درصد خانوار روستاهای مورد مطالعه اهر، ۷۱ درصد خانوار روستاهای مورد مطالعه ورزقان و ۸۱ درصد خانوار روستاهای مورد مطالعه هریس بصورت نامطلوب فاضلاب منزل خود را دفع می کنند.

نتیجه گیری

همانطور که در مطالعه انجام شده توسط مسافری و همکاران با عنوان "مسائل بهداشت محیط در زلزله سال ۱۳۹۱ استان آذربایجان شرقی: کمبودها و راهکارها" مشخص شد که نبود متولی نصب توالتهای بهداشتی، دفع پسماندها و فاضلاب در مناطق آسیب دیده از مشکلات هفته های اول پس از زلزله بوده است. در این مطالعه نیز این مشکلات کاملاً محسوس بود و نبود متولی خاص در این زمینه در مناطق آسیب دیده از مهمترین مشکلات و چالش های پیش رو بود که پس از گذشت این زمان هنوز هم به قوت خود باقیمانده بود. مدیریت بحران در ایران به علت ضعف در هماهنگی بین سازمانهای مسئول به ویژه در مقابله با حوادث بزرگ و فراگیر با مشکلات زیادی همراه است آوارگان در روستاها، تکرار خدمات بهداشتی برای هر روستا با این پراکندگی جمعیت، وازهمه مهمترین هماهنگی های بین بخشی ارگانهای مختلف قبل از بحران باعث شد، وضعیت فاضلاب روستاهای مناطق آسیب دیده در ۲۰۰ روز پس از وقوع زلزله مطلوب نباشد.

کلمات کلیدی: فاضلاب روستایی، زلزله آذربایجان شرقی

^۱ محمد علیزاده*

^۲ محسن فرج اله بیک نوری

^۳ محمد رضا حاجی زاده

۱- معاونت بهداشت دانشگاه علوم پزشکی تبریز

۲- معاونت بهداشت دانشگاه علوم پزشکی تبریز

۳- معاونت بهداشت دانشگاه علوم پزشکی تبریز

*تبریز - معاونت بهداشت دانشگاه علوم پزشکی تبریز

Email: m61noori@gmail.com

بررسی میزان شیوع سالک در سال های ۹۳-۱۳۸۹ در منطقه ثامن مشهد

خلاصه

مقدمه

سالک یک بیماری جلدی و از بیماری های مشترک بین انسان و دام است. روش انتقال انگل به انسان با نیش زدن موش یا هر حیوان دارای انگل لیثمانیا این انگل وارد بدن پشه می شود و پشه خاکی آلوده به انگل ناقل بیماری با نیش زدن انسان را آلوده می کند و بیماری سالک در بدن فرد به وجود می آید که محل نیش ابتدا به صورت یک برجستگی کوچک و به مرور زمان تبدیل به زخم می شود. سالک شناخته شده دونوع است: سالک خشک و مرطوب

در سال های اخیر منطقه ثامن شهر مشهد به علت نخاله های ساختمانی ناشی از تخریب بافت های فرسوده، همچنین حضور مهاجران مبتلا به بیماری سالک با شیوع این بیماری مواجه بوده است. هدف ما بررسی میزان شیوع سالک در منطقه ثامن بین سال های ۹۳-۱۳۸۹ است

روش کار

در این پژوهش که از نوع توصیفی، مقطعی می باشد با استفاده از نرم افزار spss داده ها آنالیز و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. جامعه آماری ما مبتلایان مراجعه کننده به مرکز بهداشتی درمانی منطقه ثامن بین سال های ۹۳-۱۳۸۹ ۵۰ نفر می باشد (۶۲ درصد مرد، ۳۸ درصد زن)

نتایج

در بررسی فصول مختلف بهار (۱۹٪)، تابستان (۴۲٪)، پاییز (۲۵٪) و زمستان (۱۴٪) بوده است. گزش در ناحیه دست (۳۴٪) در جنس مرد و ۲۲٪ در جنس زن بوده است. مراجعه کنندگان مبتلا به این مرکز در رده سنی کودک (۱۰٪)، نوجوان (۱۴٪)، جوان (۴۰٪)، میانسال (۲۲٪)، سالخورده (۱۴٪) بوده است.

نتیجه گیری

در فصل تابستان تعداد افراد مبتلا بیشتر است که احتمال می رود به علت افزایش موج مسافران، زائران و ساکن شدن در محدوده نزدیک حرم می باشد. تعداد مبتلایان به لیثمانیوز جلدی در جنس مرد (دست) بیش تر است که علت احتمالا به دلیل نحوه ی پوشش لباس و مدت زمان ماندن بیش تر در محیط باز است. در رده سنی جوانان بیش ترین تعداد مراجعه کننده را داشتیم که احتمالا مدت زمان بیش تری در محیط باز به علت درگیری های شغلی قرار دارند. در رده سنی کودکان کمترین تعداد مراجعه کننده را داشتیم احتمال می رود که این گروه بیش تر در محیط های سر بسته و پوشیده به سر می برند.

کلمات کلیدی: پشه ی خاکی، لیثمانیوز جلدی (سالک)، میزان شیوع، منطقه ثامن مشهد

^۱ حسین علیدادی

^۲ مریم پایدار

^۳ سمیه زکریا*

^۴ زهرا تاو

^۵ زکیه صاحبی فر

۱- دانشیار، مرکز تحقیقات علوم بهداشتی، گروه

مهندسی بهداشت محیط، دانشکده بهداشت، مشهد

۲- کارشناس گروه مهندسی بهداشت محیط،

دانشکده بهداشت، مشهد

۳، ۴، ۵- دانشجوی کارشناسی مهندسی بهداشت

محیط، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده

بهداشت، مشهد

* مشهد- دانشگاه علوم پزشکی مشهد، دانشکده

بهداشت، کمیته تحقیقات دانشجویی

Email: zakariars911@mums.ac.ir

بررسی وضعیت آلودگی انگلی روان آب سطحی کانال فیروزآباد شهر تهران برای مصارف آبیاری

خلاصه

مقدمه

در مناطق خشک و نیم خشک از آنجائی که دسترسی به منابع آب با کیفیت خوب با محدودیت همراه است، لذا بهره برداری از روان آب های سطحی برای آبیاری بسیار با اهمیت است. هدف از این مطالعه تعیین وضعیت آلودگی انگلی روان آب سطحی شهر تهران برای مصارف آبیاری بود.

روش کار

مطالعه به صورت توصیفی در طی مدت ۵ ماه در فصل بهار و تابستان به اجرا درآمد. هر ماه یک بار از روان آب سطحی کانال فیروزآباد به صورت لحظه ای، یک لیتر نمونه برداشت شد و هر یک از نمونه ها بعد از طی مراحل سانتریفوژ و تهیه رسوب و گسترش، مورد آزمایش قرار گرفت. آزمایش مطابق کتاب روش استاندارد متد ۲۰۰۵ صورت گرفت.

نتایج

براساس نتایج حاصله تعداد ۱ مورد تخم آسکاریس لمبریکوئیدس، ۱ مورد تخم همینولپیس نانا در فصل بهار و ۱ مورد تخم تیناساجیناتا در فصل تابستان مشاهده گردید. در این مطالعه وجود تخم همینولپیس نانا به علت تردد موش در کانال روان آب سطحی سطح شهر و تخم های تینا ساجیناتا و آسکاریس لمبریکوئیدس به علت ورود مدفوع حیوانات اهلی و انسانی به این آب ها هستند.

نتیجه گیری

با وجود بهبود نسبی شرایط بهداشتی، اقتصادی و اجتماعی شیوع بیماری های انگلی مشاهده نمی شود. نتایج حاصل از مطالعه نشان می دهد که کیفیت روان آب سطحی کانال فیروزآباد از نظر میزان تخم نماتود با شاخص انگلبرگ (تعداد تخم نماتود: $1 \leq$ عدد در لیتر) مطابقت داشت ولی با وجود سایر تخم انگل، استفاده از چنین آبی جهت آبیاری مزارع و زمین کشاورزی جهت آبیاری بدون تصفیه و گندزدایی مجاز نمی باشد.

کلمات کلیدی: آلودگی انگلی، روان آب سطحی، کانال فیروزآباد، آبیاری، تهران

^۱ احمدرضایزدان بخش

^۲ اکبر اسلامی

^۳ سمیه رضایی*

۱- استاد، گروه مهندسی بهداشت محیط، دانشگاه

علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران

۲- دانشیار، گروه مهندسی بهداشت محیط،

دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران

۳- کارشناسی ارشد، گروه مهندسی بهداشت

محیط، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران،

ایران

* تهران - دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی

Email: sreziaie16@yahoo.com

بررسی پیامد های ناشی از سقوط در سالمندان بستری در بیمارستان دانشگاهی امام رضا(ع) در سالهای ۱۳۹۲-۱۳۹۳

خلاصه

مقدمه

سقوط، از شایعترین و تکرارشوندهترین مصدومیت های دوران سالمندی است، که با توجه به تکرار وقوع، عوارض همراه و هزینه های تحمیلی از مشکلات مهم سالمندان محسوب می شود که با افزایش سن به نحو چشمگیری افزایش می یابد.

روش کار

پژوهش حاضر یک مطالعه مقطعی-تحلیلی می باشد. جامعه آماری پژوهش را کلیه سالمندان بستری شده در بیمارستان امام رضا (ع) طی سال های ۹۳-۱۳۹۲ تشکیل می دهد. اطلاعات مورد نیاز از طریق سرشماری و با استفاده از چک لیستی که اطلاعات آن براساس داده های HIS بیمارستان تکمیل می گردید جمع آوری شده است. داده ها با استفاده از آزمون های کای دو و تی تست تجزیه و تحلیل گردید.

نتایج

در مجموع 1033 سقوط در طی مدت دوسال ثبت گردیده است. که 64.8٪ زن و 69.5٪ متاهل بوده اند. میانگین سنی کل افراد مورد مطالعه 73.37 ± 9.07 بوده است. بیشتر آسیب دیدگان (۵۶٫۶٪) در گروه سنی ۶۰-۷۴ قرار داشته اند. ۲٫۷٪ از موارد سقوط منجر به فوت شده بود. بررسی میانگین سنی بین افراد زنده مانده (73.20 ± 8.97) و فوت شده (79.57 ± 10.50) نشان داد که تفاوت معنی داری بین این دو گروه وجود دارد. ($p\text{-value} = 0.00$) متوسط روزهای بستری 5.05 ± 6.96 بوده است. بررسی مکان های سقوط نشان داد که در ۷۳٫۶٪ موارد سقوط از مکان همسطح، ۲۳٪ غیر همسطح و ۲٫۷٪ سقوط اشیاء روی سالمند و بقیه نا مشخص بوده است. سقوط در زنان سالمند اغلب در مکان های همسطح (۶۵٫۷٪) و در مردان سالمند سقوط شی روی فرد (۷۸٫۹٪) بوده است. به ترتیب شکستگی فمور با ۳۹٫۳٪، شکستگی بازو ۲۶٫۹٪، شکستگی شانه ۷٫۵٪، شکستگی مچ پا ۵٫۷٪، شکستگی کمر و مهرهای کمری ۳٫۹٪ شایه ترین آسیب دیدگی های ناشی از سقوط در سالمندان بوده است.

نتیجه گیری

از آنجا که سقوط عمده ترین حوادث در سالمندان می باشد آموزش در رابطه با پیشگیری و ایمن نمودن محیط منزل می تواند در کاهش آسیب های مرتبط با این حادثه کمک کننده باشد.

کلمات کلیدی: سالمندی، سقوط، پیامد

۱ صالحه نوروزی*

۲ منور افضل آقایی

۱- کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده بهداشت،

دانشگاه علوم پزشکی مشهد

۲- استادیار پزشکی اجتماعی، دانشکده بهداشت،

دانشگاه علوم پزشکی مشهد

*مشهد - دانشگاه علوم پزشکی مشهد

Email: norozi133@gmail.com

بررسی عملکرد دانشجویان دانشکده پیراپزشکی ساری در خصوص خوددرمانی با دارو در سال ۱۳۹۴

خلاصه

مقدمه

خوددرمانی رفتاری است که طی آن شخص سعی می کند بدون کمک و نظر افراد متخصص، بیماری یا مشکل سلامت خود را برطرف نماید و با توجه به دسترسی فراوان افراد به داروهای مختلف این پدیده روز به روز در حال افزایش است. امروزه مصرف بی رویه دارو و به طور کلی خوددرمانی از جمله بزرگ ترین مشکلات اجتماعی بهداشتی و اقتصادی جوامع مختلف از جمله ایران محسوب می شود. لذا با توجه به اهمیت مطالب فوق، تحقیق حاضر به منظور بررسی عملکرد دانشجویان دانشکده پیراپزشکی ساری در خصوص خوددرمانی با دارو انجام گرفت.

روش کار

این مطالعه توصیفی- مقطعی در سال ۱۳۹۴ انجام گرفت. از رشته های موجود در دانشکده پیراپزشکی با توجه به کمبود وقت ۲۲۰ نفر از دانشجویان بصورت خوشه ای به عنوان نمونه انتخاب شدند و دانشجویان کارآموزی و ناپیوسته به علت در دسترس نبودن از مطالعه خارج شدند. جمع آوری داده ها با استفاده از پرسشنامه محقق ساخته که روایی آن توسط متخصصین تایید و پایایی آن مورد تجزیه و با آزمون آلفای کرونباخ ۰/۸۶ تایید گردید و پس از توزیع در بین دانشجویان ۱۹۵ پرسشنامه قابل سنجش بود. داده های جمع آوری شده به کمک نرم افزار SPSS و آزمون های کروسکال والیس، آنالیز واریانس و من-ویتی تجزیه و تحلیل گردید.

نتایج

از ۱۹۵ دانشجویی که به پرسشنامه ها پاسخ دادند ۷۶/۹٪ زن (۱۵۰ نفر) و ۲۳/۱٪ مرد (۴۵ نفر) بودند. ۸۰٪ دانشجویان مجرد (۱۵۶ نفر) و ۲۰٪ متاهل (۳۹ نفر) بودند. میانگین نمره عملکرد دانشجویان $32/31 \pm 5/41$ بود. عملکرد دانشجویان در رده های سنی مختلف متفاوت بود ($P=0.005$). متوسط نمره عملکرد در میان زنان و مردان یکسان بود و از نظر آماری تفاوت معنی داری وجود نداشت ($P=0.163$)؛ همچنین میانگین نمره عملکرد دانشجویان برحسب وضعیت تاهل یکسان و تفاوت معنی داری وجود نداشت ($P=0.251$).

نتیجه گیری

با توجه به عملکرد ضعیف دانشجویان ضروری به نظر می رسد جهت ارتقای عملکرد افراد در زمینه مصرف دارو برنامه های آموزشی خاصی تدوین شده و با استفاده از روش ها و وسایل آموزشی مختلف در اختیار دانشجویان قرار گیرد.

کلمات کلیدی: خود درمانی، دارو، عملکرد، دانشجویان

^۱ مهتاب عسکری دیارجانی*

^۲ زهرا صایمی

^۳ نادیا علیپور

^۴ حسن صیامیان

۱،۲- دانشجوی فناوری اطلاعات سلامت، کمیته

تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی

مازندران، ساری، ایران

۳- دانشجوی کارشناس ارشد آمار زیستی، کمیته

تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی

مازندران، ساری، ایران

۴- استادیار، هیئت علمی گروه فناوری اطلاعات

سلامت، دانشگاه علوم پزشکی مازندران، ساری،

ایران

* ساری - دانشگاه علوم پزشکی مازندران، کمیته

تحقیقات دانشجویی

Email: mahtabaskari08@gmail.com

بررسی عملکرد پرسنل مرکز بهداشت شهرستان فریمان در خصوص مصرف نمک و روغن در سال ۱۳۹۳

خلاصه

مقدمه

نمک و روغن جزء لاینفک غذای روزانه جامعه ایران می باشد. مطالعه حاضر با هدف بررسی عملکرد پرسنل بهداشتی بعنوان متولیان آموزش، در زمینه مصرف نمک و روغن می باشد.

روش کار

این مطالعه یک پژوهش توصیفی - مقطعی بوده که در آن به روش سرشماری پرسشنامه محقق ساخته به ۸۵ نفر از پرسنل بهداشتی جهت تکمیل داده شد.

نتایج

۴۱٪ پرسنل مرد و ۵۹٪ زن بودند. درخصوص تحصیلات سرپرست خانوار به ترتیب دیپلم، لیسانس، ابتدایی با ۴۰٪، ۲۰٪ و ۱۶٪ بیشترین فراوانی را داشته و در زمینه تحصیلات خانم خانواده به ترتیب دیپلم و سیکل و سپس لیسانس با ۲۸٪، ۲۰٪ و ۱۶٪ بیشترین فراوانی را داشته است. ۹۹٪ از نمک یددار تصفیه شده و ۱٪ از سنگ نمک استفاده میکنند. ۵۷٪ همیشه در سفره نمکدان گذاشته، ۳۱٪ گاهی اوقات و ۱۲٪ هیچ وقت نمکدان نمی گذارند. ۸۸٪ نمک یددار را بنحو مطلوب (در ظرف در بسته در کابینت یا در ظرف با پوشش تیره)، ۱۱٪ در ظرف شیشه ای و ۱٪ در ظرف سرباز نگهداری میکنند. ۹۷٪ روغن را بنحو مطلوب (در ظرف در بسته با پوشش تیره یا در کابینت) نگهداری کرده و ۲٪ در ظرف شیشه ای و ۱٪ در ظرف باز روغن را نگهداری میکنند. درخصوص روغن مورد استفاده برای سرخ کردن، ۵۹٪ فقط از روغن مایع سرخ کردنی استفاده نموده، ۱۵٪ فقط از روغن مایع نباتی و ۱۱٪ فقط از روغن جامد استفاده کرده و بقیه از ترکیبی از انواع روغن ها استفاده مینمایند. درخصوص روغن برای طبخ غذا نیز ۴۴٪ فقط از روغن مایع نباتی، ۱۷٪ از روغن جامد، ۱۷٪ از روغن مایع سرخ کردنی، ۶٪ روغن نیمه جامد و بقیه از ترکیبی از انواع روغن ها استفاده میکنند.

نتیجه گیری

باتوجه به نقش تایید شده این دو ماده خوراکی در بروز بیماریهای قلبی - عروقی و سهم بالای این گونه بیماریها در مرگ و میر کشور، آموزش مردم توسط پرسنل مراکز بهداشتی جزء اولویت های وزارت بهداشت می باشد اما بررسی عملکرد پرسنل بهداشتی نشان میدهد متأسفانه درونی سازی آموزشها بطور کافی صورت نگرفته و صد بالایی از آنان مطالب آموزش داده شده، خود را رعایت نمی کنند که طبیعتاً انتقال مطالب به سطوح پایین تر دچار اختلال میگردد.

کلمات کلیدی: نمک، روغن، سرخ کردنی، ید

^۱ نگار پالاهنگ*

^۲ طاهره حسن زاده

۱- دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مرکز بهداشت شهرستان فریمان، کارشناسی بهداشت، واحد تغذیه
۲- دانشگاه علوم پزشکی مشهد، اداره آمار کارشناسی آمار

*فریمان- مرکز بهداشت شهرستان فریمان، کارشناسی بهداشت، واحد تغذیه

Email: palahangn1@mums.ac.ir

بررسی مراحل تغییر و سطوح فعالیت بدنی زنان شاغل در کارخانجات شهرک صنعتی مشهد در سال ۱۳۹۳

خلاصه

مقدمه

از دیدگاه سلامتی یکی از مهمترین مشکلات جامعه امروزی کاهش فعالیت بدنی مناسب در بین افراد می باشد. پژوهش در بین جمعیت های مختلف و از جمله ایران نشان دهنده پایین بودن سطح فعالیت بدنی و گرایش به سمت زندگی بی تحرک، به خصوص در زنان بوده است. هدف از این پژوهش بررسی سطوح و مراحل تغییر فعالیت بدنی در زنان شاغل در کارخانجات شهرک صنعتی مشهد می باشد.

روش کار

این مطالعه به صورت مقطعی، بر روی ۳۷۵ زن شاغل در کارخانجات شهرک صنعتی مشهد که به صورت تصادفی انتخاب شدند، با استفاده از پرسشنامه استاندارد مراحل تغییر فعالیت بدنی مارکوس و نیز پرسشنامه استاندارد International physical activity questioner (IPAQ) که مربوط به میزان فعالیت بدنی در سه سطح شدید، متوسط و سبک می باشد، انجام گردید.

نتایج

نتایج نشان داد که ۶۵ درصد زنان شاغل از نظر فعالیت بدنی کم تحرک بودند (۵۹/۷ درصد) زنان شاغل در مرحله پیش تفکر و تفکر به سر می بردند. بین سازه مراحل تغییر و سطوح فعالیت بدنی در افراد مورد بررسی ارتباط معنی داری مشاهده گردید ($P=0/00$).

نتیجه گیری

با توجه به شیوع بالای کم تحرکی در میان زنان شاغل، انجام مداخلات بهداشتی بر مبنای الگوهای تغییر رفتاری مناسب ضروری به نظر می رسد. همچنین توجه به موانع و مشکلات در خصوص فعالیت بدنی و نیز ایجاد بستر های مناسب جهت تشویق زنان شاغل به انجام فعالیت بدنی منظم در محل زندگی و کار از راهکارهای موثر در ارتقاء فعالیت بدنی در زنان می باشد.

کلمات کلیدی: فعالیت بدنی، مراحل تغییر، زنان شاغل

^۱ محمد واحدیان شاهرودی

^۲ فاطمه صدقی*

^۳ حبیب الله اسماعیلی

^۴ الهه لعل منفرد

۱- استادیار آموزش بهداشت، مرکز تحقیقات علوم

بهداشتی، گروه بهداشت و مدیریت، دانشکده

بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

۲- دانشجوی کارشناسی ارشد آموزش بهداشت و

ارتقای سلامت، کمیته تحقیقات دانشجویی،

دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مشهد

۳- دانشیار آمار حیاتی، مرکز تحقیقات علوم

بهداشتی، گروه آمار زیستی و اپیدمیولوژی،

دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مشهد،

مشهد، ایران

۴- کارشناس ارشد آموزش بهداشت و ارتقای

سلامت، کمیته تحقیقات دانشجویی دانشکده

بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

* مشهد- دانشگاه علوم پزشکی مشهد، دانشکده

بهداشت، کمیته تحقیقات دانشجویی

Email: sedghif1@mums.ac.ir

بررسی میزان آگاهی و عملکرد مصرف کنندگان مواد غذایی شهرستان مشهد در مورد برچسب های مواد غذایی

خلاصه

مقدمه

آگاهی از اطلاعات درج شده بر روی بسته های مواد غذایی میتواند بر تصمیم گیری مصرف کنندگان برای خرید و در نتیجه تغییر رفتار تغذیه ای آنان به سوی یک الگوی غذایی سالم و مطلوب موثر باشد. این مطالعه با هدف تعیین وضعیت آگاهی و عملکرد مصرف کنندگان در مورد برچسب های مواد غذایی در شهر مشهد انجام گرفت.

روش کار

این مطالعه یک بررسی توصیفی - تحلیل مقطعی است که با استفاده از روش مصاحبه بر روی ۳۱۵ نفر از مراجعین به مکان های عمومی شهر مشهد انجام شد. جامعه آماری مورد مطالعه مردم مشهد، بودند و برای تعیین حجم نمونه از فرمول کوکران استفاده شد.

نتایج

۵۲/۱ درصد از افراد مورد مطالعه را مردان و ۴۷/۳ درصد را زنان تشکیل می دهند. میانگین سن افراد مورد مطالعه ۳۱/۰۹ بوده و فراوانی آنها بیشتر در رده سنی ۱۴-۳۲ سال بوده است. سطح تحصیلات ۴۳/۸ درصد از افراد مورد مطالعه دیپلم و ۳۹ درصد آنها لیسانس و ۷/۰ درصد بالا تر از لیسانس و مابقی سیکل و یا پایین تر بوده اند.

نتیجه گیری

یافته ها حاکی از آن بود که شاخص آگاهی مصرف کنندگان با افزایش سطح تحصیلات و افزایش سطح در آمد خانوار، افزایش می یابد و همچنین آگاهی اقشار کارمند نسبت به دیگر مشاغل بیشتر است و همچنین عملکرد مناسب تری نیز دارند. شاخص نگرش به صورت ۲ بعد اعتماد مصرف کنندگان به برچسب مواد غذایی و انتظارات آنها از برچسب مواد غذایی بررسی شد و نتیجه شد که با بالاتر رفتن سطح تحصیلات افراد پاسخگو، میزان اعتماد آنها به برچسب مواد غذایی کاهش می یابد. از طرف دیگر با افزایش سطح تحصیلات افراد، انتظارات آنها از برچسب مواد غذایی افزایش می یابد. در این تحقیق با افزایش سطح تحصیلات، افراد عملکرد مناسب تری در مورد برچسب مواد غذایی دارند، اما با افزایش بعد خانوار پاسخگویان، این عملکرد تضعیف می شود و در نهایت با بالا رفتن سطح تحصیلات، درآمد و درآمد اختصاص یافته به مواد غذایی، نظر پاسخگویان در خصوص ویژگی های برچسب مواد غذایی بهبود می یابد.

کلمات کلیدی: آگاهی و عملکرد، برچسب مواد غذایی، مصرف کنندگان

^۱ عباس صادقی

^۲ ضیاءالدین بنیادی

^۳ فاطمه سلطانی

^۴ سیماجانقرانیان*

^۵ زهرا صحرایی

^۶ فاطمه شیردلی

^۷ نداسیستانی اقدم

۱- عضو مرکز تحقیقات علوم بهداشتی مشهد؛ عضو

هیئت علمی گروه مهندسی بهداشت محیط دانشگاه

علوم پزشکی مشهد

۲- دانشجوی دکتری بهداشت محیط؛ عضو مرکز

تحقیقات علوم بهداشتی مشهد؛ عضو هیئت علمی

گروه مهندسی بهداشت محیط دانشگاه علوم

پزشکی مشهد

۳- کارشناس ارشد پژوهش گری دانشگاه علوم

اجتماعی، دانشگاه الزهرا تهران

۴،۵،۶،۷- دانشجوی مهندسی بهداشت محیط؛ عضو

کمیته تحقیقات دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی

مشهد

* مشهد- دانشگاه علوم پزشکی مشهد، دانشکده

بهداشت، کمیته تحقیقات دانشجویی

Email: sima.janghorbanian@gmail.com

کاربرد بیوراکتورها در تصفیه ترکیبات آلی فرار و بوها: یک مرور نظام مند

خلاصه

مقدمه

رایج ترین ترکیبات شیمیایی استفاده شده در صنایع VOCها میباشند که پس از ppmها بیشترین فراوانی نشر را در محیط دارند. بیشترین میزان VOC توسط خودروها و پالایشگاه های نفت تولید میگردد که در این میان BETXها از اهمیت بالایی برخوردارند. اثراتی همچون سرطان زایی، جهش زا بودن، کاهش ظرفیت ریه، نقص هنگام تولد، تخریب لایه اوزون موجب شده تا اقداماتی جهت تصفیه VOCها اتخاذ گردد و بیوراکتورها نقش قابل توجهی را در تصفیه VOCs ایفا نمودند. هدف این پژوهش تعیین عملکرد بیوراکتورها در تصفیه VOCs و بوها می باشد.

روش کار

مستندات مورد نیاز این مقاله در پایگاه های google scholar، web of science و pubmed با کلید واژه های "VOC، Bioreactor، Odour، treatment" جستجو شد. مقالات تا بازه زمانی ۲۰۱۶ مورد بررسی قرار گرفت که ۱۸۴مستند یافت شد. معیار ورود مستندات، متناسب بودن عنوان و چکیده (مرتبط با موضوع مقاله) بود. در مجموع ۲۲ مستند برای نگارش مقاله استفاده گردید.

نتایج

راکتورهای بیولوژیکی فاز هوایی شامل بیوفیلترها، فیلتر های چکنده بیولوژیکی و بیواسکروبلر می باشند. جدید ترین راکتورها، غشاهای بیولوژیک هستند که برای کاهش آلودگی VOCs و بوها استفاده می شود. اگر چه پایه مکانیسم حذف همه آلاینده ها توسط راکتور ها کم و بیش شبیه هم است ولی تفاوت هایی در نحوه استفاده از میکروارگانیسم ها (ممکن است به صورت معلق (در مایع) یا ثابت (بیوفیلیم) باشد)، پوشش مدیا، غلظت آلاینده ها و... وجود دارد.

نتیجه گیری

تکنیک های بیولوژیکی جهت کنترل بو و VOCs مزیت های زیادی نسبت به روش های سنتی حذف فیزیکی و شیمیایی دارند. فرایند تصفیه بیولوژیکی آلاینده های هوا نه تنها هزینه کمی دارد بلکه در مقایسه با سایر روش ها، دوستدار محیط زیست نیز می باشد. درک مناسب از بیوراکتورهای استفاده شده برای تصفیه بو و VOCs، طراحی و پیکره بندی آنها نه تنها به افزایش بازده فرایند تصفیه کمک می کند بلکه دیدگاه بهتری جهت تکنیک های تصفیه می دهد.

کلمات کلیدی: بیوراکتور، ترکیبات آلی فرار، تصفیه، بو

^۱ مریم رحمانی *

^۲ حمید رضا حسن نژاد

^۳ علی اکبر دهقان

۱- دانشجوی کارشناسی مهندسی بهداشت محیط، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد

۲- دانشجوی کارشناسی مهندسی بهداشت محیط، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی زنجان، زنجان

۳- دانشجوی دکترای مهندسی بهداشت محیط، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی تهران، ایران

* مشهد- دانشگاه علوم پزشکی مشهد، دانشکده بهداشت

Email: rahmaanim911@yahoo.com

بررسی میزان آگاهی، نگرش و عملکرد مراجعین به واحد های بهداشتی شهرستان قاینات در خصوص پیشگیری از بیماریهای قلبی، عروقی سال ۱۳۹۳

خلاصه

مقدمه

بیماریهای قلبی و عروقی یکی از مهمترین علل مرگ در کشور ایران است و بیش از یک سوم از کل مرگها (39 درصد) را شامل میشود و غالب مرگهای ناشی از این بیماریها در افراد زیر 70 سال اتفاق می افتد. از طرفی افزایش شیوع بیماریهای غیرواگیر در کشور ما، همانند سایر کشورهای در حال توسعه جامعه را با بار مضاعفی از بیماریهای غیرواگیر از جمله بیماریهای قلبی و عروقی مواجه میسازد. 48 درصد بار بیماریها ناشی از بیماریهای مزمن میباشد که 10 درصد آن به علت بیماریهای قلبی عروقی است. پیش بینی میشود تا سال 2015 در کل 64 میلیون مرگ رخ خواهد داد که 20 میلیون مرگ به علت بیماریهای قلبی عروقی و عمدتاً ناشی از بیماری قلبی و سکتة مغزی خواهد بود. از این رو بر آن شدیم تا مطالعه ای توصیفی با هدف تعیین بررسی میزان آگاهی و عملکرد مراجعین در خصوص بیماری قلبی و عروقی اجرا نماییم.

روش کار

در این مطالعه توصیفی- تحلیلی، از پرسشنامه ای خود ساخته که روایی و محتوای آن توسط اساتید مورد تایید قرار گرفت، استفاده شد. که مشتمل بر ۳۵ سؤال (۴ سؤال اطلاعات دموگرافیک، ۱۲ سؤال دانشی، ۹ سؤال عملکردی) بود که توسط ۲ پرسشگر زن و مرد بصورت مصاحبه تکمیل گردید. حجم نمونه ۲۲۰ نفر بود. داده ها پس از جمع آوری در نرم افزار SPSS و در ضمن ارائه آمار توصیفی بوسیله آزمونهای آماری کای اسکور در سطح معنی داری $\alpha = 0.05$ آنالیز شد.

نتایج

با توجه به یافته های استخراج شده ۸۰ درصد مراجعین سابقه فشارخون و چربی خون بالا، ۶۵ درصد فعالیت بدنی و ۵۵ درصد بیش از ۳۰ دقیقه فعالیت بدنی داشته اند، ۵۳ درصد افراد روغن مصرفشان روغن مایع بوده و تنها ۹ درصد بیش از سه بار در هفته ماهی مصرف نموده اند. ۷۰ درصد افراد نمکدان سر سفره استفاده می کرده و ۵۳ درصد آنان روزانه مصرف میوه و سبزی و ۴۶ درصد افراد یکبار اضافه وزن داشته اند درصدد کاهش وزن بوده اند. بین سن و سابقه فشارخون ($p=0$)، دیابت ($p=0.005$)، چربی خون ($p=0$)، ورزش ($p=0.036$) و همچنین جنس و تحرک بدنی ($p=0.007$) رابطه معنی دار وجود داشت. ضمناً بین سطح آگاهی افراد و تاثیر آن بر تحرک بدنی، عدم مصرف سیگار، کاهش چاقی، مصرف ماهی، مصرف کم نمک، عدم مصرف چربی حیوانی، مصرف میوه و سبزی، کاهش فشار عصبی و عدم استعمال دخانیات ($p<0.05$) رابطه معنی دار وجود داشت. ولی بین بیماریهای قلبی عروقی و سطح تحصیلات ($p=0.08$)، شغل ($p=0.08$)، محل سکونت ($p=0.22$) و جنس ($p=0.39$) رابطه معنی داری وجود نداشت.

نتیجه گیری

با توجه به افزایش روز افزون بیماریهای غیر واگیر بخصوص بیماریهای قلبی عروقی و با توجه به نتایج حاصل از این پژوهش ارتقای سطح آگاهی افراد جامعه در جهت پیشگیری از بیماریهای قلبی عروقی ضروری به نظر می رسد لذا باید مسئولین و مدیران ارشد و مراکز علمی و دانشگاهی توجه ویژه به امر آموزش سلامت مبذول داشته و سایر بخشها نیز بستر لازم را در جهت افزایش دسترسی آحاد جامعه به امر تحرک بدنی و تغذیه سالم معمول دارند.

کلمات کلیدی: قلبی عروقی، ورزش، چاقی، فشار خون، آگاهی، نگرش، عملکرد

^۱ عبدالناصر قاسمی*

^۲ نوشین پیمان

^۳ سعید شوکتی فرد

۱- دانشجوی ارشد آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، عضو هیات علمی دانشکده بهداشت، سرپرست شبکه بهداشت و درمان قاینات

۲- دانشیار، دکترای تخصصی آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، گروه آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، مرکز تحقیقات علوم بهداشتی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

* قاین- شبکه بهداشت و درمان قاینات، دانشکده بهداشت

Email: n_ghasemi43@yahoo.com

بررسی و تحلیل ابزارهای ارزیابی و اعتبارسنجی وبسایت‌های سلامت

خلاصه

مقدمه

امروزه، اطلاعات سلامت یکی از سه عنوان کاربردی در محیط وب می‌باشد. باتوجه به صدمات جبران‌ناپذیری که وبسایت‌های بی‌کیفیت می‌توانند به کاربران خود وارد نمایند، موضوع کیفیت این وبگاه‌ها، مورد توجه قرار می‌گیرد. بدین منظور نیاز به ابزارهایی که به کاربران و توسعه‌دهندگان اجازه‌ی تولید و شناسایی وبسایت‌های باکیفیتی را بدهند، احساس می‌شود.

روش کار

مطالعه‌ی حاضر از نوع مطالعات مروری نظام‌مند می‌باشد که در آن کلید واژه‌های انگلیسی مرتبط، در پایگاه‌های داده‌ی Direct Science، PubMed، Springer، Google Scholar و Google، مورد جستجو قرار گرفتند. سپس از ۲۸ ابزار یافت شده، ۱۹ مورد وارد مطالعه گردید. برای هر ابزار، اطلاعاتی درباره‌ی تمامی آیت‌های ضروری در رابطه با شناسایی و درک کارایی آن، گردآوری شد. پس از آن با انجام نگاشت مفهومی بر روی داده‌های خام، اطلاعاتی که بیانگر تحلیل فراوانی شاخص‌های خام و نگاشت شده بودند، با استفاده از جداول پایوت در نرم افزار Excel، بدست آمد.

نتایج

ابتدا ۱۸ طبقه اولیه در داده‌های خام، از ابزارهای مورد بررسی بدست آمد، که شامل ۳۵۶ آیت بودند. با انجام نگاشت مفهومی و حذف ۴۱ آیت غیرضروری، تعداد ۳۱۲ آیت به ۱۲ طبقه‌ی اصلی تخصیص یافت. بررسی‌ها نشان‌دهنده‌ی آن بود که در داده‌های خام بیشترین فراوانی مربوط به Quality of Content و Credibility of site و کمترین فراوانی مربوط به Privacy and data security و Currency بود. پس از نگاشت مفهومی، بیشترین فراوانی مربوط به طبقات Authority of source and Sponsorship و Design و کمترین فراوانی مربوط به طبقات Intended audience و Accuracy and Relevancy گردید.

نتیجه گیری

ابزارهای ارزیابی و اعتبارسنجی وبسایت‌های سلامت، دچار کمبودهایی در پوشش‌دهی برخی شاخص‌ها می‌باشند، که می‌توانند در تعامل بایکدیگر، شکل کامل‌تری را به خود بگیرند. در کشور ما نیز با پیشرفت و افزایش روزافزون شمار کاربران وبسایت‌های سلامت، باید در جستجوی راه حلی به منظور ارائه‌ی ابزاری بومی با هدف ارزش‌گذاری و اعتبارسنجی وبسایت‌های سلامت فارسی‌زبان بود.

کلمات کلیدی: وبسایت سلامت، ارزیابی، اعتبارسنجی، کیفیت، وب

^۱ شهاب الدین محمد ابراهیمی*

^۲ سید محمود تارا

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد انفورماتیک پزشکی،

گروه انفورماتیک پزشکی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

۲- دکتری تخصصی انفورماتیک پزشکی، استادیار، گروه انفورماتیک پزشکی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

* مشهد- دانشگاه علوم پزشکی مشهد، دانشکده

پزشکی، گروه انفورماتیک پزشکی

Email: Mohammades911@mums.ac.ir

پیش‌بینی ابتلا به بیماری دیابت نوع ۲ با استفاده از ماشین بردار پشتیبان

خلاصه

مقدمه

بیماری دیابت یکی از بیماری‌های مزمن بوده که درمان قطعی ندارد و شایع‌ترین علت قطع اندام، نابینایی و نارسایی کلیوی و یکی از مهمترین عوامل خطر در ایجاد بیماری‌های قلب است. مشکل عمده‌ای که در رابطه با بیماری دیابت وجود دارد عدم تشخیص به موقع و یا به‌طور کلی ضعف در تشخیص این بیماری است که این ضعف نیز به دلیل عدم انتخاب الگوی مناسب توسط پزشک و یا عدم استفاده مناسب از الگوهای استاندارد است. بنابراین پیاده سازی روشی که بتواند هر فرد را در تشخیص صحیح ابتلا یا عدم ابتلا به این بیماری یاری رساند می‌تواند گام مهمی در جهت پیشگیری و کنترل این بیماری به خصوص در مراحل ابتدایی آن باشد. از این رو در این مقاله سعی شده است تا با استفاده از الگوریتم SVM تشخیص صحیح بیماری میسر شود.

روش کار

در این پژوهش که بصورت مقطعی صورت گرفت از اطلاعات موجود در پرونده‌های افراد مراجعه کننده به مراکز بهداشتی درمانی منطقه ثامن مشهد جهت طرح غربالگری دیابت در سال ۱۳۸۹ استفاده شده است که طی آن متغیرهای جنسیت، سن، شاخص توده بدنی، فشار خون سیستولی و دیاستولی و نسبت دور کمر به باسن مورد بررسی قرار گرفتند. داده‌ها به دو گروه آموزش (دو سوم داده‌ها) و آزمون (یک سوم داده‌ها) تقسیم شدند. برای تحلیل داده‌ها از ماشین بردار پشتیبان با سه هسته خطی، RBF و چندجمله‌ای و پارامترهای مختلف برای این هسته‌ها استفاده گردید. برای تعیین مناسب‌ترین مدل از معیارهای صحت، سطح زیر منحنی راک و آماره کاپا استفاده شد. برای تحلیل از نرم افزار R3.03 استفاده گردیده است.

نتایج

ماشین بردار پشتیبان با هسته RBF و پارامترهای $C = 1, \gamma = 2^{-3}$ دارای بالاترین کارایی بر اساس معیارهای سطح زیر منحنی راک (۰/۸۰)، صحت (۰/۷۳) و آماره کاپا (۰/۴۶) می‌باشد. بر اساس نتایج آنالیز حساسیت متغیرهای شاخص توده بدنی، فشارخون سیستولی، سن، نسبت دور کمر به باسن، جنسیت و فشار خون دیاستولی به ترتیب دارای بیشترین تاثیر در پیش‌بینی ابتلا به دیابت در مدل ماشین بردار پشتیبان می‌باشند.

نتیجه گیری

با توجه به عدم نیاز مدل ماشین بردار پشتیبان به پیش‌فرض‌های معمول روش‌های کلاسیک آماری و همچنین با توجه به مقادیر سطح زیر منحنی راک و صحت مدل ماشین بردار پشتیبان با هسته RBF پیشنهاد می‌شود از این مدل برای پیش‌بینی ابتلا به بیماری دیابت استفاده شود. با توجه به نتایج آنالیز حساسیت مهمترین عوامل تاثیر گذار شامل شاخص توده بدنی و فشار خون سیستولیک می‌باشند. بنابراین با تغییر سبک زندگی، تغذیه و افزایش فعالیت فیزیکی بدن می‌توان این عوامل را کنترل نمود و از ابتلا به این بیماری جلوگیری کرد. چرا که پیشگیری از یک بیماری از لحاظ اجتماعی و اقتصادی بسیار با اهمیت می‌باشد.

کلمات کلیدی: دیابت، ماشین بردار پشتیبان، سطح زیر منحنی راک، آنالیز حساسیت

^۱ محمد تقی شاکری

^۲ حبیب الله اسماعیلی

^۳ صادق رسولی نژاد*

۱،۲- استاد گروه آمار زیستی و اپیدمیولوژی، عضو

مرکز تحقیقات بهداشتی دانشکده بهداشت،

دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

۳- دانشجوی کارشناسی ارشد آمار زیستی،

دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مشهد،

مشهد، ایران

* مشهد- دانشگاه علوم پزشکی مشهد، دانشکده

بهداشت

Email: rasoulins911@mums.ac.ir

پیش‌بینی ابتلا به دیابت با استفاده از شبکه عصبی مصنوعی

خلاصه

مقدمه

بیماری دیابت شایع‌ترین بیماری ناشی از اختلالات متابولیسم و همچنین علت مرگ و میر در جوامع غربی است. بیماری‌زایی این عارضه، چه از نظر هزینه درمانی و چه از جهت از کار افتادگی، بسیار بالا و یکی از عمده‌ترین مسائل بهداشتی درمانی انسان‌ها است. یکی از اقدامات موثر در جهت پیشگیری از این بیماری پیش‌بینی این بیماری در افراد سالم مستعد ابتلا می‌باشد. این مطالعه درصدد پیش‌بینی ابتلا به دیابت بر اساس برخی متغیرهای مؤثر با کمک روش شبکه‌های عصبی مصنوعی است.

روش کار

در این پژوهش از اطلاعات موجود در پرونده‌های افراد مراجعه کننده به مراکز بهداشتی درمانی منطقه ثامن مشهد جهت طرح غربالگری دیابت در سال ۱۳۸۹ استفاده شده است که طی آن متغیرهای جنسیت، سن، شاخص توده بدنی، فشار خون سیستولی و دیاستولی و نسبت دور کمر به باسن مورد بررسی قرار گرفتند. داده‌ها به تصادف به دو گروه آموزش (دو سوم داده‌ها) و آزمون (یک سوم داده‌ها) تقسیم شدند. برای تحلیل داده‌ها از شبکه عصبی مصنوعی پرسپترون چند لایه با الگوریتم پس انتشار خطا و برای تعیین مناسب‌ترین مدل از معیارهای صحت، سطح زیر منحنی راک و آماره کاپا استفاده گردید. برای تحلیل از نرم‌افزار R3.03 استفاده شد.

نتایج

مدل شبکه عصبی مصنوعی پرسپترون سه لایه با الگوریتم پس انتشار خطا با ساختار ۶-۴-۱ و نرخ یادگیری ۰/۲ و اندازه حرکت ۰/۹ دارای بالاترین کارایی بر اساس معیارهای سطح زیر منحنی راک (۰/۸۲)، صحت (۰/۷۴) و آماره کاپا (۰/۴۸) می‌باشد.

نتیجه‌گیری

با توجه به عدم نیاز مدل شبکه عصبی مصنوعی به پیش‌فرض‌های معمول روش‌های کلاسیک آماری و همچنین با توجه به مقادیر سطح زیر منحنی راک و صحت مدل شبکه عصبی مصنوعی (۱-۴-۶) پیشنهاد می‌شود از این مدل برای پیش‌بینی ابتلا به بیماری دیابت استفاده شود.

کلمات کلیدی: دیابت، شبکه عصبی مصنوعی، سطح زیر منحنی راک

^۱ محمد تقی شاکری

^۲ حبیب الله اسماعیلی

^۳ صادق رسولی نژاد*

۱،۲- استاد گروه آمار زیستی و اپیدمیولوژی، عضو

مرکز تحقیقات بهداشتی دانشکده بهداشت،

دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

۳- دانشجوی کارشناسی ارشد آمار زیستی،

دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مشهد،

مشهد، ایران

* مشهد- دانشگاه علوم پزشکی مشهد، دانشکده

بهداشت

Email: rasoulins911@mums.ac.ir

پیش‌بینی عوامل مرتبط با بقای بیماران مبتلا به سرطان کولورکتال با استفاده از شبکه بیزی

خلاصه

مقدمه

سرطان کولورکتال سومین سرطان شایع در سراسر دنیا می باشد که ۳۸٪ سرطان های دستگاه گوارش را تشکیل می دهد و ۱۰٪ موارد فوت ناشی از سرطان را شامل می شود. سن بالای ۵۰ سال، سابقه فامیلی، تغذیه، چاقی، مصرف دخانیات و عدم فعالیت فیزیکی عوامل خطر عمده این بیماری هستند. با اینکه زمان بقای سرطان کولورکتال در سال های اخیر افزایش یافته است اما میزان مرگ و میر بالا است. یکی از روش هایی که در دهه های اخیر استفاده از آن در حال افزایش است شبکه بیزی است. این مطالعه با هدف تعیین عوامل مرتبط بر بقای بیماران مبتلا به سرطان کولورکتال با استفاده از شبکه بیزی انجام شده است.

روش کار

در یک مطالعه کوهورت تاریخی ۲۴۳ بیمار که از ابتدای سال ۱۳۸۵ تا انتهای سال ۱۳۸۹ با تشخیص قطعی سرطان کولورکتال به بیمارستان امید شهر مشهد مراجعه کردند مورد بررسی قرار گرفتند و اطلاعاتدموگرافیکوبالینیآن هاجمع آوری شد. در تحلیل نتایج از نرم افزار HUGIN استفاده شده است و یادگیری ساختار شبکه بیزی با استفاده از الگوریتم PC در سطح معنی داری ۰,۰۵ انجام شده است.

نتایج

نتایج نشان می دهد که عود بیماری و مصرف مواد مخدر رابطه مستقیم بر بقای بیماران دارند. همچنین مصرف دخانیات که یکی از عوامل زمینه ساز در مصرف مواد مخدر است، می تواند به طور غیر مستقیم با بقای بیماران ارتباط داشته باشد.

نتیجه گیری

شبکه های بیزی کاربردهای فراوانی در زمینه تشخیص و پیش بینی بیماری در پزشکی دارند و می توان از آن ها جهت تعیین عوامل مرتبط بر بقای بیماران مبتلا به سرطان بهره برد.

کلمات کلیدی: سرطان کولورکتال، شبکه بیزی، تحلیل بقا

۱- سمانه صبوری*

۲- حبیب الله اسماعیلی

۳- سودابه شهید ثالث

۴- مهدی عمادی

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد آمار زیستی، گروه

آمار زیستی و اپیدمیولوژی، دانشکده بهداشت،

دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

۲- استاد گروه آمار زیستی، مرکز تحقیقات علوم

بهداشتی، گروه آمار زیستی و اپیدمیولوژی،

دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مشهد،

مشهد، ایران

۳- استادیار گروه آنکولوژی، دانشکده پزشکی،

دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

۴- دانشیار گروه آمار، دانشکده ریاضی، دانشگاه

فردوسی مشهد، مشهد، ایران

* مشهد- دانشگاه علوم پزشکی مشهد، دانشکده

بهداشت، گروه آمار زیستی و اپیدمیولوژی

Email: sabouris931@mums.ac.ir

اثربخشی رفتار درمانی گروهی دیالکتیکی بر کاهش افکار خودکشی نوجوانان

خلاصه

مقدمه

خودکشی یکی از چالش‌های جدی بشر امروز است. رفتار درمانی دیالکتیک یک رویکرد درمانی جدید، مرکب از اصول درمان‌های شناختی-رفتاری و فلسفه شرقی‌دین می‌باشد که در دامنه نسبتاً وسیعی از اختلالات از جمله رفتارهای خود آسیب رسان و خودکشی، مورد مطالعه قرار گرفته است. در این مطالعه هدف بررسی اثربخشی رفتار درمانی گروهی دیالکتیکی بر کاهش افکار خودکشی نوجوانان و افزایش هشیاری فراگیر که یکی از مولفه‌های رفتار درمانی دیالکتیکی است، می‌باشد.

روش کار

جامعه آماری این پژوهش را، کلیه نوجوانان مراجعه کننده به بیمارستان ابن سینا، تشکیل می‌دهند. با استفاده از پرسشنامه افکار خودکشی بک (BSSI)، تعداد ۲۰ نفر از مراجعین دارای افکار خودکشی پرخطر شناسایی شده که به طور تصادفی در گروه‌های آزمایش و کنترل قرار گرفتند. دیگر ابزار مورد استفاده عبارتست از: پرسشنامه هشیاری فراگیر فریبرگ (FMI) که از آن‌ها برای سنجش تغییرات آزمودنی‌ها بعد از درمان در مقایسه با قبل از درمان، استفاده شد.

نتایج

نتایج این مطالعه حاکی از اثر بخشی رفتاردرمانی دیالکتیکی در کاهش افکار خودکشی ($P < 0/01$) و افزایش معنادار در شاخص هشیاری فراگیر ($P < 0/05$) بود.

نتیجه گیری

یافته‌های پژوهش حاضر مشخص میکند که رفتار درمانی گروهی دیالکتیکی می‌تواند افکار خودکشی نوجوانان را کاهش دهد و همچنین هشیاری فراگیر را افزایش دهد. بنابراین از این یافته می‌توان در راستای برنامه ریزی درمانی با استفاده از چهارچوب نظریه رفتار درمانی دیالکتیکی در کاهش و یا جلوگیری از افزایش افکار خودکشی نوجوانان استفاده کرد.

کلمات کلیدی: رفتاردرمانی گروهی دیالکتیکی، افکار خودکشی، هشیاری فراگیر، نوجوانان

^۱ علی وفايي نجار

^۲ حسين اماميان *

^۳ زهرا دارابی

^۴ طيبيه كاشفي

۱- دکترای مدیریت و خدمات بهداشتی درمانی،

دانشیار گروه بهداشت و مدیریت گروه دانشکده

بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

۲- کارشناس ارشد آموزش بهداشت و ارتقاء

سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی

مشهد، مشهد، ایران

۳- کارشناس ارشد روانشناسی بالینی، دانشگاه علوم

پزشکی مشهد، مشهد، ایران

۴- کارشناس ارشد روانشناسی بالینی، دانشگاه علوم

پزشکی تربت حیدریه، تربت حیدریه، ایران

* مشهد- دانشگاه علوم پزشکی مشهد، دانشکده

بهداشت

Email: emamianh1@gmail.com

بررسی تاثیر تغذیه مناسب بر یادگیری دانش آموزان مقطع راهنمایی مشهد

خلاصه

مقدمه

با توجه به اینکه تغذیه به خصوص در دوران کودکی و نوجوانی تاثیر به سزایی بر هوش و یادگیری کودکان دارد به گونه ای که سوء تغذیه دوره های بعدی زندگی را به تعویق می اندازد، به طوری که این افراد در دوران تحصیل دچار مشکلات عدیده آموزشی خواهند شد، لذا این تحقیق با هدف بررسی تاثیر تغذیه بر یادگیری دانش آموزان انجام شد.

روش کار

این مطالعه یک بررسی توصیفی تحلیلی بود که به روش مقطعی انجام شد. حجم نمونه شامل کلیه دانش آموزان مشغول به تحصیل در مدرسه راهنمایی شبانه روزی ناحیه ۵ مشهد بود. پرسشنامه روا و پایا و شامل ۱۹ سوال تخصصی در خصوص عادات تغذیه ای دانش آموزان بود. داده ها با نرم افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

نتایج

۹۰ نفر از دانش آموزان راهنمایی در این تحقیق شرکت کردند. ۴۸٫۹ درصد آنان کلاس دوم و ۵۱٫۱ درصد آنها هم کلاس سوم راهنمایی بودند. ۲۴٫۴ درصد دانش آموزان معدلشان بین ۱۳-۱۵، ۶۵٫۶ درصد معدلشان بین ۱۵-۱۸ و ۱۰ درصد نیز معدلشان بین ۲۰-۱۸ بود. ۶۷٫۸ درصد دانش آموزان عنوان کردند که خیلی زیاد شیرینی جات را دوست دارند و ۶۱٫۱ درصد دانش آموزان همراه با غذاها از ترشیجات و شورپها در حد زیاد استفاده می کنند. یافته ها نشان داد ۳۸٫۸ درصد دانش آموزان نمک را در غذاها زیاد استفاده می کنند و از طرفی ۲۷٫۸ درصد دانش آموزان هم نمک را در حد متوسط استفاده می کنند یافته ها نشان داد دانش آموزانی که معدلشان کمتر است میزان مصرف ماهی، گوشت قرمز و سفید، لبنیات و سبزیجات سبز و نارنجی در آنها کمتر می باشد ($p < 0.05$).

نتیجه گیری

دانش آموزانی که رفتار تغذیه ای بهتری داشتند (مصرف صبحانه، میوه و سبزیجات و لبنیات در آنها بیشتر بود) معدل بالاتری نسبت به سایر دانش آموزان داشتند.

کلمات کلیدی: تغذیه-یادگیری-دانش آموزان-مشهد

^۱ زهرا سعیدی*

^۲ رحیم وکیلی

^۳ معصومه سعیدی

^۴ علی خاکشور

^{۱،۳} - کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده پزشکی،

دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

^{۲،۴} - دپارتمان اطفال، دانشکده پزشکی، دانشگاه

علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

* مشهد- دانشگاه علوم پزشکی مشهد، دانشکده

پزشکی، کمیته تحقیقات دانشجویی

Email: ijp@mums.ac.ir

بررسی عملکرد سیستم تصفیه خانه اولنگ مشهد از سال ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۳

خلاصه

مقدمه

باتوجه به روند افزایش جمعیت در شهرهای بزرگ که خود بصورت طبیعی باعث افزایش میزان فاضلاب شهری میگردد زمینه تشکیل سیستم جمع آوری و تصفیه فاضلاب شهری امری لازم و ضروری به نظر میرسد. هم چنین باتوجه به اهمیت حفظ سلامت انسان، محیط زیست و منابع آبی از آلودگیها، این تحقیق باهدف ارزیابی عملکرد سیستم برکه تثبیت تصفیه خانه فاضلاب اولنگ مشهد انجام شد.

روش کار

این تحقیق بصورت توصیفی- مقطعی، بر روی فاضلاب ورودی به تصفیه خانه اولنگ مشهد و پساب خروجی آن طی سالهای ۱۳۹۱ و ۱۳۹۲ و ۱۳۹۳ انجام شده است. انجام نمونه برداری و آزمایشات COD، BOD5 و TSS طبق دستورالعملهای کتاب استاندارد متد به صورت هفتگی صورت گرفت. هم چنین داده ها با استفاده از نرم افزار Spss و روشهای آماری One sample t- test، آنالیز واریانس یکطرفه در سطح معنی دار ۰.۰۵ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

نتایج

مشخصات فاضلاب خام ورودی، نشاندهنده ی این است که فاضلاب ورودی از نظر شدت آلودگی در دسته فاضلابهای با شدت آلودگی زیاد قرار داشته است. میانگین غلظت COD، BOD5 و TSS در پساب خروجی در سال ۹۱ به ترتیب: ۱۳۰ و ۷۵ و ۸۶ و در سال ۹۲ به ترتیب ۱۴۵، ۷۵ و ۸۶ و در سال ۹۳ به ترتیب: ۱۴۶ و ۸۳ و ۱۰۹ میلیگرم در لیتر بوده است. راندمان تصفیه خانه در حذف پارامترهای مذکور در سال ۹۱ به ترتیب: ۹۰ و ۸۳ و ۷۷ و در سال ۹۲ به ترتیب ۸۳ و ۸۰ و ۷۷ و در سال ۹۳ به ترتیب: ۸۳ و ۸۳ و ۷۹ درصد بوده است.

نتیجه گیری

بر اساس یافته های حاصل و مقایسه با استانداردهای سازمان حفاظت محیط زیست پساب تصفیه شده صرفاً در مصارف کشاورزی جهت آبیاری محصولات قابل استفاده خواهد بود و در سایر مصارف انسانی با روند فعلی تصفیه قابل استفاده نخواهد بود.

کلمات کلیدی: فاضلاب شهری، تصفیه خانه، پساب، برکه تثبیت

^۱ علی اصغر نجف پور

^۲ مهندس مریم پایدار

^۳ فاطمه امین

^۴ فاطمه حضرتی*

۱- دانشیار، عضو مرکز تحقیقات علوم بهداشتی و

عضو گروه مهندسی بهداشت محیط دانشکده

بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مشهد

۲- کارشناس بهداشت محیط، گروه مهندسی

بهداشت محیط، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم

پزشکی مشهد

۳- دانشجوی کارشناسی بهداشت محیط، عضو

کمیته تحقیقات دانشجویی دانشکده بهداشت،

دانشگاه علوم پزشکی مشهد

۴- دانشجوی کارشناسی بهداشت محیط، عضو

کمیته تحقیقات دانشجویی دانشکده بهداشت،

دانشگاه علوم پزشکی مشهد

* مشهد- دانشگاه علوم پزشکی مشهد، دانشکده

بهداشت، کمیته تحقیقات دانشجویی

Email: Hazratif911@mums.ac.ir

اپیدمیولوژی مسمومیت با منوکسید کربن در سالمندان در شهر مشهد سال های ۱۳۹۲-۱۳۹۳

خلاصه

مقدمه

منوکسید کربن گازی بی بو، بی رنگ و سمی است که فراوان ترین آلاینده در اتمسفر پایین است. مسمومیت با منوکسید کربن از شایع ترین علل مرگ و میر در ایران محسوب می شود. از آن جایی که اطلاعاتی در مورد میزان شیوع مسمومیت با منوکسید کربن در سالمندان وجود ندارد، این پژوهش با هدف بررسی شیوع مسمومیت با منوکسید کربن در سالمندان طی سال های ۱۳۹۲-۱۳۹۳ انجام شد.

روش کار

مطالعه حاضر توصیفی مقطعی بر روی سالمندان بستری شده در بخش مسمومین بیمارستان امام رضا (ع) طی سال های ۹۳-۱۳۹۲ انجام شد. نمونه گیری به روش سرشماری و ابزار پژوهش فرم گردآوری داده ها است که بر اساس داده های HIS تدوین گردید و روایی و پایایی آن توسط صاحب نظران تایید گردید. اطلاعات پس از کدبندی توسط نرم افزار SPSS و با استفاده از آزمونهای کای دو و t-test تجزیه و تحلیل گردید.

نتایج

در مجموع ۲۱ سالمند طی مدت دو سال به دلیل مسمومیت با منوکسید کربن در بخش مسمومین پذیرش شده بودند که در این میان ۵۷،۱۵ زن و ۸۱،۵۰ متاهل بوده اند. میانگین سنی سالمندان 72.57 ± 1.69 سال بوده است. متوسط روز بستری 3.09 ± 3.81 بوده است. فصل زمستان با ۴۲،۹۰ درصد شایعترین زمان وقوع مسمومیت بوده است ۴،۸٪ در بخش مراقبت های ویژه بستری شده بودند. ۴،۸٪ موارد منجر به فوت شده است.

نتیجه گیری

ناآگاهی و عدم اطلاع صحیح در استفاده از وسایل گرمایشی، دلیل اصلی شیوع این نوع از مسمومیت و مرگ و میرهای ناشی از آن است. لذا با با نظارت بیشتر در ساخت و نصب تجهیزات گرمایشی و ارتقای سطح آگاهی سالمندان در برابر خطرات ناشی از قرار گرفتن در معرض مونوکسید کربن می توان سهم به سزایی در پیشگیری از این نوع مسمومیت را داشته باشیم.

کلمات کلیدی: مسمومیت، منوکسید کربن، سالمند

۱ صالحه نوروزی*

۲ منورافضل آقایی

۳ علی خورسند وکیل زاده

۴ فاطمه عبدی

۱- کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده بهداشت،

دانشگاه علوم پزشکی مشهد

۲- استادیار پزشکی اجتماعی، دانشکده بهداشت،

دانشگاه علوم پزشکی مشهد

۳- استادیار طب چینی و مکمل، دانشکده طب

سنتی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد

۴- کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده

پیراپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد

* مشهد- دانشگاه علوم پزشکی مشهد، دانشکده

بهداشت، کمیته تحقیقات دانشجویی

Email: norozi133@gmail.com

ارزیابی اثرات فلزات سنگین بر محیط زیست

خلاصه

مقدمه

ارزیابی اثرات زیست محیطی به عنوان یک ابزار مهم مدیریتی در مطالعات زیست محیطی و کاهش اثرات پروژه های صنعتی و عمرانی و رعایت اهداف توسعه پایدار است. آلودگی یکی از معضلات زیانباری است که عمدتاً در جریان بهره برداری از منابع طبیعی و استفاده از سوخت های فسیلی به محیط زیست وارد گردیده و این پدیده با صنعتی شدن و نوگرایی جوامع شدت بیشتری یافته است. فلزات سنگین می توانند از طریق پسماند های صنعتی و یا حتی از طریق باران های اسیدی در پی تخریب و شکافتن خاک، وارد جویبار ها، دریاچه ها، رود ها و آب های زیر زمینی شوند. جیوه، سرب و کادمیم از طریق مصرف سوخت های فسیلی و یا استفاده از زباله سوزهای شهری برای دفع زباله ها هوا را نیز آلوده می کنند. از این رو بررسی اثرات آن ها بر محیط زیست ضروری به نظر می رسد.

روش کار

مطالعه حاضر از نوع مرور سیستماتیک است که به منظور بررسی اثرات فلزات سنگین بر محیط زیست که در آن مقالات مرتبط با موضوع از پایگاه های داخلی و خارجی از قبیل SID, Iran Medex و Google Scholar, Scopus مورد بررسی قرار گرفت.

نتایج

از ۱۳۰۰ مقاله دریافتی با کلید واژه های وارد شده تعداد ۵۵ مقاله ارتباط موضوعی قویتری با مطالعه داشت و در تجزیه تحلیل وارد شدند. بسیاری از آبریان به سبب قرار داشتن در سطح تغذیه ای بالا در اکوسیستم، شاخص های مفیدی برای آلودگی فلزات سنگین هستند و بنابراین جزء اختلالات اولیه اند. فاضلاب های صنعتی و شهری و پساب های کشاورزی نیز هر کدام حاوی مقادیر متناهی فلزات سنگین هستند که این مواد پس از ورود به اکوسیستم های آبی موجب آلودگی و تجمع در بدن موجودات آبرزی می شوند. از این رو موجودات آبرزی می توانند به عنوان یک شاخص زیستی در تعیین آلودگی ها باشند.

نتیجه گیری

نتایج نشان می دهد مقادیر بالای فلزات سنگین با اثر بر اندام های خاص آبریان نظیر کبد و آبشش منجر به مرگ موجود شده و با حذف آلال ها، کاهش تنوع ژنتیکی را در پی دارند. فلزات سنگین، در غلظت های بیش از حد به وسیله گیاه جذب می شوند و در متابولیسم و فتوسنتز و رشد و نمو آن اختلال ایجاد می کنند و میوه های گیاه را کم می کند و کیفیت محصولات کشاورزی را پائین می آورد. گزارش ها آلودگی خاک های شهری با فلزات سرب، مس، بور و روی است. فلزات سنگین در محیط های آبی، خاکی و هوا وارد شده است و غلظت آن رو به افزایش است. بنابراین توجه بیشتر به پروژه های ارزیابی زیست محیطی هر چه بیشتر نیاز است.

کلمات کلیدی: ارزیابی، اثرات، فلزات سنگین، محیط زیست

^۱ معصومه ساقی*

^۲ علی اصغر نوائی فیض آبادی

^۳ محسن یزدانی

^۴ محمود دنکوب

^۵ ریحانه زنگی

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد مهندسی بهداشت

محیط، گروه مهندسی بهداشت محیط، دانشکده

بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، ایران

۲،۳،۴- دانشجوی کارشناسی ارشد مهندسی

بهداشت محیط، عضو کمیته تحقیقات دانشجویی

دانشکده بهداشت دانشگاه علوم پزشکی مشهد،

ایران

۵- کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم

پزشکی مشهد، دانشکده بهداشت، مشهد، ایران

* مشهد- دانشگاه علوم پزشکی مشهد، دانشکده

بهداشت، گروه مهندسی بهداشت محیط

Email: saghim931@mums.ac.ir

بررسی ارتباط نگرش با خود کارآمدی در زنان مبتلا به دیابت بارداری

خلاصه

مقدمه

دیابت بارداری شایعترین اختلال متابولیک دوران بارداری است که عوارض متعددی برای مادر و جنین دارد. عوارض ناشی از دیابت بارداری، با یکی از تعیین کننده های مهم خود مراقبتی، یعنی خود کارآمدی قابل پیشگیری است. از سویی، درک رفتار بیماران در برابر دیابت، منوط به آگاهی از نگرش های آنها نسبت به این بیماری و درمان آن می باشد. لذا، مطالعه حاضر، با هدف تعیین ارتباط نگرش با خود کارآمدی در زنان مبتلا به دیابت بارداری انجام گرفت.

روش کار

مطالعه حاضر، یک مطالعه همبستگی بود که در سال ۱۳۹۴ در شهر مشهد انجام شد و در آن ۴۰۰ زن مبتلا به دیابت بارداری مراجعه کننده به مراکز بهداشتی- درمانی و درمانگاه بیمارستان های وابسته به دانشگاه علوم پزشکی مشهد شرکت داشتند. جمع آوری داده ها از طریق پرسشنامه اطلاعات فردی، پرسشنامه خود کارآمدی و مقیاس نگرش پیرامون دیابت انجام شد و داده ها با استفاده از نرم افزار آماری SPSS (نسخه ۱۶) و آزمون های آماری ضریب همبستگی پیرسون و مدل رگرسیون خطی آنالیز شدند. سطح معنی داری در تمام موارد $p < 0/05$ در نظر گرفته شد.

نتایج

۲۷۶ نفر (۶۹/۰ درصد) از زنان مبتلا به دیابت بارداری، نگرش متوسطی پیرامون دیابت بارداری و ۲۰۵ نفر (۵۱/۲٪) خود کارآمدی بالایی داشتند. نتایج آزمون پیرسون نشان داد، بین نگرش با خود کارآمدی رابطه خطی مستقیم معنی داری وجود دارد ($p < 0/0001$ و $r = 0/256$). همچنین، بر اساس مدل رگرسیون خطی عمومی، نگرش به عنوان متغیر پیش بینی کننده خود کارآمدی محسوب می شود ($p < 0/0001$ و $F = 27/798$ و $\beta = 0/334$).

نتیجه گیری

بر اساس نتایج مطالعه حاضر، نگرش با خود کارآمدی در زنان مبتلا به دیابت بارداری ارتباط دارد که این خود در پیشگیری از عوارض و کنترل بیماری اهمیت دارد. بنابر این، با بهبود نگرش این افراد پیرامون دیابت، می توان منجر به کنترل بهتر قند خون و کاهش عوارض شد.

کلمات کلیدی: دیابت بارداری، خود کارآمدی، نگرش

^۱ مه سیما بنائی هروان*

^۲ معصومه کردی

^۳ نگار اصغری پور

^۴ سید رضا مظلوم

^۵ دکتر فریده اخلاقی

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد مامایی، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

۲- استادیار گروه مامایی، مرکز تحقیقات مراقبت مبتنی بر شواهد، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

۳- استادیار گروه روانشناسی بالینی، مرکز تحقیقات روانپزشکی و علوم رفتاری، بیمارستان ابن سینا، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

۴- مربی گروه پرستاری، مرکز تحقیقات مراقبت مبتنی بر شواهد، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

۵- استاد گروه زنان و مامایی، مرکز تحقیقات سلامت زنان، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

* مشهد- دانشگاه علوم پزشکی مشهد، دانشکده پرستاری و مامایی

Email: banaei-hm@yahoo.com

بررسی آگاهی و نگرش کارکنان شاغل در مراکز بهداشتی درمانی دانشگاه علوم پزشکی مشهد در خصوص مشاوره با رویکرد باروری سالم

خلاصه

مقدمه

رشد آگاهی و نگرش کارکنان بهداشتی باعث توانمندی گیرندگان خدمات در حفظ و ارتقاء سلامتی و اتخاذ تصمیمات مناسب برای مراقبت هر چه بهتر می‌شود. به دلیل نقش مهم کارکنان مراکز بهداشتی و مراقبین سلامت خانواده در مراکز سلامت جامعه در ایجاد و ارتقاء مشارکت جامعه در برنامه‌های جمعیت، در این مطالعه آگاهی و نگرش کارکنان بهداشتی شاغل در مراکز بهداشتی و مراقبین سلامت خانواده در مراکز سلامت جامعه شهر مشهد در سال ۱۳۹۴ بررسی شد.

روش کار

در این مطالعه توصیفی و مقطعی، ۱۰۷ نفر از کارکنان بهداشتی شاغل در ۱۸ مرکز بهداشتی درمانی و ۲۳ مرکز سلامت جامعه تحت پوشش مراکز بهداشت شماره ۲-۳ و ۵ مشهد بصورت تصادفی چندمرحله‌ای انتخاب و پرسشنامه‌های پژوهشگر ساخته سنجش آگاهی و نگرش را تکمیل نمودند. داده‌ها با استفاده از آمار توصیفی و آزمون‌های همبستگی ساده و چند متغیره با استفاده از نرم‌افزار SPSS 16 تحلیل شد.

نتایج

آگاهی کارکنان بهداشتی در خصوص آموزش مشاوره باروری سالم با میانگین $12/8 \pm 1/36$ از ۱۶ نمره در سطح خوب و نگرش به باروری با میانگین $16/4 \pm 19/9$ از ۲۳۵ نمره در سطح متوسط قرار داشت. بین نگرش به باروری با آگاهی ($p=0/000$) و نیز سال فراغت از تحصیل ($p=0/04$) ارتباط معنی‌داری دیده شد.

نتیجه گیری

با توجه به اینکه کارکنان بهداشتی شاغل در مراکز بهداشتی درمانی و مراکز سلامت جامعه افراد کلیدی در افزایش آگاهی و تغییر نگرش مراجعین در خصوص باروری و تغییرات جمعیتی کشور می‌باشند، لذا طراحی برنامه‌های آموزشی جهت ارتقای آگاهی و نگرش آنان در رابطه با سلامت باروری، نمودار جمعیتی و پیری جمعیت ضروری است.

کلمات کلیدی: آگاهی، نگرش، مشاوره باروری، کارکنان بهداشتی

^۱ راضیه رحمتی*

^۲ طلعت خدیو زاده

^۳ حبیب الله اسماعیلی

^۴ حمیدرضا بهرامی

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد مشاوره در مامایی دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

۲- استادیار بهداشت باروری، مرکز تحقیقات سلامت زنان، گروه مامایی، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران
۳- دانشیار مرکز تحقیقات علوم بهداشتی، گروه آمار و اپیدمیولوژی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

۴- استادیار و عضو هیات علمی دانشکده طب سنتی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

* مشهد- دانشگاه علوم پزشکی مشهد، دانشکده پرستاری و مامایی

Email: rahmatir69@gmail.com

بررسی ارتباط بین جواخلاقی و دلبستگی شغلی در بین کارکنان اتاق عمل های بیمارستانهای آموزشی وابسته به علوم پزشکی زاهدان در سال ۱۳۹۴

خلاصه

مقدمه

یکی از عوامل اولیه شکل دهنده به روابط درون سازمانی و نگرش کارکنان جو اخلاقی حاکم بر سازمان می باشد که از عوامل تاثیر گذار بر دلبستگی شغلی می باشد. دلبستگی شغلی قسمت لاینفکی از شخصیت یک کارمند می باشد که به صورت تصور شخص از کار و به عنوان مهمترین بخش زندگی کاری تعریف می گردد. هدف از انجام این مطالعه بررسی ارتباط بین جواخلاقی و دلبستگی شغلی در بین کارکنان اتاق عمل های بیمارستانهای آموزشی وابسته به علوم پزشکی زاهدان بوده است.

روش کار

این مطالعه، یک مطالعه توصیفی - تحلیلی می باشد که در زاهدان سال ۱۳۹۴ بر روی ۷۱ نفر انجام شده است. جهت جمع آوری اطلاعات از پرسش نامه ای سه بخشی، که بخش اول مربوط به مشخصات دموگرافیک، بخش دوم پرسش نامه استاندارد دلبستگی شغلی و بخش سوم نیز از پرسش نامه اولسون استفاده شده است. در نهایت داده ها پس از جمع آوری در نرم افزار SPSS19 با استفاده از آزمون های آماری و آزمون تی تست و آنالیز واریانس تجزیه و تحلیل شدند.

نتایج

میانگین سنی افراد 28.34 ± 5.05 سال و ۵۹ نفر از پرسنل زن و ۱۲ نفر مرد بودند. رابطه بین مشخصات دموگرافیک با دلبستگی شغلی معنادار نبود ($P>0.05$). همچنین ارتباط بین متغیرهای جنس و سن با جو اخلاقی معنادار نبود ($P>0.05$). ولی بین متغیرهای گذراندن دوره اخلاق ($P=0.001$)، قومیت ($P=0.008$) و بیمارستان محل کار ($P=0.001$) با جواخلاقی ارتباط معناداری وجود داشت. به طور کلی میانگین نمره جو اخلاقی در بین پرسنل اتاق عمل های بیمارستان های آموزشی زاهدان 93.15 ± 15.17 و میانگین نمره دلبستگی شغلی 27.33 ± 7.55 بود و ارتباط معناداری بین دلبستگی شغلی و جواخلاقی مشاهده نشد ($P>0.05$).

نتیجه گیری

نتایج نشان داد که پرسنل با توجه به اینکه جواخلاقی مطلوبی را درک کردند ولی از دلبستگی شغلی پایینی برخوردار هستند و ارتباط معناداری بین جو اخلاقی و دلبستگی شغلی وجود نداشت.

کلمات کلیدی: دلبستگی شغلی، جواخلاقی، پرسنل اتاق عمل

^۱ نازنین یوسفیان میاندوآب

^۲ مهناز شهرکی پور

^۳ صادق زارع*

۱- کارشناسی ارشد پرستاری، عضو هیئت علمی، مرکز تحقیقات سلامت بارداری، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی زاهدان، زاهدان، ایران

۲- دکترای آمار زیستی، گروه اپیدمیولوژی و آمار زیستی، مرکز تحقیقات سلامت بارداری مرکز تحقیقات دندان پزشکی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی زاهدان، زاهدان، ایران

۳- دانشجوی کارشناسی اتاق عمل، عضو کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده ی پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی زاهدان زاهدان، ایران

* زاهدان- دانشگاه علوم پزشکی زاهدان، دانشکده پرستاری و مامایی

Email: zaresadegh93@yahoo.com

بررسی میزان رعایت اصول پیشگیری از بیماری های منتقله از راه خون توسط پرستاران بخش اورژانس در بیمارستانهای آموزشی مشهد در سال ۱۳۹۴

خلاصه

مقدمه

بیماریهای منتقله از راه خون به طور شایع در بین پرستاران بخشهای اورژانس گزارش می شود. هدف از انجام این مطالعه تعیین میزان رعایت اصول پیشگیری بیماری های منتقله از راه خون توسط پرستاران بخشهای اورژانس بیمارستانهای آموزشی دانشگاه علوم پزشکی مشهد و شناسایی موانع احتمالی بود.

روش کار

این مطالعه توصیفی - مقطعی با مشارکت ۱۱۰ پرستار شاغل در بخشهای اورژانس بیمارستانهای قائم (عج)، امام رضا (ع) و شهید کامیاب مشهد در سال ۱۳۹۴ انجام شد. ابزار گردآوری اطلاعات شامل پرسشنامه پژوهشگر ساخته موانع رعایت اصول پیشگیری از بیماریهای منتقله از راه خون بود که پس از تایید روایی و پایایی مورد استفاده قرار گرفت. داده ها با استفاده از SPSS v.16، آمار توصیفی (جهت خلاصه سازی داده ها) و آمار استنباطی تحلیل شدند.

نتایج

میانگین سنی پرستاران 28.7 ± 4.3 سال، اکثر آنها خانم (۷۰ درصد) و طرحی (۵۶ درصد) بودند. هیچکدام از پرستاران قبل از پوشیدن دستکش، دستهای خود را نمی شستند. پوشیدن گان جهت جلوگیری از پاشیده شدن خون، توسط ۳/۷ درصد و استفاده از ماسک توسط ۲۰ درصد از پرستاران رعایت می شد. همچنین ۴۶/۵ درصد از پرستاران بعد از درآوردن دستکش دستهای خود را می شستند که شست و شو با آب ساده بیشترین فراوانی (۴۲/۷ درصد) را داشت. ۷۳ نفر (۸۰ درصد) از پرستاران، قبل از انجام مداخلات پزشکی دستکش لاتکس پوشیدن می پوشیدند و ۶۹ نفر (۷۲ درصد) از آنها پوست آلوده به خون ناشی از خونگیری یا هنگام رگ گیری وریدی پوست را با محلول الکل تمیز می کردند. بیشترین موانع موجود در مورد رعایت اصول پیشگیری از بیماری های منتقله از راه خون، تعداد زیاد بیماران بستری و کمبود پرسنل (۸۵ درصد)، حجم کاری بالا در بخش (۸۰ درصد) و نیاز به سرعت بالا در انجام کارهای بخش (۶۸ درصد) بودند.

نتیجه گیری

برخی از اصول مهم پیشگیری از بیماری های منتقله از راه خون در بین پرستاران بخشهای اورژانس چندان مورد توجه قرار نمی گیرند و باتوجه به اینکه عمده آنها پرستاران کم تجربه هستند، لذا افزایش و تکرار برنامه های آموزشی، بصورت موازی با برنامه ریزی دقیق مدیران پرستاری برای استفاده از پرستاران با تجربه و کمبود پرسنل پرستاری ضروری به نظر می رسد.

کلمات کلیدی: بیماری های منتقله از راه خون، پرستار، بخش اورژانس

^۱ غلامحسین ظریف نژاد

^۲ محمد رجب پور*

^۳ سیمین شرفی

۱- مرکز تحقیقات مراقبت مبتنی بر شواهد، گروه بهداشت روان و مدیریت، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، ایران

۲- کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده پرستاری و مامایی مشهد، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد،

ایران

۳- دانشجوی کارشناسی ارشد آموزش پرستاری، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

* مشهد- دانشگاه علوم پزشکی مشهد، دانشکده پرستاری و مامایی، کمیته تحقیقات دانشجویی
Email: rajabpoorm871@gmail.com

بررسی ارتباط خودکارآمدی عملکرد بالینی و شادمانی ماماهاى شاغل در بیمارستان و مراکز بهداشتی درمانی شهر مشهد

خلاصه

مقدمه

شادمانی، از موارد مهم روان شناسی مثبت گراست و مفهوم وسیعی است که تجربه ی هیجان های مطلوب، سطوح پایین هیجان های منفی و رضایت بالا از زندگی را در بر می گیرد. از طرفی خودکارآمدی به معنی اطمینان و باور فرد نسبت به توانایی های خود در کنترل افکار، احساس ها، فعالیت ها و نیز عملکرد موثر او در موقعیت های استرس زاست. نقش خودکارآمدی در گستره ی زندگی افراد به عنوان عامل مهمی در خوشبینی و رضایتمندی زندگی، تاکید شده است. بنابراین مطالعه حاضر جهت بررسی ارتباط خودکارآمدی عملکرد بالینی با شادمانی ماماهاى شاغل در بیمارستان ها و مراکز بهداشتی درمانی انجام شده است.

روش کار

این مطالعه توصیفی - همبستگی در سال ۱۳۹۴ بر روی ۲۳۲ مامای شاغل در بیمارستان های آموزشی دانشگاه علوم پزشکی مشهد و مراکز بهداشتی درمانی و پایگاههای شهری انجام شد. نمونه گیری در زایشگاه به روش تصادفی و در مراکز بهداشتی درمانی، به روش نمونه گیری طبقه ای بود. ابزارهای گردآوری داده ها شامل پرسشنامه اطلاعات فردی، خودکارآمدی عملکرد بالینی چراغی و شادمانی اکسفورد بود. تجزیه و تحلیل داده ها از طریق نرم افزار آماری SPSS (نسخه ی ۲۰) و با استفاده از آزمون آماری ضریب همبستگی پیرسون و با تعیین سطح معناداری ۰/۰۵ انجام گردید.

نتایج

میانگین سن ماماها $34/50 \pm 8/92$ سال بود. میانگین نمره ی خودکارآمدی عملکرد بالینی ماماها $141/54 \pm 20/64$ و میانگین نمره ی شادمانی ماماها $129/93 \pm 20/98$ بود. ارتباط معناداری بین خودکارآمدی عملکرد بالینی و شادمانی ماماها ($t=0/358, p<0/001$) مشاهده شد.

نتیجه گیری

با توجه به نتایج پژوهش، شادمانی زمانی به دست می آید که فعالیت های زندگی افراد، بیشترین همگرایی یا جور بودن را با ارزش های عمیق و توانایی و کارآمدی او در زمینه های مختلف داشته باشد. تحت چنین شرایطی، احساس نشاط و اطمینان در فرد به وجود می آید. بنابراین با ارتقای خودکارآمدی بالینی ماماها می توان نقش موثری در افزایش شادمانی آنها انجام داد.

کلمات کلیدی: خودکارآمدی عملکرد بالینی، شادمانی، ماما

^۱ فاطمه رضائی *

^۲ ناهید گلمکانی

^۳ سیدرضا مظلوم

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد مامایی، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

۲- استادیار گروه مامایی، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران
۳- مربی گروه پرستاری، مرکز مراقبت های مبتنی بر شواهد، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

* مشهد- دانشگاه علوم پزشکی مشهد، دانشکده پرستاری و مامایی

Email: rezaeif922@mums.ac.ir

تأثیر به کارگیری ابزار آموزشی چند رسانه ای بر رفتارهای خود مراقبتی بیماران تحت پرتودرمانی

خلاصه

مقدمه

پرتودرمانی منجر به ایجاد عوارض جانبی می شود که بیماران باید بتوانند آنها را در منزل اداره کنند. انجام رفتارهای خودمراقبتی در منزل نیازمند دریافت آموزش با رسانه های آموزشی استاندارد و موثر می باشد. در حال حاضر پمفلت آموزشی رایج ترین رسانه مورد استفاده است اما در همه بیماران خصوصاً بیماران کم سواد قابل استفاده نمی باشد و ضروری است که اثربخشی سایر رسانه ها نیز ارزیابی شود. لذا این مطالعه با هدف بررسی تأثیر بکارگیری ابزار آموزشی چندرسانه ای به عنوان یک روش جدید بر رفتارهای خود مراقبتی بیماران تحت پرتودرمانی انجام شده است.

روش کار

پژوهش حاضر یک مطالعه تجربی از نوع کارآزمایی بالینی تصادفی است که بر روی ۶۰ بیمار مراجعه کننده به مراکز پرتودرمانی مشهد که برای آنها برای اولین بار تشخیص نیاز به پرتودرمانی ناحیه سر و گردن داده شده بود؛ انجام شد. مراکز به صورت تصادفی به دو گروه مداخله و کنترل تخصیص یافتند. در ابتدای نمونه گیری و قبل از مداخله، فرم بررسی وضعیت دموگرافیک برای کلیه بیماران تکمیل گردید. به گروه کنترل (۳۰ نفر) سه پمفلت آموزشی و به گروه مداخله (۳۰ نفر) ابزار چندرسانه ای ۲۰ دقیقه ای تحویل گردید و از بیماران خواسته شد تا قبل از شروع جلسات پرتودرمانی از محتوای آموزشی فوق استفاده نمایند. در جلسه اول درمان پرسشنامه های مراقبت از خود تحویل بیماران گردید و نحوه تکمیل آن توضیح داده شد و گزارش آن به صورت تلفنی در پایان هفته های اول، سوم و پنجم درمان دریافت گردید. در پایان تجزیه و تحلیل داده ها با استفاده از نرم افزار SPSS نسخه ۱۶ و آزمون های آماری انجام شد.

نتایج

میانگین و انحراف معیار سن در گروه پمفلت 50.6 ± 11.44 و در گروه ابزار چند رسانه ای 52.2 ± 11.49 سال بود. در گروه پمفلت، ۲۳ نفر (۷۶٪) تحصیلات ابتدایی و در گروه ابزار چند رسانه ای ۱۱ نفر (۳۶٪) تحصیلات دبیرستان داشتند. نتیجه آزمون من ویتنی برای مقایسه نمره رفتارهای خودمراقبتی نشان داد بین نمره رفتار خودمراقبتی بیماران گروه مولتی مدیا و گروه کنترل در هفته اول درمان ($p=0.003$)، هفته سوم ($p=0.015$) و هفته پنجم ($p<0.001$) تفاوت آماری معناداری وجود داشت. نتیجه آزمون فریدمن برای مقایسه درون گروهی نیز نشان داد در بیماران هر دو گروه نمره رفتار خودمراقبتی از هفته اول تا پنجم درمان تفاوت معناداری داشته است ($p<0.001$).

نتیجه گیری

با توجه به نتایج پژوهش می توان گفت ابزار آموزشی چندرسانه ای نسبت به روش روتین موجب بهبود رفتارهای خودمراقبتی در بیماران تحت پرتودرمانی می شود. لذا با توجه به محدودیت های آموزش خصوصاً در مورد بیماران با درمان های سرپایی بکارگیری این رسانه آموزشی می تواند منجر به افزایش استقلال بیماران در مراقبت از خود گردد.

کلمات کلیدی: رفتارهای خود مراقبتی، پرتودرمانی، ابزار چند رسانه ای

^۱ فاطمه حشمتی نبوی
^۲ عاطفه بهبودی فر*
^۳ محمد تقی شاکری
^۴ کاظم انوری

۱- استادیار گروه بهداشت، مدیریت و روان دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، ایران

۲- دانشجوی کارشناسی ارشد پرستاری، کمیته تحقیقات دانشجویی دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، ایران

۳- استاد گروه آمار زیستی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، ایران

۴- متخصص انکولوژی، دانشیار دانشگاه علوم پزشکی مشهد

* مشهد- دانشگاه علوم پزشکی مشهد، دانشکده پرستاری و مامایی، کمیته تحقیقات دانشجویی
Email: behboudifara1@mums.ac.ir

مقایسه عملکرد گوارشی بعد از عمل برداشتن معده در بیماران مبتلا به سرطان معده با و بدون سوند بینی - معده ای

خلاصه

مقدمه

بعد از جراحی های سیستم گوارشی، معمولاً تغذیه دهانی تا بازگشت عملکرد گوارشی به تاخیر انداخته و در این مدت از دکمپرسیون معده ای استفاده می شود. البته در سالهای اخیر در مورد استفاده از این روش توافق نظر وجود ندارد؛ زیرا به نظر می رسد دکمپرسیون بینی - معده ای می تواند، منجر به تاخیر در برطرف شدن ایلئوس بعد از جراحی و افزایش عوارض پس از جراحی شود. لذا مطالعه حاضر با هدف مقایسه عملکرد گوارشی بعد از عمل برداشتن معده در بیماران مبتلا به سرطان معده با و بدون سوند بینی - معده ای انجام شد.

روش کار

در این کارآزمایی بالینی، ۶۶ بیمار مبتلا به سرطان معده که جراحی شده بودند، به صورت تصادفی به دو گروه ۳۲ نفری مداخله (با سوند) و ۳۴ نفری کنترل (بدون سوند) تقسیم شدند. گروه مداخله تا سه روز بعد از جراحی دکمپرسیون بینی - معده ای داشتند و گروه کنترل دکمپرسیون معده ای نداشتند. سپس عملکرد گوارشی دو گروه، طی هفت روز بعد از جراحی، با استفاده از SPSS v.16 و آزمونهای تی مستقل، کای اسکور، دقیق کای اسکور، دقیق فیشر و تحلیل واریانس با اندازه های تکراری مقایسه شد.

نتایج

زمان بازگشت صدای روده ای، تعداد دفعات و شدت تهوع و استفراغ، اولین دفع گاز، اولین اجابت مزاج و تحمل رژیم غذایی بعد از عمل بیماران در دو گروه تفاوت آماری معنی داری وجود نداشت ($p>0/05$) ولی شدت نفخ بیماران گروه کنترل بصورت آماری معنی داری کوتاه تر از بیماران گروه مداخله بود ($p<0/05$). مدت زمان بستری بیماران گروه مداخله $6/5 \pm 0/7$ روز و گروه کنترل $6/2 \pm 0/5$ روز بعد از جراحی بود که بین دو گروه تفاوت آماری معنی داری نداشت ($p=0/182$).

نتیجه گیری

دکمپرسیون بینی - معده ای ممکن است عملکرد گوارشی طبیعی بعد از عمل را به تاخیر اندازد، زیرا می تواند موجب افزایش بروز تهوع، استفراغ و نفخ شود. بنابراین پیشنهاد می شود، بصورت روتین از دکمپرسیون بینی - معده ای بعد از این جراحی استفاده نشود.

کلمات کلیدی: سوند بینی - معده ای، عملکرد گوارشی، ایلئوس بعد از عمل، گاسترکتومی

^۱ حمید چمنزاری

^۲ مهدی کاری *

^۳ سیدرضا مظلوم

^۴ علی جنگجو

۱- مربی گروه آموزش پرستاری داخلی، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

۲- کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده پرستاری و مامایی مشهد، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

۳- مرکز تحقیقات مراقبت مبتنی بر شواهد، مربی گروه داخلی جراحی، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

۴- دپارتمان جراحی عمومی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

* مشهد - دانشگاه علوم پزشکی مشهد، دانشکده

پرستاری و مامایی، کمیته تحقیقات دانشجویی

Email: rajabpoorm871@gmail.com

وضعیت مشارکت پرستاران در تصمیم‌گیری‌های بالینی بخش‌های مراقبت ویژه مشهد

خلاصه

مقدمه

بخش‌های مراقبت ویژه به دلیل پیچیدگی وضعیت بالینی بیماران و تغییرات سریع وضعیت همودینامیک آن‌ها نیازمند تصمیم‌گیری سریع پرستاران در مدت زمان اندک می‌باشد. لذا، ماهیت اختصاصی این بخش‌ها ایجاب می‌نماید که پرستاران شاغل در آن‌ها تصمیم‌گیرندگان با کفایتی باشند. این مطالعه با هدف بررسی مشارکت پرستاران در تصمیم‌گیری‌های بالینی بخش‌های مراقبت ویژه بیمارستان‌های آموزشی مشهد انجام گردید.

روش کار

این مطالعه‌ی توصیفی با روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای بر روی ۲۳۳ پرستار شاغل در بخش‌های مراقبت ویژه بیمارستان‌های آموزشی دانشگاه علوم پزشکی مشهد در سال ۱۳۹۳ انجام شد. جهت جمع‌آوری اطلاعات از پرسشنامه‌ی مشارکت در تصمیم‌گیری بالینی استفاده گردید. داده‌ها با استفاده از SPSS-16 و آمار توصیفی و استنباطی (تی مستقل، ضریب همبستگی و آنالیز واریانس یک طرفه) تجزیه و تحلیل گردید.

نتایج

نتایج نشان داد که مشارکت پرستاران در هر ۳ مرحله‌ی تصمیم‌گیری بالینی شامل شناخت مشکل (۳۳/۱±۱۰/۷)، ارائه‌ی راه‌حل (۳۴/۱±۱۰/۳) و اجرای راه‌حل (۳۲/۱±۹/۷) در سطح "متوسط" قرار داشت. پرستاران در مرحله‌ی ارائه‌ی راه‌حل‌های جایگزین جهت حل مشکل بیشترین امتیاز و در مرحله‌ی اجرای راه‌حل مناسب کم‌ترین امتیاز را کسب نموده بودند.

نتیجه‌گیری

با توجه به نتایج این پژوهش، مشارکت پرستاران در تمام مراحل تصمیم‌گیری بالینی در سطح متوسط قرار داشت. به نظر می‌رسد که برنامه‌های آموزش پرستاری برای ارتقای مهارت تصمیم‌گیری بالینی مؤثر نبوده است؛ بنابراین، از یافته‌های این تحقیق می‌توان در برنامه‌ریزی آموزش پرستاری و برنامه‌های آموزش مداوم جهت بهبود این مهارت بالینی استفاده نمود.

کلمات کلیدی: تصمیم‌گیری بالینی، پرستاران، بخش مراقبت ویژه

^۱ الهام شهرکی مقدم*

^۲ زهراسادات منظری

۱- دانش آموخته کارشناسی ارشد، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

۲- استادیار، گروه پرستاری داخلی - جراحی، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

* مشهد- دانشگاه علوم پزشکی مشهد، دانشکده پرستاری و مامایی

Email: shahrakie911@mums.ac.ir

بررسی تأثیر برنامه آموزشی - حمایتی بر اضطراب مادران کودکان تحت کشیدن مایع نخاعی

خلاصه

مقدمه

آزمایش کشیدن مایع نخاعی یکی از رایج‌ترین و اضطراب‌آورترین پروسیجرهای تشخیصی بخش اطفال است؛ که اغلب باعث بروز سطح بالایی از اضطراب در والدین بخصوص مادران می‌شود. حمایت اطلاعاتی و عاطفی از مادران در طول زمان انتظار تا انجام آزمایش ممکن است به آنها در کاهش اضطراب و در نتیجه فراهم آوردن حمایت بیشتر از کودک بیمار کمک کند. از این رو این مطالعه با هدف تأثیر برنامه آموزشی - حمایتی بر اضطراب مادران کودکان تحت کشیدن مایع نخاعی طراحی و اجرا گردید.

روش کار

این مطالعه یک کار آزمایشی بالینی است؛ که بر روی ۶۰ نفر از مادران کودکان بستری در بخش اورژانس اطفال بیمارستان‌های قائم، دکتر شیخ و امام رضا شهر مشهد اجرا شد. روش نمونه‌گیری آسان انتخاب شد، که در ابتدای نمونه‌گیری، به منظور جلوگیری از انتقال اطلاعات بین دو گروه، انتخاب گروه اول با قرعه‌کشی ساده انجام شد. گروه مداخله یک برنامه آموزشی - حمایتی (شامل حمایت آموزشی و حمایت عاطفی به مدت ۷۰ دقیقه) را دریافت کردند، در حالی که گروه کنترل، هیچ مداخله‌ای دریافت نکردند. جهت جمع‌آوری اطلاعات از پرسشنامه اطلاعات دموگرافیک و اشیپل برگر استفاده شد. سطح اضطراب قبل و بعد از مداخله (بلافاصله قبل از آزمایش کشیدن مایع نخاعی) در هر دو گروه سنجیده شد. داده‌ها با استفاده از آزمونهای کولموگرووف - اسمیرنوف، کای اسکور، دقیق فیشر، تی مستقل، ضریب همبستگی پیرسون و اسپیرمن تحلیل شدند.

نتایج

نتایج نشان داد؛ در مرحله بعد از مداخله، میانگین و انحراف معیار اضطراب آشکار مادران گروه مداخله $5/1 \pm 44/9$ و گروه کنترل $4/2 \pm 52/7$ بود؛ که بین دو گروه از نظر این متغیر تفاوت آماری معنی‌داری ($p < 0/001$) وجود داشت. همچنین نتیجه آزمون تی زوجی نشان داد، بین میانگین تفاوت نمره قبل و بعد از مداخله، در گروه مداخله تفاوت آماری معنی‌دار ($p < 0/001$) وجود دارد، ولی این تفاوت در گروه کنترل ($p = 0/40$) از نظر آماری معنادار نبود.

نتیجه‌گیری

بر اساس یافته‌ها، برنامه آموزشی - حمایتی سبب کاهش اضطراب مادران کودکان تحت آزمایش کشیدن مایع نخاعی شد. لذا این برنامه می‌تواند به عنوان یک روش موثر جهت حمایت از مادران قبل از انجام آزمایش کشیدن مایع نخاعی برای کودکان استفاده گردد، البته پژوهشهای بیشتر و عمیقتری در این زمینه لازم است.

کلمات کلیدی: آموزش، حمایت، اضطراب، کودک، مادر، کشیدن مایع نخاعی

^۱ اختر نجات محمد*

^۲ موسی مهدی زاده

^۳ طیبیه ریحانی

^۴ حمیدرضا بهنام وشانی

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد پرستاری کودکان، دانشکده پرستاری و مامایی دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

۲- مربی و عضو هیات علمی، مرکز تحقیقات مراقبت مبتنی بر شواهد، گروه داخلی جراحی، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

۳- مربی، گروه پرستاری کودکان، دانشکده پرستاری و مامایی دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

۴- مربی، گروه پرستاری کودکان، دانشکده پرستاری و مامایی دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

* مشهد- دانشگاه علوم پزشکی مشهد، دانشکده پرستاری و مامایی

Email: Nejata1@mums.ac.ir

رابطه بین ازدواج فامیلی و ترجیحات باروری در زوجین در آستانه ازدواج

مراجعه کننده به مراکز بهداشتی دارای کلینیک مشاوره پیش از ازدواج در شهر مشهد

خلاصه

مقدمه

میزان باروری کل در ایران با کاهشی شدید از ۶/۸ در سال ۱۹۶۶ به سطح ۱/۷ در حال حاضر رسیده است. میزان باروری آتی بستگی به ترجیحات باروری زوجینی جوانی دارد که در آینده به باروری مبادرت خواهند نمود. بر این مطالعه حاضر با هدف بررسی رابطه بین ازدواج فامیلی و ترجیحات باروری در زوجین در آستانه ازدواج در شهر مشهد انجام شد.

روش کار

این مطالعه مقطعی-تحلیلی بر روی ۴۵۰ زوج در آستانه ازدواج مراجعه کننده به مرکز بهداشتی دارای کلینیک مشاوره پیش از ازدواج در شهر مشهد انجام شد. روش نمونه-گیری آسان و روش گردآوری داده-ها پرسشنامه ترجیحات باروری میلر (۱۹۹۵) بود.

نتایج

میانگین نمره تمایل به فرزندآوری در زوجین بر اساس مقیاس درجه-بندی عددی از (۱ تا ۱۰) معادل $(5/88 \pm 2/88)$ ، میانگین تعداد دلخواه فرزند $(2/37 \pm 1/11)$ ، و میانگین فاصله دلخواه ازدواج تا تولد فرزند اول $(31/01 \pm 20/64)$ ماه بود. ۱۵٫۳٪ زوجین به صورت فامیلی ازدواج میکردند. رابطه بین ازدواج فامیلی با تعداد دلخواه فرزند معکوس و معنادار بود ($r=-1.11$ $p=0.001$). بطوریکه زوجینی که ازدواج فامیلی داشتند تعداد دلخواه فرزند کمتری تمایل داشتند. ازدواج فامیلی با میل به فرزندآوری و زمان دلخواه فرزندآوری رابطه معناداری نداشت.

نتیجه گیری

نوع ازدواج صورت گرفته، ترجیحات باروری زوجین را تغییر می دهد. یافته های این مطالعه را می توان در تدوین سیاست ها و مداخلاتی که با هدف اصلاح ترجیحات باروری و بهبود شاخص-های جمعیت و باروری در کشور طراحی می شوند و همچنین در ارائه خدمات و مشاوره بهداشت باروری به زوجین بکار گرفت.

کلمات کلیدی: ترجیحات باروری، زوجین، ترجیح باروری

^۱ طلعت خدیوزاده

^۲ الهام ارغوانی*

۱- دکترای بهداشت باروری، استادیار دانشگاه

علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

۲- کارشناسی ارشد مامایی؛ دانشکده پرستاری و

مامایی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

* مشهد- دانشگاه علوم پزشکی مشهد، دانشکده

پرستاری و مامایی

Email: arghavanie901@mums.ac.ir

بررسی میزان شیوع دیابت در زنان و مردان مراجعه کننده به مراکز بهداشتی تحت پوشش دانشگاه شهید بهشتی تهران در سال ۱۳۹۳

خلاصه

مقدمه

دیابت از عمده ترین مشکلات همه کشورهاست و داشتن اطلاعات همه گیر شناسی در رابطه با وضعیت این بیماری، نیاز اولیه برای حل مشکلات مربوط به آن است. لذا این مطالعه به منظور تعیین میزان شیوع دیابت در مراکز بهداشتی تحت پوشش دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی صورت گرفت.

روش کار

در این مطالعه توصیفی-تحلیلی ۹۱۶ نفر از افراد مراجعه کننده به مراکز بهداشتی بطور تصادفی انتخاب شدند. گرد آوری داده ها از طریق پرسش نامه و معاینه بالینی انجام شد. چک لیست شامل ۱۹ سوال شامل اطلاعات دموگرافیک و معاینات بالینی می باشد. جهت تعیین روایی ابزار از روایی محتوا استفاده شد. برای تجزیه تحلیل داده ها از نرم افزار SPSS 11.5 با آزمون تی-مستقل و آنالیز واریانس یک طرفه استفاده شد.

نتایج

میزان شیوع دیابت در مراکز بهداشتی بررسی شده ۸/۵ درصد است. شیوع دیابت در زنان بالای ۳۰ سال از مردان بیشتر است ($p=0/03$). بیشترین سن شیوع دیابت در سن ۵۱ تا ۵۵ سال بود. به علاوه شیوع دیابت در زنان خانه دار بیشتر است. ارتباط معنی داری بین سطح سواد و شیوع دیابت وجود نداشت ($p=0/38$). شیوع دیابت در افرادی با چاقی درجه دو ($BMI 25-30$) نسبت به گروه دیگر بیشتر است. ارتباط معنی داری بین فشارخون بالا و شیوع دیابت وجود داشت ($p=0/001$).

نتیجه گیری

دیابت قندی در جمعیت شهری یک مشکل همه گیر بهداشتی است. این مطالعه با پژوهش لاریجانی (۱۳۸۸) مطابقت دارد. باتوجه به شیوع دیابت برنامه های مداخله ای و پیشگیری های منظم مخصوصا در مراکز بهداشتی یک راهکار مناسب جهت پیشگیری از عوارض این بیماری است.

کلمات کلیدی: شیوع، دیابت، مراکز بهداشتی، BMI

^۱ علی بزی

^۲ سیمین شرفی*

^۳ منیژه کلانتری میبدی

۱- عضو هیئت علمی دانشکده پرستاری و مامایی،

دانشگاه علوم پزشکی تربت جام، ایران

۲- دانشجوی کارشناسی ارشد آموزش پرستاری،

دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی

مشهد، ایران

۳- عضو هیئت علمی دانشکده پرستاری و مامایی،

دانشگاه علوم پزشکی تربت جام، ایران

* مشهد- دانشگاه علوم پزشکی مشهد، دانشکده

پرستاری و مامایی

Email: siminsharafi68@gmail.com

مقایسه تأثیر دمیاریانگیزی با دمیاری معمولی بر استفاده صحیح از اسپری استنشاقی در کودکان ۱۰-۵ ساله مبتلا به آسم

خلاصه

مقدمه

اسپری استنشاقی مدرج شده براساس مقدار ۱ (MDI) رایج ترین دستگاهی است که به دلیل قابل حمل، ارزان و استفاده سریع از آن روزانه جهت مدیریت آسم مورد استفاده قرار می گیرد در کودکان برای بهبود استنشاق و افزایش اثر دارو، معمولاً از دمیاری (آسم یار) استفاده می شود این وسیله زمانی قوی ترین تأثیر را دارد که بیماران مهارت استفاده از آن را داشته باشند در حالی که فن نادرست در زدن اسپری، می تواند تحویل دارو به ریه ها را کاهش داده و درجه اثر دارو را کم نماید از آنجا که در مطالعه حاضر با کودکانی مواجه هستیم که نیازمند به دریافت دارو با دمیاری می باشند بنابراین استفاده از دمیاری انگیزی در دریافت داروهای استنشاقی سعی شده است میزان فن استفاده از داروهای استنشاقی را در کودکان افزایش داده و به تبع آن، به یکی از دو جزء بزرگ مدیریت آسم یعنی دریافت درست داروی استنشاقی دست پیدا کنیم. هدف این مطالعه مقایسه تأثیر دمیاری معمولی با دمیاری انگیزی بر استفاده صحیح از اسپری استنشاقی در کودکان ۱۰-۵ ساله مبتلا به آسم بود.

روش کار

در این کارآزمایی بالینی، ۳۸ کودک با درجه آسم پایدار متوسط که برای اولین بار مبتلا به آسم شدند مبتنی با معیارهای ورود با روش نمونه گیری غیراحتمالی آسان انتخاب شدند. سپس واحدهای پژوهش با تخصیص تصادفی در دو گروه کنترل (A) و گروه مداخله (B) تقسیم شدند. طی فرآیند پژوهش ۳ نوبت (پیش آزمون، پس آزمون اولیه، پس آزمون ثانویه) نحوه صحیح استفاده از اسپری استنشاقی استروئیدی توسط چک لیست با فاصله یک ماه ارزیابی شد. و در انتها داده های مربوط به ۳۶ نمونه توسط نرم افزار Spss ویرایش ۱۶ تجزیه و تحلیل شد.

نتایج

آزمون آماری من ویتنی نشان داد، قبل از اجرای مداخله میانگین نمره استفاده صحیح از اسپری استنشاقی در دو گروه دمیاری معمولی و انگیزی تفاوت آماری معنی داری داشته ($P=0/004$) و بلافاصله بعد از مداخله، تفاوت میانگین ها بین دو گروه از لحاظ آماری معنی دار نبود ($P=0/628$). یک ماه بعد از مداخله میانگین نمره استفاده صحیح از اسپری استنشاقی در دو گروه تفاوت آماری معنی داری داشته است ($P=0/003$).

نتیجه گیری

دمیاری انگیزی نسبت به دمیاری معمولی میزان استفاده صحیح از اسپری استنشاقی را در کودکان ۱۰-۵ ساله مبتلا به آسم افزایش داد.

کلمات کلیدی: آسم، اسپری استنشاقی، دمیاری، دمیاری انگیزی

- ۱ صدیقه مانده کهنکی*
- ۲ حمید آهنچیان
- ۳ حمید چمنزاری
- ۴ سیدرضا مظلوم
- ۵ معصومه مانده کهنکی

- ۱- دانش آموخته کارشناسی ارشد آموزشی پرستاری گرایش کودکان، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران
- ۲- دانشیار گروه اسم و الرژی اطفال، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران
- ۳- مربی گروه آموزش پرستاری داخلی، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران
- ۴- مرکز تحقیقات مراقبت مبتنی بر شواهد، مربی گروه داخلی جراحی، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران
- ۵- دانش آموخته کارشناسی ارشد آموزش پرستاری گرایش کودکان، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی تبریز، تبریز، ایران

* مشهد- دانشگاه علوم پزشکی مشهد، دانشکده پرستاری و مامایی

Email: kohnakys911@mums.ac.ir

تجویز پرستاری: عاملی جهت استقلال حرفه ای

خلاصه

مقدمه

طی دو دهه اخیر بر آمار کشورهایی که در آنها به پرستاران اجازه تجویز و نسخه نویسی داده شده روز بروز در حال افزایش است. هدف از این مطالعه واکاوی وضعیت تجویز پرستاری در دنیا میباشد تا از این طریق ابعاد مختلف تجویز پرستاری مشخص گردیده و از نتایج آن در تدوین مسیر تجویز پرستاری در ایران استفاده شود.

روش کار

از طریق مرور سیستماتیک بعد از ورود کلید واژه های Nurse Prescribing, legislation, education, barriers, facilitators در پایگاه های داده ای معتبر همچون Google Scholar, ProQuest, Pubmed و Sciencedirect و اعمال فیلترینگ مختلف و حذف مقالات تکراری نهایتاً ۷۵ مقاله انگلیسی و ۲ مقاله فارسی مورد بررسی قرار گرفت.

نتایج

در کشورهایی مانند استرالیا، آفریقای جنوبی، ایرلند، فنلاند، کانادا، نروژ، نیوزیلند، سوئد، هلند، بریتانیا، اسپانیا و آمریکا پرستاران بصورت قانونی حق نسخه نویسی و تجویز دارند. بر اساس نتایج مطالعات مختلف، تجویز پرستاری دارای فواید زیر است: افزایش دسترسی به موقع سریع و راحت بیمار به دارو درمان و مراقبت (به خصوص در بیمارهای مزمن)، کاهش زمان انتظار بیمار، بهبود برون ده مراقبتی و خدمات طبی، وجود ارتباط مداوم و زیاد بین تجویزگر و بیمار، استفاده بهینه از زمان پرستاران بیماران و پزشکان، خارج شدن پرستار از انجام کارهای تکراری و روتین، بهتر شدن کنترل علائم بیماری، کاهش تعداد پذیرش بیمارستانی و کاهش مدت اقامت بیمار در بیمارستان و نهایتاً کاهش هزینه های سلامت کشور.

نتیجه گیری

با توجه به پدیده جهانی شدن و فواید تجویز پرستاری و همچنین با عنایت بر اینکه با واگذاری این مسئولیت و اختیار به پرستاران آموزش دیده و متخصص میتوان بر احساس مفید بودن، استقلال و هویت حرفه ای این قشر تحصیلکرده افزود و پرستاری را بعنوان یک Discipline به جامعه معرفی کرد، بنابراین طراحی و تدوین ساختار بومی تجویز برای پرستاران ایرانی جهت ارتقای سلامت مددجویان و تکمیل نقشهای پرستاری ضروری بنظر می رسد.

کلمات کلیدی: تجویز، پرستاری، استقلال حرفه ای

حمیدرضا حریریان*

دانشجوی دکتری تخصصی پرستاری، دانشکده پرستاری و مامایی تبریز، ایران

* تبریز- دانشگاه علوم پزشکی تبریز، دانشکده پرستاری و مامایی

Email: houman.haririan@gmail.com

بررسی مقایسه‌ای آموزش مهارت‌های ارتباطی به دو روش کارگاهی و مجازی بر بهبود مهارت‌های ارتباطی دانشجویان مبتلا به فوبی اجتماعی

خلاصه

مقدمه

افراد مبتلا به فوبی اجتماعی نسبت به افراد عادی مهارت‌های ارتباطی ضعیف‌تری دارند؛ و برای درمان کامل باید به این افراد مهارت‌های ارتباطی آموزش داده شود. در افراد مبتلا به فوبی اجتماعی سابقه طولانی اجتناب اجتماعی ممکن است، استفاده شخص از فرصت‌های خود برای یادگیری مهارت‌های ارتباطی مناسب را محدود کند در نتیجه آموزش مهارت‌های ارتباطی به این افراد می‌تواند مفید باشد. هدف از این پژوهش مقایسه تأثیر آموزش مهارت‌های ارتباطی به روش کارگاهی و مجازی بر بهبود مهارت‌های ارتباطی دانشجویان مبتلا به فوبی اجتماعی در دانشکده پرستاری و مامایی مشهد می‌باشد.

روش کار

این مطالعه از نوع نیمه تجربی (پیش آزمون-پس آزمون) بوده که در آن تعداد ۳۰ نفر از دانشجویان مبتلا به فوبی اجتماعی در دانشکده پرستاری و مامایی مشهد، به طور تصادفی در دو گروه آموزش کارگاهی (تعداد ۱۵ نفر) و مجازی (تعداد ۱۵ نفر) قرار گرفتند. پرسشنامه فوبی اجتماعی (spin) و مهارت‌های ارتباطی کوئین دام قبل از مداخله، بلافاصله و یک ماه بعد از مداخله تکمیل شد. پس از جمع‌آوری داده‌ها، تجزیه و تحلیل آن با استفاده از نرم افزار spss ۱۶ و آزمون‌های آماری مربوطه، انجام و نتایج گزارش شد.

نتایج

میانگین نمرات مهارت‌های ارتباطی در مرحله بعد از مداخله در هر دو روش کارگاهی و مجازی افزایش یافته بود. نتیجه آزمون تحلیل واریانس با اندازه‌های تکراری نشان داد که در گروه کارگاهی از لحاظ درون‌گروهی، میزان افزایشی که در سه مرحله (قبل، بعد و پیگیری) مشاهده شد، از لحاظ آماری معنی‌دار بود ($p < 0/001$). این افزایش در گروه مجازی نیز معنی‌دار بوده است ($p < 0/001$)؛ ولی از لحاظ مقایسه‌های بین‌گروهی حاکی از این است که فرآیند تغییرات در دو گروه تفاوت معنی‌داری نداشته است ($p = 0/83$).

نتیجه‌گیری

آموزش مهارت‌های ارتباطی با هر دو نوع روش آموزشی کارگاهی و مجازی منجر به افزایش معنی‌دار مهارت‌های ارتباطی در دانشجویان مبتلا به فوبی اجتماعی شد و با توجه به عدم تفاوت معنی‌دار بین دو روش و نیز به دلیل هزینه پایین‌تر و امکان‌پذیرتر بودن روش آموزشی مجازی، آموزش مهارت‌های ارتباطی به این شیوه پیشنهاد می‌شود.

کلمات کلیدی: فوبی، فوبی اجتماعی، مهارت‌های ارتباطی، آموزش کارگاهی، آموزش مجازی

^۱ سعید واقعی

^۲ هادی یزدانی*

^۳ مهری یآوری

^۴ حمید رضا بهنام‌وشانی

^۵ مهری موحد

۱- عضو هیات علمی دانشکده پرستاری و مامایی

مشهد

۲- دانشجوی کارشناسی ارشد آموزش پرستاری

گرایش روانپرستاری دانشکده پرستاری و مامایی

مشهد

۳، ۴- عضو هیات علمی دانشکده پرستاری و مامایی

مشهد

۵- کارشناسی ارشد مدیریت فناوری اطلاعات

* مشهد- دانشگاه علوم پزشکی مشهد، دانشکده

پرستاری و مامایی

Email: hys_68_by@yahoo.com

مقایسه تاثیر دو روش آموزشی جیگساو و بازخوردی بر میزان یادگیری مفاهیم پایه درس اصول و فنون دانشجویان پرستاری و هوشبری دانشکده پرستاری و مامایی مشهد

خلاصه

مقدمه

انتخاب یک روش مناسب آموزش برای یادگیری، حایز اهمیت است. مطالعات متفاوتی عدم توانایی روش سنتی را نسبت به روش های یادگیری فعال در ایجاد یادگیری موثر یادگیری نشان داده اند و در دهه های اخیر لزوم استفاده از روش های فعال یادگیری و کاربرد این روش ها در آموزش علوم پزشکی گسترش یافته است. انتخاب روش آموزشی فعال که با یادگیری بیشتری همراه باشد از اهمیت بالایی برخوردار است. هدف از این پژوهش مقایسه تاثیر دو روش جیگساو و بازخوردی بر میزان یادگیری مفاهیم پایه اصول و فنون بود.

روش کار

در یک مطالعه تجربی دو گروه قبل و بعد، ۶۵ نفر دانشجویان ترم اول کارشناسی پرستاری و هوشبری به طور تصادفی به دو گروه "تدریس به روش بازخوردی" و "تدریس به روش جیگساو" تقسیم شدند. و در شش جلسه برگزار گردید. در گروه بازخوردی، میحث مورد نظر توسط مدرس به صورت سخنرانی ۹۰ دقیقه ای ارائه شد و دانشجویان موظف به ارائه خلاصه ای از محتوای ارائه شده (به صورت نوشتاری و فایل عکس) طی ۲۴ ساعت و از طریق ایمیل به استاد بودند، سپس بازخورد را از مدرس دریافت می کردند. در روش جیگساو، دانشجویان به روش مبتنی بر کار در گروه های کوچک در سه مرحله به بحث و تعامل در رابطه با مبحث می پرداختند (گروه های خانگی، گروه های مهارتی، گروه های خانگی). فرم اطلاعاتی، پیش آزمون، پس آزمون و فرم های نظرسنجی یکسان به ترتیب جهت بررسی مشخصات دموگرافیک، میزان یادگیری کوتاه مدت (بلافاصله پس از تدریس) و بلند مدت (۱ ماه بعد) استفاده شدند. داده ها با استفاده از آزمون های کای دو، تی مستقل، زوجی و من ویتنی و با استفاده از نرم افزار spss 16 تجزیه و تحلیل شدند.

نتایج

بین دو گروه از نظر ویژگی های فردی و نمره یادگیری قبل از مداخله تفاوت معناداری وجود نداشت. نمره یادگیری در گروه بازخوردی به شکل معناداری بیشتر از گروه جیگساو بود. همچنین نمره ماندگاری یادگیری که از طریق آزمون ۱ ماه بعد از آخرین جلسه سنجیده شد در گروه بازخوردی به شکل معناداری از گروه جیگساو بیشتر بود ($p=0/001$).

نتیجه گیری

تاثیر بیشتر روش بازخوردی بر میزان یادگیری کوتاه مدت و بلند مدت دانشجویان در دروس مفاهیم پایه اصول و فنون پرستاری، نشانه کارآمد بودن این روش و توصیه به استفاده از این روش تدریس در سایر دروس می باشد.

کلمات کلیدی: روش تدریس مشارکتی، جیگساو، بازخورد، خلاصه نویسی، یادگیری، اصول و فنون

۱- مریم باقری

۲- شیوا عزیز *

۳- سید رضا مظلوم

۴- حسین کریمی مونی

۵- حبی محمد نوروزی

۱،۳،۵- مربی - عضو هیئت علمی گروه پرستاری

داخلی جراحی؛ عضو مرکز تحقیقات مراقبت مبتنی

بر شواهد دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم

پزشکی مشهد، مشهد، ایران

۲- دانشجوی کارشناسی ارشد پرستاری داخلی

جراحی، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم

پزشکی مشهد، مشهد، ایران

۴- دانشیار: الف - مرکز تحقیقات مراقبت مبتنی بر

شواهد ب- گروه داخلی و جراحی، دانشکده

پرستاری و مامایی ج- گروه آموزش پزشکی

دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد،

مشهد، ایران

* مشهد- دانشگاه علوم پزشکی مشهد، دانشکده

پرستاری و مامایی

Email: shivaazizi1367@yahoo.com

بررسی تاثیر مداخله آموزشی مبتنی بر راهنمای تغذیه ای اوتاوا بر کیفیت زندگی مرتبط با سلامت در زنان با تهوع و استفراغ بارداری

خلاصه

مقدمه

تهوع و استفراغ بارداری یکی از شایعترین مشکلات توأم با حاملگی می باشد. تهوع و استفراغ تأثیر نامطلوب و مضر بر کیفیت زندگی و فعالیتهای روزانه خانم باردار گذارده و موجب اختلالات خواب، خستگی، اضطراب، سوء تغذیه، تحریک پذیری، کاهش فعالیت اجتماعی و اختلال در عملکردهای اجتماعی و روابط زناشویی و رابطه با فرزندان می شود مطالعه حاضر با هدف تعیین تاثیر مداخله آموزشی مبتنی بر راهنمای تغذیه ای اوتاوا بر کیفیت زندگی مرتبط با سلامت در زنان با تهوع و استفراغ بارداری انجام شد.

روش کار

این مطالعه کار آزمایی بالینی یک سوکور در سال ۱۳۹۴ بر روی ۶۰ زن باردار واجد شرایط مراجعه کننده به مراکز بهداشتی درمانی دانش آموز و احمدی شهر مشهد انجام شد. در گروه مداخله طی دو جلسه ۶۰ دقیقه ای آموزش راهنمای تغذیه ای اوتاوا ارائه شد. در گروه کنترل مراقبتهای معمول شد. ابزار گردآوری داده ها در این مطالعه شامل فرم انتخاب واحد پژوهش، فرم اطلاعات فردی و مامایی، شاخص تهوع و استفراغ رودز، چک لیست انجام توصیه های راهنمای تغذیه ای اوتاوا و پرسشنامه کیفیت زندگی مرتبط با سلامت در زنان با تهوع و استفراغ بارداری بود. تجزیه و تحلیل داده ها با استفاده از نرم افزار آماری SPSS (نسخه ۱۶) و آزمون های کای اسکوئر، فشر، من ویتنی، تی مستقل و تی زوجی انجام شد. سطح معنی داری $p < 0.05$ در نظر گرفته شد.

نتایج

میانگین نمره کلی کیفیت زندگی مرتبط با سلامت در گروه مداخله و کنترل بعد از مطالعه اختلاف آماری معنی داری داشت ($p < 0.001$). این میانگین در گروه مداخله قبل و بعد از مطالعه اختلاف آماری معنی داری داشت ($p < 0.001$).

نتیجه گیری

آموزش راهنمای تغذیه ای اوتاوا، کیفیت زندگی مرتبط با سلامت در زنان با تهوع و استفراغ بارداری را ارتقاء می دهد و به عنوان روشی مؤثر پیشنهاد می شود.

کلمات کلیدی: راهنمای تغذیه ای اوتاوا، کیفیت زندگی مرتبط با سلامت، بارداری

کد ثبت IRCT: 2015011920716N1

^۱ ناهید گلمکانی

^۲ محبوبه سلطانی*

^۳ مجید غیور مبرهن

^۴ سید رضا مظلوم

۱- استادیار گروه مامایی، دانشکده پرستاری و

مامایی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

۲- دانش آموخته کارشناسی ارشد مامایی، دانشکده

پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد،

مشهد، ایران

۳- دانشیار گروه تغذیه، دانشکده پزشکی، دانشگاه

علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

۴- دانشجوی دکترای پرستاری، دانشکده پرستاری

و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

* مشهد- دانشگاه علوم پزشکی مشهد، دانشکده

پرستاری و مامایی

Email: soltanim912@mums.ac.ir

مقایسه تأثیر دیمار معمولی با دیمارانگیزی بر کنترل علائم در کودکان ۱۰-۵ ساله مبتلا به آسم

خلاصه

مقدمه

دریافت داروهای استنشاقی اولین خط درمان و سنگ بنای درمان آسم پایدار و یک نوآوری بزرگ در مدیریت درمان آسم، در کودکان و بزرگسالان می باشد. تحویل مناسب این داروها با دیمار، کلید کنترل آسم است. استفاده از دیمار تأثیر دریافت داروی استنشاقی را ۴ برابر افزایش می دهد لذا در مطالعه حاضر به بررسی تأثیر دو نوع دیمار بر کنترل علائم در کودکان پرداخته شده است.

روش کار

در این کارآزمایی بالینی، ۳۸ کودک با درجه آسم پایدار متوسط که برای اولین بار مبتلا به آسم شدند مبتنی با معیارهای ورود با روش نمونه گیری غیراحتمالی آسان انتخاب شدند. سپس واحدهای پژوهش با تخصیص تصادفی در دو گروه کنترل (A) و گروه مداخله (B) تقسیم شدند. طی فرآیند پژوهش ۲ نوبت (پیش آزمون، پس آزمون ثانویه) پرسشنامه کنترل علائم کودکان (c-ACT) با فاصله یک ماه ارزیابی شد. و در انتها داده های مربوط به ۳۶ نمونه توسط نرم افزار Spss ویرایش ۱۶ تجزیه و تحلیل شد.

نتایج

آزمون آماری تی مستقل نشان داد قبل از اجرای مداخله میانگین نمره تست کنترل آسم کودکان در دو گروه تفاوت آماری معنی داری نداشته ($P=0/715$) بعد از مداخله، نتایج آزمون من ویتنی نشان داد که نمره تست کنترل آسم کودکان در دو گروه تفاوت آماری معنی داری نداشته است ($P=0/265$). میانگین تغییر نمره تست کنترل آسم کودکان قبل و بعد در گروه دیمار انگیزی ($7/3 \pm 2/0$) بیش از گروه دیمار معمولی ($6/7 \pm 2/2$) محاسبه شده است اما نتایج آزمون تی مستقل حاکی از این مسئله است که این تفاوت در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنی دار نمی باشد ($p=0/179$).

نتیجه گیری

در مدت زمان یک ماه دیمار انگیزی نسبت به دیمار معمولی بر کنترل علائم در کودکان ۱۰-۵ ساله مبتلا به آسم افزایش داد.

کلمات کلیدی: آسم. اسپری استنشاقی. دیمار. کنترل علائم

- ۱ صدیقه مانده کهنکی*
- ۲ حمید چمنزاری
- ۳ حمید آهنگیان
- ۴ سیدرضا مظلوم
- ۵ معصومه مانده کهنکی

- ۱- دانش آموخته کارشناسی ارشد آموزشی
پرستاری گرایش کودکان، دانشکده پرستاری و
مامایی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران
- ۲- مربی گروه آموزش پرستاری داخلی، دانشکده
پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد،
مشهد، ایران
- ۳- دانشیار گروه اسم و الرژی اطفال، دانشکده
پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران
- ۴- مرکز تحقیقات مراقبت مبتنی بر شواهد، مربی
گروه داخلی جراحی، دانشکده پرستاری و مامایی،
دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران
- ۵- دانش آموخته کارشناسی ارشد آموزش پرستاری
گرایش کودکان، دانشکده پرستاری و مامایی،
دانشگاه علوم پزشکی تبریز، تبریز، ایران

* مشهد- دانشگاه علوم پزشکی مشهد، دانشکده
پرستاری و مامایی

Email: kohnakys911@mums.ac.ir

بررسی شیوع تروما در سالمندان پذیرش شده مراکز فوریت های پزشکی اورژانس پیش بیمارستانی

خلاصه

مقدمه

تروما قسمت های مختلف بدن یکی از علل مراجعه سالمندان به مراکز فوریت های پزشکی است. عوامل زیادی در بروز آن نقش دارد. هدف مطالعه حاضر بررسی شیوع تروما در سالمندان پذیرش شده در مراکز فوریت های پزشکی اورژانس بود.

روش کار

مطالعه توصیفی حاضر به صورت مقطعی در سال ۱۳۹۱ انجام شد. نمونه پژوهش ۱۱۵ سالمند بالای ۶۰ سال بود که به علت های مختلف ناشی از تروما در مرکز فوریت های پزشکی اورژانس ۱۱۵ شهرستان کردکوی پذیرش شده بودند. روش نمونه گیری به صورت در دسترس انجام شد. ابزار مطالعه شامل پرسشنامه دموگرافیک و مقیاس ارزیابی تروما با روایی و پایایی مورد تایید ($\alpha=0/83$) بود. داده ها با استفاده از نرم افزار SPSS نسخه ۱۶، آمار توصیفی و آزمون های کولموگروف اسمیرنوف، من ویتنی یو، کروسکال والیس، ضریب همبستگی اسپیرمن، فریدمن و رگرسیون رتبه ای در سطح معنی داری $p<0/05$ تجزیه و تحلیل شد.

نتایج

تعداد ۶۳ نفر (۵۴/۸ درصد) از کل شرکت کنندگان مرد بودند. ایجاد تروما در ۶۹ نفر (۶ درصد) از سالمندان در منزل بود. شایع ترین تروما در هردو جنس سقوط در سطح همتراز (۳۷/۳ درصد) بود. اشکال تروما شامل چهار طبقه بیماران تصادفی به تعداد ۲۰ نفر (۱۷/۴ درصد)، ترومای ناشی از خشونت و سوء رفتار ۵ سالمند (۴/۳ درصد)، ترومای ناشی از سقوط ۳۶ نفر (۳۱/۳ درصد) و تروماها با علت های متفاوت ۵۴ سالمند (۴۷ درصد) بود. شایع ترین شکایت در ۸۷ سالمند (۷۵/۷ درصد) کانتیوژن و کبودی بود. بیشترین محل ایجاد آسیب به ترتیب در لگن (۴۳/۲ درصد) و سر و صورت (۳۱/۱ درصد) بود. آزمون ضریب همبستگی اسپیرمن ارتباط معناداری بین تروما با سن ($r=0/654, p=0/001$) و تعداد داروهای مصرفی ($r=0/374, p=0/003$) سالمندان نشان داد. اختلاف معناداری بر اساس آزمون من ویتنی یو بین تروما در استفاده از وسایل کمکی ($p=0/02$) وجود داشت. نتایج رگرسیون رتبه ای نشان داد بیشترین پیش بینی کننده موثر در ایجاد تروما مربوط به مصرف دارو و افزایش تعداد آن ($OR=6/546, p=0/012$) بود.

نتیجه گیری

به منظور پیشگیری از تروما تعدیل دارو های مصرفی و آموزش مناسب سالمندان در مراقبت از خود از ضروریاتی است که نیازمند توجه وافر است.

کلمات کلیدی: سالمند، اورژانس، پیش بیمارستانی، تروما

^۱ علی صدرالاهی*

^۲ مریم احمدی خطیر

۱- کارشناسی ارشد پرستاری سالمندی، مرکز مدیریت حوادث و فوریت های پزشکی اورژانس گلستان، معاونت درمان دانشگاه علوم پزشکی گلستان، گرگان، ایران

۲- کارشناسی ارشد پرستاری سالمندی، مرکز مدیریت حوادث و فوریت های پزشکی اورژانس مازندران، معاونت درمان دانشگاه علوم پزشکی مازندران، ساری، ایران

* گرگان- دانشگاه علوم پزشکی گلستان، مرکز مدیریت حوادث و فوریت های پزشکی اورژانس گلستان
Email: ali.sadrollahi@yahoo.com

بررسی جایگاه نقش‌های حرفه‌ای پرستاری در پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد

خلاصه

مقدمه

پایان‌نامه‌های پرستاری یکی از مهم‌ترین منابع تولید دانش و شواهد برای عمل پرستاری هستند. توجه به نقش‌های پنج‌گانه‌ی پرستاری جهت توسعه‌ی حرفه‌ای این رشته ضروری است. هدف از مطالعه حاضر بررسی میزان توجه به این نقش‌ها در عناوین پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد پرستاری و چگونگی روند تغییرات آن در طول سال‌های ۱۳۹۳-۱۳۸۱ می‌باشد.

روش کار

در این مطالعه توصیفی-مقطعی، پایان‌نامه‌های مقطع کارشناسی ارشد رشته پرستاری دانشکده پرستاری و مامایی مشهد در سال‌های ۱۳۸۱ لغایت ۱۳۹۳ مورد بررسی قرار گرفت. عناوین پایان‌نامه‌ها بر اساس نقش‌های پنج‌گانه پرستاری شامل؛ مراقبتی (ارائه‌دهنده مراقبت)، آموزشی (آموزش‌دهنده)، ارتباطی (برقرارکننده ارتباط)، حمایتی (حمایتگر)، مدیریتی (مدیر) دسته‌بندی شدند. سپس داده‌های حاصل توسط نرم افزار SPSS نسخه ۱۶ مورد آنالیز قرار گرفت.

نتایج

۱۶۰ پایان‌نامه در فاصله زمانی مذکور نگارش شده بود. از میان عناوین مورد بررسی ۶۰ مورد به نقش مراقبتی، ۳۰ مورد به نقش آموزشی، ۳ مورد به نقش ارتباطی، ۱۰ مورد به نقش حمایتی و ۹ مورد به نقش مدیریتی مرتبط بوده‌اند. ۴۸ عنوان پایان‌نامه نیز بر موضوعاتی غیر از نقش‌های پنج‌گانه پرستاری تمرکز داشتند.

نتیجه‌گیری

یافته‌های این مطالعه نشان می‌دهد پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد پرستاری در بازه زمانی مورد بررسی بیشتر به نقش مراقبتی متمرکز بوده‌اند. در اوایل دوره زمانی مذکور، نقش مدیریتی و ارتباطی بسیار کم مورد توجه قرار گرفته است اما به تدریج، توجه به این نقش‌ها افزایش یافته است؛ اگرچه با در نظر گرفتن اهمیت این نقش‌ها، تعداد عناوین مرتبط با آنها قابل توجه نبوده است. از سوی دیگر تعداد عناوین متفرقه که تمرکزی بر نقش‌های پرستاری نداشته‌اند نیز به تدریج افزایش یافته است. لذا با توجه به اهمیت پرداختن به نقش‌های پنج‌گانه پرستاری جهت کمک به توسعه حرفه‌ای این رشته، لازم است عناوین پایان‌نامه‌ها در سال‌های آینده بیشتر به سوی این نقش‌ها هدایت گردد.

کلمات کلیدی: نقش‌های حرفه‌ای پرستاری، پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد پرستاری

^۱ دلارام کمالی

^۲ محمد نانی

^۳ بهروز مشتاقی هنروران

^۴ ملیحه صادق نژاد*

۱- دانشجوی کارشناسی پرستاری، کمیته تحقیقات

دانشجوی دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه

علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

۲- دانشجوی کارشناسی پرستاری، کمیته تحقیقات

دانشجوی دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه

علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

۳- دانشجوی کارشناسی پرستاری، کمیته تحقیقات

دانشجوی دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه

علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

۴- دانشجوی دکتری تخصصی پرستاری،

کارشناسی ارشد پرستاری داخلی جراحی، دانشگاه

علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

* مشهد- دانشگاه علوم پزشکی مشهد، دانشکده

پرستاری و مامایی

Email: sadeghnezhadm1@mums.ac.ir

بررسی ارتباط بین جواخلاقی با رفتارهای اخلاقی در پرستاران شاغل در بیمارستان زاهدان

خلاصه

مقدمه

پرستاری حرفه ای است که همواره با مسائل اخلاقی شایعی روبرو می باشد و توجه به رفتار اخلاقی می تواند تاثیر چشمگیری بر روی فعالیتهای و نتایج سازمان داشته باشد. جواخلاقی نیز از عواملی می باشد که بر روی رفتار اخلاقی و تصمیم گیری کارکنان تاثیر گذار می باشد. این مطالعه با هدف بررسی ارتباط بین جواخلاقی با رفتار اخلاقی پرستاران انجام شد.

روش کار

مطالعه حاضر از نوع توصیفی-تحلیلی می باشد. نمونه پژوهش شامل ۲۵۱ پرستار در بیمارستان علی ابن ابیطالب و خاتم الانبیا زاهدان در سال ۱۳۹۴ بود و جهت جمع آوری اطلاعات از یک پرسش نامه سه بخشی که بخش اول آن مربوط به مشخصات دموگرافیک، بخش دوم آن شامل پرسش نامه استاندارد جو اخلاقی اولسون و بخش سوم، پرسش رفتار اخلاقی لوزیر بود. داده ها با استفاده از نرم افزار SPSS 19 و روشهای آمار توصیفی، آزمون تی مستقل و آنالیز واریانس مورد تجزیه تحلیل قرار گرفته است.

نتایج

نتایج این مطالعه نشان داد که جواخلاقی حاکم بر بیمارستان از دیدگاه پرستاران مطلوب بوده است (نمره میانگین ۹۴٫۷۸). تفاوت معنی داری بین میانگین نمرات جو اخلاقی و رفتار اخلاقی وجود نداشت ($P > 0.05$). مشخصات دموگرافیک پرستاران ارتباط معناداری با جواخلاقی نداشت ($P > 0.05$). برای بررسی ارتباط بین ویژگی فردی با جواخلاقی و رفتارهای اخلاقی، به نظر میرسد باید عوامل دیگری مانند عوامل فردی، آموزش، قوانین سازمانی و حتی ماهیت و نوع کار را کنترل کرد. البته اطمینان خاطر دادن به افراد جهت اینکه به هیچ عنوان نحوه پاسخگویی آنها به گویه ها به دیگران اطلاع داده نخواهد شد نیز موثر می باشد.

نتیجه گیری

نتایج مطالعه حاضر نشان داد که ارتباط معناداری بین جواخلاقی و رفتار اخلاقی وجود ندارد. برای بررسی ارتباط بین ویژگی فردی با جواخلاقی و رفتارهای اخلاقی، به نظر میرسد باید عوامل دیگری مانند عوامل فردی، آموزش، قوانین سازمانی و حتی ماهیت و نوع کار را کنترل کرد. البته اطمینان خاطر دادن به افراد جهت اینکه به هیچ عنوان نحوه پاسخگویی آنها به گویه ها به دیگران اطلاع داده نخواهد شد نیز موثر می باشد.

کلمات کلیدی: جو اخلاقی، زاهدان، رفتار اخلاقی

^۱ مژگان جهانتیغ

^۲ مهناز شهرکی پور

^۳ صادق زارع

^۴ غلامرضا قریشی نیا*

۱- کارشناسی ارشد پرستاری، عضو هیئت علمی، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی زاهدان، زاهدان، ایران

۲- دکترای آمار زیستی، گروه اپیدمیولوژی و آمار زیستی، مرکز تحقیقات سلامت بارداری، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی زاهدان، زاهدان، ایران

۳، ۴- دانشجوی کارشناسی اتاق عمل، دانشکده ی پرستاری و مامایی، عضو کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی زاهدان، زاهدان، ایران

* زاهدان- دانشگاه علوم پزشکی زاهدان، دانشکده پرستاری و مامایی

Email: reza.ghoreishi0830@yahoo.com

تحلیل عوامل ایجاد ناامنی بیمار در انتقال به بیمارستان توسط مراکز فوریت های پزشکی اورژانس پیش بیمارستانی

خلاصه

مقدمه

تأثیر شرایط و محیط فعالیت اورژانس های پیش بیمارستانی به شکلی است که وضعیت بیماران در حین انتقال با آمبولانس با مخاطرات جدی رو به رو است. هدف این مطالعه بررسی عوامل موثر در ایجاد ناامنی در انتقال به بیمارستان توسط مراکز فوریت های پزشکی اورژانس پیش بیمارستانی بود.

روش کار

مطالعه توصیفی حاضر، ترکیب کمی کیفی بود که در سال ۱۳۹۳ به روش تحلیل حالات و اثرات خطا انجام شد. جامعه پژوهش ۸ تیم عملیاتی از کارکنان مراکز فوریت های پزشکی اورژانس پیش بیمارستانی کردکوی بود. روش نمونه گیری به صورت در دسترس انجام شد. ابزار مطالعه پرسشنامه تعیین اولویت خطا و کار برگ FMEA (Failure Mode and Effect Analysis) بود. اطلاعات پژوهش به شیوه مصاحبه گروهی و تشکیل جلسات تیم FMEA به فاصله زمانی هر ۱۴ روز گردآوری شد. تجزیه و تحلیل آمار با استفاده از آمار توصیفی میانگین و درصد، و تعیین عدد اولویت ریسک خطا (RPN) (Risk Priority Number) بود که با پذیرش خطا در سطح بالای ۱۲۵ اولویت بندی و پیشنهاد راه کار انجام شد. قابلیت اطمینان مطالعه ۸۷٫۵ درصد بود.

نتایج

با تحلیل عوامل ۵۹ عامل ایجاد ناامنی در بیماران اورژانس پیش بیمارستانی شناسایی شد. پس از کد بندی این عوامل در ۶ گروه عمده شامل مسایل اخلاقی، عوامل ترافیکی و فنی خودرو، مسایل وابسته به تجهیزات و امکانات، عوامل انسانی و پرسنلی، وضعیت پروسه درمان و مراقبت، و عوامل وابسته به بیمار طبقه بندی شد. پس از احتساب اعداد اولویت ریسک تعداد ۳ گروه علت با ریسک بالای ۱۲۵ شامل عوامل ترافیکی و فنی خودرو ($RPN=290$)، مسایل وابسته به تجهیزات و امکانات ($RPN=280$) و عوامل انسانی و پرسنلی ($RPN=180$) شناسایی شد. علت ریشه ای ایجاد خطا بر حسب فراوانی مربوط به خطاهای انسانی (۶ خطا)، سازمانی (۵ خطا) و تجهیزات (۵ خطا) بود. بیشترین علت ایجاد خطا در سه حوزه فوق مربوط مسایل وابسته به تجهیزات و امکانات ($RPN=280$) بود.

نتیجه گیری

نتایج نشان داد مسایل وابسته به تجهیزات و امکانات مهمترین عامل ناامنی بیمار در مراکز فوریت های پزشکی اورژانس پیش بیمارستانی بود لذا به منظور رفع نواقص جدی در این مراکز توجهات مدیریتی و سازمانی از اهمیت فراوانی برخوردار است.

کلمات کلیدی: بیمار، فوریت پزشکی، پیش بیمارستانی، ایمنی

^۱ علی صدرالهی*

^۲ مریم احمدی خطیر

^۳ زهرا خلیلی

۱- کارشناسی ارشد پرستاری سالمندی، مرکز مدیریت حوادث و فوریت های پزشکی اورژانس گلستان، معاونت درمان دانشگاه علوم پزشکی گلستان، گرگان، ایران

۲- کارشناسی ارشد پرستاری سالمندی، مرکز مدیریت حوادث و فوریت های پزشکی اورژانس مازندران، معاونت درمان دانشگاه علوم پزشکی مازندران، ساری، ایران

۳ کارشناسی ارشد پرستاری سالمندی، معاونت درمان دانشگاه علوم پزشکی اردبیلی، اردبیلی، ایران

گرگان- دانشگاه علوم پزشکی گلستان، مرکز * مدیریت حوادث و فوریت های پزشکی اورژانس گلستان
Email: ali.sadrollahi@yahoo.com

بررسی تأثیر برنامه آموزشی - حمایتی بر رضایت‌مندی مادران کودکان تحت کشیدن مایع نخاعی

خلاصه

مقدمه

آزمایش کشیدن مایع نخاعی یکی از رایج‌ترین و اضطراب‌آورترین پروسه‌های تشخیصی بخش اطفال است؛ که اغلب باعث بروز سطح بالایی از اضطراب در والدین بخصوص مادران و عدم رضایت آنها به انجام این آزمایش می‌شود، که در این میان حمایت پرستاری از مادران این کودکان مهم و ضروری می‌باشد. از طرفی رضایت‌مندی والدین یک شاخص مهم ارزیابی کیفیت مراقبت‌های ارائه شده توسط پرستاران است. پس تعیین عوامل موثر بر رضایت مادران یک مسئله مهم برای پرسنل پرستاری می‌باشد. از این رو این مطالعه با هدف تأثیر برنامه آموزشی- حمایتی بر رضایت‌مندی مادران کودکان تحت کشیدن مایع نخاعی طراحی و اجرا گردیده است.

روش کار

این مطالعه یک کار آزمایشی بالینی است؛ که بر روی ۶۰ نفر از مادران کودکان بستری در بخش اورژانس اطفال بیمارستان‌های قائم، دکتر شیخ و امام رضا شهر مشهد اجرا شد. روش نمونه‌گیری آسان انتخاب شد، که در ابتدای نمونه‌گیری، به منظور جلوگیری از انتقال اطلاعات بین دو گروه، انتخاب گروه اول با قرعه‌کشی ساده انجام شد. گروه مداخله یک برنامه آموزشی- حمایتی (شامل حمایت آموزشی و حمایت عاطفی به مدت ۷۰ دقیقه) را دریافت کردند، در حالی که گروه کنترل، هیچ مداخله‌ای دریافت نکردند. رضایت مادران با پرسشنامه پژوهشگر ساخته رضایت والدین که روایی و پایایی آن مورد تأیید قرار گرفته بود، در مرحله بعد از مداخله سنجیده شد. داده‌ها با استفاده از آزمونهای کولموگروف- اسمیرنوف، کای اسکور، دقیق فیشر، تی مستقل، ضریب همبستگی پیرسون و اسپیرمن تحلیل شدند.

نتایج

نتایج نشان داد در مرحله بعد از مداخله، میانگین و انحراف معیار میزان رضایت‌مندی مادران در گروه مداخله $14/0 \pm 78/2$ (از صد نمره) و در گروه کنترل $13/8 \pm 54/7$ (از صد نمره) بود، که نتیجه آزمون تی مستقل نشان داد بین دو گروه اختلاف آماری معنی‌داری ($p < 0/01$) وجود دارد.

نتیجه‌گیری

نتایج این مطالعه نشان داد؛ حمایت آموزشی و عاطفی از مادران کودکان تحت کشیدن مایع نخاعی تأثیر قابل توجهی بر رضایت‌مندی آنها داشته است. لذا این برنامه می‌تواند به عنوان یک روش موثر جهت حمایت از مادران قبل از انجام آزمایش کشیدن مایع نخاعی برای کودکان استفاده گردد، البته پژوهشهای بیشتر و عمیقتری در این زمینه لازم است.

کلمات کلیدی: آموزش، حمایت، رضایت، کودک، مادر، کشیدن مایع نخاعی

^۱ اختر نجات محمد*

^۲ موسی مهدی زاده

^۳ طیبیه ریحانی

^۴ حمیدرضا بهنام وشانی

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد پرستاری کودکان، دانشکده پرستاری و مامایی دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

۲- مربی و عضو هیات علمی، مرکز تحقیقات مراقبت مبتنی بر شواهد، گروه داخلی جراحی، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

۳- مربی، گروه پرستاری کودکان، دانشکده پرستاری و مامایی دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

۴- مربی، گروه پرستاری کودکان، دانشکده پرستاری و مامایی دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

* مشهد- دانشگاه علوم پزشکی مشهد، دانشکده پرستاری و مامایی

Email: Nejata1@mums.ac.ir

ارتباط انتخاب آگاهانه زنان باردار پیرامون غربالگری ناهنجاری های جنین با نگرانی و اضطراب

خلاصه

مقدمه

هدف از برنامه غربالگری ناهنجاری های جنین در بارداری، توانمندسازی زنان برای ساختن انتخابی آگاهانه و کاهش ابهام در تصمیم گیری است، از طرفی انجام آزمایشات غربالگری ممکن است باعث ایجاد نگرانی و اضطراب در زنان باردار شود. مطالعه حاضر با هدف تعیین ارتباط انتخاب آگاهانه زنان باردار پیرامون غربالگری ناهنجاری های جنین با نگرانی و اضطراب انجام شد.

روش کار

این مطالعه مقطعی در سال ۱۳۹۳ بر روی ۱۶۰ زن باردار مراجعه کننده به یکی از مراکز بهداشتی- درمانی شهر مشهد انجام شد. ابزار جمع آوری اطلاعات شامل پرسشنامه مشخصات فردی- بارداری، پرسشنامه انتخاب آگاهانه، نگرانی کمبریج و اضطراب اشیلبرگر بود. تجزیه و تحلیل آماری با نرم افزار SPSS (نسخه ۱۶) و استفاده از آزمون های آماری کای اسکوتر، ضریب همبستگی اسپیرمن و رگرسیون لجستیک انجام شد. میزان p کمتر از ۰/۰۵ معنی دار در نظر گرفته شد.

نتایج

از مجموع ۱۶۰ زن باردار شرکت کننده در مطالعه، ۸۵/۶ درصد (۱۳۷ نفر) دارای انتخاب آگاهانه پیرامون آزمایشات غربالگری بودند و ۱۴/۴ درصد (۲۳ نفر) از آنها انتخاب ناآگاهانه داشتند. بر اساس آزمون رگرسیون لجستیک بین متغیر اضطراب آشکار و پنهان با انتخاب آگاهانه زنان باردار، ارتباط آماری معنی داری مشاهده شد ($p=0/005$ و $p=0/012$) اما بین متغیر نگرانی با انتخاب آگاهانه رابطه آماری معنی داری وجود نداشت ($p=0/623$).

نتیجه گیری

فرآیند انتخاب آگاهانه، یک بخش بسیار مهم از غربالگری ناهنجاری جنین در بارداری به شمار می آید؛ لذا پزشکان و ماماها باید مطمئن شوند که زنان باردار در مقابل این آزمایشات انتخاب آگاهانه ای داشته اند، بطوریکه انتخاب آنها بیشترین سطح رضایت و کمترین میزان نگرانی و اضطراب را به همراه داشته است.

کلمات کلیدی: رضایت آگاهانه، غربالگری پیش از تولد، ناهنجاری های کروموزومی، اضطراب، نگرانی

۱ سحر ریاضی*

۲ معصومه کردی

۳ مرضیه لطفعلی زاده

۴ محمد تقی شاکری

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد مامایی، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

۲- استادیار گروه مامایی، مرکز تحقیقات مراقبت مبتنی بر شواهد، گروه مامایی، دانشکده پرستاری و

مامایی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران
۳- دانشیار، متخصص زنان و زایمان، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

۴- استاد آمار زیستی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

* مشهد- دانشگاه علوم پزشکی مشهد، دانشکده پرستاری و مامایی

Email: sahar.riyazi@yahoo.com

بررسی مقایسه‌ای آموزش مهارت‌های ارتباطی به دو روش کارگاهی و مجازی بر بهبود عزت نفس دانشجویان مبتلا به فوبی اجتماعی

خلاصه

مقدمه

محققان دریافته‌اند که افراد از نظر اجتماعی مضطرب، سطوح نسبتاً پایین‌تر عزت نفس را گزارش می‌کنند. این امر نشان دهنده اهمیت ارزیابی منفی از خود در زمینه اضطراب اجتماعی است. برخی محققان نشان دادند که اضطراب اجتماعی با نمرات پایین‌تر بر روی مقیاس عزت نفس عمومی در ارتباط است. و هر مقدار نمره افراد در مقیاس عزت نفس و مولفه ارزیابی خود بالاتر می‌رود، نمرات آنان در مقیاس اضطراب اجتماعی کاهش می‌یابد. از طرفی مشخص شده است که افراد مبتلا به فوبی اجتماعی نسبت به افراد عادی مهارت‌های ارتباطی ضعیف‌تری دارند؛ و برای درمان کامل باید به این افراد مهارت‌های ارتباطی آموزش داده شود. هدف از این پژوهش مقایسه تأثیر آموزش مهارت‌های ارتباطی به روش کارگاهی و مجازی بر بهبود عزت نفس دانشجویان مبتلا به فوبی اجتماعی در دانشکده پرستاری و مامایی مشهد می‌باشد.

روش کار

در این مطالعه نیمه تجربی تعداد ۳۰ نفر از دانشجویان مبتلا به فوبی اجتماعی، در دو گروه آموزش کارگاهی و مجازی قرار گرفتند. مهارت‌های ارتباطی در هر دو گروه با محتوای یکسان به مدت یک هفته آموزش داده شد. پرسشنامه فوبی اجتماعی (spin) و مهارت‌های ارتباطی کوئین دام و عزت نفس کوپر اسمیت قبل از مداخله، بلافاصله و یک ماه بعد از مداخله تکمیل شد. داده‌ها با روش‌های آمار توصیفی (میانگین و انحراف معیار و توزیع فراوانی) و آماره‌های تحلیلی (آزمون t مستقل، زوج، آزمون تحلیل واریانس و ضریب پیرسون) در نرم افزار SPSS تحلیل گردید.

نتایج

میانگین نمرات عزت نفس در مرحله بعد از مداخله در هر دو روش کارگاهی و مجازی افزایش یافته بود. نتیجه آزمون تحلیل واریانس با اندازه‌های تکراری نشان داد که در گروه کارگاهی از لحاظ درون‌گروهی، میزان افزایشی که در سه مرحله (قبل، بعد و پیگیری) مشاهده شد، از لحاظ آماری معنی‌دار بود ($p < 0/007$). این افزایش در گروه مجازی نیز معنی‌دار بوده است ($p < 0/04$)؛ ولی از لحاظ مقایسه‌های بین‌گروهی حاکی از این است که فرآیند تغییرات در دو گروه تفاوت معنی‌داری نداشته است ($p = 0/24$).

نتیجه‌گیری

آموزش مهارت‌های ارتباطی با هر دو روش آموزشی کارگاهی و مجازی منجر به افزایش معنی‌دار نمره عزت نفس در دانشجویان مبتلا به فوبی اجتماعی شد. نتایج رابطه معکوس بین نمره فوبی اجتماعی و عزت نفس را نشان داد.

کلمات کلیدی: فوبی، فوبی اجتماعی، عزت نفس، مهارت‌های ارتباطی، آموزش کارگاهی، آموزش مجازی

^۱ سعید واقعی

^۲ هادی یزدانی*

^۳ مهری یآوری

^۴ حمید رضا بهنام‌وشانی

^۵ مهری موحد

۱- عضو هیات علمی دانشکده پرستاری و مامایی

مشهد

۲- دانشجوی کارشناسی ارشد آموزش پرستاری

گرایش روانپرستاری دانشکده پرستاری و مامایی

مشهد

۳، ۴- عضو هیات علمی دانشکده پرستاری و مامایی

مشهد

۵- کارشناسی ارشد مدیریت فناوری اطلاعات

* مشهد- دانشگاه علوم پزشکی مشهد، دانشکده

پرستاری و مامایی

Email: hys_68_by@yahoo.com

مقایسه تاثیر به کارگیری ابزار آموزشی چندرسانه‌ای و پمفلت بر میزان اضطراب بیماران تحت پرتودرمانی قبل از شروع درمان

خلاصه

مقدمه

پرتودرمانی به دلیل عدم سازگاری با تشخیص تومور، ناآشنا بودن محیط درمان و تجربه عوارض جانبی به عنوان یکی از درمانهای پراسترس سرطان خصوصا در جلسه اول درمان شناخته شده است. به دلیل ماهیت سرپایی این درمان، انجام آموزش به این بیماران متمرکز بر استفاده از رسانه‌های آموزشی می‌باشد، لذا استفاده از یک ابزار آموزشی مناسب و اثربخش ضروری است. این مطالعه با هدف مقایسه تاثیر به کارگیری دو ابزار آموزشی چندرسانه‌ای و پمفلت بر میزان اضطراب بیماران تحت پرتودرمانی برای بار اول و قبل از شروع درمان انجام شده است.

روش کار

پژوهش حاضر یک مطالعه تجربی از نوع کارآزمایی بالینی با طرح دو گروهی پیش‌آزمون-پس‌آزمون بود نمونه‌گیری بر روی ۶۰ بیمار مراجعه‌کننده به مراکز پرتودرمانی مشهد (هرگروه ۳۰ نفر) که برای آنها برای اولین بار تشخیص نیاز به پرتودرمانی ناحیه سر و گردن داده شده بود، انجام شد. مراکز به صورت تصادفی به دو گروه پمفلت و چندرسانه‌ای تخصیص یافتند. پرسشنامه‌های اطلاعات دموگرافیک و اضطراب توسط مصاحبه با بیماران تکمیل گردید. در همان روز یک جلسه آموزش فردی به صورت یک جلسه ۲۰ دقیقه‌ای برای هر دو گروه برگزار شد. سپس به افراد برحسب گروه، محتوای آموزشی به صورت پمفلت (سه عدد) و یا ابزار چندرسانه‌ای (به مدت ۲۰ دقیقه) تحویل گردید و از بیماران خواسته شد تا قبل از شروع جلسات پرتودرمانی از محتوای آموزشی فوق استفاده نماید. پرسشنامه اضطراب مجدداً در اولین جلسه پرتودرمانی قبل از ورود به اتاق درمان توسط بیمار تکمیل گردید. داده‌ها با استفاده از نرم افزار SPSS نسخه ۱۶ تجزیه و تحلیل شد.

نتایج

میانگین و انحراف معیار سن در گروه پمفلت $50/6 \pm 1/44$ و در گروه ابزار چند رسانه‌ای $52/2 \pm 1/49$ سال بود. ۱۹ نفر (۶۶/۷٪) در گروه پمفلت و ۱۸ نفر (۶۰٪) در گروه ابزار چند رسانه‌ای مرد بودند. میانگین نمره اضطراب بیماران بعد از مداخله در گروه پمفلت $37/8 \pm 3/0$ (از ۸۰) و گروه چندرسانه‌ای $40/0 \pm 2/3$ (از ۸۰) بود؛ نتیجه آزمون تی مستقل نشان داد بین میانگین نمره اضطراب دو گروه بعد از مداخله تفاوت آماری معناداری وجود دارد ($p=0/009$). نتیجه آزمون تی زوجی نیز نشان داد بین میانگین نمره اضطراب هر دو گروه پمفلت و ابزار چندرسانه‌ای در مرحله بعد از مداخله نسبت به قبل از آن تفاوت آماری معناداری وجود داشته است ($p<0/001$).

نتیجه گیری

نتایج نشان داد که آموزش از طریق پمفلت نسبت به ابزار چندرسانه‌ای موجب کاهش بیشتر اضطراب در بیماران شده است. لذا به نظر می‌رسد با توجه به سن و سطح تحصیلات بیماران تحت پرتودرمانی سر و گردن، آموزش پروسیجر درمانی به صورت ساده‌تر، خلاصه‌تر و تصاویر و فیلم‌های کمتر نقش موثرتری در کاهش اضطراب بیماران دارد.

کلمات کلیدی: اضطراب، پرتودرمانی، ابزار چند رسانه‌ای، پمفلت

۱ عاطفه بهبودی فر*

۲ فاطمه حشمتی نبوی

۳ کاظم انوری

۴ محمد تقی شاکری

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد پرستاری، کمیته تحقیقات دانشجویی دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، ایران

۲- استادیار گروه بهداشت، مدیریت و روان دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، ایران

۳- متخصص انکولوژی، دانشیار دانشگاه علوم پزشکی مشهد، ایران

۴- استاد گروه آمار زیستی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، ایران

* مشهد- دانشگاه علوم پزشکی مشهد، دانشکده پرستاری و مامایی، کمیته تحقیقات دانشجویی
Email: behboudifara1@mums.ac.ir

بررسی جایگاه تحقیقاتی پیشگیری از خون ریزی پس از زایمان در پایان نامه های دانشکده پرستاری - مامایی مشهد

خلاصه

مقدمه

خون ریزی پس از زایمان یکی از سه عامل مرگ و میر مادران باردار محسوب میشود که شامل از دست دادن خون به مقدار ۵۰۰ میلی لیتر یا بیشتر پس از مرحله سوم زایمان می باشد. با وجود اهمیت این موضوع اما تا به حال روش مطمئن و سریعی جهت درمان در دسترس قرار نگرفته است. مطالعه ی فوق مبتنی بر شواهد و مروری با هدف لزوم افزایش میزان تحقیق و پژوهش در رابطه با کاهش میزان بروز این معضل انجام شده است.

روش کار

این مطالعه بصورت مبتنی بر شواهد و توصیفی تحلیلی با استفاده از بررسی پایان نامه های سال های ۹۴-۷۳ که مرتبط با خون ریزی بوده اند، انجام شده است.

نتایج

در این مطالعه سه پایان نامه در حیطه خون ریزی مورد بررسی قرار گرفت. در این مطالعات اثر خرما و تخم شوید با اکسی توسین مقایسه شده است که نتایج نشان داد طب مکمل اثر قابل توجهی در درمان خون ریزی داشته است. مطالعه ی سوم روش های مختلف آموزش به دانشجویان مامایی برای کنترل خون ریزی را بررسی کرده است که نتایج نشان داد تاثیر این روش ها بر صلاحیت دانشجویان مامایی در کنترل خون ریزی، با یکدیگر تفاوت معناداری دارد.

نتیجه گیری

مطالعه ی انجام شده ، اهمیت بالای تحقیق و پژوهش در رابطه با موضوع مطرح شده را نشان می دهد. از دانشجویان تحصیلات تکمیلی به عنوان محققین در عرصه ی علم مامایی واز پایان نامه ها بعنوان منبع علمی انتظار توجه بیشتری در این زمینه می باشد. لذا ضرورت دارد این موضوع جزء عناوین اولویت دار پایان نامه های دانشجویان قرار گیرد.

کلمات کلیدی: خون ریزی پس از زایمان، پایان نامه، پژوهش مامایی

^۱ ندا شریفی*

^۲ فاطمه محمدزاده

^۳ مرضیه قاسمی

۱- دانشجوی کارشناسی مامایی، کمیته تحقیقات

دانشجویی دانشکده پرستاری - مامایی، دانشگاه

علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

۲- دانشجوی کارشناسی مامایی، کمیته تحقیقات

دانشجویی دانشکده پرستاری - مامایی، دانشگاه

علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران.

۳- دانشجوی کارشناسی ارشد مشاوره درمانی،

کمیته تحقیقات دانشجویی دانشکده پرستاری -

مامایی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

* مشهد- دانشگاه علوم پزشکی مشهد، دانشکده

پرستاری و مامایی

Email: Sharifin921@mums.ac.ir

بررسی تاثیر اجرای الگوی آموزش مبتنی بر شایستگی بر عملکرد بالینی دانشجویان پرستاری در بخش مراقبت های ویژه قلبی

خلاصه

مقدمه

جهت ایجاد تحول در آموزش پرستاری، آگاهی و اجرای الگوهای نوین آموزشی ضروری است، در همین راستا یکی از الگوهای نوین آموزشی که در آن رسیدن به عملکرد مطلوب در نقش بالینی مورد نظر است، الگوی آموزشی مبتنی بر شایستگی می باشد. هدف از مطالعه حاضر تعیین تاثیر اجرای الگوی آموزش مبتنی بر شایستگی بر عملکرد بالینی دانشجویان پرستاری کارآموز در بخش مراقبت های ویژه قلبی بود.

روش کار

مطالعه حاضر از نوع نیمه تجربی با طرح پس آزمون بود که در آن ۳۴ نفر از دانشجویان ترم ۸ پرستاری که شرایط ورود به مطالعه را داشتند به صورت تمام شماری انتخاب و به دو گروه مداخله (۱۸ نفر) و کنترل (۱۶ نفر) تقسیم شدند. دوره ۴ هفته ای کارآموزی پرستاری مراقبت های ویژه قلب برای دانشجویان گروه کنترل بر اساس الگوی آموزش مرسوم و برای دانشجویان گروه مداخله نیز بر اساس الگوی آموزش مبتنی بر شایستگی اجرا شد. جهت ارزیابی عملکرد بالینی دانشجویان از ۳ ابزار جمع آوری داده ها (چک لیست بررسی عملکرد بالینی، پرسشنامه خود گزارشی و آزمون چند گزینه ای) استفاده گردید. داده های جمع آوری شده پس از وارد کردن در نرم افزار SPSS(19) با استفاده از آمار توصیفی و استنباطی (کای دو، تی مستقل و من ویتنی) تجزیه و تحلیل گردید.

نتایج

نتایج این مطالعه نشان داد که عملکرد بالینی دانشجویان گروه مداخله که دوره خود را بر اساس الگوی آموزش مبتنی بر شایستگی سپری نمودند، هم از نظر عملکرد بالینی اختصاصی ($P < 0/001$) و هم از نظر عملکرد بالینی عمومی ($P = 0/001$) به طور معنی داری بهتر از دانشجویان گروه کنترل بود.

نتیجه گیری

الگوی آموزش مبتنی بر شایستگی بیش از الگوی مرسوم منجر به ارتقاء عملکرد بالینی اختصاصی و عمومی دانشجویان گردید. بنابراین پیشنهاد می شود مسئولین آموزش پرستاری با بهره جویی از این الگوی آموزشی و سازماندهی برنامه درسی رشته پرستاری بر اساس راهبردهای نوین آموزشی، کارایی و اثربخشی دوره های آموزش بالینی را بهبود بخشند.

کلمات کلیدی: الگوی آموزش مبتنی بر شایستگی، عملکرد بالینی، دانشجویان پرستاری، بخش مراقبت های ویژه قلبی

^۱ معصومه همتی مسلک پاک*

^۲ امین سهیلی

۱- دانشیار گروه پرستاری، عضو هیئت علمی دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی ارومیه

۲- کارشناسی ارشد آموزشی پرستاری، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی ارومیه

* ارومیه- دانشگاه علوم پزشکی ارومیه، دانشکده پرستاری و مامایی

Email: hemmatma@yahoo.com

بررسی دیدگاه دانشجویان و پرسنل اتاق عمل در مورد جواخلاقی موجود در بیمارستانهای آموزشی زاهدان

خلاصه

مقدمه

پرستاران برای ارائه مراقبتهای مورد نیاز بیمار با وضعیت های پیچیده روبرو می شوند که برای تصمیم گیری های درست و اخلاقی در این شرایط به یک جو اخلاقی حمایت کننده و مطلوب در بیمارستان نیاز دارند. هدف از انجام این مطالعه بررسی دیدگاه دانشجویان و پرسنل اتاق عمل در مورد جواخلاقی موجود در بیمارستانهای آموزشی زاهدان بوده است.

روش کار

این مطالعه توصیفی - تحلیلی می باشد که بر روی ۱۳۳ نفر و بصورت سر شماری انجام شده است. جهت جمع آوری اطلاعات از یک پرسش نامه دو بخشی که بخش اول آن مربوط به مشخصات دموگرافیک و بخش دوم آن پرسش نامه استاندارد جو اخلاقی اولسون بود، استفاده گردید. داده ها در SPSS 19 و با استفاده از آزمون های آماری، آنالیز واریانس و تی تست آنالیز شده است.

نتایج

در این مطالعه ۶۲ نفر دانشجوی رشته ی اتاق عمل و همچنین ۷۱ پرسنل اتاق عمل شرکت داشتند. رابطه بین سن و جنس با جو اخلاقی درک شده توسط دانشجویان و پرسنل معنی دار نبود ($P>0.05$). میانگین نمره جو اخلاقی در بیمارستان علی ابن ابیطالب ۳،۲۹، بیمارستان خاتم ۳،۷۴ و در بیمارستان الزهرا ۳،۸۷ بود. جو اخلاقی موجود در اتاق عمل های بیمارستان های زاهدان بصورت مثبت و اختلاف بین نظرات دانشجویان و پرسنل بسیار کم بوده است.

نتیجه گیری

جواخلاقی حاکم در اتاق عمل بیمارستان های آموزشی زاهدان از دید دانشجویان و پرسنل مثبت می باشد ولی بعضی از جنبه های اخلاقی به ویژه مواردی که مربوط به پزشکان و رابطه آنها با پرستاران است، نیاز به ارتقا دارد.

کلمات کلیدی: جواخلاقی، دانشجویان اتاق عمل، پرسنل اتاق عمل

^۱ نازنین یوسفیان میانداوب
^۲ مهناز شهرکی پور
^۳ نریمان بردنگ*
^۴ صادق زارع

۱- کارشناسی ارشد پرستاری، عضو هیئت علمی، مرکز تحقیقات سلامت بارداری، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی زاهدان، زاهدان، ایران

۲ دکترای آمار زیستی، گروه اپیدمیولوژی و آمار زیستی، مرکز تحقیقات سلامت بارداری مرکز تحقیقات دندان پزشکی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی زاهدان، زاهدان، ایران
۳،۴ دانشجوی کارشناسی اتاق عمل، عضو کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده ی پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی زاهدان زاهدان، ایران

* زاهدان- دانشگاه علوم پزشکی زاهدان، دانشکده پرستاری و مامایی، کمیته تحقیقات دانشجویی
Email: zaresadegh93@yahoo.com

بررسی عملکرد کارکنان بهداشتی دانشگاه علوم پزشکی مشهد در خصوص مشاوره با رویکرد ترویج باروری سالم

خلاصه

مقدمه

مشاوره به عنوان اولین و مهم‌ترین اقدام در مراقبت‌های بهداشتی به شمار می‌آید که جزء وظایف اصلی مراقبین سلامت می‌باشد. لذا پژوهش حاضر با هدف تعیین ارزیابی عملکرد کارکنان بهداشتی دانشگاه علوم پزشکی مشهد در خصوص مشاوره با رویکرد ترویج باروری سالم انجام شده است.

روش کار

در این پژوهش مقطعی، ۱۰۷ نفر از ماماها و مراقبین سلامت شاغل در واحدهای مامایی، مادر-کودک و تنظیم خانواده و چندپیشه‌ای (پلی والان) مراکز بهداشتی درمانی و مراکز سلامت جامعه شهر مشهد در سال ۱۳۹۴ شرکت داشتند. نمونه‌گیری به روش طبقه‌ای و خوشه‌ای انجام شد. داده‌ها با استفاده از چک‌لیست مشاهده سنجش عملکرد کارکنان در خصوص ارائه مشاوره با رویکرد ترویج باروری و پرسشنامه خودارزیابی مهارت مشاوره‌ای گردآوری و با استفاده از آمار توصیفی و آزمون‌های همبستگی ساده و چند متغیره با استفاده از نرم‌افزار SPSS 16 تحلیل شد.

نتایج

نمره عملکرد کارکنان بهداشتی در خصوص مشاوره باروری سالم با میانگین $21/2 \pm 12/5$ از ۷۹ نمره در سطح ضعیف قرار داشت. بین عملکرد مشاوره‌ای با مدرک تحصیلی، سن ازدواج و شغل همسر ارتباط معنی‌داری دیده شد (در همه موارد $p < 0/05$). نمره خودارزیابی مهارت مشاوره باروری سالم با میانگین $30/7 \pm 3/3$ از ۳۶ نمره در سطح خوب بود.

نتیجه‌گیری

یافته‌ها حاکی از مناسب نبودن عملکرد کارکنان بهداشتی در خصوص مشاوره باروری سالم بود، این در حالی است که اکثر واحدهای پژوهش در خودارزیابی، عملکرد خود را در سطح خوب ارزیابی نمودند. یافته‌های مطالعه حاضر حکایت از نیاز ماماها و مراقبین بهداشتی در زمینه مهارت‌های مشاوره‌ای دارد و ضرورت ارائه آموزش به منظور تغییر عملکرد آنان در راستای سیاست‌های جدید ارتقاء باروری در کشور را نشان می‌دهد.

کلمات کلیدی: مشاوره، کارکنان بهداشتی، عملکرد، خودارزیابی، باروری

۱ راضیه رحمتی*

۲ طلعت خدیو زاده

۳ حبیب الله اسماعیلی

۴ حمیدرضا بهرامی

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد مشاوره در مامایی
دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی
مشهد، مشهد، ایران

۲- استادیار بهداشت باروری، مرکز تحقیقات
سلامت زنان، گروه مامایی، دانشکده پرستاری و

مامایی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

۳- دانشیار مرکز تحقیقات علوم بهداشتی، گروه
آمار و اپیدمیولوژی، دانشکده بهداشت، دانشگاه
علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

۴- استادیار و عضو هیات علمی دانشکده طب
سنتی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

* مشهد- دانشگاه علوم پزشکی مشهد، دانشکده
پرستاری و مامایی

Email: rahmatir69@gmail.com

بررسی جواخلاقی حاکم بر بیمارستان و جو اخلاقی دلخواه از دید پرستاران

خلاصه

مقدمه

پرستاری حرفه ای است که همواره با مسائل اخلاقی شایعی روبرو بوده و همواره این جو اخلاقی است که مشخص می کند تا چه حد بر اساس معیارهای اخلاقی تصمیم گیری می شود. بنابراین تصمیم بر آن شد که مطالعه ای با هدف بررسی جواخلاقی حاکم بر بیمارستان و جو اخلاقی دلخواه از دید پرستاران انجام شود.

روش کار

این مطالعه توصیفی - تحلیلی است و در سال ۱۳۹۴ که بر روی ۲۵۰ نفر از پرستاران بصورت تصادفی انتخاب شده بودند انجام شده است. ابزار گردآوری اطلاعات، یک پرسش نامه دو بخشی بود که بخش اول آن مربوط به مشخصات دموگرافیک و بخش دوم آن مشتمل بر ۲ پرسشنامه درک پرستاران از جواخلاقی حاکم بر بیمارستان و جو اخلاقی دلخواه پرستاران بود. در نهایت داده های جمع آوری شده با استفاده از نرم افزار SPSS 19 روشهای آمار توصیفی، آزمون تی مستقل و آنالیز واریانس مورد تجزیه تحلیل قرار گرفته است.

نتایج

میانگینی سنی $3,93 \pm 30,18$ و ۱۱۳ نفر از بیمارستان خاتم النبیه (ص) و ۱۳۸ نفر از بیمارستان علی ابن ابیطالب (ع) در این مطالعه شرکت کرده بودند. بر اساس یافته های مطالعه تفاوت معناداری بین میانگین نمرات درک پرستاران از جو اخلاقی واقعی و دلخواه وجود داشت ($P=0.02$) و جو اخلاقی حاکم از دیدگاه پرستاران مطلوب بود. (میانگین نمره $94,78 \pm 15,35$).

نتیجه گیری

در مطالعه حاضر جو اخلاقی موجود جو مطلوبی بوده است، اما با جو اخلاقی دلخواه پرستاران فاصله داشت. بنابراین پیشنهاد می شود مدیران جو اخلاقی موجود را حفظ و از طرفی استراتژیهای جهت ارتقا جو اخلاقی اتخاذ کنند.

کلمات کلیدی: جواخلاقی، بیمارستان، پرستاران

^۱ غلامرضا قریشی نیا*

^۲ مژگان جهانتیغ

^۳ مهناز شهرکی پور

^۴ صادق زارع

۱،۴- دانشجوی کارشناسی اتاق عمل، دانشکده ی

پرستاری و مامایی، عضو کمیته تحقیقات دانشجویی،

دانشگاه علوم پزشکی زاهدان، زاهدان، ایران

۲- کارشناس ارشد پرستاری، عضو هیئت علمی،

دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی

زاهدان، زاهدان، ایران

۳- دکترای آمار زیستی، گروه اپیدمیولوژی و آمار

زیستی، مرکز تحقیقات سلامت بارداری، دانشکده

بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی زاهدان، زاهدان،

ایران

* زاهدان- دانشگاه علوم پزشکی زاهدان، دانشکده

پرستاری و مامایی، کمیته تحقیقات دانشجویی

Email: reza.ghoreishi0830@yahoo.com

گزارش یک مورد هرلین ورنر وندرلیش سندرم (OHVIRA) در یک نوزادده روژه در مرکز آموزشی درمانی طالقانی گرگان ۱۳۹۳

خلاصه

مقدمه

ناهنجاریهای رحمی در برگیرنده بسیاری از بیماریهاست و ناهنجاریهای مربوط به ناحیه ژنیتال بسیار پیچیده و نادر هستند، منشاء بسیاری از این اختلالات به سه ماهه اول بارداری برمی گردد و دلایل متعدد ژنتیکی دارد.

گزارش مورد

بیمار نوزاد سه روزه ای بود که با تشخیص توده شکمی به این مرکز ارجاع شده بود. در معاینه کلیه علائم حیاتی بیمار نرمال بوده و ناحیه ژنیتال نیز ظاهری نرمال داشت در لمس شکم توده بزرگ با قوام سفت و غیر متحرک در ناحیه هیپوگاستر تا ناف قابل لمس بود. VCUG و CTscan انجام شد و بیمار با تشخیص دویلکاسیون هیدرومتر و کلیپوس واژن تحت درمان جراحی قرار گرفت. برای تخلیه هیدرومتر و کلیپوس کاتتر در واژن گذاشته شد و مشاهده گردید که کاتتر وارد واژن و رحم جداگانه ای می شود و واژن قدامی کاملاً مسدود بود. درناژ ترشحات انجام و یک هفته بعد بیمار با وضعیت مناسب مرخص گردید.

نتیجه گیری

عوامل مرتبط با روند تکاملی ولفیان داکت نقش مهمی در ایجاد این بیماری دارد و علت عمده آن نیز به اختلالات تکاملی برمی گردد.

کلمات کلیدی: هرلین ورنر وندرلیش سندرم، طالقانی، نوزاد

^۱ حلیم بردی طعنه

^۲ قربان محمد کوچکی

^۳ طاهره بخشی*

^۴ مریم چهره گشا

۱- مرکز تحقیقات سلامت کودکان، هیئت علمی

گروه جراحی، دانشگاه علوم پزشکی گلستان، ایران

۲- دانشکده پیراپزشکی، هیئت علمی گروه اتاق

عمل، دانشگاه علوم پزشکی گلستان، ایران

۳- کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشجوی اتاق

عمل، دانشگاه علوم پزشکی گلستان، ایران

۴- دانشکده پیراپزشکی، هیئت علمی گروه اتاق

عمل، دانشگاه علوم پزشکی گلستان، ایران

* گرگان- دانشگاه علوم پزشکی گلستان، کمیته

تحقیقات دانشجویی

Email: Taherehbakhshi73@gmail.com

بررسی مقایسه مشخصات دموگرافیک در زنان با و بدون همسرآزاری مراجعه کننده به مراکز بهداشتی درمانی شهر مشهد در سال ۱۳۹۴

خلاصه

مقدمه

خشونت علیه زنان سبب آسیب های جسمی و روانی متعددی در این زنان می شود به گونه ای که طبق آمار؛ قربانیان خشونت جنسی، تجاوز و خشونت خانگی در معرض بالاترین ریسک خودکشی، افسردگی، سو استفاده الکل و دارو، ایدز، فشارخون بالا، درد مزمن لگنی، سندرم روده تحریک پذیر، مشکلات زنانگی و انواع اختلالات روانپزشکی قرار دارند. هدف از انجام این مطالعه مقایسه مشخصات دموگرافیک در زنان با و بدون همسرآزاری مراجعه کننده به مراکز بهداشتی درمانی شهر مشهد در سال ۱۳۹۴ می باشد.

روش کار

این مطالعه مقایسه ای بر روی ۲۰۰ زن مراجعه کننده به مراکز بهداشتی درمانی شهر مشهد در سال ۱۳۹۴ انجام گرفت که به صورت تصادفی و پس از اخذ رضایت آگاهانه، با توجه به معیارهای ورود پژوهش انتخاب شدند. ابزارهای پژوهش شامل پرسشنامه های دموگرافیک و همسرآزاری ISA بود. تجزیه و تحلیل داده ها توسط نرم افزار SPSS (نسخه ۱۶)، با استفاده از مقایسه میانگین ها توسط آزمون تی مستقل و سطح معنی داری ۰٫۰۵ انجام گرفت.

نتایج

دو گروه در عواملی نظیر؛ سن، شغل، تحصیلات و تعداد فرزند با هم اختلاف معناداری نداشتند. میانگین سن ازدواج زن و اختلاف سنی با شوهر در گروه بدون همسرآزاری بیشتر بود اما این تفاوت بین دو گروه معنادار نبود. میانگین تعداد سال های زندگی مشترک و نسبت فامیلی در گروه با همسرآزاری بیشتر بود اما اختلاف معنادار نبود. انتخاب همسر به شیوه اجباری در زنان قربانی همسرآزاری با اختلاف معناداری بیشتر بود ($P=0.000$). زنانی که توسط خانواده شوهر مورد آزار قرار گرفته اند با تفاوت معناداری در گروه با همسرآزاری بیشتر مشاهده شدند ($P=0.000$). هم چنین تجربه خشونت علیه فرد از جانب اعضای خانواده در دوران کودکی در زنانی که مورد همسرآزاری قرار گرفته اند، با اختلاف معناداری بیشتر بود ($P=0.007$). دو گروه در استفاده از شبکه های اجتماعی و ماهواره با هم تفاوت معناداری نداشتند.

نتیجه گیری

در زنان قربانی همسرآزاری؛ مورد خشونت واقع شدن از جانب خانواده در دوران کودکی، انتخاب شوهر به شیوه اجباری و هم چنین تجربه آزار توسط خانواده شوهر بیشتر مشاهده می شود. همسرآزاری نتیجه عوامل متعدد و پیچیده ای است که شناخت موثرتر آن، نیازمند بررسی عمیق تر در حوزه های دیگری نظیر علوم رفتاری و ارتباطی نیز می باشد.

کلمات کلیدی: همسرآزاری، دموگرافیک، خشونت خانگی، زنان

^۱ شهلا نورانی سعدالدین
^۲ سمیه بهارشاهی*
^۳ حبیب الله اسماعیلی
^۴ نگار اصغری پور

۱- مربی گروه مامایی، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

۲- دانشجوی کارشناسی ارشد مامایی، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

۳- استاد آمار زیستی، مرکز تحقیقات علوم بهداشتی، گروه آمار زیستی و اپیدمیولوژی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

۴- استادیار روان شناسی بالینی، مرکز تحقیقات روانپزشکی و علوم رفتاری، بیمارستان ابن سینا، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

* مشهد- دانشگاه علوم پزشکی مشهد، دانشکده پرستاری و مامایی

Email: bahars921@mums.ac.ir

علل بروز رفتارهای نامحترمانه در دانشجویان پرستاری: یک مطالعه کیفی

خلاصه

مقدمه

رفتار نامحترمانه در دانشجویان از معضلات بزرگ در دانشگاه ها و آینده کاری آنها می باشد. برای پیشگیری و برخورد مناسب با رفتارهای نامحترمانه ی دانشجویان شناخت علت آن از ملزومات می باشد. لذا این مطالعه به منظور کشف بروز علل رفتار نامحترمانه در دانشجویان پرستاری انجام شد.

روش کار

در این مطالعه کیفی با استفاده از روش تحلیل محتوی کیفی تجارب و دیدگاههای استادان و دانشجویان پرستاری که به روش مبتنی بر هدف انتخاب شده بودند در مورد علل بروز رفتار نامحترمانه در دانشجویان بررسی شد. مصاحبه های باز با ۱۲ نفر از استادان و ۶ نفر از دانشجویان صورت گرفت و به روش تحلیل محتوی متعارف مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

نتایج

سه طبقه ی اصلی از داده ها استخراج شد که عوامل اصلی بروز رفتار نامحترمانه دانشجویان پرستاری بود این طبقات شامل علل مربوط به دانشجو، علل مربوط به استاد و علل مرتبط با سازمان بود. زیر طبقات مشغولیت غیر تحصیلی، جلب توجه دانشجو، بی انگیزگی دانشجو، ویژگی های شخصیتی دانشجو و بی تجربگی دانشجو در طبقه ی علل مربوط به دانشجو عامل رفتار نامحترمانه بودند. عدم مهارت استاد، ویژگی های شخصیتی استاد، بی تجربگی استاد، رفتار نامحترمانه ی استاد از علل مربوط به استاد در بروز رفتار نامحترمانه محسوب می شدند. عدم ارزیابی استاد در دانشکده ها، عدم تفهیم قوانین و جو سازمانی از عوامل بروز رفتار نامحترمانه ی دانشجویان در طبقه ی علل مرتبط با سازمان بود.

نتیجه گیری

علل متعددی مانند عوامل مربوط به دانشجو، استاد و سازمان در بروز رفتار نامحترمانه دانشجویان دخیل هستند. مدیران و مربیان پرستاری مسئولیت دارند تا این عوامل را شناسایی کنند و در جهت پیشگیری و برطرف کردن رفتارهای نامحترمانه دانشجویان تلاش کنند.

کلمات کلیدی: رفتار نامحترمانه، علل، دانشجویان پرستاری، تحلیل محتوی، آموزش پرستاری

^۱ حسین کریمی موفقی

^۲ مصطفی راد*

^۳ فاطمه محرری

^۴ اسحاق ایلدرآبادی

۱- دانشیار گروه داخلی جراحی، دانشکده

پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد،

ایران

۱- گروه آموزش پزشکی، دانشکده پزشکی،

دانشگاه علوم پزشکی مشهد، ایران

۲- دانشجوی دکترای تخصصی پرستاری، دانشکده

پرستاری و مامایی مشهد، دانشگاه علوم پزشکی

مشهد

۳- استادیار گروه روان پزشکی، دانشکده پزشکی

مشهد، استادیار گروه روان پزشکی، دانشکده

پزشکی مشهد، ایران

۴- استادیار گروه پرستاری بهداشت جامعه،

دانشکده پرستاری اسفراین، دانشکده خدمات

بهداشتی و درمانی اسفراین، ایران

* مشهد- دانشگاه علوم پزشکی مشهد، دانشکده

پرستاری و مامایی

Email: radm901@mums.ac.ir

بررسی اثرات درمانی گیاه شبدر قرمز بر نشانه های یائسگی زنان

خلاصه

مقدمه

علائم وازوموتور به عنوان یکی از اختلالات شایع یائسگی شامل گرگرفتگی، تعریق، افزایش درد سینه اسپاسمودیک و ضربان قلب نامنظم به دنبال گرگرفتگی می باشد. در گذشته جهت درمان این عوارض استفاده از روش هورمون درمانی جایگزین (HRT) در اولویت بوده اما اخیراً ترس از عوارض HRT، باعث توجه به داروهای گیاهی شده است. لذا، هدف از مطالعه حاضر مروری سیستماتیک بر تاثیر شبدر قرمز در درمان نشانه های فوق در زنان یائسه ایران است.

روش کار

این مطالعه به صورت مبتنی بر شواهد و مروری، با جستجو در بانک های اطلاعاتی MEDLINE، google scholar، Iran Medex، Magiran، Medlib، Irando، Cochrane Controlled Trials، انجام شده است که در آن، مقالات از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۳ مورد ارزیابی قرار گرفته و ۲ کارآزمایی وارد مطالعه شدند.

نتایج

در مطالعه اول با عنوان "بررسی تاثیر شبدر قرمز بر گرگرفتگی زنان یائسه" گروه دریافت کننده با مصرف ۴۵ میلی گرم عصاره الکلی استاندارد شده ایزوفلوان شبدر واریاسیون کلویارا و گروه دارونما با مصرف کپسول های پر شده از پودر نشاسته، تفاوت معناداری در شدت گرگرفتگی ها نشان دادند. در مطالعه دوم "بررسی تاثیر شبدر قرمز بر شدت نشانه های وازوموتور و ناراحتی های قلبی در زنان یائسه" گروه مصرف کننده از کپسول خوراکی ۴۰ میلی گرمی حاوی برگ خشک شده شبدر دوبار در روز به مدت یک ماه و گروه دارونما از کپسول خوراکی به همان میزان حاوی نشاسته، استفاده کردند که کاهش معناداری در شدت نشانه هاها بین دو گروه دیده شد.

نتیجه گیری

نتایج این مطالعه نشان داد، مکمل شبدر قرمز با توجه به موفقیت در کاهش علائم گرگرفتگی و قلبی و علاقه همگان به استفاده از داروهای گیاهی و اثبات اثر بخشی آن، می تواند به عنوان درمان جایگزین HRT مناسب باشد.

کلمات کلیدی: دارو گیاهی، ایرانی، شبدر قرمز، بیماری زنان

^۱ مائده زوار سهل آبادی*

^۲ ندا شریفی

^۳ ریحانه عباسی

۱- دانشجوی کارشناسی مامایی، کمیته تحقیقات

دانشجویی دانشکده پرستاری - مامایی، دانشگاه

علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

۲- دانشجوی کارشناسی مامایی، کمیته تحقیقات

دانشجویی دانشکده پرستاری - مامایی، دانشگاه

علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

۳- دانشجوی کارشناسی مامایی، کمیته تحقیقات

دانشجویی دانشکده پرستاری - مامایی، دانشگاه

علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

* مشهد- دانشگاه علوم پزشکی مشهد، دانشکده

پرستاری و مامایی، کمیته تحقیقات دانشجویی

Email: Zavarsm911@mums.ac.ir

مقایسه تاثیر دو روش آموزشی جیگساو و بازخوردی بر میزان رضایتمندی دانشجویان پرستاری و هوشبری دانشکده پرستاری و مامایی مشهد

خلاصه

مقدمه

امروزه برای حفظ و ارتقای سلامت آحاد جامعه، تربیت افراد توانمند و شایسته در رشته های علوم پزشکی و از جمله پرستاری و هوشبری جهت ارائه خدمات برپالین بیمارحائز اهمیت بالایی است که با روشهای آموزشی کارآمد میسر خواهد شد. روش های دانشجو محور نظیر روش تدریس بازخوردی و جیگساو از جمله روشهای فعال و کمک کننده می باشند که با پی بردن به نظر دانشجویان به عنوان ملاک قابل اعتماد میتوان روش مناسبتر را انتخاب نمود. این مطالعه با هدف مقایسه تاثیر دو روش آموزشی جیگساو و بازخوردی بر میزان رضایتمندی دانشجویان انجام شده است.

روش کار

این مطالعه تجربی دو گروهه قبل و بعد بر روی ۶۵ نفر از دانشجویان پرستاری و هوشبری مقطع کارشناسی پیوسته دانشگاه علوم پزشکی مشهد با روش نمونه گیری در دسترس انجام شد. هر دو کلاس بطور تصادفی به دو نیمه شده و برای نیمی از هر کلاس شش جلسه تئوری مربوط به واحد درسی اصول و فنون به صورت جیگساو و برای نیمی دیگر به روش بازخوردی برگزار گردید. یک هفته بعد از اتمام جلسات، میزان رضایت دانشجویان توسط فرم نظرسنجی پژوهشگر ساخته که شامل ۲۴ مورد با مقیاس لیکرت ۵ قسمتی در سه حیطه (زمان، ارتقای مهارتها، میزان ایجاد علاقه و انگیزه) سنجیده شد. جهت تجزیه و تحلیل از افزار spss ۱۶ استفاده شد.

نتایج

مقایسه نمره رضایت مندی از روش تدریس جیگساو و بازخوردی تفاوت آماری معناداری را نشان داد که در روش جیگساو بیشتر از روش بازخوردی بود ($p=0.002$).

نتیجه گیری

یافته ها نشان داد که یک روش تدریس فعال و دخالت دادن هرچه بیشتر دانشجو در فرآیند یاددهی-یادگیری، رضایتمندی، انگیزه و علاقه بیشتری در دانشجویان نسبت به مباحث درسی ایجاد می کند و به نظر می رسد بتوان روش های تدریس دانشجو محور را با برنامه ریزی و کنترل های دقیق جایگزین و یا مکمل تدریس های سنتی نمود و در پایان استفاده از چند شیوه نوین تدریس در کنار هم جهت توانمند کردن دانشجویان توصیه می شود.

کلمات کلیدی: روش جیگساو، روش بازخوردی، رضایتمندی، پرستاری، هوشبری

۱- مریم باقری

۲- شیوا عزیزی*

۳- سید رضا مظلوم

۴- حسین کریمی مونی

۵- حجتی محمد نوروزی

۱،۳،۵- مربی، عضو هیئت علمی گروه پرستاری داخلی جراحی؛ عضو مرکز تحقیقات مراقبت مبتنی بر شواهد دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

۲- دانشجوی کارشناسی ارشد پرستاری داخلی جراحی، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

۴- دانشیار: الف - مرکز تحقیقات مراقبت مبتنی بر شواهد ب- گروه داخلی و جراحی، دانشکده پرستاری و مامایی ج- گروه آموزش پزشکی دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

* مشهد- دانشگاه علوم پزشکی مشهد، دانشکده پرستاری و مامایی

Email: shivaazizi1367@yahoo.com

عوامل مرتبط با تقاضای ورود به رشته در دانشجویان پزشکی دانشگاه علوم

پزشکی مشهد ۱۳۹۴

خلاصه

مقدمه

طبق آمار معاونت اشتغال وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، نرخ بیکاری فارغ التحصیلان رشته پزشکی ۹/۱ درصد اعلام شده است. بدون شک یکی از عوامل بیکاری پزشکان، افزایش تقاضای داوطلبان برای تحصیل در این رشته است این موضوع تعادل عرضه و تقاضا را هم در پذیرش دانشجو و هم در اشتغال زایی بر هم زده است. به همین سبب عوامل مرتبط با تقاضای ورود به رشته تحصیلی در اقتصاد آموزش از جایگاه ویژه ای برخوردار است. انتخاب رشته ای که با علاقه، سلیقه، استعداد و توانایی فرد در تعارض باشد، اثرات دراز مدت و نامطلوب روانی، اجتماعی و اقتصادی را در پی خواهد داشت. ما در این پژوهش تلاش نمودیم عوامل مرتبط با تقاضای ورود به رشته پزشکی را از منظر دانشجویان این رشته شناسایی نموده تا در برنامه ریزی مسئولین برای راهنمایی متقاضیان آتی تحصیل در این رشته، مفید فایده باشد.

روش کار

این پژوهش، بصورت مقطعی و بر روی جامعه آماری شامل دانشجویان علوم پایه پزشکی و کارورزی انجام گردید. برای جمع آوری داده ها نخست با یک بررسی بر روی مطالعات و منابع مرتبط، عوامل مرتبط با تقاضای رشته شناسایی و پس از یک بحث گروهی با حضور متخصصین ۷ حیطه با ۱۸ گویه نهایی شده و بر اساس آن یک پرسشنامه طراحی گردید. روایی محتوای پرسشنامه با کسب نظر متخصصین و پایایی آن با ضریب آلفای کرونباخ (۰.۸) تایید گردید. پس از جمع آوری داده ها با استفاده از آمار توصیفی ارائه و نیز آزمون های آماری مناسب (تی تست، کای دو، آنالیز واریانس) تحلیل شدند.

نتایج

در مطالعه اسنادی و بحث گروهی، هفت حیطه با هیجده گویه برای عوامل مرتبط با تقاضا برای ورود به رشته شناسایی شد. کل پاسخ دهندگان ۲۹۶ نفر، ۱۲۲ نفر (۴۱ درصد) مرد و ۱۷۴ نفر (۵۹ درصد) زن بودند. بیشترین عامل تاثیر گذار در تقاضا برای ورود به رشته به ترتیب: جایگاه اجتماعی بالای رشته (امتیاز ۹.۲۱ از ۱۰)، امکان بروز توانمندی های فردی (۸.۲۱ از ۱۰)، تناسب با علایق علمی (۷.۶ از ۱۰)، ماهیت شغل (۷.۴ از ۱۰) بودند. جذابیت و پویایی رشته، فعالیت مادام العمر و امکان فعالیت مستقل و در مرحله بعد، تناسب با ارزش های فردی جزو عوامل تاثیر گذار بودند. صلاحدید والدین و اصرار نزدیکان به انتخاب رشته، کمترین نقش (۵.۴ از ۱۰) در تقاضای ورود به رشته را دارا بود. تفاوت معنی داری در عوامل مرتبط بر تقاضای ورود به رشته در بین مرد و زن در امکان بروز توانمندی های فردی ($p=0.03$)، ماهیت شغل ($p=0.05$)، ارزش های فردی ($p=0.01$) و تناسب با علایق علمی فرد ($p=0.001$) مشاهده شد. تفاوت معنی داری در عوامل مرتبط در تقاضای ورود به رشته در بین دانشجویان ورودی سالهای مختلف دیده نشد.

نتیجه گیری

در این پژوهش، جایگاه اجتماعی فارغ التحصیلان بیشترین و اصرار نزدیکان کمترین نقش در تقاضای ورود به رشته را بخود اختصاص داده بود. نقش کم اطرافیان در این تقاضا نشان از ریشه دار بودن تقاضا در تمایلات فردی دارد. ثبات در عوامل موثر در بین دانشجویان سنوات مختلف، موید این معنی است. از طرفی بنظر میرسد بین انگیزه ها برای تقاضا، بین دو جنس تفاوت هایی وجود دارد.

کلمات کلیدی: رشته پزشکی، تقاضای ورود به رشته، عوامل مرتبط

^۱ مریم موسوی بزاز*

^۲ نفیسه موسوی بزاز

^۳ ملیحه نوبخت

۱،۲- دانشجوی پزشکی دانشگاه علوم پزشکی

مشهد، مشهد، ایران

۳- کارشناس ارشد آموزش پزشکی، دانشگاه علوم

پزشکی مشهد، مشهد، ایران

* مشهد- دانشگاه علوم پزشکی مشهد، دانشکده

پزشکی

Email: mousavimaryam42@gmail.com

بررسی سطح اضطراب در دانش آموزان مقطع ابتدایی مدارس شهر گرگان

خلاصه

مقدمه

اضطراب از اختلالات مهم بهداشت روانی کودکان و نوجوانان است که متأثر از عوامل درونی و محیطی مختلف می باشد. این مطالعه با هدف بررسی مقایسه ای سطح اضطراب در فرزندان دبستانی مادران شاغل با مادران غیر شاغل در شهر گرگان در سال ۱۳۹۲ انجام شد.

روش کار

در این مطالعه ی توصیفی- تحلیلی و مقطعی، ۷۴۵ دانش آموز دختر و پسر مقطع ابتدایی مدارس دولتی و غیرانتفاعی شهر گرگان با روش نمونه گیری ترکیبی (طبقه ای و خوشه ای) انتخاب شدند. برای جمع آوری داده ها، پرسشنامه ی ۳۸ سؤالی مقیاس اضطراب کودکان اسپنس (SCAS) مورد استفاده قرار گرفت. داده های حاصل نیز با استفاده از نرم افزار آماری SPSS-21 و آزمون های کای دو و تی تست آنالیز گردید. مقادیر P کمتر از ۰/۰۵ به عنوان سطح معناداری در نظر گرفته شد.

نتایج

نتایج نشان داد که میانگین سنی دانش آموزان $9/4 \pm 1/65$ سال بود که ۳۸/۴٪ آن ها مذکر و ۶۱/۶٪ مؤنث بودند. ۶۱/۹٪ از دانش آموزان، مادران شاغل و ۳۸/۱٪ مادران غیرشاغل داشتند. نمره ی کل مقیاس اضطراب کودکان اسپنس برای نمونه های مورد بررسی، $22/72 \pm 22/74$ بود. بین دو گروه دانش آموزان با مادران شاغل و غیرشاغل و بین دو جنس از لحاظ ریزمقیاس های مورد بررسی، اختلاف آماری معناداری مشاهده شد ($P < 0/05$). ترس از آسیب جسمی و اضطراب جدایی، شایع ترین اختلالات و ترس از فضای باز نیز کمترین شیوع را داشت. همچنین شیوع اختلالات اضطرابی در دانش آموزان با مادران غیرشاغل با میزان تحصیلات پایین تر، در جنس دختر، در خانواده های با فرزندان کمتر و دانش آموزان مدارس دولتی بیشتر بود.

نتیجه گیری

مطالعه ی حاضر نشان داد که شیوع اختلالات اضطرابی در دانش آموزان با مادران غیرشاغل و در میان دختران بیشتر است. از این رو توجه بیشتر به سلامت روانی مادران و دانش آموزان با در نظر گرفتن نقش مهم آن ها در خانواده و اجتماع، ضروری به نظر می رسد.

کلمات کلیدی: اضطراب، فرزندان، مادران شاغل، غیرشاغل، گرگان

^۱ فیروزه درخشانیپور

^۲ حمیده ایزدیار

^۳ نجمه شاهینی*

۱- استایار گروه روانپزشکی، مرکز تحقیقات روانپزشکی گلستان، دانشگاه علوم پزشکی گلستان، گرگان، ایران

۲- دانشجوی پزشکی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی گلستان

۳- دستیار تخصصی روانپزشکی، مرکز تحقیقات روانپزشکی و علوم رفتاری، بیمارستان ابن سینا، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

* مشهد- دانشگاه علوم پزشکی مشهد، دانشکده پزشکی، بیمارستان ابن سینا، مرکز تحقیقات روانپزشکی و علوم رفتاری

Email: Shahinin921@mums.ac.ir

برآورد بقای بیماران مبتلابه سرطان پستان در استان اردبیل و تعیین عوامل موثر بر آن

خلاصه

مقدمه

سرطان پستان شایع ترین سرطان در خانم ها و دومین علت مرگ ناشی از سرطان پس از سرطان ریه می باشد. میزان بقا شاخص مهمی جهت ارزیابی تاثیرات روشهای درمانی و تشخیصی در سرطان پستان میباشد. هدف از این مطالعه تعیین میزان بقا به روش مدل پارامتری رگرسیون وایبل و بررسی عوامل موثر بر آن در بیماران مبتلا به سرطان پستان در استان اردبیل می باشد.

روش کار

مطالعه توصیفی تحلیلی از نوع تحلیل بقا بصورت گذشته نگر بر روی ۱۶۱ پرونده بیماران مبتلا که از سال ۱۳۸۲ تا پایان سال ۱۳۸۷ در مرکز ثبت سرطان استان اردبیل وجود داشت، مورد بررسی قرار گرفت. در این مطالعه اثر متغیرهای سن، جنس، محل، تومور، محل سکونت، نوع درمان ارزیابی شد برای برآورد بقا و عوامل موثر بر بقا از مدل پارامتری رگرسیون وایبل تعیین گردید. داده ها با استفاده از نرم افزار Stata 12 و spss20 تحلیل شدند.

نتایج

کم ترین سن هنگام تشخیص ۱۹ سال و بالاترین سن تشخیص ۸۶ سال با میانگین و انحراف معیار 45.5 ± 11.97 سال بود. میانگین و میانه ی بقای این بیماران به ترتیب ۳۷ و ۳۶ ماه بود. با استفاده از مدل رگرسیون وایبل متغیرهای سن، درمان جراحی، دارو، نوع درمان، محل سکونت، بر میزان بقای بیماران تاثیر معنی داری نداشتند. بیماران در استان به طور متوسط بعد از تشخیص تا ۴۸/۸ سالگی عمر میکنند. $4(2/4)\%$ نفر از بیماران در هنگام تشخیص فوت شده بودند یعنی کمترین زمان بقا از زمان تشخیص تا زمان فوت صفر بود و بیشترین زمان بقا ۸۹ ماه بود.

نتیجه گیری

میانگین سن تشخیص در اردبیل با سایر مطالعات انجام شده در سایر نقاط کشور تقریباً هماهنگ است، ولی نسبت به جوامع توسعه یافته ۲ دهه کمتر می باشد. عدم تشخیص و مراجعه ی به موقع بیماران و عدم وجود امکانات درمانی مناسب در استان از علل میزان بقای پایین تر سرطان سینه در این استان می باشند. لذا آموزش به خانم ها جهت شناسایی سرطان پستان در مراحل اولیه و انجام برنامه های غربالگری مناسب باید با جدیت بیش تر توسط مراکز بهداشتی دنبال شود.

کلمات کلیدی: میزان بقا، سرطان پستان، رگرسیون وایبل

۱ سیما بیک*

۲ جمشید یزدانی چراتی

۳ فیروز امانی

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد آمار زیستی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مازندران

۲- دانشیار گروه آمار زیستی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مازندران، ساری

۳- دانشیار گروه پزشکی اجتماعی دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی اردبیل

* ساری- دانشگاه علوم پزشکی مازندران، دانشکده بهداشت، کمیته تحقیقات دانشجویی

Email: amisb67@gmail.com

بررسی اثر سمیت عصاره گل همیشه بهار بر روی رده سلولی Huh7

خلاصه

مقدمه

گل همیشه بهار یک داروی ضد التهاب و ضد عفونی کننده است و دارای خواص آنتی اکسیدانی، حفاظت از سلولهای کبدی و آنتی متاستازی، فعالیت ضد ویروسی و ضد سرطانی می باشد. Huh7 یک رده سلولی نامیرا از سلول های کبدی است که از نظر شکلی شبیه به سلول های اپی تلیال می باشند. هدف از انجام این مطالعه ارزیابی میزان سمیت عصاره گل همیشه بهار بر روی رده سلولی انسانی Huh7 بود.

روش کار

سمیت سلولی عصاره گل همیشه بهار توسط تست MTT مورد ارزیابی قرار گرفت. در این روش میزان ۱۰۰ میکرولیتر محیط کشت DMEM حاوی ۱۰۴ سلول Huh7 در هر چاهک پلیت ۹۶ خانه قرار داده شد. پس از ۲۴ ساعت از غلظت اولیه عصاره گل همیشه بهار، رقت های مختلف (۱/۲) تهیه و به میزان ۱۰۰ میکرولیتر به سلول ها اضافه شد. پس از ۲۴ ساعت به هر چاهک پلیت ۲۰ میکرولیتر (5mg/ml) MTT اضافه شد و بعد از ۴ ساعت بعد از خالی کردن چاهک ها به هر یک ۱۰۰ میکرولیتر DMSO اضافه گردید و سپس به وسیله دستگاه الایزا در طول موجهای ۵۴۵ و ۶۳۰ نانومتر جذب هر چاهک تعیین گردید. تست ها به شکل تکرار سه تایی بررسی شد.

نتایج

نتایج تست MTT نشان داد که عصاره گل همیشه بهار (با غلظت اولیه 100 mg/ml) در غلظت های کمتر از 50 µg/ml بر روی سلول سلول های Huh7 غیر کشنده بود.

نتیجه گیری

با توجه به غلظت غیر کشنده مناسب عصاره گل همیشه بهار می توان از این عصاره برای بررسی اثرات دارویی آن مانند اثرات ضد ویروسی و ضد سرطانی آن در کشت سلول استفاده کرد.

کلمات کلیدی: گل همیشه بهار، کشت سلول Huh7، تست MTT

^۱ خدیجه حق پناه*

^۲ فائزه قاسمی

^۳ سید موسی الرضا حسینی

^۴ سید عباس زجاجی

^۵ زهرا مشکات

۱،۵- مرکز تحقیقات مقاومت های میکروبی،

دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

۲- گروه زیست فناوری پزشکی، دانشکده

پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

۳- گروه گوارش و کبد، بیمارستان قائم (عج)،

دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

۴- گروه فارماکولوژی، دانشکده پزشکی،

دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

*مشهد-دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مرکز تحقیقات

مقاومت های میکروبی

Email: haghpanahk921@mums.ac.ir

Association of anthropometric measures with diabetes in Mashhad population applying logistic regression model

¹ Habibollah Esmaily

² Omid Kiani*

³ Hamid Heidarian Miri

⁴ Majid Ghayour-Mobarhan

1,2,3- Department of Biostatistics and Epidemiology, Health Sciences Research Center, School of Public Health, Mashhad University of Medical Sciences, Mashhad, Iran

4- Department of Biochemistry & Nutrition, School of Medicine, Mashhad University of Medical Sciences, Mashhad, Iran

* Department of Biostatistics and Epidemiology, Health Sciences Research Center, School of Public Health, Mashhad University of Medical Sciences, Mashhad, Iran

Email: kianibo911@mums.ac.ir

Abstract

Introduction: Diabetes is one of the chronic diseases with no curative treatment; also, it is the most common cause of amputation, blindness and chronic renal failure and the most important risk factor of heart diseases. Logistic regression is one of the statistical analysis models for predicting that can be used to find out the relationship between dependent and predictor independent variables and control of the confounding variables. The aim of this study was to estimate the association of diabetes with body mass index (BMI), waist to hip ratio (WHR), and waist circumference (WC) in the population of Mashhad aged 35 to 64 years.

Methods: We used data from cross sectional study Mashhad Study with a sample size of 9536 aged 35 to 64 living in Mashhad. All subjects underwent clinical examination including anthropometric measurements logistic regression can be used to predict whether a patient has a given disease (Diabetes considered as the response variable), based on observed characteristics (body mass index (BMI), waist-to-hip ratio (WHR), age, gender, waist circumference (WC), were considered as independent variables in the model. General and abdominal obesity were defined by using WHO criteria. All statistical analysis was performed by using software SPSS (version 16) and the significance level was set to 0.05 as usual.

Results: In this article, of the total sample size 41.6% was men and 58.4% was women. Mean and standard deviation of age were 45.04 and 8.96 respectively. In logistic regression analysis the odds ratio (OR) of having diabetes in subjects with general obesity (based on BMI) and abdominal obesity (based on WC and WHR) after adjustment for age was 1.74(1.33-2.29), 1.57(1.22-2.03) and 1.89(1.47-2.43) respectively in men, also 1.64(1.38-1.94), 1.90(1.52-1.61) and 2.00(1.52-2.61) respectively in women, $p < 0.001$). After adjustment for other anthropometrical indices, WHR was an independent predictor of diabetes in both sexes (OR of 1.25 and 1.60 in men and women respectively, $p < 0.001$) while with this critical BMI in women and WC in men lost their association with diabetes.

Conclusion: The logistic regression model was an appropriate model for the prediction of diabetes in this study. WHR is a suitable predictor of diabetes independent of BMI and WC in both sexes. In comparison to WHR, BMI in women and WC in men are not suitable indices for prediction of diabetes risk in Mashhad urban population. These findings could be used in local preventive and health policy plans.

Key words: Logistic Regression, Diabetes, Obesity, Odds Ratio

تحلیل محتوایی صفحات وب دیابت فارسی زبان برای طراحی سیستم پیشنهاد دهنده دیابت آنلاین ایران

خلاصه

مقدمه

نقش و آگاهی بیمار در کنترل بیماری‌های مزمن به خوبی اثبات شده است و از آنجایی که پزشکان معمولاً وقت کافی برای توضیح مفاهیم بیماری و آموزش دقیق به بیمار ندارند، اینترنت توانسته در آموزش بیماران به کار گرفته شود. این در حالیست که نظارتی بر مطالب موجود در اینترنت وجود ندارد و به همین دلیل امکان وجود اطلاعات مخدوش و غلط در اینترنت متصور است. محققین این پژوهش، با آگاهی به اهمیت دسترسی کاربران به اطلاعات سلامت آنلاین معتبر و صحیح، بر آن شدند تا به عنوان نمونه، در حوزه دیابت، بدلیل شیوع بالای آن در کشور و اهمیت کنترل بیماری توسط شخص بیمار، پس از گردآوری عوامل تاثیر گذار بر بیماری دیابت از مطالعات مختلف و اخذ نظر متخصص غدد و جمع آوری صفحات وب دیابت معتبر، سیستم پیشنهاد دهنده صفحات وب سلامت فارسی زبان در حوزه دیابت را جهت هدایت کاربران به سمت مرتبط‌ترین نتایج مورد نیازشان، طراحی نمایند.

روش کار

پارامترهای مهم در بیماری دیابت از متخصص غدد و منابع معتبر، استخراج و در جدولی جهت ساخت پروفایل کاربر، ذخیره گردید. با توجه به معیارهای ورود به مطالعه، ۹ وبسایت تخصصی دیابت، انتخاب شدند. تمام زیر لینک‌های هر وبسایت استخراج شدند. برای هر صفحه مراحل زیر طی شد:

(۱) کلمات کلیدی استخراج و بر اساس استاندارد SEO وزن‌دهی شدند.

(۲) ایست‌واژه‌ها و کلمات اضافی حذف گردیدند.

(۳) کلمات مترادف برای هر کلیدواژه با استفاده از فرهنگ لغت‌های مرتبط جمع‌آوری شد. مراحل ۱ و ۳ با هم ترکیب شد و پایگاه داده سیستم پیشنهاددهنده را تشکیل دادند. خروجی سیستم، برای هر کاربر، از ادغام اطلاعات پروفایل کاربر با کلمات کلیدی و مترادف‌هایش حاصل می‌شود.

نتایج

از بین ۳۴ وبسایت دیابت، ۹ وبسایت معتبر انتخاب شد، پس از انجام پاکسازی و حذف ۸۴۰۳۸۱۷ ایست‌واژه، بانک اطلاعاتی حاصل شامل: ۴۶۵۳ رکورد متمایز برای صفحات وب و ۳۰۳۸۴ رکورد متمایز، برای کلمات کلیدی بود. نتایج روی ۱۰ پیشنهاد اول سیستم، دارای میانگین Recall و precision ۸۰ درصد و بر روی ۲۰ پیشنهاد اول، ۶۷٪ بود.

نتیجه گیری

هر چند انجام مطالعات تحلیل محتوایی بر وبسایت‌های فارسی زبان، بدلیل کیفیت پایین وبسایت‌ها، از لحاظ ساختاری و برنامه‌نویسی مشکل است و عدم وجود استاندارد مشخص در نگارش و ساختارهای متفاوت نگارشی زبان فارسی، انجام تحقیقات گسترده در این زمینه را مشکل‌ساز می‌کند، با این وجود لزوم انجام بیشتر این مطالعات در حوزه سلامت، احساس می‌شود.

کلمات کلیدی: دیابت، سیستم پیشنهاددهنده، تحلیل محتوا

^۱ الهام اسدی*

^۲ سید محمود تارا

^۳ محمدرضا حسیبیان

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد انفورماتیک پزشکی،

دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

۲،۳- عضو هیات علمی گروه آموزشی انفورماتیک

پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

*مشهد- دانشگاه علوم پزشکی مشهد

Email: Asadie911@mums.ac.ir

بررسی رابطه دیابت با میزان فریتین سرمی در بیماران تالاسمی ماژور تحت پوشش مرکز آموزشی درمانی بیمارستان طالقانی گرگان

خلاصه

مقدمه

بیماری بتا تالاسمی ماژور یکی از شایع ترین بیماری های ژنتیکی در ایران و به ویژه در شمال کشور و استان گلستان می باشد که در آن تولید هموگلوبین طبیعی دچار نقص شده است. تزریق مکرر خون موجب رسوب آهن در بافت های مختلف چون قلب و پانکراس و غدد درو ریز و ناکارایی آن عضو می شود و همچنین می تواند باعث بیماری های قلبی و دیابت و ناتوانی و مرگ زودرس را شود. با توجه به مطالعات محدود انجام شده در ایران، مطالعه ای با هدف بررسی رابطه دیابت با میزان فریتین سرمی در بیماران تالاسمی ماژور تحت پوشش مرکز آموزشی درمانی بیمارستان طالقانی انجام شد.

روش کار

این مطالعه توصیفی تحلیلی - مقطعی است که بر روی کلیه بیماران تالاسمیک بالای ۵ سال مراجعه کننده به مرکز آموزشی درمانی کودکان طالقانی انجام شد. بیماران بر اساس فریتین به دو گروه کنترل خوب (فریتین زیر ۲۰۰۰) و کنترل ضعیف (فریتین بالای ۲۰۰۰) تقسیم بندی شدند و قند خون ناشتای آنان اندازه گیری شد. متغیرهای دیگر مانند مدت زمان مصرف دیسفرال، مقدار کل خون دریافتی، سابقه فامیلی مثبت از نظر دیابت، بیماری های کبدی از جمله هپاتیت B و C، بعنوان متغیرهای مستقل مورد بررسی قرار گرفتند. همه داده ها در چک لیستی ثبت شد و پس از ورود به نرم افزار SPSS16 مورد تجزیه و تحلیل آماری قرار گرفت.

نتایج

بررسی ۱۵۰ بیمار تالاسمیک نشان داد که ۷۷ نفر (۵۱٫۳٪) مرد و ۷۳ نفر (۴۸٫۸٪) زن می باشند. شیوع دیابت در مردان ۴۴٫۳٪ و در زنان ۱۱٪ بود. سطح فریتین سرم مستقیماً با بیماری دیابت مرتبط بود. اکثر بیماران دیابتی (۷۳٪) جزء گروه کنترل ضعیف قرار داشتند. ۵۳٪ از بیماران دیابتی دارای سابقه فامیلی مثبت بودند. ($P<0.003$) آزمون آماری χ^2 (کای- دو) رابطه آماری معناداری را بین جنس و اسپلنکتومی با دیابت در بیماران تالاسمیک نشان نداد. ($P>0.5$) ولی نسبت شیوع دیابت در افراد هپاتیتی ۱/۸ برابر افراد غیر دیابتی می باشد. واحد های خون تزریقی در بیماران دیابتی بسیار بیشتر نسبت به غیر دیابتی ها بود. ($P<0.001$)

نتیجه گیری

دیابت یکی از عوارض دیر هنگام هموسیدروز ثانویه به تزریق خون می باشد که با کنترل دقیق فریتین و هموگلوبین می توان ابتلا به آن و سایر عوارض اندوکراین را به تعویق انداخت.

کلمات کلیدی: تالاسمی ماژور، دیابت ملیتوس، عوارض اندوکراین، فریتین، هپاتیت B و C

^۱ مریم منتظری

^۲ مائده برزگر *

^۳ آتنا مهر

^۴ فرزانه سرای لو

^۵ آرش رضایی

^۶ سکینه محمدیان

^۷ حمیدرضا بذرافشان

^۸ محمد علی وکیلی

^{۱،۲،۳،۵} - دانشجوی پزشکی، کمیته تحقیقات

دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی گلستان

^۴ - دانشجوی بهداشت عمومی، کمیته تحقیقات

دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی گلستان

^۶ - متخصص کودکان، استادیار گروه کودکان،

دانشگاه علوم پزشکی گلستان

^۷ - فوق تخصص غدد درون ریز و متابولیسم،

استادیار دانشگاه علوم پزشکی گلستان

^۸ - دکترای آمار زیستی، عضو هیئت علمی دانشگاه

علوم پزشکی گلستان

* گرگان- دانشگاه علوم پزشکی گلستان، کمیته

تحقیقات دانشجویی

Email: marine.montazeri@yahoo.com

نقش عملکرد شغلی بر موفقیت شغلی و اعتماد به نفس

خلاصه

مقدمه

در مطالعات مختلف، عواملی نظیر مشارکت جمعی و سابقه شغلی، توانایی های شناختی و تجارب، نیاز به پیشرفت، تجربه و سن بر عملکرد شغلی تاثیر مثبتی دارند. از آنجا که منابع انسانی از مهم ترین سرمایه های هر سازمان به شمار می رود، بررسی و شناسایی عوامل مرتبط با این منابع که می تواند بر عملکرد شغلی آن ها موثر باشند، از اهمیت روز افزونی برخوردار است. لذا مطالعه حاضر با هدف تعیین ارتباط میان عملکرد شغلی با میزان موفقیت و اعتماد به نفس در کارمندان ستاد دانشگاه علوم پزشکی شهر کرد انجام گرفت.

روش کار

پژوهش حاضر یک مطالعه تحلیلی مقطعی است. جامعه آماری این مطالعه شامل ۲۴۰ نفر از کارمندان ستاد دانشگاه علوم پزشکی شهر کرد بوده که ۸۶ نفر به روش نمونه گیری تصادفی ساده وارد مطالعه شدند. به منظور بررسی نقش عملکرد شغلی بر موفقیت شغلی و اعتماد به نفس کارکنان از ابزارهای پژوهشی شامل پرسشنامه های اطلاعات دموگرافیک، عملکرد شغلی پاترسون، موفقیت شغلی رادسیپ و اعتماد به نفس آیزنگ استفاده گردید. از روش های آمار توصیفی، ANOVA، اسپیرمن، t-test برای مقایسه داده های عددی و ضریب همبستگی پیرسون برای بررسی رابطه بین متغیرها استفاده شد. تمامی داده ها با استفاده از نرم افزار SPSS۱۹ در سطح معنی داری P کمتر از ۰/۰۵ تجزیه و تحلیل شدند.

نتایج

یافته های دموگرافیک نشان دادند از ۸۶ فرد مورد مطالعه ۴۹ نفر زن (۵۷٪) و ۳۷ نفر مرد (۴۳٪) با میانگین سنی ۳۹/۸۵±۷/۶ سال بودند. که در این میان ۱۶ نفر مجرد و ۷۰ نفر بودند. از لحاظ سابقه کاری ۲۰/۹٪، کمتر از ۵ سال و ۱۴٪، ۵-۱۰ سال و ۹/۳٪، ۱۰-۱۵ سال و ۵۵/۸٪، بالای ۱۵ سال سابقه داشتند. همچنین نتایج نشانگر عدم وجود رابطه معناداری بین اطلاعات دموگرافیک با عملکرد و موفقیت شغلی و اعتماد به نفس با شاخص اطمینان ۹۵٪ بودند. عملکرد شغلی و اعتماد به نفس با هم همبستگی مثبت و رابطه معنی داری دارند ($P<0/05$). طبق ضریب همبستگی اسپیرمن رابطه معناداری میان عملکرد شغلی و موفقیت شغلی دیده نشد ($P=0/19$).

نتیجه گیری

با توجه به نتایج این پژوهش که برای نخستین بار نقش عملکرد شغلی را بر موفقیت و اعتماد به نفس کارکنان می سنجد میان عملکرد شغلی و اعتماد به نفس رابطه مستقیمی وجود دارد؛ لذا پیشنهاد می گردد به دلیل وجود رابطه متقابل بین عملکرد شغلی و اعتماد به نفس، مسئولان با تقویت اعتماد به نفس پرسنل، زمینه بهبود عملکرد و در نتیجه موفقیت شغلی پرسنل را فراهم سازند.

کلمات کلیدی: عملکرد شغلی، موفقیت شغلی، اعتماد به نفس، کارمندان

۱ صدرا انصاریپور*

۲ ساناز فصیحی

۳ افسانه ملک پور تهرانی

۱- کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده پزشکی

دانشگاه علوم پزشکی شهر کرد، شهر کرد، ایران

۲- استادیار گروه پزشکی اجتماعی، دانشگاه علوم

پزشکی شهر کرد، شهر کرد، ایران

۳- گروه پرستاری دانشگاه علوم پزشکی شهر کرد،

شهر کرد، ایران.

* شهر کرد- دانشگاه علوم پزشکی شهر کرد، دانشکده

پزشکی، کمیته تحقیقات دانشجویی

Email: ansaripour_sadra@yahoo.com

Normal black kidney: a case report

¹ Aliasghar Yarmohamadi

² Alireza Akhavan Rezayat

³ Bahram Memar

⁴ Hamidreza Rahimi

⁵ Cand P

⁶ Arash Akhavan Rezayat

⁷ Mohammad Ramezani*

1,2- Department of Urology, Ghaem Educational General Hospital, School of Medicine, Mashhad University of Medical Sciences, Mashhad, Iran

3,4- Surgical Oncology Research Center, Imam Reza Hospital, Faculty of Medicine, Mashhad University of Medical Sciences, Mashhad, Iran

5,6,7- Student Research committee, School of Medicine, Mashhad University of Medical Sciences, Mashhad, Iran

* Student Research committee, School of Medicine, Mashhad University of Medical Sciences, Mashhad, Iran
Email: ramezanimh931@mums.ac.ir

Abstract

Introduction: A black kidney has 3 major differential diagnoses: hemosiderosis, lipofuscin pigment and melanotic renal cell carcinoma. Excluding lipofuscin, the other 2 are accompanied by an abnormal renal function.

Case report: We report on a 25-year-old man who intended to donate a kidney to his cousin. On the operating room table when we incised the left flank region and exposed the kidney, we found a firm and black kidney so the operation was cancelled due to potential vascular injuries. Days after the incomplete procedure, we reviewed the donor's biochemistry and imaging to reassess his renal function, but the results showed quite normal renal function again. The result of Ham test was also negative. Two weeks later, we began the operation, removed the same left kidney and found that it was in the same conditions as it was before. We took the opportunity to send needle biopsies of the kidney for histopathologic analysis. The analysis showed a melanotic kidney without pathological changes in glomeruli and interstitium and vessels.

Conclusion: A black kidney may result in hemosiderin, lipofuscin or melanin deposits in the kidney, which can confirm the diagnosis; however, special tests for underlying disease and renal function should be considered. Some causes of black kidney lead to abnormal function, but our patients' kidney returned to normal.

Key words: Black Kidney, hemosiderosis, lipofuscin pigment, melanotic renal cell carcinoma

تأثیر ماساژ در نوزادان نارس بستری در بخش مراقبت ویژه نوزادان بیمارستان بنت الهدی بجنورد- نیم سال دوم ۱۳۹۳

خلاصه

مقدمه

تحریکات حسی از نیازهای اساسی بشر به خصوص برای رشد و تکامل است. امروزه استفاده از طب مکمل و جایگزین در حال افزایش بوده و لمس به عنوان یکی از روش‌ها، شناخته شده است. نوزاد بستری در بخش مراقبت ویژه نوزادان بسیار کم تحت لمس قرار می‌گیرد. دستکاری اضافه باعث دیسترس فیزیولوژیک (هیپوکسی، و تغییرات ضربان قلب) می‌شود. لمس یا تکلم بی‌صدا یک احساس فیزیولوژیک است که در نتیجه دریافت گیرنده‌های حس لامسه در پوست و تجزیه و تحلیل آن در مغز به وجود می‌آید. به همین منظور مطالعه‌ای با هدف بررسی تأثیر ماساژ بر روی پاسخ‌های فیزیولوژیک نوزاد نارس و اطمینان از کاربرد آن انجام گرفت.

روش کار

یک کارآزمایی بالینی بر روی ۲۵ نوزاد نارس بستری در بخش NICU و مشخصات واحد پژوهش را دارا بوده، مداخله به طور روزانه طی سه نوبت ۱۵ دقیقه‌ای در سه ساعت متوالی به مدت ۵ روز انجام شد. تعداد ضربان قلب، تنفس و درصد اشباع اکسیژن در ۴ مرحله (قبل از شروع مداخله، ۵ دقیقه قبل و ۵ دقیقه بعد از ماساژ و ۱۵ دقیقه بعد از ماساژ) ثبت شد.

نتایج

میانگین تعداد ضربان قلب در زمان پایه ۱۲۶/۳۰، در زمان یک ۱۲۹/۶۰، در زمان دو ۱۳۳/۲۶ و در زمان سه ۱۳۹/۶۸ بود که تفاوت آماری معناداری بین ۴ مرحله وجود داشت ($P<0/001$). تفاوت آماری معناداری بین ۴ مرحله میانگین تعداد تنفس وجود داشت ($P<0/001$) و تفاوت آماری معناداری بین ۴ مرحله درصد اشباع اکسیژن وجود داشت ($P<0/005$).

نتیجه گیری

از آنجایی که تحقیقات این سه متغیر در محدوده قابل قبول می‌باشد، می‌توان نتیجه گرفت که لمس بر فیزیولوژی نوزاد نارس تأثیر دارد. استفاده از این تکنیک در کنار روش‌های رایج نوزاد نارس در روند سیر بهبودی و تکامل نوزاد نارس مؤثر می‌باشد. به دلیل نقش کلیدی پرستار در ارائه مراقبت به نوزاد نارس مداخله ماساژ، آموزش این تکنیک حائز اهمیت می‌باشد تا باعث ارتقای علمی حرفه پرستاری شود.

کلمات کلیدی: نوزاد نارس، ماساژ، لمس

^۱ اشرف فیضی

^۲ مهوان خداپرست*

۱- مدیر پرستاری، بیمارستان بنت‌الهدی، دانشگاه

علوم پزشکی خراسان شمالی، ایران

۲- دانشجوی کارشناسی ارشد مراقبت ویژه

نوزادان، سوپروایزر بالینی، بیمارستان بنت‌الهدی،

دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی، ایران

* بجنورد- دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی،

بیمارستان بنت‌الهدی

Email:

khodaparast.mahvan@gmail.com

بررسی ارتباط دینداری با افسردگی، استرس، اضطراب در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی دزفول در سال ۱۳۹۴

خلاصه

مقدمه

اختلالات خلقی و رفتاری در جوامع امروز بسیار مشهود است، به عبارتی کمتر کسی در برابر اختلالات روانی مصونیت دارد. مطالعات نشان می‌دهد که میزان شیوع اختلالات و بیماری‌های روانی در بین دانشجویان در حال افزایش است. با وجود اهمیت آشکار ارتباط و تاثیر دینداری و استرس، اضطراب، افسردگی هیچ پژوهشی تا به هنگام با این موضوع در ایران انجام نشده است. بنابراین پژوهش حاضر برای اولین بار، باهدف تعیین ارتباط و تاثیر دینداری بر اضطراب، استرس، افسردگی در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی دزفول، انجام شد.

روش کار

پژوهش حاضر از نوع مطالعات توصیفی-تحلیلی و مقطعی در سال ۱۳۹۴، و به صورت تصادفی بر روی ۱۶۵ نفر از دانشجویان رشته‌های مختلف دانشگاه، انجام گرفت. گردآوری اطلاعات با استفاده از سه پرسشنامه بود. پرسشنامه اول، اطلاعات دموگرافیک شامل سن، جنس، رشته تحصیلی، سال ورود، معدل، و پرسشنامه دوم، پرسشنامه DASS21 با آلفای کرونباخ ۰/۸۸ بود، که تغییرات خلقی اخیر و سازه‌های روانی افسردگی، استرس، اضطراب را توسط ۷ عبارت مختلف مورد ارزیابی قرار می‌دهد، و پرسشنامه سوم، پرسشنامه استاندارد گلاک و استارک با آلفای کرونباخ ۰/۸۳ بود، که الگوی دینداری را از ابعاد اعتقادی، تجربی، پیامدی و مناسکی بررسی می‌کند. معیار ورود پس از آگاهی از هدف پژوهش و اطمینان به محرمانه بودن اطلاعات شخصی رضایت فرد، و معیار خروج کامل پر نکردن آیت‌های پرسشنامه‌ها در نظر گرفته شد. داده‌های حاصل با استفاده از نرم افزار SPSS21 و آزمون همبستگی پیرسون و لون برابر واریانس، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

نتایج

دانشجویان مورد مطالعه ۴۷/۹٪ (نفر ۷۹) مذکر و ۵۲/۱٪ (نفر ۸۶) مونث، با میانگین سنی 21.4 ± 2.9 بودند. دینداری از نظر بعد اعتقادی در حد قوی (۵۹/۱ درصد)، بعد عاطفی قوی (۷۴/۵ درصد)، بعد پیامدی متوسط (۶۰/۹ درصد)، بعد مناسکی متوسط (۶۳/۶ درصد) و میزان دینداری کلی دانشجویان در حد قوی (۷۷/۳ درصد)، بیشترین نمونه را به خود اختصاص داده بود. بررسی نشان داد که میزان دینداری در دو جنس متفاوت ($t=2/23$ $p=0/026$) و دانشجویان دختر از دینداری بالاتری برخوردار بودند. دینداری با رشته، سال ورود و سن ارتباط آماری نداشت. همچنین میزان افسردگی در حد متوسط (۵۶/۴ درصد)، اضطراب متوسط (۳۶/۴ درصد) و استرس خفیف (۵۱/۸ درصد) گزارش شد. نتایج نشان داد که افسردگی دانشجویان پسر، بیش از دختران است ($t=2/18$ $p=0/028$). بین افسردگی، استرس و اضطراب با سن، رشته و سال ورود دانشجویان تفاوت معنادار آماری وجود نداشت ($P>0/05$). همچنین مشاهده شد که تقریباً افرادی که از دینداری بالایی برخوردار بودند، نمره افسردگی کمتری داشتند، ولی با این حال دینداری با افسردگی ($r=-0/106$ $P=0/27$)، اضطراب ($r=-0/040$ $P=0/67$) و استرس ($r=0/048$ $P=0/61$) هیچ رابطه خطی معناداری نداشت.

نتیجه گیری

علی رغم انتظار، ارتباط بین دینداری با استرس، اضطراب، افسردگی نتیجه معنادار آماری نداشت. بنابراین چون برای اولین بار این ارتباط بررسی شده است، توصیه می‌شود که پژوهشگران علاقه مند، همین موضوع را در دانشگاه‌های دیگر و با جامعه آماری بالاتر انجام دهند.

کلمات کلیدی: دینداری، استرس، اضطراب، افسردگی، دانشجویان

^۱ محمد فیروزبخت*

^۲ رضا نظرزاده

^۳ مجتبی راجی

^۴ فائزه پورموسوی

^{۱،۲،۳} - کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم

پزشکی دزفول، دزفول، ایران

^۴ - دانشجوی دکتری حرفه ای داروسازی، دانشگاه

علوم پزشکی اهواز، اهواز، ایران

* دزفول- دانشگاه علوم پزشکی دزفول، کمیته

تحقیقات دانشجویی

Email: mfiroozbakhtdums@gmail.com

بررسی میزان پایبندی دینی و عوامل موثر بر آن در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی دزفول در سال ۱۳۹۴

خلاصه

مقدمه

علم و دین دو نیروی مسلط و غالب در اجتماعند. در دانشگاههای ایران در حال حاضر این دو مجموعه ارزشی در کنار یکدیگر و گاه در چالش باهم حضور دارند و دانشجویان به درجاتی از این دو مجموعه ارزشی، تأثیر می‌پذیرند. از سوی دیگر دین از طریق انتقال ارزشها به نسل جوان و نوجوان، آینده هر جامعه‌ای را تحت تأثیر قرار می‌دهد. مطالعه حاضر در پی آن است که وضعیت باورها، اعتقادات و رفتارهای دینی دانشجویان را در ابعاد مختلف بسنجد، و نگرشهای مذهبی این گروه و عوامل مؤثر بر آن را بررسی کند.

روش کار

مطالعه حاضر از نوع مطالعات توصیفی-تحلیلی و به صورت مقطعی در سال ۱۳۹۴ انجام گرفت. در این پژوهش به صورت تصادفی ۱۹۰ پرسشنامه بین دانشجویان رشته‌های مختلف دانشگاه علوم پزشکی دزفول توزیع شد، و پس از آگاهی از هدف پژوهش و اطمینان به محرمانه بودن اطلاعات شخصی، ۱۶۵ پرسشنامه بصورت کاملاً پر شده باز گردانده شد. گردآوری اطلاعات با استفاده از دو پرسشنامه اطلاعات دموگرافیک شامل سن، جنس، رشته تحصیلی، سال ورود، معدل، و پرسشنامه استاندارد گلاک و استارک بود، که الگوی دینداری را از ابعاد اعتقادی، تجربی، پیامدی و مناسکی بررسی می‌کند. روایی و پایایی این پرسشنامه در مطالعات مختلف بر روی نمونه‌های متفاوت، مورد تأیید قرار گرفته، و آلفای کرونباخ آن برای بعد اعتقادی ۰/۸۱، بعد عاطفی ۰/۷۵، بعد پیامدی ۰/۷۲ و بعد مناسکی ۰/۸۳ می‌باشد. معیار ورود رضایت شخصی فرد، و معیار خروج عدم رضایت و کامل پر نکردن آیت‌های پرسشنامه در نظر گرفته شد. داده‌ها با استفاده از نرم افزار SPSS 11/5 و آزمون t مستقل، همبستگی پیرسون و لون برابر واریانس‌ها مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

نتایج

دامنه سنی دانشجویان مورد مطالعه بیشتر بین ۲۰-۲۴ سال (۸۹/۱٪) و ۴۷/۹٪ (۷۹ نفر) نمونه‌ها را مردان و ۵۲/۱٪ (۸۶ نفر) را زنان تشکیل می‌دادند. میزان دینداری از نظر بعد اعتقادی در حد قوی (۵۹/۱ درصد)، بعد عاطفی قوی (۷۴/۵ درصد)، بعد پیامدی متوسط (۶۰/۹ درصد) و بعد مناسکی در حد متوسط (۶۳/۶ درصد) بیشترین فراوانی را داشتند. میزان دینداری کلی دانشجویان در حد قوی (۷۷/۳ درصد) گزارش شد. میزان دینداری دانشجویان هوشبری میانگین نمره کمتر و دانشجویان اتاق عمل میانگین بیشتری نسبت به سایر رشته‌ها داشتند، با این حال دینداری با رشته و سال ورود دانشجویان ارتباط معنادار آماری نداشت ($P>0/05$). بعد اعتقادی، عاطفی و پیامدی در دانشجویان دختر و پسر یکسان، اما بعد مناسکی متفاوت ($t=2/23$ $p=0/026$) و دانشجویان دختر از بعد مناسکی بالاتری برخوردار بودند. همچنین بین میزان دینداری با سن رابطه معناداری در سطح ۰/۰۵ مشاهده نشد.

نتیجه‌گیری

یافته‌های تحقیق نشان داد میزان دینداری دانشجویان در حد متوسط روبه بالاست. این موضوع ضرورت تلاش فرهنگی بیشتر مسئولان دانشگاه را با ابزار و رسانه‌های جدید، برای ارتقا و تعمیق فرهنگ دینی دانشجویان، گوشزد می‌کند.

کلمات کلیدی: دینداری، میزان پایبندی دینی، الگوی گلاک و استارک، ابعاد دینداری، دانشجویان

محمد فیروزبخت*

احسان بهرام پور

منا مشکوریا

رضا نظرزاده

امین گرامی

مجتبی راجی

کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی

دزفول، دزفول، ایران

* دزفول- دانشگاه علوم پزشکی دزفول، کمیته

تحقیقات دانشجویی

Email: mfiroozbakhtdums@gmail.com

بررسی سمیت سلولی درموباند بر روی محیط کشت سلولهای قلب انسان رده H9C2 با روش رقیق سازی عصاره

خلاصه

مقدمه

اخیرا ۱-۲ اکتیل سیانوآکریلات که با نام تجاری درموباند معروف است اغلب در انواع جراحی ها به عنوان چسب جایگزین بخیه استفاده می شود. از این رو می بایست دارای سازگاری بافتی و عدم سمیت سلولی باشد. هدف این مطالعه بررسی سمیت سلولی درموباند بر روی سلولهای قلب انسان رده H9C2 بوسیله روش MTT Assay بود.

روش کار

در این مطالعه ابتدا سلولهای H9C2 در فلاسک های ۵۰ cc کشت سلولی، کشت داده شدند و سپس از یک کپسول درموباند بلوک های پلیمری به شکلهای استوانه ای با وزن تقریبی ۱/۳ گرم ساخته شد و پس از ۲۴ ساعت در رطوبت ۱۰۰٪ و درجه حرارت ۳۷ C به منظور سخت شدن (settled) انکوبه گردید. سپس این بلوک ها با توجه به وزن، درون محیط کشت DMEM به مدت پنج شبانه بر روی شیکر انکوباتور قرار داده شد تا تمام مواد موثره حل شدنی آن در محیط آزاد گردد. بر اساس وزن بلوک مورد نظر عصاره تهیه شده با رقت های مختلف برای افزودن به سلولها آماده گردید. عصاره آزاد شده از درموباند بمدت ۲۴،۴۸ و ۷۲ ساعت ۴ و ۶ روز در محیط کشت و در مجاورت با سلولها، وضعیت سلولها از نظر کیفی و کمی مورد ارزیابی قرار گرفتند.

نتایج

در بررسی نتایج آزمون MTT پس از ۷۲ ساعت، بین کلیه رقتهای عصاره حاصل از چسب با گروه کنترل که هیچگونه عصاره ای دریافت نکرده بودند اختلاف معنی داری وجود نداشت ($P>0.05$). همچنین عصاره مذکور باعث کاهش و عدم رشد تنها ۱۵٪ سلولها شد که این مطلب نشاندهنده عدم وجود سمیت درموباند برای سلولهای قلب می باشد. در بررسی کیفی بر روی سلولهای H9C2 توسط میکروسکوپ فاز معکوس، عصاره آزاد شده از درموباند اثر سیتوتوکسیسیته پس از یک هفته نشان نداد.

نتیجه گیری

با توجه به ارزیابی کیفی و کمی انجام شده علیرغم اینکه درموباند ماده توکسیک از خود نشت می کند اما بر این ماده برای سلولهای قلب انسان سمیت سلولی ندارد.

کلمات کلیدی: رده سلولی اپیتلیال قلب انسانی H9C2، سمیت سلولی، درموباند، MTT

^۱ سیمافشارنژاد

^۲ حسین جلالی راد*

۱- مرکز تحقیقات نوآوری پزشکی، گروه بیوشیمی

دانشکده پزشکی دانشگاه آزاد اسلامی مشهد

۲- دانشجوی پزشکی دانشکده پزشکی دانشگاه

آزاد اسلامی واحد مشهد

* مشهد- دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد، دانشکده

پزشکی

Email: iran2rad@gmail.com

بررسی میزان شیوع واژینیت تریکومونایی و ارتباط آن با دیابت در مراجعه کنندگان به درمانگاههای زنان بیمارستان های دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران در سال ۱۳۹۲

خلاصه

مقدمه

این مطالعه به منظور بررسی میزان شیوع واژینیت تریکومونایی و ارتباط آن با دیابت در مراجعه کنندگان به درمانگاههای زنان بیمارستان های دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران در سال ۱۳۹۲ انجام شده است.

روش کار

در این مطالعه مشاهده ای از نوع مقطعی، ۱۴۴ خانم مراجعه کننده به درمانگاههای زنان بیمارستان های دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران در سال ۱۳۹۲ وارد مطالعه شدند. این افراد از نظر ابتلا یا عدم ابتلا به واژینیت تریکومونایی مورد بررسی قرار گرفتند و ارتباط آن با دیابت بررسی گردید.

نتایج

در این مطالعه ۱۱ نفر (۷/۶ درصد) از بیماران مورد بررسی از نظر تریکوموناس واژینال مثبت بودند که ارتباط آماری معناداری با ابتلای افراد به دیابت و نیز وضعیت تاهل (مطلقه و بیوه بودن) افراد داشت. ($P<0.05$)

نتیجه گیری

در مجموع بر اساس نتایج حاصل از این مطالعه و مقایسه آنها با سایر مطالعات انجام شده در این زمینه چنین استنباط می شود که نزدیک به ده درصد از خانم ها به واژینیت تریکومونایی مبتلا می گردند که در افراد دیابتی این میزان بیشتر خواهد بود.

کلمات کلیدی: واژینیت، تریکوموناس واژینال، شیوع، دیابت

^۱ حمید بلقیس زاده

^۲ سیدمحمدجوادمیرلوحی*

^۳ نسرین محمدی عارف

^۴ نازلی زاهدی

۱- عضو هیئت علمی، دانشگاه علوم پزشکی آزاد

اسلامی واحد تهران

۲،۳،۴- دانشجوی، کمیته تحقیقات دانشجویی،

دانشگاه علوم پزشکی آزاد اسلامی واحد تهران

* تهران - دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران، کمیته

تحقیقات دانشجویی

Email: mj.mirlohi@gmail.com

Hereditary nonpolyposis colorectal cancer and familial colorectal cancer in northeastern Iran

¹ Mahla Rahmani Khorram*

² Ladan Goshayeshi

³ Abbas Esmaeelzadeh

⁴ Ali Bahari

⁵ Kamran Ghaffarzadegan

⁶ Alireza Khuiee

⁷ Labbaf M

⁸ Kambiz Akhavan Rezayat

⁹ Azita Ganji

¹⁰ Pedram H

¹¹ Ghanaiee O

¹² Ali Mokhtarifar

¹³ Mozaffari H

1- Student research committee, Mashhad University of Medical Sciences, Mashhad, Iran

2,3,4,7,8,9,10,11,12,13- Department of gastroenterology and hepatology, Mashhad University of Medical Sciences, Mashhad, Iran

5,6- Department of Pathology, Mashhad University of Medical Sciences, Mashhad, Iran

* Student research committee, Mashhad University of Medical Sciences, Mashhad, Iran

Email: mahlarahmany73@gmail.com

Abstract

Introduction: There is a lack of data on familial aggregation of colorectal cancer (CRC) in northeast of Iran. We aimed to determine the frequency of hereditary nonpolyposis colorectal cancer (HNPCC) and familial colorectal cancer (FCC) and to determine the frequency of extracolonic cancers in these families in mashhad.

Methods: We reviewed documents of 202 patients with a pathologically confirmed diagnosis of CRC which pathology block were available in referral emamreza hospital in mashhad between 2014-2015. We found HNPCC and FCC families based on the Amsterdam II criteria and revised Bethesda and also interviewed them for family history of CRC and extracolonic tumors. The family history was taken at least up to the second-degree relatives.

Results: During 2014-2015, a total of 202 CRC cases have been assessed. Clinical diagnosis of HNPCC was established in 4(2%) probands with amsterdamII criteria and 83(41.3%) with revised Bethesda criteria. 26.7%(54) of our patients were under 45 years old.

Family history of CRC was more frequently reported by early-onset (AGE≤45Y) than by late-onset (AGE>45) patients (58.3% vs. 31.1% p < 0.001).

Right colon cancer was the most frequent site (30.8%) observed in patients with positive family history of colorectal cancer.

Conclusion: We found a relative high frequency of HNPCC (2%) amsterdamII among CRC cases in our region and 40.5% had revised Bethesda criteria which immunohistochemical or molecular study to confirm HNPCC should be performed. Further studies in this field and designing a specific screening and national cancer registry program for HNPCC and FCC families in this area should be conducted.

Key words: Hereditary Nonpolyposis Colorectal Cancer, northeast

Distribution of colorectal Polyps: crosssectional study in northeastern Iran

Mahla Rahmani Khorram*
Ladan Goshayeshi
Kamran Ghaffarzadegan
Ali Bahari
Abbas Esmaeelzade
Kambiz Akhavan Rezayat
Sara Jangjoo

*Department of Gastroenterology and
Hepatology, Mashhad University of
Medical Sciences, Mashhad, Iran*

** Department of Gastroenterology and
Hepatology, Mashhad University of
Medical Sciences, Mashhad, Iran
Email: mahlarahmany73@gmail.com*

Abstract

Introduction: Majority of colorectal carcinomas (CRCs) arise from adenomatous polyps. One approach to prevention is based on recognition and removal of polyps. The distribution of polyps in the colon may affect the efficacy of screening modalities. The aim of this study was to determine pathology characteristics of colorectal polyps in the northeast Iran.

Methods: This cross sectional survey covered 437 polypectomies and polyp biopsys, with anatomical distribution, and histopathology of the polyps described in 2013--2015 in Emam Reza hospital in Mashhad.

Results: Polyps were observed in 235 males and 202 females with mean age of 52.96 YO. The distribution was 35.01(153) percent located in the rectum, 34.3(150) percent in the sigmoid colon, 9.3(41) percent in the descending colon, 8.2(36) percent in the transverse colon, and 8.6(38) percent in ascending colon and 5.4(24) percent in the cecum. Adenomas were present in 72.3% cases, of these 83.3% were left-sided and 16% were right-sided. among adenomatous polyps there were 46.7% tubular adenoma, 20.6% tubulovillous, 3.4% villous, 1.4% serrated. high grade dysplasia was observed in 29.3% of our patient. Of total 437 patients 129 (29.5%) were under age 45 YO.

Conclusion: This study showed a significant number of adenomas in left side. The increasing right-sided prevalence of these lesions with age suggests that evaluation of the proximal bowel is particularly important in older people. And also high prevalence of colorectal polyps in younger patients were observed.

Key words: Polyp distribution - polypectomy - pathology - screening significance

مطالعه انواع خودزنی در مبتلایان به اختلالات روانپزشکی و ارتباط آن با نوع بیماری در مراجعه کنندگان به بخش روانپزشکی بیمارستان شهید لواسانی در سال های ۹۲-۹۳

خلاصه

مقدمه

این پژوهش به منظور مطالعه انواع خودزنی در مبتلایان به اختلالات روانپزشکی و ارتباط آن با نوع بیماری در مراجعه کنندگان به بخش روانپزشکی بیمارستان شهید لواسانی در سال های ۹۲-۹۳ انجام شد.

روش کار

پژوهش حاضر مطالعه مشاهده ای از نوع توصیفی تحلیلی مقطعی می باشد. ۴۲ نفر از بیماران مبتلا به بیماری های روانپزشکی که خودزنی کرده بودند وارد مطالعه شدند و شیوع انواع خودزنی، وسیله مورد استفاده آن ها برای انجام این عمل و ارتباط آن با نوع اختلال روانی مورد بررسی قرار گرفت.

نتایج

نتایج به دست آمده در این مطالعه نشان داد که ۹۰٫۵ درصد از بیماران به وسیله اشیای تیز و برنده، ۴٫۸ درصد به وسیله آتش، ۲٫۴ درصد به وسیله سنگ و ۲٫۴ درصد به وسیله سایر موارد اقدام به خودزنی نمودند. در ۷۶٫۲ درصد از بیماران اندام ها، ۱۹ درصد سر و گردن، ۲٫۴ درصد تنه و ۴٫۲ درصد شکم محل خودزنی بود. سن و جنسیت بر محل و وسیله خودزنی تاثیری نداشت ($P>0.05$) اما نوع بیماری ارتباط معناداری را نشان داد ($P=0.0001$).

نتیجه گیری

در مجموع بر اساس نتایج حاصل از این مطالعه چنین استنباط می شود که خودزنی در بیماران مبتلا به بیماری های روانپزشکی عمدتاً با استفاده از اشیای نوک تیز و در ناحیه اندام ها می باشد.

کلمات کلیدی: بیماری های روانپزشکی، خودزنی، اختلال روانی

^۱ سیده مریم وحدت شریعت پناهی
^۲ فاطمه ناصری آتشیانی
^۳ سید محمد جواد میرلوحی*

۱- عضو هیئت علمی، دانشگاه علوم پزشکی آزاد اسلامی واحد تهران

۲- دانشگاه علوم پزشکی آزاد اسلامی واحد تهران

۳- دانشجو، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی آزاد اسلامی واحد تهران

* تهران - دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران، کمیته تحقیقات دانشجویی

Email: mj.mirlohi@gmail.com

A study on bacterial profile and their antibiograms of burn wound infections in Burn Intensive Care Unit

¹ Alireza Sedaghat
² Hasan Abbaspour
³ Ali Ahmadabadi
⁴ Majid Khadem Rezaian
⁵ Mohammadreza Khojasteh*

1- Assistant Professor, Fellowship of Critical Care Medicine, Cardiac Anesthesia Research Center, Mashhad University of Medical Sciences, Mashhad, Iran

2- Anesthesiologist, Fellowship of Critical Care Medicine, Mashhad University of Medical Sciences, Mashhad, Iran

3- Assistant Professor of Surgery, Burn Department of Imam Reza Hospital, Surgical Oncology Research Center, Mashhad University of Medical Sciences, Mashhad, Iran

4- Resident of Community Medicine, Student Research Committee, Department of Community Medicine and Public Health, Faculty of Medicine, Mashhad University of Medical Sciences, Mashhad, Iran

5- Islamic University of Medical Sciences, Mashhad, Iran

* Islamic University of Medical Sciences, Mashhad, Iran
 Email: khojasteh.f74@gmail.com

Abstract

Introduction: Infection is an important cause of mortality in burns. It has been estimated that 75% of all deaths following thermal injuries are related to infections. The rate of nosocomial infections are higher in burn patients due to various factors like nature of burn injury itself, immunocompromised status of the patient, invasive diagnostic and therapeutic procedures and prolonged ICU stay. The study was carried out to determine the bacterial profile and antimicrobial susceptibility of the isolates and to describe the change in trends over the study period.

Methods: A retrospective study of major aerobic bacterial isolates from pus/wound swabs taken from patients admitted to the burn intensive care unit (BICU) at Imam Reza Hospital, Mashhad, Iran, over a period of 3 years (March 2012-March 2015) was undertaken. The specimens were cultured using aerobic microbiological techniques. Antimicrobial susceptibility testing to different agents was carried out using the disc diffusion method.

Results: Of 1163 cultures 145 of them (12.5%) were negative. *Acinetobacter* spp. was found to be most common isolate (41%) followed by *Pseudomonas aeruginosa* (17.5%), *Klebsiella* spp. (16.9%), *Proteus* spp. (3.3%), *Enterobacter* spp. (2%), *Staphylococcus aureus* (1.2%) and others (5.6%). Although *Acinetobacter* spp. continued to remain the predominant isolate over the three years, a constant and significant increase in the incidence of *Klebsiella* spp. and *Acinetobacter* spp. were found. Colomycin was found to be the most effective drug against gram negative bacteria, however, resistance to it was significantly increased over 3 years. For *S.aureus* Vancomycin (95.3% Suseptible) found to be the most effective drugs. Most of the isolates showed high level resistance to antimicrobial agents. Susceptibility of *P. aeruginosa* to ceftazidime has decreased markedly.

Conclusion: In-depth knowledge of the bacteria causing infectious complications and of their antibiotic susceptibilities is a prerequisite for treating burn patients. Our study shows shifts in the microbial spectrum and their antibiogram, which mandate frequent reassessments.

Key words: Bacterial profile, Antibiogram, Burn

بررسی آگاهی، نگرش و عملکرد زنان خانه دار مراجعه کننده به فرهنگسراهای شهرداری مشهد در زمینه بازیافت پسماند

خلاصه

مقدمه

در ایران زباله‌ها یا در خاک دفن شده یا در مناطقی نزدیک شهرها، انبار می‌کنند تا بعد سوزانده شوند. همه این راه‌ها برای محیط زیست خطرناک است و باعث فرسایش خاک، آلودگی هوا، زشت کردن طبیعت و نامناسب شدن محیط طبیعی برای حیات وحش می‌شود. زباله مقادیر زیادی گاز گلخانه‌ای دی اکسید کربن تولید کرده و حجم زیادی شیرابه از آن خارج می‌شود که سبب آلودگی آب‌های زیر زمینی و خاک می‌گردد. زنان نیز به عنوان مربی، فرهنگساز نسل آینده و سرانجام به عنوان پیوند دهنده کودکان به خانه و جامعه می‌باشند از طرفی تنظیم نحوه خرید و چگونگی مصرف در خانه به عهده زنان است، بنابراین می‌توانند نقش بسیار مهمی در تغییر الگوی مصرف و در نتیجه کاهش آلودگی داشته باشند. هدف از این پژوهش تعیین آگاهی، نگرش و عملکرد زنان خانه دار مراجعه کننده به فرهنگسراهای شهرداری مشهد در زمینه بازیافت پسماند می‌باشد.

روش کار

این مطالعه توصیفی مقطعی بوده که در سال ۱۳۹۴ از طریق پرسش نامه انجام گردید. طی این پژوهش ۹۵ پرسشنامه در مناطق مختلف شهر مشهد تکمیل گردید. داده‌ها در نرم افزار نسخه ۱۶ ثبت شد و مورد تجزیه تحلیل آماری قرار گرفت.

نتایج

طی بررسی انجام شده در ۴ منطقه شهر، ۲۳،۹٪ زنان منطقه ۲ زباله قابل بازیافت را به ماشین‌های وابسته به شهرداری و ۲۰،۵٪ زنان منطقه ۴ زباله‌های قابل بازیافت را به اماکن مشخص شده شهرداری تحویل می‌دادند و ۲۸،۷٪ زنان با تحصیلات لیسانس عقیده دارند که تفکیک پسماند بایستی از محل تولید انجام گیرد. ۷۲،۶٪ زنان، موثرترین روش آموزش بازیافت را از طریق رادیو و تلویزیون می‌دانند. در بخش آگاهی ۶۷،۴٪ زنان نسبت به زباله خشک و تفکیک آن آگاهی دارند و در بخش نگرش ۵۷،۴٪ زنان زباله‌های قابل بازیافت را با اهداف زیست محیطی به شهرداری تحویل می‌دادند؛ در بخش عملکرد نیز ۸۸،۴٪ زنان زباله‌های قابل بازیافت را تفکیک مینمایند. در مجموع ۶۶،۳٪ از زنان مراجعه کننده در بازه سنی ۴۰-۲۶ سال می‌باشند.

نتیجه گیری

این مطالعه نشان داد میزان آگاهی، نگرش و عملکرد زنان در سطح قابل قبولی قرار داشته اما با جنبه‌های آموزشی بیشتر، خصوصاً از طریق تلویزیون میتوان شاهد عملکرد بهتری از زنان بود.

کلمات کلیدی: زنان خانه دار- فرهنگسراهای شهرداری مشهد- بازیافت مواد زاید جامد

^۱ مریم رحمانی*

^۲ فریده صادقی قوچانی

^۳ علی اکبر دهقان

۱- دانشجوی کارشناسی مهندسی بهداشت محیط، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، ایران

۲- دانشجوی کارشناسی مهندسی بهداشت محیط، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، ایران

۳- دانشجوی دکترای مهندسی بهداشت محیط، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، ایران

* مشهد- دانشگاه علوم پزشکی مشهد، دانشکده بهداشت

Email: rahmaanim911@yahoo.com

باکتریوری بدون علامت در زنان دیابتی و غیردیابتی مرکز آموزشی-درمانی پنج آذر شهر گرگان

خلاصه

مقدمه

باکتریوری بدون علامت در بیماران دیابتی شایع است و زمینه ساز عفونت های مجاری ادراری در این بیماران می باشد. کنترل دیابت ملیتوس می تواند از آسیب به ارگان ها در دستگاه ادراری جلوگیری کند. هدف از این مطالعه بررسی باکتریوری بدون علامت در بین افراد دیابتی با توجه به عوارض آن و مقایسه آن با افراد غیردیابتی مراجعه کننده به مرکز آموزشی درمانی پنج آذر شهرستان گرگان بود.

روش کار

مطالعه حاضر از نوع توصیفی- تحلیلی بوده و به روش موردشاهدی جهت مقایسه باکتریوری بدون علامت در ۱۳۱ زن دیابتی در کلینیک سرپایی دیابت بیمارستان پنج آذر و ۱۳۱ زن غیر دیابتی بستری در این بیمارستان انجام شده است. پرسشنامه ای براساس هدف پروژه و با راهنمایی اساتید و شامل متغیرهای مختلف برای تمامی افراد مورد مطالعه تهیه و توسط محقق تکمیل گردید. آزمایش کامل ادرار برای هر دو گروه درخواست شد و در صورت وجود باکتریوری، کشت ادرار انجام و نتیجه در پرسشنامه درج گردید. پرسشنامه های تکمیل شده، کدبندی و از طریق اپراتور در کامپیوتر ذخیره شدند و سپس از طریق نرم افزارهای آماری SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. ($p \geq 0.05$)

نتایج

به لحاظ سن در گروه مورد، میانگین و انحراف معیار سن $48/5 \pm 10/1$ سال و در گروه شاهد، $45/9 \pm 17/9$ سال می باشد که میانگین سن دو گروه همگن بوده و اختلاف آماری معنی داری نداشتند. اختلاف آماری معنی دار در میزان قند ادراری و از نظر وجود همآچوری در دو گروه مشاهده شد و به ترتیب $(P \leq 0/0008)$ و $(P \leq 0/0001)$ بود یعنی قند ادرار در گروه دیابتی و همآچوری در گروه غیردیابتی بیشتر است. اختلاف معنی داری از نظر PH، پروتئین ادراری، پیوری، باکتریوری بین دو گروه یافت نشد. در بررسی نتایج کشت از ۱۷ مورد باکتریوری در گروه یک (موردها) ۱۳ نفر (۷۶/۵ درصد) منفی، ۳ نفر (۱۷/۶ درصد) E.coli و ۱ نفر (۵/۹ درصد) کوکسی گرم مثبت، گزارش شد و از ۹ مورد باکتریوری گروه دو (شاهد) ۷ مورد (۷۷/۸ درصد) منفی، ۱ مورد (۱۱/۱ درصد) E.coli و ۱ مورد (۱۱/۱ درصد) باسیل گرم مثبت گزارش شد. بعد از ادغام موارد مثبت، جهت مقایسه وجود باکتریوری در دو گروه پس از انجام آزمون اختلاف معنی داری در دو گروه مشاهده نگردید ($P > 0/05$). شایع ترین ارگانیسم در باکتریوری بدون علامت در این مطالعه E.coli بود.

نتیجه گیری

در این مطالعه شیوع باکتریوری بدون علامت در دو گروه بیماران دیابتی و غیردیابتی یکسان بود.

کلمات کلیدی: باکتریوری بدون علامت، دیابت، زنان، اشرشیا کلائی

۱ سیده زکیه سیدی

۲ مهری آقاگلی زاده بقمچ*

۳ فریبا اسمعیل مشرفی

۴ صدف لطیفی

۵ علیرضا ممشلی

۶ حمیدرضا تجری

۷ محمدعلی وکیلی

۸ حمیدرضا بذرافشان

۱،۲،۳،۴- دانشجوی پزشکی عمومی، کمیته

تحقیقات دانشجویی، دانشکده پزشکی، دانشگاه

علوم پزشکی گلستان، گرگان، ایران

۵- پزشک عمومی، دانشگاه علوم پزشکی گلستان،

گرگان، ایران

۶- متخصصی و جراح بیماریهای کلیه و مجاری

ادراری، استادیار، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم

پزشکی گلستان، گرگان، ایران

۷- دکتری آمار زیستی، عضو هیئت علمی دانشگاه

علوم پزشکی گلستان، گرگان، ایران

۸- فوق تخصص غدد، دانشیار، دانشکده پزشکی،

دانشگاه علوم پزشکی گلستان، گرگان، سرپرست

کلینیک دیابت طلوع تهران، ایران

* گرگان- دانشگاه علوم پزشکی گلستان، دانشکده

پزشکی، کمیته تحقیقات دانشجویی

Email: megoli72@yahoo.com

بررسی اثر سیس پلاتین بر آسیب اکسیداتیو در بافت ریه در موش صحرایی نر

خلاصه

مقدمه

سیس پلاتین یکی از داروهای شیمی درمانی موثر در درمان تومورهای سخت تخمدان و سر و گردن می باشد، که اثرات اکسیدانی دارد. به نظر می رسد این دارو علاوه بر اثر بر کلیه به بافت ریه نیز آسیب برساند که ممکن است این آسیب ها به خاطر وجود اثرات اکسیدانی این دارو باشد. بنابراین هدف از این مطالعه بررسی اثر سیس پلاتین بر آسیب اکسیداتیو (اثر بر LPO, CAT, FRAP) می باشد.

روش کار

در این مطالعه از ۱۰ موش صحرایی نر نژاد ویستار با محدوده وزنی ۱۸۰-۲۵۰ گرم، استفاده شده است. ابتدا حیوانات به طور تصادفی به دو گروه (هر گروه ۵ عدد) تقسیم شدند. یک گروه سالم دریافت نرمال سالین و یک گروه که سیس پلاتین به میزان 7mg/kg به صورت IP به مدت ۷ روز دریافت نمودند. سپس در نمونه هموزن بافت ریه آنها قدرت آنتی اکسیدانی با روش FRAP، CAT (آنزیم کاتالاز) و LPO (بیومارکر پراکسیداسیون لیپیدی) با دستگاه اسپکتروفتومتر اندازه گیری شد. سپس داده ها توسط نرم افزار Spss و با آزمون آماری student test مورد تجزیه تحلیل قرار گرفت. سطح معنی داری $p < 0.05$ در نظر گرفته شد.

نتایج

نتایج تست های آماری فوق نشان داد که میانگین FRAP در گروه دریافت کننده سیس پلاتین به مقدار $1.37 \pm 0.13 \text{ nmol/mg}$ در مقایسه با گروه کنترل (نرمال سالین) به مقدار $4.05 \pm 0.26 \text{ nmol/mg}$ کاهش معنی داری داشته است. همچنین میانگین آنزیم کاتالاز (CAT) در گروه دریافت کننده سیس پلاتین به مقدار $0.82 \pm 0.04 \text{ nmol/mg}$ در مقایسه با گروه کنترل (نرمال سالین) به مقدار $0.53 \pm 0.18 \text{ nmol/mg}$ کاهش معنی داری 0.05 را نشان داد. از طرفی میانگین پراکسیداسیون لیپیدی (LPO) در گروه دریافت کننده سیس پلاتین به مقدار $0.16 \pm 0.07 \text{ nmol/mg}$ در مقایسه با گروه کنترل (نرمال سالین) به مقدار $0.14 \pm 0.05 \text{ nmol/mg}$ نتایجی با سطح معنی داری مناسب نداشت.

نتیجه گیری

با توجه به نتایج فوق به نظر می رسد که سیس پلاتین آسیب های اکسیداتیو در بافت ریه داشته و از این مسیر آسیب بافتی ناشی از رادیکال های آزاد را افزایش می دهد.

کلمات کلیدی: سیس پلاتین - آسیب اکسیداتی

اکرم رنجبر

فرزانه کاظمی*

نرگس دهخدايي

غزاله طاهري مقدم

کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی

همدان، همدان، ایران

* همدان - دانشگاه علوم پزشکی همدان، کمیته

تحقیقات دانشجویی

Email: farzane.kazemi71@yahoo.com

Construction of an aptasensor for detection of kanamycin

¹ Fatemeh Araste*

² Seyed Mohammad Taghdisi Heidarian

³ Khalil Abnous

1- Student Research Committee, Faculty of Pharmacy, Mashhad University of Medical Sciences

2- Faculty of Biotechnology Department, Mashhad University of Medical Sciences

3- Faculty of Medicinal Chemistry Department, Mashhad University of Medical Sciences

* Student Research Committee, Faculty of Pharmacy, Mashhad University of Medical Sciences

Email: arastehf921@mums.ac.ir

Abstract

Introduction: Aptamers are single stranded DNA or RNA sequences, obtained by an in vitro process called SELEX (systematic evolution of ligands by exponential enrichment). They react to their targets with high specificity and affinity. Aptamers have high potential applications in medicine because of their unique properties such as low cost, ease of production and modification, excellent thermal stability, and lack of immunogenicity and toxicity.

Methods: The aim of this study was to design a fluorescent aptamer-based sensor (aptasensor) for sensitive detection of kanamycin based on silica nanoparticles (SNPs). In the absence of kanamycin, the SNPs-double stranded DNA (Aptamer-Complimentary strand conjugate) complex is intact and has the maximum fluorescent signal. Upon addition of kanamycin, the aptamer binds to its target and causes the dissociation of labeled-complementary strand from dsDNA and SNPs, leading to decrease of the fluorescence intensity.

Results: This aptasensor exhibited a high sensitivity toward kanamycin with a limit of detection (LOD) as low as 612 pM. The designed aptasensor was successfully used to detect kanamycin in serum and a limit of detection as low as 453 pM was obtained.

Conclusion: By changing of the specific aptamers, such construction can be a general platform for detection of other biomolecules in trace amounts.

Key words: Aptamer, Biosensor, Kanamycin

بررسی اثر سمیت سلولی عصاره گیاه "Satureja rechingeri" بر روی رده های سلولی: MCF7 (سلول سرطانی پستان انسان)، A549 (سلول سرطانی ریه انسان)، VERO (سلول سرطانی کلیه میمون)

خلاصه

مقدمه

امروزه سرطان بعنوان یکی از علل اصلی مرگ در کشورهای توسعه یافته و دومین علت عمده مرگ در کشورهای در حال توسعه به شمار می رود. این بیماری منجر به مرگ ۷/۴ میلیون نفر در سال میشود. از طرفی سابقه استفاده از گیاهان دارویی در درمان بیماری ها به زمان های بسیار قدیم بر می گردد. مرزه (Satureja) یکی از گیاهان دارویی بومی ایران است که مهمترین خواص آن در طب سنتی شامل ضد درد، ضد باکتری، ضد ویروس، ضد التهاب، آنتی اکسیدان، ضد عفونی کننده، ضد اسپاسم می باشد. Satureja rechingeri به عنوان گونه ای جدید از مرزه در ایران و هم خانواده S. edmondi، S. khuzistanica شناخته می شود. طبق مطالعات ترکیبات عمده عصاره این جنس: تری ترپنوئیدها، استروئیدها، ترکیبات فنی مثل کارواکرول و تیمول، فلاوونوئیدها می باشند. در مطالعات زیادی از جمله: مطالعه ای که توسط گوهری، احمدرضا و همکاران انجام شد و عصاره اتیل استات-متانولی گیاه Satureja spicigera بر روی چهار رده سلولی HT29/219، Caco2، NIH-3T3، and T47D بررسی شد که ترکیب تتراهیدروکسی فلاوانون علیه Artemia salina نتیجه $LC50 = 2 \mu g/mL$ را نشان داد. همچنین ترکیب β -D-glucopyranoside نیز نتیجه $IC50$ value of $98.7 \mu g/mL$ را بر رده سلولی T47D human، (breast, ductal carcinoma) نشان داد. هدف از انجام این مطالعه نیز بررسی اثرات سایتوتوکسیسته گیاه satureja rechingeri بر روی رده های سلولی انسانی و حیوانی است.

روش کار

به منظور بررسی اثر سمیت سلولی از روش رنگ سنجی MTT استفاده می شود که یک تست متابولیک رقابتی میتوکندریایی است و بر اساس شکستن نمک ترازولیم توسط آنزیم سوکسینات دهیدروژناز میتوکندریایی سلول های زنده استوار است. ابتدا در چاهک های پلیت ۹۶ خانه ای سلول های سرطانی را ریخته، بعد از رسوب مایع رویی را برداشته و سلولها ته نشین می شوند. سپس به آن آگار (محیط کشت) اضافه کرده و به ازای هر ۳ چاهک یکی از غلظت های تهیه شده را ریخته، ۷۲ ساعت در انکوباتور می ماند. پس از آن MTT را افزوده، ۴ ساعت در انکوباتور گذاشته، سپس محیط کشت رویی را برداشته و به آن حلال اضافه می کنیم و جذب را در طول موج ۶۹۰ nm توسط دستگاه ELISA reader می خوانیم. روش محاسبه $IC50$ (سایتوتوکسیسته): با استفاده از نرم افزار آماری Prism Ver.3 محاسبه گردید. سلولهای مورد مطالعه MCF7 (سلول سرطانی پستان انسان) A549 (سلول سرطانی ریه انسان) VERO (سلول سرطانی کلیه میمون) بودند.

نتایج

در تست MTT، $IC50$ برای MCF7 $87.09 \mu g/mL$ و $IC50$ برای VERO $1095 \mu g/mL$ و برای A549 $165.2 \mu g/mL$ گزارش شد.

نتیجه گیری

مطالعه حاضر نشان داد که این گونه گیاهی اثر قابل توجه آنتی اکسیدانی و اثر مهارتی بر روی این چند رده سلول سرطانی را دارد که می تواند به دلیل دارا بودن میزان بالای ترکیبات فنولی در عصاره و اسانس به خصوص میزان بالای کارواکرول باشد. همچنین اثر مهارتی در رده ی سلولی MCF7 به صورت مشهود تری دیده شد.

کلمات کلیدی: Satureja Rechingeri, tumor cell lines, growth inhibitors, MTT assay

^۱ عمران حبیبی

^۲ فاطمه علیزاده*

۱- استادیار گروه فارماکوتوزی، دانشکده

داروسازی، دانشگاه علوم پزشکی مازندران

۲- کمیته تحقیقات، دانشکده داروسازی، دانشگاه

علوم پزشکی مازندران، ساری، مازندران

* ساری- دانشگاه علوم پزشکی مازندران، دانشکده

داروسازی، کمیته تحقیقات دانشجویی

Email: alizadeh.fatemeh60@yahoo.com

اهمیت مفردات معدنی از دیدگاه طب سنتی ایرانی و طب نوین

خلاصه

مقدمه

شواهد کاربرد معدنیات در قدیمی ترین تمدنهای بشر به چشم می خورد. حکمای طب ایرانی نیز در درمان بیماریها از مفردات معدنی استفاده می کردند. این مطالعه با هدف بررسی مفردات معدنی پرکاربرد در طب سنتی و طب نوین طراحی گردیده است.

روش کار

این تحقیق یک مطالعه مروری است که مطالب مربوط به درمان با مفردات معدنی پرکاربرد از کتب معتبر طب سنتی ایران استخراج شد. از سوی دیگر با جستجو در منابع الکترونیک کاربردهای طبی امروزی تعدادی از این مفردات معدنی نیز به دست آمد.

نتایج

طلا، الماس، آهن، یاقوت و سرب از پرکاربردترین مفردات معدنی شناخته شده، در طب سنتی ایران می باشند. حکمای طب سنتی ایران از طلا جهت اورام صلب که معادل سرطانها در طب نوین است و بیماریهای مزمن پوست مانند جذام، بهق و برص استفاده می کردند و آهن را در بهبود زخم، افزایش قوا و ممانعت از خونریزی موثر می دانستند. در مطالعات امروزی طلا در درمان کانسره های پوست و کبد به کار می رود و آهن به طور وسیعی در درمان آنمی تجویز می گردد. الماس نیز که در طب سنتی از سخت ترین جواهرات به حساب می آید، اکنون در دندانپزشکی و بیماران استئو نکروز به وفور مورد استفاده قرار می گیرد. در مواردی مانند یاقوت، قلع و سرب نیز که در طب سنتی به صورت خوراکی یا موضعی به کار می رفتند، موارد مشابهی از استفاده از این مفردات در طب نوین یافت نشد.

نتیجه گیری

با توجه به نقش ارزنده مفردات معدنی در درمان بیماریهای صعب العلاج در طب سنتی و طب نوین، لزوم بررسی و تحقیقات بیشتر با انجام کارآزمایی های بالینی به ویژه در درمان سرطانها توصیه می گردد.

کلمات کلیدی: مفردات معدنی، طلا، آهن، طب سنتی ایران

^۱ منیرسادات صاحبکار خراسانی*

^۲ زهره فیض آبادی

^۳ زهرا نقیبی

^۴ حسن عبدالله زاده

۱،۳،۴- دانشکده طب سنتی و مکمل، دانشگاه

علوم پزشکی مشهد

۲- استادیار دانشکده طب سنتی و مکمل دانشگاه

علوم پزشکی مشهد

*مشهد- دانشگاه علوم پزشکی مشهد، دانشکده طب

سنتی و مکمل

Email: sahebkar931@mums.ac.ir

تغذیه از دیدگاه طب سنتی ایران بر اساس فصول

خلاصه

مقدمه

غذا یکی از اساسی ترین نیازهای بشری می باشد و در حیات و سلامتی جسم بلکه روح او تاثیر شگرفی دارد. از این رو رعایت رفتارها، ملاحظات، عادات غذایی صحیح در حفظ سلامتی انسان بسیار مهم است. از آنجا که هم در تدابیر حفظالصحه و هم در درمان بیماری ها تغذیه نقش بسیار مهمی دارد، در این مقاله برآنیم تا با بررسی ارتباط فصول چهارگانه با تغذیه بر اساس متون طب سنتی ایران گامی مناسب در جهت حفظ سلامتی برداریم.

روش کار

مبحث تدابیر تغذیه در ارتباط با فصول چهارگانه با استفاده از منابع کلیات و حفظالصحه طب سنتی ایران و کتاب های مرتبط مورد بررسی قرار گرفت.

نتایج

در فصل بهار، مصرف کمتر گوشتها، مصرف غذاهای لطیف مانند گوشت بره، تخم مرغ نیم برشت، شربت زرشک، ریواس، سکنجبین توصیه می گردد.

در فصل تابستان، مصرف کمتر غذا، خوردن بیشتر میوه های آبدار، مصرف ماهی تازه، گوشت مرغ، کبک، آب انار ترش، آب غوره، شربت ریواس، گیلان، آلو، هندوانه، کاهو، اسفناج توصیه میگردد.

در فصل پاییز، مصرف غذاهای گرم و تند، گوشت بره، به، سیب، گلابی، استفاده از خشکبار توصیه میگردد.

در فصل زمستان، مصرف بیشتر غذا، خوردن غذاهای غلیظ، مثل حلیم، کله پاچه، گوشت گوسفند، گوشت شکار با ادویه تند توصیه می گردد.

نتیجه گیری

از آنجاییکه در طب سنتی ایران تدابیر پیشگیرانه و درمانی اصولاً بر تغذیه متکی است لذا تقریباً در هیچ یک از منابع اصلی طب سنتی غفلت از دانش تغذیه مشاهده نمی شود.

در مکتب طب سنتی ایران تغذیه بر اساس فصل، سن، محل زندگی و مزاج شخص متفاوت بوده و بارعایت همه این عوامل باید نوع غذای خود را انتخاب نمود. در این مقاله توصیه هایی راجع به نحوه تغذیه در فصول مختلف آورده شده است امید است رعایت این دستورات سبب ارتقاء سلامتی جامعه شود.

کلمات کلیدی: تغذیه، فصل، طب سنتی

^۱ راحله کارگزار*

^۲ حمیده خرم پژوه

^۳ سوده تیموری

^۴ زهره فیض آبادی

۱،۲،۳- دستیار تخصصی طب سنتی ایران دانشگاه

علوم پزشکی مشهد

۴- استادیار دانشگاه علوم پزشکی مشهد دانشکده

طب سنتی

*مشهد- دانشگاه علوم پزشکی مشهد، دانشکده طب

سنتی و مکمل

Email: rahele.kargozar1357@gmail.com

مروری بر علل بیماری آسم و درمان آن از دیدگاه طب سنتی ایرانی

خلاصه

مقدمه

آسم، یک بیماری ریوی مزمن با اتیولوژی‌های ژنتیکی و محیطی است. شیوع این بیماری در دهه‌های اخیر افزایش چشم‌گیری داشته و در بسیاری موارد باعث ناتوانی افراد می‌گردد. درمان آسم علامتی بوده و در موارد شدید خالی از عوارض نمی‌باشد. طب پارسی میحث بزرگی را به تنگی نفس اختصاص داده و آن را ناشی از پر شدن مجاری تنفسی از مواد بلغمی یا موکوسی و یا ذرات معلق در هوا ذکر نموده و توصیه‌های ارزشمندی در پیشگیری و درمان آن دارد.

روش کار

این مطالعه مروری با مطالعه کتب طب سنتی ایرانی، رساله‌های حکما طب ایرانی و مقالات طب نوین و نکات مهم در مورد اتیولوژی، پیشگیری و درمان بیماری آسم جمع‌آوری گردید.

نتایج

از دیدگاه حکما، ربو (تنگی نفس) وضعیتی است که تنفس بیمار سخت و همراه با تاکی پنه و مانند افراد خسته می‌باشد و علت آن را پر شدن مجاری تنفس از ترشحات بلغمی و بخارات و دود، تنگی مادرزادی مجاری تنفسی و یا استنشاق هوای سرد و نوشیدن و تناول آب و غذای سرد دانسته و برای هر کدام درمانی موثر، بدون عارضه، در دسترس و سهل الوصول را معرفی کرده‌اند.

نتیجه‌گیری

با توجه به نگرش جامع طب سنتی ایرانی نسبت به بیماری‌های ریوی و همانندی علل ایجاد کننده آسم در طب سنتی و نوین، دستورات جامع حکما برای پیشگیری از بروز و تشدید تنگی نفس، استفاده از این تجارب می‌تواند کمک شایانی در پیشگیری، درمان، کاهش عوارض بیماری و عوارض داروهای شیمیایی باشد.

کلمات کلیدی: آسم- بیماری ریوی- طب سنتی ایرانی

^۱ طاهره ملک آرا*

^۲ حمیده ناقدی باغدار

^۳ ملیحه متوسلیان

^۴ رضا گلدوزیان

^۵ معصومه السادات فرشچی

^{۱،۲،۵} دانشجوی دکترای تخصصی طب سنتی و

مکمل، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده طب

سنتی و مکمل، دانشگاه علوم پزشکی مشهد

^۳ - استادیار و عضو هیئت علمی گروه طب سنتی

ایرانی، متخصص طب سنتی، دانشکده طب سنتی و

مکمل، دانشگاه علوم پزشکی مشهد

^۴ - دکتری پزشکی، عضو هیات علمی دانشگاه

فرهنگیان خراسان رضوی

*مشهد- دانشگاه علوم پزشکی مشهد، دانشکده طب

سنتی و مکمل، کمیته تحقیقات دانشجویی

Email: molkarat2@mums.ac.ir

تأثیرات درمانی میوه ها و مواد طبیعی اشاره شده در قرآن : با بررسی شواهد و مطالعات اپیدمیولوژیک جدید و کار آزمایشهای بالینی

خلاصه

مقدمه

قرآن کتاب آسمانی ما مسلمانان یکی از ناب ترین و جامع ترین منابعی است که راه صحیح زندگی و تندرستی را نشان می دهد. درمانهای جدید که بر پایه ی داروهای شیمیایی جدید است چیزی جز هزینه ی بالا و عوارض شیمیایی را با خود به ارمغان نیاورده است. قرآن اشارات متعددی به تعدادی از میوه ها و مواد غذایی کرده است که راز سلامتی و درمان بسیاری از بیماریها در آنهاست. هدف این مطالعه بررسی تعدادی از میوه ها و مواد طبیعی درمانی اشاره شده در قرآن شامل خرما، انجیر، زیتون، انگور، انار و عسل و جمع آوری جدیدترین شواهد و مطالعات مربوط به اثرات این مواد بر سلامتی و درمان بیماری هاست.

روش کار

مطالعه ی اخیر یک بررسی توصیفی است و اطلاعات با استفاده از قرآن و احادیث و مقالات و منابع جدید پزشکی گردآوری شده است.

نتایج

یافته ها نشان داد که قرآن از میان تمام میوه ها و مواد غذایی به تعدادی از آنها اشاره کرده است که بر اساس پژوهش های جدید و گسترده ی پزشکی که در سراسر دنیا انجام شده است ، اثبات می شود مواد غذایی که در قرآن به آنها اشاره شده است دارای ترکیباتی است که نقش آنها در جلوگیری و درمان بسیاری از بیماری ها از جمله سرطان، امراض پوستی، اختلالات کبدی، بیماریهای قلبی_عروقی، ترمیم زخم، افزایش فشارخون، افزایش اشتها، التهاب و عفونت و ... قطعی است.

نتیجه گیری

قرآن یکی از بزرگترین منابع اطلاعاتی و راهنمایی برای نوع بشر بشمار می آید. استفاده از مطالب ارزنده ی این کتاب مقدس ضامن سلامت روح و روان انسان می باشد.

کلمات کلیدی: قرآن، گیاهان دارویی، عسل، سلامتی

یزدان عبدالمحمدی*

الهه دقیق بین

دانشگاه آزاد اسلامی واحد نیشابور، نیشابور، ایران

*نیشابور-دانشگاه آزاد اسلامی واحد نیشابور

Email: yazdan.y.m.k@gmail.com

سرطان از دیدگاه طب سنتی

خلاصه

مقدمه

سرطان از مهم‌ترین بیماری‌های غیرواگیردار است که بار عمده‌ای را به جامعه تحمیل می‌کند. سرطان در حال حاضر عامل ۱۲ درصد مرگ و میر در سراسر جهان است. بنابراین نظام مراقبت موارد سرطانی به عنوان یکی از اولویت‌های اصلی نظام بهداشتی درمانی مطرح است.

سرطان مجموعه‌ای پیچیده از بیماری‌ها است و سرطان‌زایی فرایندی چند مرحله‌ای است. به عبارت دیگر سرطان‌ها گروهی از بیماری‌ها هستند که به صورت رشد بی‌رویه و خارج از کنترل تعدادی از سلول‌ها ایجاد می‌شوند. شایع‌ترین داروهای مورد استفاده در سرطان شامل سیکلوفسفامید، سیس پلاتین، می‌باشد. برخی از عوارض این دارو شامل خشکی دهان، تهوع و استفراغ، خستگی می‌باشد. این امر لزوم بکارگیری درمان‌های کارآمدتر را ضروری می‌سازد. در طب سنتی ایران به این مقوله توجه گسترده‌ای شده است.

روش کار

این تحقیق یک مطالعه کتابخانه‌ای و بررسی متون می‌باشد. در این مطالعه مفردات دارویی موثر در درمان سرطان در چهار کتاب مرجع طب سنتی شامل القانون فی الطب ابن سینا، تذکره داوود انطاکی، الحاوی رازی و تحفه ناصری جست و جو شد.

نتایج

۴۶ مفرده دارویی مطرح در درمان سرطان یافت شد که ۴۳ مفرده گیاهی و ۳ مفرده حیوانی می‌باشد.

نتیجه گیری

امروزه مطالعات آزمایشگاهی نشان داده اند بسیاری از گیاهان استفاده شده در طب سنتی دارای مواد آنتی اکسیدان بوده و یا در آزمایشگاه و مطالعات حیوانی دارای تأثیرات ضد سرطانی بر رده های سلولی می‌باشند. دو گیاه ذکر شده در این مقاله شامل زنجبیل و شیرین بیان نمونه ای از این ادعا است. با توجه به پتانسیل این گیاهان برای استفاده در درمان سرطان‌های گوناگون، پژوهش‌های آزمایشگاهی و بالینی بیشتر را می‌طلبد.

کلمات کلیدی: سرطان، طب سنتی، آنتی اکسیدان

مژده خدابخش*

زهره فیض آبادی

خدیدجه ساکت کیسمی

دانشکده طب سنتی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد،
مشهد، ایران

* مشهد- دانشگاه علوم پزشکی مشهد، دانشکده طب
سنتی و مکمل

Email: hosein110kh@yahoo.com

Effects of pomegranate seed oil on serum biochemical parameters and pathological findings in kidney and heart of streptozotocin-induced diabetic rats

¹ Hamid Mollazadeh*

² Mehdi Farzadnia

³ Mohammad Taher Boroushaki

1,3- Department of Pharmacology, Faculty of Medicine, Mashhad University of Medical Sciences, Mashhad, Iran

2- Cancer Molecular Pathology Research Center, Ghaem Hospital, Faculty of Medicine, Mashhad University of Medical Sciences, Mashhad, Iran

3- Pharmacological Research Center of Medicinal Plants, Faculty of Medicine, Mashhad University of Medical Sciences, Mashhad, Iran

* Department of Pharmacology, Faculty of Medicine, Mashhad University of Medical Sciences, Mashhad, Iran
Email: mollazadehh901@mums.ac.ir

Abstract

Introduction: Oxidative stress due to hyperglycemia is a major cause of diabetes complications. The aim of this study was to evaluate the effects of pomegranate seed oil (PSO) on serum biochemical parameters, cardiomyopathy and nephropathy- induced by diabetes mellitus.

Methods: W/A adult rats were divided into four groups (twelve each): group 1, received saline (1 ml/kg), group 2, received streptozotocin (65 mg/kg, a single dose as i.p.), groups 3 and 4, received STZ+PSO (0.4 and 0.8 ml/kg, daily by gavage, respectively). After three weeks, six rats of each group and one week later the remainings were anaesthetized and blood samples were used for measuring serum biochemical parameters. Heart and kidneys were removed for histopathological studies.

Results: Significant elevation of serum creatinine and urea, LDL, triglyceride, glucose levels as well as urine volume, glucose and protein concentrations and a significant serum HDL were observed in STZ- treated group as compared with control group. PSO treatment resulted in a significant decrease in serum creatinine and urea levels as well as urine markers as compared with STZ- treated. Lipid profile was ameliorated with PSO treatment. PSO also significantly reversed STZ-induced histological abnormality. Effect of PSO was specifically at 28th than 21th days of study.

Conclusion: The results of this study showed that PSO has a protective effect against diabetes complications in rats.

Key words: Diabetes mellitus, nephropathy, pomegranate seed oil, streptozotocin, histopathological study

تعیین میزان شیوع و بررسی تاثیر عوامل دموگرافیک در ابتلا به عفونت های تک یاخته ای دستگاه گوارش در مراجعه کنندگان به بیمارستان بوعلی و امیرالمومنین(ع) و فیاض بخش در سال ۹۳

خلاصه

مقدمه

در این مطالعه سعی شده است که میزان شیوع عفونت های تک یاخته ای روده ای برآورد و محاسبه گردد و پس از مقایسه میزان شیوع فعلی با مطالعات گذشته روند بیماری و کاهش یا افزایش میزان شیوع طی سال های اخیر به دست آید و هم چنین ارتباط بیماری با متغیرهای دموگرافیک و تغییرات فصلی بیماری بررسی شده است.

روش کار

در این مطالعه توصیفی-مقطعی ۳۶۰۰ بیمار مراجعه کننده جهت انجام آزمایش مدفوع به آزمایشگاه های بیمارستان های بوعلی، امیرالمومنین(ع) و فیاض بخش در سال ۹۱ وارد مطالعه شده اند و میزان شیوع عفونت های تک یاخته ای روده ای بر اساس سن و جنس و فصل مراجعه این افراد مورد بررسی قرار گرفته است.

نتایج

در این مطالعه بیشترین فراوانی آلودگی مربوط به ژیا ردیا لامبلیا با میزان ۱/۱٪ (۲۹ نفر) و در گروه سنی ۱-۱۰ سال با میزان ۲۶٪ (۹۳۷ نفر) بوده است و نیز میزان شیوع در مردان نسبت به زنان بیشتر بوده است (۲/۶٪ در برابر ۱/۴٪) و بیشترین میزان شیوع در فصل تابستان بوده است.

نتیجه گیری

بر اساس نتایج این تحقیق میزان شیوع تک یاخته های روده ای در مقایسه با سال های گذشته روند نزولی داشته است.

کلمات کلیدی: عفونت، دستگاه گوارش، تک یاخته

^۱ حمید بلقیس زاده

^۲ سمانه صیدی جوقان

^۳ سید محمد جواد میرلوحی

^۴ نسرين محمدی عارف*

۱- عضو هیئت علمی، دانشگاه علوم پزشکی آزاد

اسلامی واحد تهران

۲،۳،۴- دانشجو، کمیته تحقیقات دانشجویی،

دانشگاه علوم پزشکی آزاد اسلامی

* مشهد- دانشگاه علوم پزشکی مشهد، دانشکده طب

ستنی و مکمل

Email: nasrinaref12@gmail.com

بررسی مشکلات شنوایی در جانبازان بستری در آسایشگاه معلولان مشهد

خلاصه

مقدمه

صدای مهیب و ناگهانی مانند صدای ناشی از انفجار ترکش و موج انفجار می تواند موجب پارگی گوش، اختلال در سیستم استخوانی، اختلال در سیستم عصبی گوش و در برخی موارد ناشنوایی کامل شود. در مورد رزمندگان که در معرض انواع تروماها قرار دارند، گوش نیز در معرض آسیب قرار دارد. از آنجا که کشور ایران هشت سال درگیر جنگ بوده است، این تحقیق به منظور بررسی یافته‌های شایع گوش در جانبازان جنگ در شهر مشهد انجام شده است.

روش کار

این مطالعه به صورت مقطعی و با رویکرد تحلیلی بر روی جانبازان بستری در آسایشگاه جانبازان مشهد انجام شد. حجم نمونه ۱۱۰ نفر تعیین شد که به صورت تصادفی انتخاب و پس از معاینه اولیه ۴۵ نفر به مرکز ادیومتری جهت انجام بررسی های بیشتر ارجاع شدند. موارد مورد مطالعه شامل کاهش شنوایی، یافته‌های شنوایی سنجی، و نوع تروما بود که توسط متخصصین گوش و حلق و بینی در کلینیک شنوایی سنجی بیمارستان امام رضا، وضعیت شنوایی آنان بر اساس سه نوع تست PTA، SRT و SDS مشخص و مورد معاینه قرار گرفتند. آستانه انتقال استخوانی بالای 15db به عنوان معیار کاهش شنوایی تلقی شد. بعد از تکمیل پرسشنامه‌ها، اطلاعات وارد رایانه شد و با نرم افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

نتایج

شیوع مشکل گوش در جانبازان مورد مطالعه ۲۷,۲٪ بود. نتایج نشان داد ۳ نفر (۶,۶٪) کاهش شنوایی گوش راست، ۹ نفر (۲۰٪) کاهش شنوایی گوش چپ و ۱۴ نفر (۳۱٪) کاهش شنوایی بدون ذکر گوش خاص یا هر دو گوش و ۴ نفر (۸,۸٪) کاهش شنوایی mixed داشتند. یافته ها نشان داد ۳۵ نفر (۷۷,۷٪) از بیماران دارای کاهش شنوایی حسی-عصبی در فرکانس بالا بودند. ارتباط معنی داری بین علت مجروحیت و آسیب دیدگی گوش مشاهده نگردید ($P < 0.05$).

نتیجه گیری

افت شنوایی در جانبازان نسبت به افراد سالم دیده می شود، اما علت های مختلف جانبازی نقشی در افت شنوایی نداشت.

کلمات کلیدی: کم شنوایی، جانبازان، آسایشگاه، آسیب گوش

^۱ سیدامیرحسین قاضی زاده هاشمی

^۲ محمدعلی کیانی

^۳ معصومه سعیدی

^۴ عباس بحرینی*

۱- دپارتمان گوش و حلق و بینی، دانشگاه علوم

پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران

۲- دپارتمان اطفال، دانشگاه علوم پزشکی مشهد،

مشهد، ایران

۳- کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم

پزشکی مشهد، مشهد، ایران

۴- کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم

پزشکی شیراز، شیراز، ایران

* شیراز- دانشگاه علوم پزشکی شیراز، کمیته

تحقیقات دانشجویی

Email: ma.saeidi@yahoo.com

تجربه متخصصین زنان و زایمان از مشاوره تلفنی با رزیدنتها: یک مطالعه کیفی

خلاصه

مقدمه

ارتباطات تلفنی، یکی از رایج ترین ابزارهای مورد استفاده در مشاوره های پزشکی می باشند. با توجه به گستردگی استفاده از این نوع مشاوره ها، اجرای پژوهشی در جهت گسترش دانش این فرایند ضروری به نظر می رسد. بنابراین بر آن شدیم تا با بکارگیری روش های کیفی، تجربیات افراد درگیر در امر مشاوره های تلفنی را به صورت عمیق بررسی کنیم.

روش کار

این پژوهش یک تحقیق کیفی و از نوع تحلیل محتوایی استقرایی است که در دپارتمانهای زنان بیمارستانهای دانشگاه علوم پزشکی مشهد انجام شده است. برای انتخاب شرکت کنندگان از روش مبتنی بر هدف تا زمان اشباع داده ها استفاده شد. از مصاحبه باز نیمه ساختار یافته، چک لیست، ثبت مشاهدات و یادداشت های در عرصه جهت جمع آوری داده استفاده گردید.

نتایج

داده های این مطالعه از طریق مصاحبه با ۱۶ نفر از اساتید، رزیدنتها و پرسنل باتجربه اورژانس و زایشگاه جمع آوری شدند. پس از تحلیل مصاحبه ها، ۶ طبقه اصلی «تلاش برای هدایت مشاوره»، «چالش های تصمیم گیری در رابطه با پلن تشخیصی - درمانی بیمار»، «تلاش در جهت تایید یافته های کسب شده»، «ناکارآمدی در مواجهه با شرایط تهدیدکننده حیات»، «تفاوت در اجرای قانون در مواجهه با لغزش ها» و «تاثیر بر احساسات و زندگی شخصی» استخراج شد.

نتیجه گیری

خلاءهای مهمی در مشاوره های تلفنی بین رزیدنتها و متخصصین وجود دارد. بنابراین علاوه بر برنامه های آموزشی، باید اقدامات عملی در راستای بهبود کیفیت مشاوره ها از جمله بکارگیری روشهای مبتنی بر تله-مدیسین صورت گیرد.

کلمات کلیدی: مشاوره تلفنی، رزیدنت، مطالعه کیفی

^۱ کلثوم دلداری*

^۲ سید محمود تارا

^۳ فاطمه تارا

۱- دانشجوی دکترای تخصصی انفورماتیک

پزشکی، کمیته تحقیقات دانشجویی، گروه

انفورماتیک پزشکی، دانشکده پزشکی، دانشگاه

علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

۲- دانشیار گروه زنان، فلوشیپ پریناتولوژی، مرکز

تحقیقات ایمنی بیمار، دانشگاه علوم پزشکی مشهد،

مشهد، ایران

۳- استادیار، گروه انفورماتیک پزشکی، دانشکده

پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

* مشهد- دانشگاه علوم پزشکی مشهد، دانشکده

پزشکی، گروه انفورماتیک پزشکی، کمیته تحقیقات

دانشجویی

Email: deldark901@mums.ac.ir

مروری بر درمان های موضعی جهت کاهش درد پس از هموروئید کتومی

خلاصه

مقدمه

بیماری هموروئید بزرگ شدن و جابجایی علامتدار قسمت انتهایی مقعد می باشد که با تغییرات از جمله اتساع وریدها، ایجاد لخته در عروق، تخریب فیبرهای کلاژن و بافت های فیبروالاستیک، پارگی ماهیچه ساب اپیتلیال مقعدی و واکنش التهابی شدید همراه می باشد. این بیماری مشکلات زیادی از جمله خونریزی در مدفوع و درد را برای بیمار ایجاد می کند و درمان آن بسته به درجه بیماری و شدت علائم از اصلاح رژیم غذایی و سبک زندگی تا جراحی متغیر می باشد. هموروئید کتومی مؤثرترین درمان هموروئید است که در مقایسه با سایر درمان ها کمترین میزان عود را دارد و عمده ترین عارضه آن درد پس از جراحی می باشد. این مطالعه به روش مرور نظام مند با هدف تعیین درمان های موضعی جهت کاهش درد پس از هموروئید کتومی صورت گرفت.

روش کار

مطالعه حاضر به روش مرور سیستماتیک در سال ۹۴ انجام شد. تمامی مقالات مربوط به سال های ۲۰۱۴ تا science و Embase، ISI Web of knowledge، Scopus، PubMed و direct استخراج شده و طبق معیارهای ورود نظیر محدودیت سال مطالعه و هماهنگی مفاهیم و روش جراحی میلیگان_ مورگان از تعداد کل ۳۵ مقاله، ۱۹ مقاله جهت بررسی گزینش شد.

نتایج

روش های متفاوتی در درمان و کنترل درد متوسط تا شدید پس از جراحی، در این بیماران، مطالعه و بررسی شده است. استفاده از اپیوئیدها، داروهای ضد التهاب غیر استروئیدی و مهارکننده های اختصاصی سیکلواکسیژناز ۲ به علت عوارض جانبی که در پی دارند، محدود می شود. به دلیل عوارض ذکر شده مطالعات جدید اثرات بهبودی داروهای موضعی، از دسته های دارویی مختلف از جمله دپلنیتازم موضعی، پماد کلستیرامین، پماد سوکرافیت ۱۰٪، پماد گلیسرین تری نیترا ۲٪ و مترونیدازول موضعی ۱۰٪ را در کاهش درد پس از جراحی هموروئید بررسی کرده اند.

نتیجه گیری

طبق یافته های مطالعه، روش های موثری در راستای بهبود درد بیماران پس از عمل جراحی وجود دارد. پیشنهاد می شود به علت اهمیت موضوع و کمبود این دسته از مطالعات، پژوهش های بیشتری در همین راستا صورت گیرد.

کلمات کلیدی: هموروئید کتومی، کاهش درد، درمان موضعی

^۱ ملیحه حمیدیان*

^۲ نرگس خوش سیرت

^۳ شهرام علا

^{۱،۲} - دانشجوی داروسازی دانشگاه علوم پزشکی

مازندران

^۳ - دانشیار داروسازی بالینی دانشگاه علوم پزشکی

مازندران

*ساری- دانشگاه علوم پزشکی مازندران،

Email: Malihehhamidian1991@gmail.com

بررسی اثر محافظتی پروپوفل بر آسیب اکسیداتیو در بافت ریهی موش صحرایی نر

خلاصه

مقدمه

پروپوفل (۲ و ۶ دی ایزوپروپیل فیل) یک عامل آرام بخش-خواب آور است که به طور تزریقی برای القاء و نگهداری بیهوشی در بیماران استفاده می شود. مطالعات نشان می دهد که پروپوفل اثرات آنتی اکسیدانی دارد. آنها موادی هستند که آسیب ناشی از رادیکالهای آزاد را در بدن کاهش داده و یا از بین می برند. رادیکالهای آزاد به علت الکترون جفت نشده ای که دارند دائما در بدن موجودات زنده در حال گردش اند و آسیب های جبران ناپذیری را به ماکرو مولکولهای بدن جانداران مثل وارد می کنند و باعث آسیب بافتی از جمله بافت ریه می گردد. بنابراین هدف از این مطالعه بررسی اثر پروپوفل بر میزان (LPO، CAT، FRAP) بود.

روش کار

در این مطالعه از ۱۰ موش صحرایی نر نژاد ویستار با محدوده ی وزنی ۱۸۰-۲۵۰ گرم، استفاده شد. ابتدا حیوانات بطور تصادفی به دو گروه (هر گروه ۵ عدد) تقسیم شدند. یک گروه سالم دریافت نرمال سالین و یک گروه که پروپوفل به میزان 10 mg/kg به صورت IP به مدت ۷ روز دریافت نمودند. سپس در نمونه هموژن بافت ریه آنها قدرت آنتی اکسیدانی با روش FRAP، CAT (آنزیم کاتالاز) و LPO (بیومارکر پراکسیداسیون لیپیدی) با دستگاه اسپکتروفوتومتر اندازه گیری شد. سپس داده ها توسط نرم افزار Spss و با آزمون آماری student test مورد تجزیه تحلیل قرار گرفت. سطح معنی داری $p < 0.05$ در نظر گرفته شد.

نتایج

نتایج تست های آماری فوق نشان داد که میانگین FRAP در گروه دریافت کننده پروپوفل به مقدار 6.6 ± 0.5 nmol/mg در مقایسه با گروه کنترل (نرمال سالین) به مقدار 4.5 ± 0.26 nmol/mg کاهش معنی داری داشته است. همچنین میانگین آنزیم کاتالاز (CAT) در گروه دریافت کننده پروپوفل به مقدار 0.86 ± 0.02 nmol/mg در مقایسه با گروه کنترل (نرمال سالین) به مقدار 0.53 ± 0.18 nmol/mg کاهش معنی داری 0.037 را نشان داد. از طرفی میانگین پراکسیداسیون لیپیدی (LPO) در گروه دریافت کننده پروپوفل به مقدار 0.25 ± 0.041 nmol/mg در مقایسه با گروه کنترل (نرمال سالین) به مقدار 0.14 ± 0.05 nmol/mg نتایجی با سطح معنی داری مناسب نداشت.

نتیجه گیری

با توجه به نتایج فوق به نظر می رسد که پروپوفل اثرات آنتی اکسیدانی در بافت ریه داشته است و از این مسیر آسیب بافتی ناشی از رادیکال های آزاد را کاهش می دهد.

کلمات کلیدی: پروپوفل، ریه، رت، رادیکال آزاد، آسیب اکسیداتیو، اثر آنتی اکسیدانی

اکرم رنجبر

نرگس دهخدایی*

فرزانه کاظمی

دانشجوی داروسازی، کمیته تحقیقات دانشجویی
دانشگاه علوم پزشکی همدان، همدان، ایران

* همدان- دانشگاه علوم پزشکی همدان، دانشکده
داروسازی، کمیته تحقیقات دانشجویی

Email: dekhodaei.pharma@yahoo.com

نان و نقش آن در سلامت و پیشگیری از بیماریها از منظر طب ایرانی و منابع نوین

خلاصه

مقدمه

نان از دیرباز تا کنون به عنوان یکی از منابع اصلی تامین انرژی انسانها محسوب و نقش مهمی در سلامت انسان داشته است. در طب ایرانی به عنوان غذای مطلق از آن یاد می شود. در این مقاله ضمن بررسی انواع و خواص نانها از منظر طب ایرانی و طب نوین، تاثیر آن بر سلامتی و بروز بیماریها مورد بحث قرار می گیرد.

روش کار

این مطالعه نوعی مطالعه مروری است که با مراجعه به منابع طب ایرانی انواع و خواص نانها استخراج و سپس با جستجو در منابع نوین کاربرد های آن و بایدها و نبایدهای مصرف آن بدست آمد و نتایج در دو گروه با یکدیگر مقایسه گردید.

نتایج

در منابع طب ایرانی، انواع نان و خواص آن بر اساس شاخصهایی نظیر نوع حبوب، میزان سبوس، کیفیت پخت، میزان تخمیر، مصلحات و توایل تعریف و فواید و مضراتی برای آن برشمرده اند در منابع جدید نیز بر اساس نوع آرد، مکانیسم تخمیر، نوع و تکنولوژی پخت و ریز مغذی های اضافه شده نانها تقسیم بندی و خواص ویژه ای برای آنها بیان شده است.

نتیجه گیری

دیدگاه کل نگر طب ایرانی به منظور حفظ سلامت و پیشگیری از بروز بیماریهای خاص، در تجویز نوع نان مصرفی، شرایط مزاجی، صحت و مرض، سن و غیره را مد نظر داشته است در منابع جدید نیز هر چند برای بیماریهای خاص نان های ویژه ای توصیه میشود لیکن در شرایط صحت، کمتر به مشخصات فردی و فیزیولوژیک در تجویز نوع نان مصرفی توجه میگردد.

کلمات کلیدی: نان، طب ایرانی، طب سنتی، انواع، خواص

۱ مسعود مختاری*

۲ حمیده وحید

۳ زهره فیض آبادی

۱- دانشجوی دکترای تخصصی طب سنتی ایرانی، دانشکده طب سنتی و مکمل، دانشگاه علوم پزشکی مشهد

۲- دانشجوی دکترای تخصصی طب سنتی ایرانی، دانشکده طب سنتی و مکمل، دانشگاه علوم پزشکی مشهد

۳- دکترای تخصصی طب سنتی ایرانی، استادیار دانشکده طب سنتی و مکمل، دانشگاه علوم پزشکی مشهد

*مشهد- دانشگاه علوم پزشکی مشهد، دانشکده طب سنتی و مکمل

Email: mokhtarimasud@gmail.com

جایگاه طب سنتی در فرهنگ ایران

خلاصه

مقدمه

ایران منبع سرشاری از گونه های مختلف گیاهان دارویی است که در نقاط مختلف به صورت خودرو رشد می کنند. از بین حدود سه هزار گونه گیاه دارویی که در دنیا شناخته شده حدود صد و چهل گونه خاص ایران می باشد. در حال حاضر طب گیاهی و سنتی در غرب طرفداران بیشتری دارد. طب سنتی ایران، یکی از افتخارات ملی این مرز و بوم بشمار می آید. امروزه از این شیوه در کنار طب رایج برای درمان و بازگرداندن سلامتی به افراد بیمار و پیشگیری از ایجاد بیماری در افراد سالم به طور گسترده ای استفاده میشود. هدف از این مطالعه بررسی طب سنتی در فرهنگ ایران می باشد.

روش کار

مقاله حاضر از نوع مروری است که مطالب آن با استفاده از منابع کتابخانه ای، اینترنتی و مقالات مرتبط جمع آوری گردیده است.

نتایج

طب سنتی مزایای خاصی نسبت به تمامی سیستم های طبی دارد: چرا که جزئی از فرهنگ مردم محسوب می شود و در حل برخی از مسائل فرهنگی سلامت نقش قابل توجهی ایفا می کند. طب سنتی به راحتی می تواند به کمک پزشکی علمی و جهانی برود. بررسی ها نشان داده که عدم دسترسی تعداد زیادی از افراد به خدمات اولیه بهداشتی درمانی که در برخی از کشورها تا ۸۰ درصد جمعیت را شامل می شود و عدم رضایت از درمان های طب جدید بخصوص در باب بیماری های مزمن و عوارض جانبی داروهای شیمیایی، گرایش به سمت طب سنتی در جامعه را افزایش داده است.

نتیجه گیری

بنابر موارد ذکر شده معرفی، توسعه و ترویج طب سنتی احترام به فرهنگ و میراث مردم در سراسر جهان می باشد. امیدواریم این فرهنگ گمشده هر چه زودتر جای از دست رفته خود را بین مردم ما پیدا کند و شاهد باشیم که روز به روز مردم به طب سنتی و داروهای گیاهی اقبال بیشتری نشان دهند.

کلمات کلیدی: طب سنتی، فرهنگ، ایران

۱ رؤیا وطن خواه*

۲ محمدرضا قنبرزاده

۳ رضا پروانه

۴ حمیده نقیبی

۱- کارشناس ارشد آموزش پزشکی، کارشناس واحد

برنامه ریزی مرکز مطالعات و توسعه، دانشگاه علوم

پزشکی مشهد، مشهد، ایران

۲- دانشجوی کارشناسی ارشد آموزش پزشکی،

پزشک عمومی، مدیر مرکز مهارت های بالینی مرکز

مطالعات و توسعه، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد،

ایران

۳- دانشجوی کارشناسی ارشد آموزش پزشکی،

پزشک عمومی، معاون اجرایی مرکز مطالعات و

توسعه، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

۴- پزشک عمومی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد،

مشهد، ایران

* مشهد- دانشگاه علوم پزشکی مشهد، کارشناس

واحد برنامه ریزی مرکز مطالعات و توسعه

Email: VatankhahR1@mums.ac.ir